



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

انقلاب اسلامی

زمینه‌ها و فرایندها شکل‌گیری

محمد مهدی باهنر و سمن الهسانی

ویراست جدید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انقلاب اسلامی ایران (زمینه ها و فرایند شکل گیری)

نویسنده:

محمد مهدی باباپور

ناشر چاپی:

جامعه المصطفی (صلی الله علیه وآله) العالمیه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	انقلاب اسلامی ایران: زمینه ها و فرایند شکل گیری
۱۳	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۸	سخن ناشر
۲۰	فهرست
۳۱	مقدمه مؤلف
۳۵	۱- مفهوم و تئوری های انقلاب
۳۵	۱- تعریف انقلاب و واژه های مرتبط با آن
۳۵	اشاره
۳۶	الف) معنای لغوی انقلاب
۳۶	ب) معنای اصطلاحی انقلاب
۳۸	ج) ویژگی های انقلاب
۴۰	د) تفاوت انقلاب با سایر تحولات سیاسی - اجتماعی
۴۰	یکم: انقلاب و کودتا
۴۱	دوم: انقلاب و رفرم (اصلاح)
۴۱	سوم: انقلاب و شورش
۴۲	۲- تئوری های انقلاب و تطبیق آنها با انقلاب اسلامی
۴۲	اشاره
۴۳	۱- تئوری متفکران غیر اسلامی
۴۳	الف) تئوری مبارزات طبقاتی مارکس
۴۵	ب) تئوری توسعه نامتوازن هانتینگتون
۴۸	ج) تئوری تدا اسکاچپول
۵۰	د) تئوری میشل فوکو

۵۲	۲- تئوری متفکران اسلامی
۵۲	اشاره
۵۲	الف) فارابی و مدینه فاضله
۵۳	ب) ابن خلدون و ظهور و سقوط حکومت ها
۵۶	ج) تئوری آیت الله سیدمحمدباقر صدر
۵۸	د) تئوری شهید مطهری(ره)
۶۱	نتیجه گیری
۶۳	پرسش ها
۶۶	جهت مطالعه
۶۶	دیدگاه مارکس و مراحل تاریخ
۶۷	هانتینگتون و الگوی غربی و شرقی
۶۸	آرای اسکاچپول در مورد انقلاب ایران
۷۰	۲- زمینه های فکری و عقیدتی انقلاب اسلامی
۷۰	اشاره
۷۱	۱- ریشه های عقیدتی انقلاب اسلامی در قرآن
۷۱	اشاره
۷۲	الف) اصل ظلم زدایی (نفی ظلم و ستم)
۷۳	ب) اصل خلافت الّهی
۷۴	ج) اصل نفی سبیل
۷۵	د) اقامه و توسعه عدل و قسط
۷۶	ه) تشکیل امت واحده و حکومت واحد جهانی
۷۷	و) مبارزه مداوم بین حق و باطل
۷۸	ز) اصل حاکمیت الّهی
۷۸	ح) اصل جهاد و مبارزه در راه خدا
۷۹	ط) حمایت از مستضعفان و مبارزه با مستکبران
۸۰	ی) اصل نظارت همگانی

نتیجه گیری	۸۱
۲- ریشه های عقیدتی انقلاب اسلامی در مکتب تشیع	۸۲
اشاره	۸۲
الف) نیاز مستمر بشر به هدایت الهی	۸۲
ب) تعیین و نصب امام، عهد دائمی خداوند	۸۳
ج) مبهم رها نکردن سرنوشت امت از سوی پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله)	۸۳
۳- تشیع و انقلاب	۸۴
اشاره	۸۴
مهم ترین خصوصیات و ویژگی های تشیع	۸۶
اشاره	۸۶
الف) اصل امامت	۸۶
ب) اصل تقیه و رازداری	۸۷
ج) انتظار فرج	۸۹
اشاره	۸۹
نقش انتظار	۸۹
د) قیام امام حسین(علیه السلام) و مکتب عاشورا	۹۱
ه) اصل ولایت فقیه و مرجعیت	۹۳
نتیجه گیری	۹۴
پرسش ها	۹۶
۳- زمینه های تاریخی انقلاب اسلامی	۹۹
اشاره	۹۹
۱- اندیشه های سیاسی و اصلاحی سید جمال الدین اسد آبادی	۱۰۰
۲- جنبش تنباکو	۱۰۳
اشاره	۱۰۳
الف) زمینه های واگذاری امتیاز تنباکو و متن فرمان اعطای امتیاز آن	۱۰۴
ب) علل قیام و مقاومت مردم	۱۰۵

- ۱۰۵ اشاره
- ۱۰۵ تنافی امتیاز تنباکو با حکم صریح قرآن و احکام اسلام
- ۱۰۶ (ج) مقاومت مردم در شهرها و اندیشه تحریم
- ۱۰۸ (د) صدور حکم تحریم و پیروزی نهضت
- ۱۰۹ (ه) پیامدها و آثار مثبت جنبش تنباکو
- ۱۰۹ اشاره
- ۱۰۹ یکم: افزایش قدرت سیاسی علما
- ۱۱۱ دوم: حضور سیاسی مردم
- ۱۱۱ سوم: امتزاج دین و سیاست
- ۱۱۲ چهارم: شکست استعمار
- ۱۱۲ پنجم: شکست استبداد و نفی مشروعیت سلطنت
- ۱۱۳ ۳- جنبش مشروطیت
- ۱۱۳ اشاره
- ۱۱۳ الف) زمینه ها و علل آغاز نهضت
- ۱۱۳ اشاره
- ۱۱۳ یکم: زمینه ها و علل فکری - فرهنگی
- ۱۱۴ دوم: زمینه ها و علل سیاسی
- ۱۱۴ سوم: زمینه ها و علل اقتصادی
- ۱۱۵ (ب) عوامل شتابزا یا جرقه های نهضت
- ۱۱۵ اشاره
- ۱۱۵ یکم: ماجرای مسیونوز بلژیکی
- ۱۱۶ دوم: حادثه کرمان
- ۱۱۶ سوم: حادثه بانک استقراضی
- ۱۱۶ چهارم: حادثه بازار
- ۱۱۷ (ج) روند حوادث
- ۱۱۹ (د) نیروهای درگیر در انقلاب مشروطه

- ۱۱۹ اشاره
- ۱۱۹ یکم: روحانیت
- ۱۲۲ دوم: روشن فکران
- ۱۲۳ (ه) علل شکست مشروطه
- ۱۲۴ (و) پیامدهای مشروطه
- ۱۲۴ اشاره
- ۱۲۶ ماهیت حکومت رضاخان و مبارزات شهید مدرس
- ۱۳۰ ۴- نهضت ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد
- ۱۳۰ الف) زمینه ها و علل آغاز نهضت
- ۱۳۲ ب) گام دوم نهضت ملی
- ۱۳۵ ج) سرانجام نهضت ملی
- ۱۳۶ د) علل شکست نهضت
- ۱۳۷ (ه) پیامدهای نهضت
- ۱۳۹ پرسش ها
- ۱۴۴ جهت مطالعه
- ۱۴۴ جریان به حکومت رسیدن رضاخان
- ۱۴۶ ۴- نهضت امام خمینی (قدس سره)
- ۱۴۶ اشاره
- ۱۴۶ ۱- زندگی نامه سیاسی، خصوصیات و شیوه های مبارزاتی امام خمینی (قدس سره)
- ۱۴۶ الف) زندگی نامه سیاسی
- ۱۴۶ اشاره
- ۱۵۰ یکم: اعتقاد به حرکت از طریق مرجعیت عامه
- ۱۵۰ دوم: بیگانگی حوزه های علمیه با سیاست
- ۱۵۱ سوم: ضرورت تربیت نیروهای متفکر و انقلابی
- ۱۵۱ ب) خصوصیات و شیوه های مبارزاتی امام خمینی (قدس سره)
- ۱۵۹ ۲- اندیشه امام در کتاب حکومت اسلامی یا ولایت فقیه

- ۱۵۹ اشاره
- ۱۶۰ الف) دلایل لزوم تشکیل حکومت
- ۱۶۰ یکم: لزوم مؤسّسات اجرایی
- ۱۶۱ دوم: سنت و رویه رسول اکرم(صلی الله علیه و آله)
- ۱۶۱ سوم: ضرورت استمرار اجرای احکام
- ۱۶۲ چهارم: رویه امیرمؤمنان علی ابن ابیطالب(علیه السلام)
- ۱۶۲ پنجم: ماهیت و کیفیت قوانین اسلام
- ۱۶۲ ب) شرایط زمامدار
- ۱۶۳ ج) ولایت فقیه به استناد اخبار
- ۱۶۵ د) مبارزه برای تشکیل حکومت اسلامی
- ۱۶۵ اشاره
- ۱۶۵ یکم: تبلیغات
- ۱۶۶ دوم: عاشورا
- ۱۶۶ سوم: مقاومت در مبارزه
- ۱۶۶ چهارم: اصلاح حوزه های روحانیت
- ۱۶۷ پنجم: از بین بردن آثار استعمار
- ۱۶۷ ششم: براندازی حکومت های جائر
- ۱۶۷ ۳-سیر پیدایش انقلاب اسلامی(از آغاز دهه ۴۰ تا اواخر دهه ۵۰ شمسی)
- ۱۶۷ اشاره
- ۱۶۹ الف) اقدامات شاه و موضع گیری امام
- ۱۶۹ اشاره
- ۱۷۲ یکم: تضعیف روحانیت و تقویت عمال بیگانه
- ۱۷۳ دوم: گسترش بی بندوباری در پوشش اعطای حقّ رأی به زنان
- ۱۷۴ سوم: انقلاب سفید و پیامدهای آن
- ۱۷۸ ب) قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲
- ۱۷۸ اشاره

- یکم: ویژگی های نهضت پانزده خرداد ۱۸۰
- دوم: تأثیرات و نتایج قیام پانزده خرداد ۱۸۱
- ج) لایحه کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی(قدس سزه) ۱۸۳
- د) بررسی تحولات از ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ (از تبعید امام تا پیروزی انقلاب) ۱۸۵
- اشاره ۱۸۵
- یکم: واکنش در مقابل تبعید امام ۱۸۵
- دوم: انتقال امام از ترکیه به عراق و اقدامات امام در این مقطع: ۱۸۶
- ه) عوامل شتاب زای انقلاب اسلامی ۱۸۸
- اشاره ۱۸۸
- یکم: شهادت حاج آقا مصطفی خمینی(قدس سزه) ۱۹۱
- دوم: قیام ۱۹ دی قم ۱۹۱
- سوم: اربعین ها و تداوم نهضت ۱۹۲
- چهارم: فاجعه سینما رکس آبادان ۱۹۳
- پنجم: عید فطر و شتاب انقلاب ۱۹۳
- ششم: حادثه ۱۷ شهریور ۱۹۴
- هفتم: موج اعتصابات و فاجعه مسجد جامع کرمان ۱۹۵
- هشتم: هجرت امام به فرانسه ۱۹۵
- نهم: محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر ۱۹۶
- دهم: ورود امام خمینی(قدس سزه) به ایران و پیروزی انقلاب اسلامی ۱۹۷
- پرسش ها ۱۹۹
- ۵- مهم ترین تحولات بعد از انقلاب اسلامی ۲۰۳
- اشاره ۲۰۳
- ۱- دهه اول انقلاب ۲۰۳
- اشاره ۲۰۳
- الف) مرحله اول: حاکمیت نیروهای لیبرال (دولت موقت) ۲۰۴
- ب) مرحله دوم: حاکمیت مشترک ۲۱۰

- ۲۱۵ ----- (ج) مرحله سوم: حاکمیت نیروهای خط امام
- ۲۱۸ ----- (د) مرحله چهارم: انقلاب سوم و حاکمیت کامل نیروهای خط امام
- ۲۲۰ ----- ۲- دهه دوم انقلاب
- ۲۲۰ ----- اشاره
- ۲۲۰ ----- الف) عزل آیت الله منتظری
- ۲۲۲ ----- ب) بازنگری قانون اساسی
- ۲۲۴ ----- ج) رحلت حضرت امام و انتخاب آیت الله خامنه ای به عنوان رهبر
- ۲۲۵ ----- (د) دوره سازندگی
- ۲۲۵ ----- (ه) انتخابات دوم خرداد
- ۲۲۶ ----- نتیجه گیری
- ۲۲۷ ----- پرسش ها
- ۲۳۰ ----- کتابنامه
- ۲۳۶ ----- درباره مرکز

انقلاب اسلامی ایران: زمینه ها و فرایند شکل گیری

مشخصات کتاب

سرشناسه: باباپور، محمدمهدی، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور: انقلاب اسلامی ایران: زمینه ها و فرایند شکل گیری / محمدمهدی باباپور گل افشانی.

وضعیت ویراست: ویراست؟

مشخصات نشر: قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۲۰۸ص.

فروست: پژوهشگاه بین المللی المصطفی (ص)؛ ۳۷.

شابک: ۳۱۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۴۱-۰-۶

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۰۵]-۲۰۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ -- نقد و تفسیر

شناسه افزوده: جامعه المصطفی (ص) العالمیه. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)

رده بندی کنگره: DSR۱۵۵۳/ب۱۶الف ۸ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۷۰۵۲۶

مراکز فروش:

قم، میدان شهدا، خیابان حجتیه، فروشگاه مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله).

تلفکس: ۰۲۵۱۷۷۳۰۵۱۷

قم، بلوار محمد امین، سه راه سالاریه، فروشگاه مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله).

تلفن: ۰۲۵۱۲۱۳۳۱۰۶... فکس: ۰۲۵۱۲۱۳۳۱۴۶

www.eshop.miup.ir...www.miup.ir

root@miup.ir...E-mail: Admin@miup.ir

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

انقلاب اسلامی ایران (زمینه ها و فرایند شکل گیری)

محمد مهدی باباپور گل افشانی

ص: ۳

تحولات اجتماعی و مقتضیات نوپدید دانش‌ها و پدید آمدن دانش‌های نوین، نیازهایی را به وجود آورده که پاسخ‌گویی به آنها، ایجاد رشته‌های تحصیلی جدید و تربیت نیروهای متخصص را ضروری می‌نماید. از این رو کتاب‌های آموزشی نیز باید با توجه به این دگرگونی‌ها تألیف شود.

جهانی شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی، اقتضا دارد که تمام دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث، با اندیشه‌های بلند و ارزش‌های متعالی آشنا شوند، و این مهم با ایجاد رشته‌های تخصصی و تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان‌یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید.

بالندگی مراکز آموزشی، در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. هم‌چنین بازنگری متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و به روز کردن آنها موجب حفظ نشاط علمی مراکز آموزشی است.

حوزه‌های علوم دینی به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی اند. «جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله)

العالمیه» به عنوان بخشی از این مجموعه که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب آموزشی را سرلوحه تلاش های خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این تلاش است.

«مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله)» ضمن تقدیر و تشکر از فرزانه گانی که در تولید این اثر، همکاری و همفکری کرده اند، آن را به عموم اهل فرهنگ و اندیشه تقدیم می کند.

...مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله)

مقدمه مؤلف... ۱۳

۱. مفهوم و تئوری های انقلاب... ۱۷

۱. تعریف انقلاب و واژه های مرتبط با آن... ۱۷

الف) معنای لغوی انقلاب... ۱۸

ب) معنای اصطلاحی انقلاب... ۱۸

ج) ویژگی های انقلاب... ۲۰

د) تفاوت انقلاب با سایر تحولات سیاسی - اجتماعی... ۲۲

یکم: انقلاب و کودتا... ۲۲

دوم: انقلاب و رفرم (اصلاح)... ۲۳

سوم: انقلاب و شورش... ۲۳

۲. تئوری های انقلاب و تطبیق آنها با انقلاب اسلامی... ۲۴

۱. تئوری متفکران غیر اسلامی... ۲۵

الف) تئوری مبارزات طبقاتی مارکس... ۲۵

ب) تئوری توسعه نامتوازن هانتینگتون... ۲۷

ج) تئوری تدا اسکاچپول... ۳۰

د) تئوری میشل فوکو... ۳۲

۲. تئوری متفکران اسلامی... ۳۴

الف) فارابی و مدینه فاضله... ۳۴

ب) ابن خلدون و ظهور و سقوط حکومت ها... ۳۵

ج) تئوری آیت الله سید محمد باقر صدر... ۳۸

د) تئوری شهید مطهری (ره)... ۴۰

ص: ۷

نتیجه گیری...۴۳

پرسش ها...۴۵

جهت مطالعه...۴۷

دیدگاه مارکس و مراحل تاریخ...۴۷

هانتینگتون و الگوی غربی و شرقی...۴۸

آرای اسکاچپول در مورد انقلاب ایران...۴۹

۲. زمینه های فکری و عقیدتی انقلاب اسلامی...۵۲

۱. ریشه های عقیدتی انقلاب اسلامی در قرآن...۲۵

الف) اصل ظلم زدایی (نفی ظلم و ستم)...۳۵

ب) اصل خلافت اللّهی...۴۵

ج) اصل نفی سیل...۵۵

د) اقامه و توسعه عدل و قسط...۶۵

ه) تشکیل امت واحده و حکومت واحد جهانی...۷۵

و) مبارزه مداوم بین حق و باطل...۸۵

ز) اصل حاکمیت الهی...۹۵

ح) اصل جهاد و مبارزه در راه خدا...۹۵

ط) حمایت از مستضعفان و مبارزه با مستکبران...۶۰

ی) اصل نظارت همگانی...۶۱

نتیجه گیری...۶۲

۲. ریشه های عقیدتی انقلاب اسلامی در مکتب تشیع...۶۳

الف) نیاز مستمر بشر به هدایت الهی... ۶۳

ب) تعیین و نصب امام، عهد دائمی خداوند... ۶۴

ج) مبهم رها نکردن سرنوشت امت از سوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)... ۶۴

۳. تشیع و انقلاب... ۶۵

مهم ترین خصوصیات و ویژگی های تشیع... ۶۷

الف) اصل امامت... ۶۷

ب) اصل تقیه و رازداری... ۶۸

ج) انتظار فرج... ۷۰

نقش انتظار... ۷۰

د) قیام امام حسین (علیه السلام) و مکتب عاشورا... ۷۲

ه) اصل ولایت فقیه و مرجعیت... ۷۴

نتیجه گیری... ۷۵

پرسش ها... ۷۷

ص: ۸

۳. زمینه های تاریخی انقلاب اسلامی...۷۹

۱. اندیشه های سیاسی و اصلاحی سید جمال الدین اسد آبادی...۸۰

۲. جنبش تنباکو...۸۳

الف) زمینه های واگذاری امتیاز تنباکو و متن فرمان اعطای امتیاز آن...۸۴

ب) علل قیام و مقاومت مردم...۸۵

تنافی امتیاز تنباکو با حکم صریح قرآن و احکام اسلام...۸۵

ج) مقاومت مردم در شهرها و اندیشه تحریم...۸۶

د) صدور حکم تحریم و پیروزی نهضت...۸۸

ه) پیامدها و آثار مثبت جنبش تنباکو...۸۹

یکم: افزایش قدرت سیاسی علما...۸۹

دوم: حضور سیاسی مردم...۹۰

سوم: امتزاج دین و سیاست...۹۰

چهارم: شکست استعمار...۹۱

پنجم: شکست استبداد و نفی مشروعیت سلطنت...۹۱

۳. جنبش مشروطیت...۹۲

الف) زمینه ها و علل آغاز نهضت...۹۲

یکم: زمینه ها و علل فکری - فرهنگی...۹۲

دوم: زمینه ها و علل سیاسی...۹۳

سوم: زمینه ها و علل اقتصادی...۹۳

ب) عوامل شتابزا یا جرقه های نهضت...۹۴

یکم: ماجرای مسیونوز بلژیکی... ۹۴

دوم: حادثه کرمان... ۹۵

سوم: حادثه بانک استقراضی... ۹۵

چهارم: حادثه بازار... ۹۵

ج) روند حوادث... ۹۶

د) نیروهای درگیر در انقلاب مشروطه... ۹۸

یکم: روحانیت... ۹۸

دوم: روشن فکران... ۱۰۱

ه) علل شکست مشروطه... ۱۰۲

و) پیامدهای مشروطه... ۱۰۳

ماهیت حکومت رضاخان و مبارزات شهید مدرس... ۱۰۵

۴. نهضت ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد... ۱۰۹

الف) زمینه ها و علل آغاز نهضت... ۱۰۹

ص: ۹

ب) گام دوم نهضت ملی... ۱۱۱

ج) سرانجام نهضت ملی... ۱۱۴

د) علل شکست نهضت... ۱۱۵

ه) پیامدهای نهضت... ۱۱۶

پرسش‌ها... ۱۱۸

جهت مطالعه... ۱۲۱

جریان به حکومت رسیدن رضاخان... ۱۲۱

۴. نهضت امام خمینی (قدس سرّه)... ۱۲۳

۱. زندگی نامه سیاسی، خصوصیات و شیوه های مبارزاتی امام خمینی (قدس سرّه)... ۱۲۳

الف) زندگی نامه سیاسی... ۱۲۳

یکم: اعتقاد به حرکت از طریق مرجعیت عامّه... ۱۲۷

دوم: بیگانگی حوزه های علمیه با سیاست... ۱۲۷

سوم: ضرورت تربیت نیروهای متفکر و انقلابی... ۱۲۸

ب) خصوصیات و شیوه های مبارزاتی امام خمینی (قدس سرّه)... ۱۲۸

۲. اندیشه های فقهی، سیاسی و حکومتی امام خمینی (قدس سرّه)... ۱۳۳

اندیشه امام (قدس سرّه) در کتاب کشف الاسرار... ۱۳۴

اندیشه امام در کتاب حکومت اسلامی یا ولایت فقیه... ۱۳۶

الف) دلایل لزوم تشکیل حکومت... ۱۳۷

یکم: لزوم مؤسسات اجرایی... ۱۳۷

دوم: سنت و رویه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)... ۱۳۸

سوم: ضرورت استمرار اجرای احکام... ۱۳۸

چهارم: رویه امیرمؤمنان علی ابن ابیطالب (علیه السلام)... ۱۳۹

پنجم: ماهیت و کیفیت قوانین اسلام... ۱۳۹

ب) شرایط زمامدار... ۱۳۹

ج) ولایت فقیه به استناد اخبار... ۱۴۰

د) مبارزه برای تشکیل حکومت اسلامی... ۱۴۲

یکم: تبلیغات... ۱۴۲

دوم: عاشورا... ۱۴۳

سوم: مقاومت در مبارزه... ۱۴۳

چهارم: اصلاح حوزه های روحانیت... ۱۴۳

پنجم: از بین بردن آثار استعمار... ۱۴۴

ششم: براندازی حکومت های جائر... ۱۴۴

۳. سیر پیدایش انقلاب اسلامی (از آغاز دهه ۴۰ تا اواخر دهه ۵۰ شمسی)... ۱۴۴

ص: ۱۰

الف) اقدامات شاه و موضع گیری امام...۱۴۶

یکم: تضعیف روحانیت و تقویت عمال بیگانه...۱۴۹

دوم: گسترش بی بندوباری در پوشش اعطای حق رأی به زنان...۱۵۰

سوم: انقلاب سفید و پیامدهای آن...۱۵۱

ب) قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲...۱۵۵

یکم: ویژگی های نهضت پانزده خرداد...۱۵۷

دوم: تأثیرات و نتایج قیام پانزده خرداد...۱۵۸

ج) لایحه کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی (قدس سره)...۱۶۰

د) بررسی تحولات از ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ (از تبعید امام تا پیروزی انقلاب)...۱۶۲

یکم: واکنش در مقابل تبعید امام...۱۶۲

دوم: انتقال امام از ترکیه به عراق و اقدامات امام در این مقطع...۱۶۳

ه) عوامل شتاب زای انقلاب اسلامی...۱۶۵

یکم: شهادت حاج آقا مصطفی خمینی (قدس سره)...۱۶۸

دوم: قیام ۱۹ دی قم...۱۶۸

سوم: اربعین ها و تداوم نهضت...۱۶۹

چهارم: فاجعه سینما رکس آبادان...۱۷۰

پنجم: عید فطر و شتاب انقلاب...۱۷۰

ششم: حادثه ۱۷ شهریور...۱۷۱

هفتم: موج اعتصابات و فاجعه مسجد جامع کرمان...۱۷۲

هشتم: هجرت امام به فرانسه...۱۷۲

نهم: محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر... ۱۷۳

دهم: ورود امام خمینی (قدس سره) به ایران و پیروزی انقلاب اسلامی... ۱۷۴

پرسش ها... ۱۷۶

۵. مهم ترین تحولات بعد از انقلاب اسلامی... ۱۷۹

۱. دهه اول انقلاب... ۱۷۹

الف) مرحله اول... ۱۸۰

حاکمیت نیروهای لیبرال (دولت موقت)... ۱۸۰

ب) مرحله دوم... ۱۸۶

حاکمیت مشترک... ۱۸۶

ج) مرحله سوم... ۱۹۱

حاکمیت نیروهای خط امام... ۱۹۱

د) مرحله چهارم... ۱۹۴

انقلاب سوم و حاکمیت کامل نیروهای خط امام... ۱۹۴

ص: ۱۱

۲. دهه دوم انقلاب...۱۹۶

الف) عزل آیت الله منتظری...۱۹۶

ب) بازنگری قانون اساسی...۱۹۸

ج) رحلت حضرت امام و انتخاب آیت الله خامنه ای به عنوان رهبر...۲۰۰

د) دوره سازندگی...۲۰۱

ه) انتخابات دوم خرداد...۲۰۱

نتیجه گیری...۲۰۲

پرسش ها...۲۰۳

کتابنامه...۲۰۵

ص:۱۲

انقلاب اسلامی ایران یکی از شگفت‌انگیزترین پدیده‌های تاریخ اسلام و ایران است. این پدیده در عصری شکل گرفت که نظام جهانی به دو قطب، یعنی غرب لیبرالیسم و شرق کمونیسم تقسیم شده بود و فضای حاکم بر این دو نظام نیز مملو از شعارها و اندیشه‌های مادی بود. بدین سبب مذهب و معنویت جایگاهی در عرصه سیاسی و اجتماعی این دو قطب نداشت.

شکل‌گیری هر نهضتی خارج از حیطه سیاسی این دو قطب، محکوم به فنا و نابودی بود؛ لذا با توجه به نظام جهانی حاکم بر عصر وقوع انقلاب اسلامی، که شکل‌گیری هر حرکت ضد استبدادی و ضد استعماری، در قالب شرق کمونیسم و هر حرکت سنت‌گریز و نوگرایی، در قالب لیبرالیسم قرار می‌گرفت. انقلاب اسلامی ایران، از ورای همه معادلات جهانی آن روزگار، طلوع کرده و به لطف خداوند متعال و رهبری امام خمینی (ره)، مجاهدت و حمایت همه جانبه مردم متدین ایران از این نهضت، فضا و اندیشه حاکم جهانی را در هم ریخته و نظام مبتنی بر شریعت را در این کشور بر پا نمود.

بنابراین، انقلاب اسلامی یکی از بزرگ‌ترین رخدادهای اجتماعی قرن معاصر

است که در جهانی سراسر تغییر و تحوّل، مرزهای طبیعی جوامع را به غایت در نوردیده و سرنوشت بومی ملت‌ها را به قوت به هم پیوند زده است. پدیده‌ای با این عظمت و پرمایه، نه تنها نهادها و نظام‌های یک قوم را در هم ریخته و سرنوشت تاریخی آنان را در مسیر تغییر بنیادین قرار داده است، بلکه دامنه‌های آن بسی فراتر از یک کشور رفته و ملت‌هایی را در سمت و سوی شکل‌دهی سامان تازه و دنیایی نو به جریان انداخته است.

به بیان دیگر، نه تنها یک ملت و یک تاریخ در معرض دگرگونی قرار گرفته، بلکه بر مبنای پیوندهای فراملی و هویت‌های عقیدتی، ملت‌ها و سرزمین‌هایی، چشم‌انداز تحوّل‌پذیری را در افق خود نظاره نمودند. از این رو نه فقط به عنوان ضرورت ملی، بلکه به مثابه رسالتی فراگیر، شناخت درست این پدیده و درک جامع، باشناسی عمیق زمینه‌ها و اهداف آن هم‌چنان پس از گذشت سال‌ها رخ می‌نمایاند و تشنگان فهم و درک صحیح از مبانی، زمینه‌ها، عوامل تاریخی و نتایج و بازتاب‌های انقلاب، دم به دم منتظر جرعه آبی زلال در این زمینه‌اند.

لذا جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله) العالمیه با توجه به رسالت فراملی و دینی خود بر آن شد تا برای تأمین یکی از مواد آموزشی در جهت شناساندن این معجزه الهی قرن به همه دانش‌پژوهان و طلاب کشورهای مختلف، متنی را مهیا سازد که نوشتار حاضر، برای این هدف فراهم آمد.

این نوشتار مشتمل بر یک مقدمه و هشت فصل می‌باشد.

در فصل اول تعریف انقلاب و واژه‌های مرتبط با آن و هم‌چنین تئوری‌های انقلاب و تطبیق آنها با انقلاب اسلامی مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل دوم زمینه‌های فکری و عقیدتی انقلاب اسلامی در دو بخش «ریشه‌های عقیدتی انقلاب اسلامی در قرآن» و «مکتب تشیع» مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم زمینه های تاریخی انقلاب اسلامی در پنج قسمت بررسی شده است:

۱. اندیشه های سیاسی و اصلاحی سیدجمال الدین اسدآبادی

۲. جنبش تنباکو

۳. جنبش مشروطه

۴. ماهیت حکومت رضاخان و مبارزات شهید مدرس

۵. نهضت ملی شدن صنعت نفت.

در فصل چهارم نهضت امام خمینی (ره) شامل زندگی نامه سیاسی، خصوصیات و شیوه های مبارزاتی امام خمینی (ره) اندیشه های فقهی، سیاسی و حکومتی امام خمینی (ره)، سیر و پیدایش انقلاب اسلامی از آغاز تا پیروزی مورد بحث قرار گرفت.

در فصل پنجم به مهم ترین تحولات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اشاره شده است.

در پایان از همه اساتید و دوستانی که ما را در تدوین این نوشتار راهنمایی نمودند، از برادر عزیز جناب حجه الاسلام والمسلمین آقای علیرضا بی نیاز نماینده جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله) العالمیه در کشور سوریه سپاس گزاری می کنم.

امید است این اثر ناچیز مورد عنایت خداوند متعال و مرضی مؤسس و معمار انقلاب حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه ای و شهدای گرانقدر قرار بگیرد.

از خداوند متعال توفیق همگان را در پاسداری از ارزش های الهی این انقلاب الهی خواستارم.

...محمد مهدی باباپور گل افشانی

۱- مفهوم و تئوری های انقلاب

۱- تعریف انقلاب و واژه های مرتبط با آن

اشاره

بحث از پدیده انقلاب مسلماً بحث تازه ای نیست و دارای قدمتی بسیار طولانی است. افلاطون و به ویژه ارسطو - که بنیان گذار علم سیاست خوانده شده است - موضوع علّیت در انقلاب را بررسی کردند. کتاب پنجم از رساله سیاست ارسطو به بررسی مسئله انقلاب و علل آن اختصاص یافته است. (۱)

یک پژوهش علمی معاصر می گوید: در حدّ فاصل بین ۱۴۶ تا ۶۰۰ میلادی، تعداد ۸۴ انقلاب در تاریخ یونان باستان و در فاصله میان ۴۷۶ تا ۵۰۹ میلادی، تعداد ۱۷۰ انقلاب و اغتشاش عمده ثبت شده در تاریخ رم باستان دیده می شود. (۲)

پیچیدگی پدیده انقلاب موجب گردیده است که درباره معنا و مفهوم انقلاب بین صاحب نظران و نویسندگان اختلاف نظر پدید آید. از طرف دیگر، این مفهوم در رشته های مختلف علوم دارای معنای خاصّی است که عدم تمایز بین این معانی بر پیچیدگی آن افزود.

ص: ۱۷

۱- (۱). ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، ص ۲۰۲ و ۲۵۸.

۲- (۲). Seepititim, Fluctuations of internal disturbances in: Kelly George and Brown . Clifford (eds). Strugles in the state.p.۱۲۸

الف) معنای لغوی انقلاب

انقلاب در زبان انگلیسی و فرانسه معادل واژه revolution و رولوسیون می باشد که از اصطلاحات اخترشناسی بود که بر حرکت دورانی و منظم و قانونمند ستارگان دلالت می کرد و تا قرن هفدهم در همین چارچوب به کار می رفت، ولی امروزه به معنای مطلق تحوّل و دگرگونی به کار می رود و مقصودی را افاده می کند که کاملاً متفاوت از ریشه اخترشناسی آن است.

انقلاب از باب انفعال می باشد که ریشه مجرّد آن «قلب» است.

در زبان فارسی، انقلاب یعنی، حالی به حالی شدن، دگرگون شدن، برگشتن، تغییر و تحوّل و تقلّب و تبدل. (۱)

واژه انقلاب در قرآن نیز بر معنای لغوی آن یعنی، زیر و رو شدن، از حالی به حالی دگرگون شدن و برگشتن آمده است. (۲)

عرب ها برای انقلاب از واژه «ثور» استفاده می کنند.

ب) معنای اصطلاحی انقلاب

الف) مفهوم فقهی: انقلاب در فقه در کنار استحاله به کار می رود و با معنای لغوی آن فرق دارد؛ تغییر ماهوی را استحاله می گویند مانند چوب متنجس که با سوختن خاکستر شده و پاک می شود و یا حیوان نجس که به نمک تبدیل شده و پاک می گردد. تغییر کیفی و دگرگونی در اوصاف هم، انقلاب نامیده

ص: ۱۸

۱- (۱). علی اکبر دهخدا، لغتنامه، شماره حرف «الف» (بخش اول) ج ۱۳، ص ۴۳۰؛ حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۶۷.

۲- (۲). بقره، ۱۴۳؛ آل عمران، ۱۴۴، ۱۴۹ و ۱۷۴؛ مائده، ۲۱؛ انعام، ۱۱۰؛ اعراف، ۱۱۹؛ توبه، ۴۸ و ۹۵؛ یوسف، ۶۲؛ کهف، ۱۸ و ۴۲؛ حج، ۱۱؛ نور، ۳۷ و ۴۴؛ شعراء، ۲۲۷؛ احزاب، ۶۶؛ فتح، ۱۲؛ ملک، ۴؛ انشقاق، ۹.

می شود؛ مانند سرکه ای که با جوشیدن «خمر» می شود در حالی که ماهیتاً همان مایع قبلی است. (۱)

ب) مفهوم فلسفی: در فلسفه، انقلاب را به عوض شدن ذات و ماهیت یک شیء اطلاق می کنند.

در مورد این که آیا انقلاب ماهیت ممکن، است یا نه؟ اصالت ماهیتی ناممکن دانسته، اما اصالت وجودی ها نه تنها ممکن بلکه هر حرکت اشتدادی - یعنی حرکت از نقص به کمال - را انقلاب دانسته اند و اشیا را دائماً در حال شدن و صیوروت می دانند.

ج) مفهوم اخلاقی: انقلاب در علم اخلاق یعنی، یک تغییر و تحوّل درونی. توبه که به معنای بازگشت است یک نوع انقلاب می باشد. شهید مطهری (ره) در این باره می فرماید:

توبه یک نوع انقلاب درونی، نوعی قیام، نوعی انقلاب از ناحیه خود انسان علیه خود انسان... توبه عبارت است از قیام و انقلاب مقدّس قوای فرشته صفت انسان علیه قوای بهیمی صفت و شیطان صفت. (۲)

د) مفهوم سیاسی - اجتماعی: در علم سیاست و جامعه شناسی تعاریف گوناگونی از اصطلاح انقلاب شده است که به چند نمونه آن اشاره می شود.

استاد شهید مرتضی مطهری انقلاب را چنین تعریف نموده است:

انقلاب عبارتست از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین، علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظمی مطلوب. (۳)

«ساموئل ها نینگتون» یکی از نویسندگان معاصر و تئورسین جنگ تمدن ها،

ص: ۱۹

۱- (۱). سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج ۱، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.

۲- (۲). مرتضی مطهری، آزادی معنوی، ص ۴۹ و ۵۰.

۳- (۳). مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۸۲.

انقلاب را عبارت از «تحوّلی سریع، اساسی و خشونت بار در ارزش ها و اسطوره های حاکم جامعه و در نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری و فعالیت و سیاست های حکومتی» (۱) می داند. و آن را از دیگر انواع بی ثباتی سیاسی نظیر کودتا، شورش و جنگ های استقلال، متمایز می سازد.

«تدا اسکاچپول» که از نظریه پردازان جدید و مشهور انقلاب است برای تعریف و تحدید انقلاب، میان انقلاب سیاسی، انقلاب نوسازی و انقلاب های اجتماعی تمایز قایل می شود. به نظر وی در انقلاب های سیاسی حکومت تغییر می کند ولی ساختارهای اجتماعی هم چنان باقی می ماند. در انقلاب نوسازی، عکس این جریان رخ می دهد در حالی که انقلاب های اجتماعی به نظر وی عبارتند از:

تحوّلات سریع و اساسی در حکومت و ساختارهای طبقاتی یک جامعه که همراه با شورش های طبقاتی، از پایین و به وسیله این شورش ها به تحقق می رسند. (۲)

«منوچهر محمّدی» که پیرامون انقلاب و خصوصاً انقلاب اسلامی ایران کتاب های متعدّدی نوشته است، انقلاب را «یک حرکت مردمی در جهت تغییر سریع و بنیادی ارزش ها و باورهای مسلط جامعه، نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش ها و فعالیت های حکومتی یک جامعه توأم با خشونت داخلی» (۳) تعریف می کند.

ج) ویژگی های انقلاب

با توجه به تعاریف فوق، برای انقلاب می توان ویژگی هایی را برشمرد که آن را از سایر تحوّلات سیاسی اجتماعی جدا سازد، آن ویژگی ها عبارتند از:

ص: ۲۰

۱- (۱). ساموئل هانتینگتون، سامان سیاسی در جوامع دستخوش تغییر، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۳۸۵.

۲- (۲). تدا اسکاچپول، دولت ها و انقلاب های اجتماعی، ترجمه سیدمجید رویین تن، ص ۲۱.

۳- (۳). منوچهر محمّدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، امیرکبیر، ص ۳۰.

۱. یکی از مهم ترین ویژگی های انقلاب مردمی بودن آن است. در انقلاب یک بسیج سیاسی و مشارکت توده ای شکل می گیرد که از همه طبقات و اقشار در آن حضور دارند.

۲. انقلاب با خشونت همراه است و این خشونت در انقلاب دو جانبه است؛ به این معنا که در منازعه انقلاب نه حکومت بدون مقاومت تسلیم انقلابیون می شود و نه انقلابیون در صورت لزوم از اعمال خشونت پرهیز می کنند.

۳. وقوع انقلاب سریع و ناگهانی است و روند شکل گیری آن طولانی. از زمان شروع نهضت و تحقق شرایط انقلابی و سرنگونی نظام پیشین و جایگزینی نظام جدید مدّت زیادی طول می کشد.

۴. در انقلاب تغییر و تحوّل همه جانبه و بنیادی است و همه شئون جامعه تحت تأثیر انقلاب قرار می گیرد و ارزش های جدید جایگزین ارزش های پیشین می شوند. به عبارت دیگر، انقلاب، تغییر نظام است، نه تغییر در نظام؛ از این رو همه ارزش های مسلط و ساختار اجتماعی و سیستم سیاسی حاکم را تغییر می دهد.

۵. از آن جایی که انقلاب یک مشارکت توده ای است بنابراین مستلزم نوعی سازمان دهی، رهبری و ایدئولوژی برای بسیج مردم می باشد. ایدئولوژی به منازعه انقلابی جهت و معنا می بخشد و کار اساسی آن در چنین منازعه ای انتقال معنایی مشترک به گروه های مختلف برای بسیج آنها می باشد. ایدئولوژی های انقلابی اصولاً خود را به طور مطلق بر حق می دانند و همین تصوّر به فعّالیت انقلابیون یقین و قطعیت لازم می بخشد. نقش رهبری در انقلاب در زمینه بسیج سیاسی معنا پیدا می کند. در چنین زمینه ای رهبران مسائلی را مورد تأکید قرار می دهند که در میان گروه ها و طبقات گوناگون جامعه مشترک هستند.

اهمیت عامل سازمان، در منازعه انقلابی نیز در زمینه بسیج روشن ترمی گردد که از جمله کار ویژه و اصلی آن، حفظ ارتباط میان رهبران بسیج گر و پیروان است. بر روی هم، رهبری، ایدئولوژی و سازمان عناصر همبسته ای هستند که این هم بستگی به ویژه در درون مفهوم بسیج سیاسی که از ویژگی های اساسی انقلاب است آشکارتر می شود. (۱)

د) تفاوت انقلاب با سایر تحولات سیاسی – اجتماعی

یکم: انقلاب و کودتا

کودتا (copcoupdatat) یک حرکت توطئه آمیز، غیرقانونی و توسط گروه اقلیت و در عین حال صاحب ابزار قدرت مادی علیه نظام حاکم به منظور سرنگونی آن و به دست آوردن قدرت سیاسی می باشد. این گروه اقلیت، معمولاً نظامی هستند. حسین بشیریه می گوید:

کودتا عملی غیرمنتظره، ناگهانی، قاطعانه، بالقوه خشونت آمیز و غیر قانونی است که برای توطئه گر و برای قربانی آن خطرناک است. (۲)

بنابراین در فرق انقلاب با کودتا می توان چنین گفت:

- در انقلاب خشونت بالفعل وجود دارد و در کودتا بالقوه؛

- در انقلاب مردم نقش اساسی دارند و در کودتا یک اقلیت خاص که معمولاً نظامی هستند؛

- در انقلاب حرکت از پایین به بالاست و در کودتا از بالا به بالا یعنی از بدنه حکومت علیه حاکمان.

ص: ۲۲

۱- (۱). حسین بشیریه، انقلاب و بسیج سیاسی، ص ۷ و ۸.

۲- (۲). همان، ص ۱۱.

- در انقلاب تغییر و تحوّل بنیادی و همه جانبه است و ارزش ها و زیرساخت ها تغییر می کنند، اما در کودتا ساختار نظام باقی است و اداره کننده آن تغییر می کند؛ به عبارتی تغییر حاکم است، نه حکومت،

- انقلاب چون خواست عموم مردم است پدیده ای است مشروع و قانونی، اما کودتا چون خواست اقلیت است پدیده ای است نامشروع و غیر قانونی که از آن به عنوان توطئه تلقی می شود.

دوم: انقلاب و رفرم (اصلاح)

رفرم (reform) یا اصلاح، تلاش به منظور تغییر محتاطانه، مسالمت آمیز و تدریجی در ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه از سوی سیاستمداران حاکم است.

بنابراین در تفاوت انقلاب با رفرم می توان چنین گفت:

- در انقلاب خشونت وجود دارد ولی رفرم غالباً به صورت مسالمت آمیز و بدون خشونت صورت می گیرد؛

- انقلاب حرکتی است از پایین به بالا و رفرم حرکتی است از بالا به پایین؛ یعنی رفرم از سوی حاکمان صورت می گیرد و در حقیقت برای جلوگیری از نهضت انقلابی است.

سوم: انقلاب و شورش

شورش (insurrection) یا (rebellion) عبارت است از بروز امواج نارضایتی در میان قشر یا اقشاری از جامعه علیه بخشی از نظام حاکم که ممکن است موجب تغییراتی در قسمت هایی از سیاست های نظام حاکم و احتمالاً نهادهای سیاسی شود.

در مورد تفاوت انقلاب با شورش می توان گفت:

- در انقلاب نارضایتی عمومی است اما در شورش شخصی یا گروهی است؛

- در انقلاب، هدف، نابودی و براندازی حکومت و حاکمان است، اما در شورش، هدف، تغییر حاکم یا بخشی از حاکمیت است؛

- شورش‌ها برخلاف انقلاب‌ها منطقه‌ای، مقطعی و از لحاظ اهداف و خواست‌ها، کمّاً و کیفاً محدود هستند. و البته اگر شورش فراگیر و عمومی شود، ممکن است منجر به انقلاب گردد.

۲- تئوری‌های انقلاب و تطبیق آنها با انقلاب اسلامی

اشاره

تئوری‌های انقلاب در یک تقسیم‌بندی کلی شامل سه دسته می‌باشد:

- تئوری‌هایی که به علل وقوع انقلاب می‌پردازند.

- تئوری‌هایی که به فرایند شکل‌گیری انقلاب می‌پردازند.

- تئوری‌هایی که به آثار و نتایج یک انقلاب می‌پردازند.

هدف ما در این قسمت دسته اول می‌باشد؛ یعنی تئوری‌هایی که به چرایی، علّیت و ریشه‌های به وجود آمدن انقلاب می‌پردازند. این بحث (علّیت در انقلاب) از مباحث قدیمی و پایان‌ناپذیر علم سیاست است.

ارسطو در کتاب پنجم رساله سیاست، به بحث علّیت انقلاب پرداخته و در طول تاریخ همواره فلاسفه سیاسی، جامعه‌شناسان و اندیشمندان سیاسی، در پی کشف قوانین عام علّیت انقلاب بوده‌اند و شرایط گوناگونی را پیش از وقوع انقلاب به عنوان علّت آن برشمرده‌اند. این تئوری‌ها علاوه بر شباهت‌ها دارای اختلافات اساسی درباره معنا و علّت انقلاب می‌باشند. در این قسمت، سعی شده است تعدادی از تئوری‌های مشهور و عمده از متفکران اسلامی و غیراسلامی معرفی گردد.

الف) تئوری مبارزات طبقاتی مارکس

یکی از نظریاتی که در مورد چرایی وقوع انقلاب می باشد نظریه مارکس است که از آن به عنوان نظریه مبارزه طبقاتی یاد می شود، برای درک این نظریه ابتدا باید دو مفهوم را که شالوده و مبنای دیدگاه مارکس بوده و گرایش اصلی آرای وی بر پایه آنها قرار دارد توجه کنیم و آن دو مفهوم عبارتند از:

الف) ماتریالیسم (مادی گرایی) تاریخی: به عقیده مارکس، تاریخ را واقعیت های مادی و شرایط از پیش تعیین شده می سازند و نه اندیشه ها. جامعه در نظر وی دارای زیربنا و روبناست؛ عوامل اقتصادی (شیوه تولید و ساخت اقتصادی) زیربنا و افکار و آداب، نهادهای حقوقی، سیاسی و مذهبی روبنایند. هرگاه زیربنا با روبنا سازگار نباشد جامعه به بحران و انقلاب کشیده می شود.

به عنوان مثال، در جوامع پیشرفته سرمایه داری که شیوه تولید (زیربنا) به صورت جمعی و تمرکز هرچه بیشتر نیروی کار در کارخانه ها است، ولی مالکیت (روبنای حقوقی) هم چنان خصوصی است و این ناسازگاری به بحران و انقلاب خواهد کشید.

ب) دیالکتیک تاریخی: مارکس معتقد است سراسر تاریخ یک رشته مبارزات طبقاتی است؛ او می گوید:

... تاریخ کلیه جوامع گذشته همانا تاریخ مبارزات طبقاتی است. انسان آزاد و برده، نجیب زاده و عامی، بارون و سرف، استادکار و شاگرد، خلاصه ستمگر و ستمکش، در ضدیت دائم با یکدیگر بوده به پیکاری خستگی ناپذیر و گاهی پنهانی و گاهی آشکارا پرداخته اند که هر بار به تغییر و تبدیل انقلابی جامعه به طور کامل یا انهدام مشترک طبقاتی متخاصم انجامیده است. (۱)

ص: ۲۵

۱- (۱). آندره پیترو، مارکس و مارکسیزم، ترجمه شجاع الدین ضیاییان، ص ۲۶۶، به نقل از مانیفست کمونیست مارکس.

ساخت اقتصادی یا شیوه تولید در هر دوره ای باعث ایجاد روابط اجتماعی ویژه ای می شود که نتیجه آن در هر جامعه، دو طبقه اصلی است: طبقه حاکم و طبقه محکوم (استثمار شده)؛ طبقه استثمار شده ابتدا دچار از خود بیگانگی می شود ولی عاقبت از وضعیت عمومی خویش آگاه گردیده و به آگاهی طبقاتی می رسد و طبقه حاکم را با انقلاب سرنگون می کند.

در رهیافت بعضی از نویسندگان و گروه های سیاسی، انقلاب اسلامی در گفتمان مارکسیسم می گنجد که از میان متفکران خارجی «مایکل فیشر»، «ریچارد کاتم»، «نجاش» و «نیکو کدی» و از گروه های سیاسی داخلی، گروه های چپ ایران همچون حزب توده و سازمان مجاهدین خلق ایران، اقتصاد را عامل سرنگونی رژیم پهلوی می دانستند.

ملاحظه و بررسی

اینک بعضی از انتقادهایی که به این نظریه شده و هم چنین نقدهایی که در تطبیق این نظریه بر انقلاب اسلامی شده است را یادآور می شویم:

۱. چنین نیست که اقتصاد زیربنا باشد، چنان که «دور کهایم» می گوید: «هیچ چیز بی ثبات تر از منافع اقتصادی نیست». (۱)

۲. انگلس نیز در ضمن حمله به مارکسیست های افراطی تأکید می کند:

«کل تاریخ را معلول اسباب اقتصادی محض دانستن خامی و علم فروشی است». (۲)

۳. این که گفته می شود: تاریخ را عوامل مادی می سازد نه اندیشه ها، بر خلاف واقعیت ها است. تاریخ را اندیشه می سازد و این انسان ها هستند که با اراده، اندیشه و اختیار، تاریخ و جوامع خویش را می سازند.

ص: ۲۶

۱- (۱). همان، ص ۴۸.

۲- (۲). سید مجتبی هاشمی رکاوندی فلسفه انقلاب و امپریالیسم جهانی معاصر، ص ۲۷.

۴. مفهوم «مبارزه طبقاتی» مارکس تنها بر بعضی نمونه‌هایی محدود از جمله انقلاب فرانسه استوار است ولی در سایر تحولات سیاسی - اجتماعی از جمله انقلاب انگلستان، اساساً مبارزه طبقاتی مطرح نبود.

و اما نقدهایی که بر تطبیق این نظریه بر انقلاب اسلامی ایران مطرح می‌باشد، عبارتند از:

۱. این کشور دارای مناسبات اقتصاد سرمایه داری نبود.

۲. طبقه‌ای به نام بورژوا و پرولتاریای صنعتی نداشت و چیزی به نام مبارزه طبقاتی مطرح نبود.

۳. انقلاب ایران از ماهیت اقتصادی برخوردار نبود، بلکه هر کس با هر عقیده و منفعتی و از هر طبقه و قشری در آن شرکت کرده بود.

۴. برخلاف نظریه مارکس که دین را افیون توده می‌داند در انقلاب ایران ایدئولوژی و فرهنگ شیعی به رهبری روحانیت نقش بسزایی داشت.

البته نظریه مارکس توسط مارکسیست‌های تجدیدنظرطلب، مارکسیست‌های فلسفی، مارکسیست‌های ساختارگرا و فرامارکسیست‌ها دچار تغییر و تطوراتی شده است که بررسی آن از رسالت این نوشتار خارج است.

(ب) تئوری توسعه نامتوازن هانتینگتون

ساموئل هانتینگتون، بخشی از کتاب سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی (۱۹۶۸م) را به بحث درباره پدیده انقلاب اختصاص داده است. وی در این باره که انقلاب در چه جوامعی رخ می‌دهد، می‌گوید:

انقلاب‌ها پدیده‌هایی کمیاب‌اند بیشتر جوامع هرگز انقلابی را تجربه نکرده‌اند... تمدن‌های بزرگ گذشته مانند مصر، بابل، ایران، یونان، رم، چین،

هند و جهان عرب خیزش‌ها، شورش‌ها و دگرگونی‌های دودمان سلطنتی را تجربه کرده‌اند، ولی هیچ‌یک از این رویدادها شباهتی به انقلاب‌های بزرگ غرب نداشتند... به گونه‌ای دقیق‌تر، باید گفت که انقلاب ویژگی‌نوسازی و یکی از شیوه‌های نوسازی یک جامعه سنتی است و چه در جامعه سنتی غرب و چه در دیگر جوامع سنتی پدیده‌ای ناشناخته بوده است. انقلاب تجلی دیدگاه نوگراست. پیش‌گام انقلاب نوین، انقلاب سده هفدهم انگلیس بود که رهبران‌ش باور داشتند که انسان‌ها با کنش قانون‌گذارانه می‌توانند جامعه‌شان را بازسازی کنند. تصویر انقلاب در سده هجدهم دنیوی شده بود. آگاهی به انقلاب را انقلاب فرانسه پدید آورد. پس از انقلاب فرانسه، ما تحوّل آگاهانه آیین‌های انقلابی را می‌یابیم. (۱)

او معتقد است که اگر در جامعه‌ای نوسازی اقتصادی و اجتماعی سریعی صورت بگیرد و به موازات آن توسعه سیاسی شکل بگیرد، بی‌ثباتی به اشکال مختلف کودتا، شورش، جنگ و انقلاب ظهور می‌کند. او می‌گوید:

انقلاب یک جنبه از نوسازی به شمار می‌آید... انقلاب نیز مانند صورت‌های دیگر خشونت و ناستواری، بیش‌تر در جوامعی رخ می‌دهد که نوعی تحوّل اجتماعی و اقتصادی را تجربه کرده باشند و فراگردهای نوسازی و تحوّل سیاسی آنها از فراگردهای اجتماعی و اقتصادی‌شان واپس مانده باشد. جوهر سیاسی انقلاب، گسترش شتابان آگاهی سیاسی و تحرّک سیاسی گروه‌های تازه به صحنه سیاست است، چندان که برای نهادهای سیاسی موجود جذب این گروه‌ها به درون نظام امکان‌ناپذیر گردد. (۲)

برای وقوع انقلاب در کشوری که دست‌خوش نوسازی است باید:

الف) طبقه متوسط شهری، روشنفکران، صاحبان حرف و بازرگانان به اندازه کافی از سامان موجود بیگانه شده باشند.

ب) روستاییان نیز به اندازه کافی همین بیگانگی را داشته باشند.

ص: ۲۸

۱- (۱). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ص ۳۸۵.

۲- (۲). همان، ص ۳۸۷.

ج) طبقه متوسط شهری و روستاییان نه تنها در نبرد بر ضد دشمن واحد، بلکه در مبارزه برای یک قضیه واحد به اندازه کافی متحد باشند. این قضیه به طور معمول ملیت گرایی است. اگر دوره ناکامی طبقه متوسط شهری با دوره ناخرسندی روستاییان مصادف نگردد، انقلاب دور از انتظار است.

هانتینگتون، انقلاب ها را در دو الگوی غربی و شرقی مورد بررسی قرار می دهد. انقلاب های فرانسه، روسیه و نخستین مرحله انقلاب چین را در الگوی غربی و انقلاب ویتنام، آخرین مرحله انقلاب چین و نبردهای ضد استعماری را در الگوی شرقی جای می دهد.

به نظر وی در الگوی غربی، نخست نهادهای سیاسی رژیم پیشین برانداخته می شوند (فروپاشی دولت و فقدان اقتدار) سپس گروه های جدید وارد صحنه سیاست می گردند و سرانجام نهادهای سیاسی جدید آفریده می شوند. اما در الگوی شرقی ابتدا گروه های تازه - در نقطه دور از پایتخت متمرکز می شوند و به حملات چریکی و جنگ های نامنظم می پردازند، سپس وارد صحنه سیاست می شوند. آن گاه نهادهای سیاسی جدید - در نقاط آزاد شده - ایجاد می گردند و در پایان، نهادهای سیاسی پیشین با خشونت سرنگون می شوند.

در الگوی غربی، انقلابیون ابتدا در پایتخت به قدرت می رسند، سپس به تدریج سلطه شان را بر روستاها می گسترانند. اما در الگوی شرقی، انقلابیون دامنه اقتدارشان را در منطقه دور از پایتخت گسترش می دهند و سپس پایتخت را اشغال می کنند.

در ارزیابی و نقد این نظریه باید گفت که:

بررسی های جدید، یافته های این نظریه را که می گوید: «انقلاب ناشی از روند نوسازی پرشتاب اجتماعی - اقتصادی و عدم توسعه نهادهای سیاسی جهت جذب و مشارکت نیروهای جدید است.» مخدوش کرده است.

«چارلز تیلی» می گوید:

پس از سال ۱۹۳۰ م، سیسیل - کشوری که کندترین حرکت را به سوی نوسازی داشت - قبل از کشورهای دیگر اروپایی شورش کرد.

«راسل» نیز می گوید:

نمونه آفریقای جنوبی که در دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی، دست اندرکار نوسازی بود و بدون آن که دچار بی ثباتی شدید سیاسی و انقلاب شود، نوسازی شد، عملاً با نظریه هانتینگتون مغایر است. بررسی «سورکین» از تاریخ اغتشاشات در کشورهای اروپایی نیز یافته هانتینگتون را مخدوش می کند. (۱)

البته عامل مورد اشاره هانتینگتون نیز می تواند احتمالاً یکی از عوامل وقوع انقلاب باشد. آن چه باید تأکید نمود این است که نظریه هانتینگتون قابل تعمیم نیست.

نکته قابل تأمل دیگر، عدم انطباق بسیاری از انقلاب ها با الگوی غربی یا شرقی بیان شده از سوی هانتینگتون است؛ مانند انقلاب اسلامی ایران که از جهت این که با رژیمی قدرتمند مواجه بود و فروپاشی دولت در ابتدا وجود نداشت، با الگوی غربی و از جهت این که روش نمایش اجتماعات میلیونی، تظاهرات و اعتصابات گسترده عمومی را جایگزین جنگ مسلحانه و حرکت از نقاط دور دست به سوی مرکز کرد، با الگوی شرقی وی مغایر است.

ج) تئوری تدا اسکاچپول

کتاب تدا اسکاچپول، تحت عنوان دولت ها و انقلاب های اجتماعی در سال ۱۹۷۹ میلادی، به چاپ رسید. وی در این کتاب با ردّ ارادی بودن وقوع انقلاب، تفسیر انقلاب را تنها مبتنی بر عوامل ساختاری و از پیش تعیین شده می دانست و نقش

ص: ۳۰

۱- (۱). مصطفی ملکوتیان، سیری در نظریه های انقلاب، ص ۱۳۸ و ۱۳۹.

انقلابیان در گسترش ایدئولوژی خود و موفقیت آنها در این زمینه را انکار می کرد. وی بر این اعتقاد بود که انقلاب ها ساخته نمی شوند، بلکه به وجود می آیند. (۱)

امّا اسکاچپول در مقاله ای که در سال ۱۹۸۲م، تحت عنوان «دولت تحصیل دار و اسلام شیعی در انقلاب ایران» ارایه کرد نظریه مذکور را در تحلیل انقلاب اسلامی نارسا دانست. ایشان در همان آغاز این مقاله می گوید:

سقوط اخیر شاه ایران و به راه افتادن انقلاب ایران بین سال های ۱۹۷۷ - ۱۹۷۹ میلادی باعث تعجب ناگهانی ناظران خارجی از دوستان آمریکایی شاه گرفته تا روزنامه نگاران و متخصصان علوم اجتماعی از جمله افرادی مثل من که متخصص مسائل انقلاب هستم، گردید. همه ما با علاقه و شاید بهت زدگی تحقّق وقایع جاری را مشاهده کرده ایم. تعدادی از ما به سوی تفحص در مورد واقعیّات اجتماعی، سیاسی ایران در ورای این رخ دادها سوق داده شدیم. برای من چنین تحقیقی غیر قابل اجتناب بود. بیش از همه به خاطر این که انقلاب ایران از جنبه های مختلف غیرعادی اش مرا تحت تأثیر قرار داده است. این انقلاب مطمئناً شرایط یک «انقلاب اجتماعی» را دارا می باشد. مع الوصف وقوع آن به ویژه در جهت وقایعی که منجر به سقوط شاه شدند انتظارات مربوط به علل انقلابات را که من قبلاً در تحقیق تطبیقی - تاریخی ام در مورد انقلاب های فرانسه، روسیه و چین تکامل و توسعه بخشیده ام، زیر سؤال برد. (۲)

وی در قسمت بعدی صریح ترمی گوید:

من در کتابم بنام دولت ها و انقلاب های اجتماعی بدون استثناء از تمام نظریه هایی که پذیرفته اند که انقلابات آگاهانه توسط نهضت های انقلابی متکی به جنبش های توده ای اجتماعی ساخته می شوند، انتقاد کرده ام، به جای این نظریه من بر یک برداشت ساختاری که برای درک تاریخی نقطه تلاقی

ص: ۳۱

۱- (۱). همان، ص ۱۴۳ و ۱۴۸ و عبدالوهاب فراتی، رهیافت های نظری برانقلاب اسلامی، ص ۱۵۱ و ۱۸۳.

۲- (۲). تدا سکاچپول، مقاله دولت تحصیل دار و اسلام شیعه در انقلاب ایران به نقل از عبدالوهاب فراتی، ص ۱۸۵.

تلاش‌ها و مساعی گروه‌های با انگیزه‌ها و موقعیت‌های گوناگون ضروری می‌باشد، تأکید ورزیده‌ام. گروه‌هایی که حتی تحت یک لوای ایدئولوژی انقلابی مشترک به عملکرد و فعالیت نمی‌پردازند. چیزی که من در کتابم از وندل فیلیس نقل کرده‌ام که «انقلاب‌ها ساخته نمی‌شوند، آنها به وجود می‌آیند». مراحل اولیه انقلاب ایران مشخصاً نظرات قبلی من در مورد موجبات انقلاب اجتماعی را زیر سؤال برد». (۱)

د) تئوری میشل فوکو

میشل فوکو فیلسوف مشهور فرانسوی و نظریه پرداز پست مدرن (۲) است. او در جریان انقلاب اسلامی به تهران و قم مسافرت کرده و از نزدیک شاهد وقوع انقلاب بوده است و نتیجه مشاهدات خود را در کتاب‌ها و مقالات متعدد منتشر کرده است.

او انقلاب اسلامی ایران را بر اساس تئوری قدرت خود تبیین می‌کند. و چهره نوینی از قدرت را ارائه می‌دهد، از نظر او، همگان قدرت را عنصری می‌دانند که از بالا اعمال می‌شود، چه از سوی رهبران انقلاب و چه از سوی دیکتاتورها و مخالفان آن. اما فوکو به این نتیجه می‌رسد که قدرت اساساً پدیده‌ای است که از پایین به بالا اعمال می‌گردد. در دیدگاه او، روشن فکرها یا احزاب سیاسی هیچ نقشی در این ماجرا نداشتند این خود توده‌ها بودند که روشنفکران را به دنبال خود کشیدند و نقش پیش‌تاز را ایفا کردند.

ص: ۳۲

۱- (۱). همان، ص ۱۸۸.

۲- (۲). مهم‌ترین محورهای فکری پست مدرن‌ها عبارت است از: خردگریزی، نفی واقع‌نمایی علوم، نسبییت اخلاقی و اجتماعی، زندگی در شهرهای کوچک، خصوصی کردن بعد سیاسی، رد خودکامه حقوق بشر، معیارهای زیبایی‌شناسانه، توجه به حواشی و جهان سوم، مخالفت با حل شدن خرده فرهنگ‌ها در فرهنگ مسلط، نفی توسعه و تکنولوژی مدرن.

به نظر فوکو، در ریشه یابی دلیل انقلاب اسلامی ایران این نکته روشن است که این انقلاب نمی تواند با انگیزه های اقتصادی و مادی صورت گرفته باشد؛ زیرا جهان شاهد شورش و قیام همه ملت علیه قدرتی بود که مشکلات اقتصادی آن به آن اندازه ای مهم و بزرگ نبود که به خاطر آن میلیون ها ایرانی به خیابان ها ریخته و با سینه عریان به مقابله با مسلسل ها بپردازند. پس دلیل انقلاب ایران را باید در جایی دیگر جست و جو نمود. از دیدگاه فوکوزبان، شکل و محتوای مذهبی انقلاب اسلامی ایران، امری عارضی، اتفاقی و تصادفی نیست، بلکه تشیع بود که با تکیه بر مواضع مقاومت و انتقادی سابقه دار خود، در برابر قدرت های سیاسی حاکم و نیز نفوذ عمیق و تعیین کننده در دل انسان ها، توانست نقش آفرینی نموده و مردم را این گونه علیه رژیم که بدون شک یکی از مجهزترین ارتش های دنیا را در اختیار داشت و از حمایت مستقیم آمریکا و سایر قدرت ها برخوردار بود به خیابان ها بیاورد. او در خصوص نقش برجسته رهبری انقلاب می گوید:

شخصیت آیت الله خمینی (قدس سرّه) پهلو به افسانه می زند. هیچ رییس دولتی و هیچ رهبر سیاسی، حتی به پشتیبانی همه رسانه های کشورش نمی تواند ادعا کند که مردمش با او پیوندی چنین شخصی و چنین نیرومند دارند. (۱)

به نظر فوکو، روح انقلاب اسلامی در این حقیقت یافت می شود که ایرانی ها از خلال انقلاب خود در جست و جوی ایجاد تحوّل و تغییر در خویش بودند. هدف اصلی آنها ایجاد یک تحوّل بنیادین در وجود فردی و اجتماعی، حیات اجتماعی و سیاسی و در نحوه تفکر و شیوه نگرش بود. ایرانیان در صدد ایجاد تحوّل در تجربه و نحوه زیستن خود بودند و قبل از هر چیزی خود را هدف قرار داده

ص: ۳۳

۱- (۱). میشل فوکو، ایرانی ها چه رؤیایی در سر دارند، ترجمه: حسین معصومی همدانی، ص ۶۴.

بودند. آنها راه اصلاح را در اسلام یافتند. اسلام برای آنان هم دوی درد فردی و هم درمان بیماری‌ها و نواقص جمعی بود.

فوکو، برای درک انقلاب اسلامی مستقیماً به سراغ مردم انقلابی در خیابان‌ها رفته است. به نظر وی از دید مردم حاضر در خیابان‌ها و تظاهرات و درگیری‌ها، حکومت اسلامی از یک طرف حرکتی برای ارایه نقش دائمی و تعریف شده به ساختارهای سنتی جامعه اسلامی و از جانب دیگر راهی برای وارد کردن ابعاد معنوی در زندگی سیاسی بود. مفهوم «معنویت‌گرایی سیاسی» قلب تحلیل فوکو از انقلاب اسلامی ایران را شکل می‌دهد. بدین ترتیب فوکو، انقلاب اسلامی ایران را اولین انقلاب در عالم پست مدرن خوانده است.

۲- تئوری متفکران اسلامی

اشاره

جمع زیادی از متفکران مسلمان، در گذشته مباحثی در زمینه علل و عوامل بقا یا زوال دولت‌ها مطرح نموده‌اند. در دسته عوامل بقا مواردی مانند نقش دین، عدالت، نظارت بر مسئولان، تعلیم و تربیت، کاربرد صحیح سیاست قلم و شمشیر، خصال نیکو، صفات حاکمان و کارگزاران و امر به معروف و نهی از منکر و در گروه عوامل زوال: ظلم و استبداد، تجمل پرستی و تن‌آسایی، تفرقه، دوری از مردم و انحراف از فضایل و گرایش به رذایل مورد تأکید قرار گرفته‌اند که ما به دیدگاه بعضی از این متفکران از متأخرین و متقدمین اشاره می‌کنیم.

الف) فارابی و مدینه فاضله

فارابی نظام‌های سیاسی خود را بر اساس مبانی ارزشی، به مطلوب و نامطلوب و فاضله و غیرفاضله تقسیم کرد.

او بر اساس سه محور سعادت، ریاست و دین، نظام های سیاسی را تقسیم بندی نمود.

یکم. سعادت: جامعه ای را که در مقام وصول به سعادت حقیقی است جامعه فاضله و یا مدینه فاضله گویند؛ و الا جامعه غیرفاضله می باشد.

دوم. ریاست: اگر ریاست فاضله و متصل به عقل فعال باشد، جامعه فاضله به وجود می آورد و اگر متّصف به فضایل نظری، فکری، خلقی و عملی نباشد و اصول فضایل را منکر باشد. منشأ جامعه غیر فاضله می شود.

سوم. دین: اگر دین و آیین، منشأ الهی داشته باشد و از مجرای عقل فعال و رییس اول که نبی و منذر است، ابلاغ شده باشد، منشأ آرای جامعه فاضله می شود، والا اگر دین و آیین فاسد و مبتنی بر آرای فاسد باشد، منشأ پیدایش آرا و جامعه غیرفاضله می شود. (۱)

فارابی بعد از تشریح ماهیت انواع حکومت غیر فاضله، عوامل انحراف از فضایل و گرایش ها و تمایلات مردم را سبب تنوع حکومت های غیر فاضله می داند؛ زیرا برخی به دنبال تأمین ضرورت های زندگی هستند و برخی به دنبال توانگری یا لذت، یا کرامت و غلبه، یا آزادی اند.

(ب) ابن خلدون و ظهور و سقوط حکومت ها

در میان دانشمندان اسلامی، ابن خلدون از لحاظ تفکرات اجتماعی مقامی بلند دارد. اثر برجسته او که به نام مقدمه ابن خلدون معروف و مشهور است، بسیار ارزشمند است. وی خود در مورد کتابش می گوید:

ص: ۳۵

۱- (۱). ابونصر فارابی، آراء اهل المدینه الفاضله، تحقیق: دکتر البید نصری نادر، ص ۱۲۵.

در نوشتن این مقدمه خدا به من الهام کرد و از موبدان و ارسطو فرانگرفته ام. (۱)

عصبیت در مقدمه، جای وسیعی را اشغال کرده است، هم چنان که در نظریات اجتماعی و سیاسی او نقش اساسی دارد. کسی که این کتاب را خوانده باشد به اهمیتی که نویسنده کتاب به عصبیت می دهد، از حیث تأثیر در پایداری و از میان رفتن اجتماعات و سیاست ها آگاه خواهد شد. به عقیده او، عصبیت، از راه پیوند نسبی و وابستگی خاندان ها به یکدیگر یا مفهومی مشابه آن حاصل می شود؛ زیرا پیوند خویشاوندی به جز در مواردی اندک در بشر طبیعی است. (۲)

این عصبیت برای هر امری ضروری است، خصوصاً در امر سیاست و کسب قدرت و کشورداری؛ او می گوید:

ریاست جز به وسیله قدرت و غلبه به دست نمی آید و غلبه هم چنان که یاد کردیم تنها از راه عصبیت حاصل می شود، از این رو ناچار باید ریاست بر یک قوم از عصبیتی برخیزد که بر یکایک عصبیت های دیگر همان قوم مسلط باشد. (۳)

و در جای دیگر می گوید:

«حمایت و دفاع و توسعه طلبی و هر امری که بر آن اجتماع می کنند از راه عصبیت میسر می شود و هم بیان کردیم که آدمیان با سرشت انسانی خویش در هر اجتماعی به رادع و حاکم یا نیروی فرمانروایی نیازمندند که آنها را از تجاوز به یکدیگر باز دارد. و آن نیروی فرمانروا ناگزیر باید در پرتو قدرت عصبیت بر مردم غلبه یابد، و گرنه در امر حاکمیت توانایی نخواهد بود و چنین قوه ای تشکیل نخواهد شد و یک چنین غلبه و قدرتی را، پادشاهی و کشورداری می گویند. (۴)

ص: ۳۶

۱- (۱) . محمدتقی دانش پزوه، سخن، دوره نهم، سال ۱۳۳۷، ص ۹۱.

۲- (۲) . مقدمه، ص ۲۴۲.

۳- (۳) . همان، ص ۲۴۹.

۴- (۴) . همان، ص ۲۶۴ و ۲۶۵.

غلبه و قدرت و مدافعه بی گمان از راه عصبیت پدید می آید؛ چون غرور قومی و حسّ حمایت و دفاع مشترک و جان سپاری هر یک از افراد در راه یاران خویش از نتایج عصبیت است. (۱)

ابن خلدون، اساس ظهور و سقوط دولت ها و سیر تطوّر آنها را بر مبنای عصبیت تجزیه و تحلیل می کند. او معتقد است دولت ها همانند مردم عمرهای طبیعی دارند؛ می آیند و زندگی می کنند و می میرند؛ عامل آمدن آنها عصبیت و عامل سقوط آنها از بین رفتن عصبیت است. او بر همین اساس برای دولت ها عمر و نسل های مختلفی را بیان می کند. و می گوید:

و اما سنین دولت ها نیز هر چند بر حسب قرانات مختلف است، ولی اغلب عمر دولت از سه پشت تجاوز نمی کند و هر پشت عبارت از سنّ متوسط یک شخص است که چهل سال باشد... این که گفتیم عمر دولت از سه پشت بیشتر نیست بدان سبب است که نسل نخستین... شدّت عصبیت در میان آنها هم چنان محفوظ می ماند از این رو دم شمشیر آنان برنده و جانب آنان شکوهمند و مایه بیم دشمن است و مردم مغلوب و فرمان بردار آن می باشند. و نسل دوم به سبب کشورداری و ناز و نعمت تغیر خوی می دهند؛ از این رو جوش و خروش عصبیت ایشان تا حدّی فرو می نشیند... اما نسل سوم... عصبیت را که به سبب آن ایشان واجد ملکه قهر و غلبه بودند از دست می دهند و فراخی معیشت و ناز و نعمت در میان ایشان به مرحله نهایی می رسد... و عصبیت به کلی زایل می شود و حالات حمایت و مدافعه و توسعه طلبی را فراموش می کنند. (۲)

باید دانست که این اطوار و تحولات برای دولت ها طبیعی است؛ زیرا امر غلبه یافتن و تسلط بر دیگران که به وسیله آن کشورداری و پادشاهی پدید می آید تنها در پرتو عصبیت و خصوصیات آن است... هر گاه کشورداری و

ص: ۳۷

۱- (۱). همان، ص ۲۹۴.

۲- (۲). مقدمه، ص ۳۲۴ - ۳۲۶.

سلطنت حاصل شود، به دنبال آن آسایش فطری معیشت و گشایش احوال همراه خواهد بود... این از ضروریات است. (۱)

به طور خلاصه بر اساس آن چه از نظریات ابن خلدون در ارتباط با سیر تطوّر دوران تاریخ برمی آید، وقتی بدویان به دلیل داشتن عصبیت بیشتر بر یکجانشینان غلبه می یابند و موجبات تأسیس دولت جدیدی را فراهم می آورند، رؤسای قبایل با تجملات شهری و خلق و خوی شهریان خو گرفته و به تدریج، شجاعت و مناعت و سخت کوشی و سایر صفات و خصایل نیکوی چادرنشینی جای خود را به ترس و جبن و سستی و روحیه محافظه کاری داده و در نتیجه عصبیت آنها به ضعف گراییده و زمینه، مساعد و آماده می شود تا قبیله دیگری که دارای عصبیت شدیدتر و قوی تر است بر آنها چیره گشته و دولتی را که قبیله پیشین مستقر کرده بود مضمحل نموده و دولت جدیدی تأسیس گردد و این تسلسل و توالی هم چنان ادامه می یابد و بدین ترتیب عصبیت، قدرت محرّکه قبیله و شرط اساسی استقرار دولت به شمار می رود.

ج) تئوری آیت الله سیدمحمدباقر صدر

شهید صدر در کتاب سنّت های تاریخ در قرآن، مباحثی را در رابطه با تحولات سیاسی - اجتماعی و تاریخی گشوده است.

ایشان در این کتاب، منشأ و مدار حرکت تاریخی را محتوای درونی انسان می داند می گوید:

محتوای درونی انسان سازنده حرکت تاریخ است. با آمیزش فکر و اراده می توان هدف های انسان را تحقق بخشید. با این توضیح می توان گفت سازنده

ص: ۳۸

حرکت تاریخ، محتوای باطنی انسان یعنی فکر و اراده اوست. و ساختمان جامعه در سطح روبنا با همه پیوندها، سازمان ها اندیشه ها و خصوصیاتش روی زیربنای محتوای باطنی انسان قرار دارد و هر گونه تغییر در تکامل ملی نسبت به روبنای آن، تابع تغییر و تکامل این زیر بنا است و با تغییر آن، روبنای جامعه تغییر می کند. بدیهی است هر گاه این بنیاد استوار باشد، روبنای جامعه استوار می ماند. (۱)

تغییر در محتوای درونی انسان ها (اندیشه (قدس سرّه) اراده) تحولات تاریخی^۲ پیوند و رابطه ای که میان زیربنا (محتوای درونی انسان) و روبنا (وضع و حال جامعه) وجود دارد، نوعی رابطه علی است. شهید صدر اعتقاد دارد که آیه شریفه (...إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...) ۲ روشنگر همین رابطه میان روبنا و زیربنا است. ظواهر، شئون و احوال یک قوم وقتی تغییر خواهد کرد که وضع نفسانی آنها تغییر کند. قطعاً تغییر حال روانی یک یا چند تن از افراد یک جامعه تمام یک قوم را به جنبش و حرکت وانی نمی دارد، بلکه حالت نفسانی همه افراد یک جامعه باید زیور و شود تا سر نوشت عمومی آن ها عوض شود.

ایشان می گوید:

رابطه بین محتوای باطنی انسان و روبنای اجتماعی و تاریخی جامعه، یک رابطه تابع و متبوع یا علت و معلول است. این رابطه ما را به یادسنت تاریخی می اندازد که شرح آن را در ذیل آیه (...إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...) در سابق ملاحظه کردیم. این آیه می گوید، تغییر اوضاع و شئون اجتماعی هر قومی روبنای آن قوم است، تغییر بنیادی تغییری است که در خود قوم پدید آمده باشد و هر تغییر دیگر، از این تغییر بنیادی سرچشمه می گیرد. مانند تغییر حالت

ص: ۳۹

۱- (۱). سید محمدباقر صدر، سنت های تاریخ در قرآن، ترجمه: سید جمال موسوی اصفهانی، ص ۱۹۴.

نوعی، یا تغییر حالت تاریخی و یا تغییر حالت اجتماعی قوم. بدیهی است مقصود از تعبیر (ما بَأْنَفْسِهِمْ) تغییر در درون توده های ملت است؛ به طوری که محتوای باطنی جامعه، به عنوان یک ملت و یک قوم عوض می شود... بنابراین محتوای باطنی و درونی یک ملت به طور عموم که حالات روحی عموم افراد آن ملت از آن حکایت کند، می تواند به عنوان عموم ملت، پایه ها و زیربنای اساسی تغییرات روبنایی همه حرکت های تاریخ باشد، نه روحیه یک فرد و دو فرد و چند فرد. (۱)

بنابراین، محتوای باطنی و روانی ملت ها که از آرمان ها و ایده آل های بزرگ تشکیل یافته است؛ پایه ها و زیربنای اساسی تغییرات و حرکات تاریخ می باشد.

(د) تئوری شهید مطهری (ره)

شهید مطهری (ره) در کتاب پیرامون انقلاب اسلامی، مباحثی را در رابطه با تعریف و تئوری انقلاب بیان نمودند. ایشان در تعریف و ریشه انقلاب می گوید:

انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین، علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد نظامی مطلوب. به بیان دیگر، انقلاب از مقوله عصیان و طغیان است علیه وضع حاکم، به منظور استقرار وضعی دیگر. به این ترتیب معلوم می شود که ریشه هر انقلاب دو چیز است: یکی نارضایتی و خشم عمومی از وضع موجود، و دیگر آرمان یک وضع مطلوب. (۲)

بنابراین تئوری انقلاب از دیدگاه شهید مطهری چنین می باشد:

نارضایتی از وضع موجود (قدس سرّه) آرمان وضع مطلوب (قدس سرّه) حسّ پرخاشگری و ظلم ستیزی انقلاب.

ص: ۴۰

۱- (۱). همان، ص ۱۹۴ و ۱۹۵.

۲- (۲). پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۲۹ و ۳۰.

شهید مطهری در بررسی علل و عوامل انقلاب، سه عامل را شناسایی و دسته بندی می کند. ایشان می گوید:

اگر بخواهیم عوامل ایجاد انقلاب را دسته بندی کنیم، به این نتیجه می رسیم که عامل ایجاد قیام ها یا از نوع عامل اقتصادی و مادی است؛ یعنی قطبی شدن جامعه و تقسیم آن به دو قطب مرفه و محروم، و برخوردار و بی نصیب است که سبب قیام می گردد. طبعاً آرمان چنین قیامی هم رسیدن به جامعه ایست که در آن از این شکاف های طبقاتی اثری نباشد، یعنی رسیدن به جامعه ای بی طبقه و یا عامل آن، وجود خصلت های آزادی خواهانه در بشر است. یکی از ارزش های والای انسانی همین خصوصیت آزادی خواهی اوست؛ یعنی برای یک انسان، آزاد بودن و آقا بالاسر نداشتن از هر ارزش مادی ارجمندتر است... انقلاب فرانسه به عنوان مثال از این قبیل انقلابهاست؛ بعد از آن که فیلسوفان و حکمای نظیر «روسو» آن همه تبلیغ درباره آزادی و آزادی خواهی و حیثیت انسانی و حریت و ارزش های آن کردند، زمینه انقلاب را آماده ساختند و مردم که بیدار شده بودند برای کسب آزادی انقلاب کردند. عامل سوم ایجاد انقلاب ها، عامل آرمانخواهی و عقیده طلبی است، انقلاب های اصطلاحاً ایدئولوژیک. این گونه انقلاب ها جنگ عقایدند، نه جنگ اقتصادی در مظهر عقاید. (۱)

سپس شهید مطهری در تطبیق این سه عامل نسبت به انقلاب اسلامی که آیا این انقلاب ماهیت طبقاتی (مادی) دارد یا ماهیت لیبرالیستی و آزادی خواهی و یا ماهیت ایدئولوژیک و اعتقادی و اسلامی، می گوید:

در تفسیر و تحلیل انقلاب ما، گروهی معتقد به تفسیر تک عاملی هستند. می گویند تنها یک عامل در ایجاد این انقلاب دخیل بوده است. البته در میان این گروه سه نظر مختلف وجود دارد. یک دسته عامل را صرفاً مادی و اقتصادی دسته ای دیگر عامل را تنها آزادی خواهی و دسته سوم عامل را فقط اعتقادی و معنوی می دانند. در مقابل این گروه، گروه دیگری قرار دارند که

ص: ۴۱

معتقدند انقلاب تک عاملی نبوده بلکه در تکوین و ایجاد این انقلاب هر سه عامل به صورت مستقل دخالت داشته اند و در آینده، این انقلاب با همکاری و ائتلاف این سه عامل است که تداوم پیدا می کند و به ثمر می رسد. (۱)

در ادامه می گوید:

اما در کنار این نظرات، نظر دیگری وجود دارد که خود ما نیز موافق آن هستیم. در این جا کوشش می کنیم تا حد امکان نظر اخیر را تشریح کنیم. انقلاب ایران به اعتراف بسیاری یک انقلاب منحصر به فرد است؛ یعنی برای آن نظیری در دنیا نمی توان پیدا کرد. در مورد یگانه بودن انقلاب گروهی که به وجود سه عامل مستقل معتقدند می گویند: ما در دنیا هیچ انقلابی نداریم که این سه عامل در آن دوش به دوش یکدیگر حرکت کرده باشد. ما نهضت های سیاسی داریم ولی طبقاتی نبوده اند، نهضت های طبقاتی داریم اما سیاسی نبودند. و بالاخره اگر هر دو این عوامل وجود داشته اند از عوامل معنوی و مذهبی خالی بوده اند. با این ترتیب این گروه نیز نظر ما را در مورد منحصر به فرد بودن این انقلاب به نحوی می پذیرند. از نظر ما این انقلاب اسلامی بوده است، اما منظور از اسلامی بودن باید روشن گردد. بعضی ها فکر می کنند مقصود از اسلام تنها همان معنویتی است که در ادیان به طور کلی و از جمله در اسلام وجود دارد. گروه دیگر می پندارند اسلامی بودن به معنای رواج مناسک مذهبی و آزاد بودن عبادات و آداب شرعی است. اما با وجود این تعبیرات، لاقلاً بر ما روشن است که اسلام معنویت محض، آن چنان که غربی ها درباره مذهب می اندیشند، نیست. این حقیقت نه تنها درباره انقلاب فعلی، بلکه در مورد انقلاب صدر اسلام نیز صادق است. انقلاب صدر اسلام در همان حالی که انقلابی مذهبی و اسلامی بود، در همان حال انقلابی سیاسی نیز بود و در همان حال که انقلاب معنوی و سیاسی نیز بود، انقلابی اقتصادی و مادی نیز بود؛ یعنی، حرّیت، آزادگی، عدالت، نبودن تبعیض های اجتماعی و شکاف های طبقاتی در متن تعلیمات اسلامی است. در واقع هیچ یک از ابعادی که در بالا به آنها اشاره کردیم، بیرون

ص: ۴۲

از اسلام نیستند. راز موفقیت نهضت ما نیز در این بوده است که نه تنها به عامل معنویت تکیه داشته، بلکه آن دو عامل دیگر - مادی و سیاسی - را نیز با اسلامی کردن محتوای آن در خود قرار داده است. (۱)

نتیجه گیری

بحث از پدیده انقلاب، دارای قدمت طولانی است و در طول تاریخ هر کسی از زاویه خاص و با رهیافت مختلفی این پدیده را تجزیه و تحلیل نموده است. این واژه در علوم مختلف تعریف و معنای گوناگونی دارد و مفهوم سیاسی و اجتماعی آن عبارت است از، تغییر و تحوّل بنیادی و گسترده در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که همراه با خشونت است از ویژگی های انقلاب، مردمی بودن، خشونت، تغییر و تحوّل بنیادی و گسترده و داشتن رهبری، سازمان و ایدئولوژی می باشد و ویژگی های پیش گفته، انقلاب را از سایر تحولات سیاسی - اجتماعی مثل کودتا، رفرم و شورش خارج می کند. یکی از اساسی ترین موضوعات در بررسی یک انقلاب، موضوع چرایی و علّیت یک انقلاب می باشد؛ یعنی چرا در جوامع بشری انقلاب رخ می دهد؟ در پاسخ به این پرسش اساسی و مهم دیدگاه های مختلفی مطرح شده است. مارکس در پاسخ به این سؤال، نظریه مبارزه طبقاتی را مطرح نموده است که بر اساس این نظریه جامعه دارای زیربنا و روبناست و اقتصاد زیربنای همه جوامع و پایه و اساس تغییر و تحوّل جامعه می باشد و هرگاه زیربنا تغییر کند روبنای آن (حقوق، فرهنگ، سیاست و ...) تغییر می کند.

هانتینگتون با طرح توسعه نامتوازن انقلابات را ناشی از رشد سریع نوسازی اقتصادی و سیاسی و عدم توسعه سیاسی می داند و انقلاب ها را در دو الگوی متفاوت غربی و شرقی بیان می کند.

ص: ۴۳

تدا اسکاچپول، نظریه پرداز انقلاب که یک دید ساختاری نسبت به پدیده انقلاب داشته و اساساً انقلاب را یک پدیده جبری و خارج از اراده انسان‌ها تفسیر می‌کرد با مطالعه انقلاب اسلامی ایران تعدیلی در دیدگاه خود داده است و نقش اراده، رهبری و ایدئولوژی را در وقوع انقلاب اسلامی اساسی دانست.

میشل فوکو که یکی از نظریه پردازان پُست مدرن می‌باشد، انقلاب اسلامی را بر اساس تئوری قدرت خود تبیین می‌کند و با ردّ انگیزه‌های اقتصادی و مادی در ایجاد انقلاب، نقش مکتب تشیع و رهبری انقلاب را بسیار مهم و اساسی می‌داند.

شهید صدر، انسان یا محتوای درونی او را منشأ جنبش‌های تاریخی می‌داند که این محتوای درونی در حقیقت دو گوهر شریف یعنی، اندیشه و اراده می‌باشد. در قلمرو تاریخ و اجتماع، تلفیق اندیشه و اراده است که آینده ساز آدمی است و اساس جنبش تاریخی او را شکل می‌دهد و این محتوای درونی زیربنای همه تحولات سیاسی و اجتماعی می‌باشد.

شهید مطهری، انقلاب را معلول یک سلسله نارضایتی‌ها و ناراحتی‌ها می‌داند و معتقد است وقتی مردم از وضع حاکم ناراضی و خشمگین باشند و وضع مطلوبی را آرزو بکنند زمینه انقلاب به وجود می‌آید.

البته ایشان علاوه بر نارضایتی از وضع موجود و آرمان یک وضع مطلوب، روحیه پرخاشگری و ظلم ستیزی را از ارکان اساسی وقوع یک انقلاب در جامعه می‌داند.

۱. سابقه تاریخی از بحث انقلاب را بنویسید.
۲. معنای لغوی انقلاب چیست؟
۳. مفهوم فقهی، اخلاقی و فلسفی انقلاب را مقایسه کنید.
۴. استاد مطهری چه تعریفی از انقلاب ارائه دادند؟
۵. تعریف انقلاب از دیدگاه هانتینگتون را بنویسید.
۶. تعریف انقلاب را از دیدگاه تدا اسکاچپول بنویسید.
۷. تعریف انقلاب در دیدگاه استاد منوچهر محمدی را بنویسید.
۸. ویژگی‌های انقلاب را بنویسید.
۹. فرق انقلاب با کودتا چیست؟
۱۰. فرق انقلاب با رفرم را بنویسید؟
۱۱. انقلاب و شورش چه فرق‌هایی با هم دارند؟
۱۲. تئوری انقلاب به چند دسته تقسیم می‌شوند؟
۱۳. تئوری مبارزات طبقاتی مارکس را مختصراً بنویسید.
۱۴. نقدهایی که بر تئوری انقلاب مارکس وارد شده است را بنویسید.
۱۵. تئوری توسعه نامتوازن هانتینگتون را شرح دهید.
۱۶. تفاوت دو الگوی غربی و شرقی انقلاب در دیدگاه هانتینگتون را بنویسید.
۱۷. تئوری هانتینگتون را ارزیابی کنید.
۱۸. تمایز بین دیدگاه تدا اسکاچپول در کتاب دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی و مقاله «دولت تحصیل‌دار و اسلام شیعی در انقلاب ایران» را بنویسید.

۱۹. دیدگاه اسکاچپول را پیرامون انقلاب اسلامی ایران بررسی کنید.

۲۰. چهره نوینی که میشل فوکو از قدرت ارایه می دهد را بنویسید.

ص: ۴۵

۲۱. تقسیم بندی نظام های سیاسی از دیدگاه فارابی را بنویسید.
۲۲. عصبیت در دیدگاه ابن خلدون از چه راهی به وجود می آید؟
۲۳. اطوار و تحولات دولت ها را از دیدگاه ابن خلدون بنویسید.
۲۴. نگرش میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی و رهبری آن چیست؟
۲۵. تئوری انقلاب از دیدگاه شهید صدر را بنویسید.
۲۶. در دیدگاه صدر محتوای درونی انسان ها شامل چه چیزهایی می شود؟
۲۷. از دیدگاه شهید صدر زیربنای تحولات سیاسی و اجتماعی چیست؟
۲۸. تئوری انقلاب از دیدگاه شهید مطهری را بنویسید.
۲۹. عوامل ایجاد انقلاب از دیدگاه شهید مطهری چیست؟
۳۰. انقلاب اسلامی ایران را بر مبنای تئوری انقلاب شهید مطهری تحلیل کنید.

دیدگاه مارکس و مراحل تاریخ

تاریخ بشر در اثر مبارزات طبقاتی، پنج مرحله تاریخی را طی کرده و می کند:

کمون اولیه، برده داری، فئودالی، سرمایه داری، سوسیالیسم و کمونیسم که این مبارزه طبقاتی نهایتاً به ایجاد جامعه بی طبقه منجر خواهد شد. بنابراین تعریف، انقلاب در دیدگاه مارکس، انتقال و عبور از یک مرحله تاریخی به مرحله دیگر را گویند. نکته ای که حایز اهمیت است این است که این فرایند تاریخی فوق یک حرکت جبرگرایانه است و انسان نیز به ناچار باید در مسیر حرکت تاریخ حرکت کند. به عبارت دیگر، انسان تاریخ نمی سازد بلکه این تاریخ است که انسان ساز است. و بر همین اساس انقلاب امری ضروری و اجتناب ناپذیر خواهد بود و اراده انسانی در پیدایش آن دخالتی ندارد و هیچ کس نمی تواند مراحل آن را تغییر دهد. به کلام دیگر انقلاب انجام شدنی است، نه انجام دادنی.

باتوجه به مطالب فوق نظریه مارکس را به صورت زیر می توان ترسیم نمود:

شیوه تولید - ساخت روابط اجتماعی: ۱. طبقه حاکم - مدرنیزاسیون (تشدید استثمار) ۲. طبقه استثمارشده - از خود بیگانگی - آگاهی طبقاتی - انقلاب.

هانتینگتون و الگوی غربی و شرقی

هانتینگتون در بیان این دو الگوی غربی و شرقی انقلاب چنین می گوید:

اولاً در الگوی غربی معمولاً انقلاب بر ضد رژیم بسیار سنتی صورت می گیرد که در رأس آن یک شاه مطلق یا اشرافیتی زمین دار قرار گرفته است و این انقلاب زمانی رخ می دهد که رژیم دچار تنگناهای مالی شدید بوده، یارهبان وابسته به طبقه حاکم، اعتماد به نفس و اراده شاهانه خود را ازدست داده یا با تغییر بیعت روشن فکران مواجه شده باشند. در حالی که نوک تیز حملات انقلاب های شرقی به سمت رژیمی تاحدی متجدد است که ممکن است عناصر نوین و نیرومند طبقه متوسط را جذب کرده و از بی رحمی لازم برای حفظ قدرت نیز برخوردار باشند، یا قدرت و ثروت یک کشور استعمارگر به حکومت آن سرزمین برتری چشمگیری بخشیده باشد، در چنین شرایطی هیچ گونه پیروزی سریعی برای انقلابیون متصور نیست و آنها باید از طریق یک روند طولانی انقلاب روستایی راه را برای به قدرت رسیدن خود هموار سازند.

ثانیاً، در مدل غربی، انقلابیان ابتدا در پایتخت به قدرت می رسند و سپس سلطه شان را به تدریج بر روستاها می گسترانند؛ اما در مدل شرقی، انقلابیون از مناطق شهری و مرکزی عقب نشینی می کنند و در منطقه ای دور دست از طریق ارباب و تبلیغات در صدد جلب پشتیبانی روستاییان برمی آیند، اندک اندک اقتدارشان را گسترش داده و به تدریج عملیات نظامی خود را از

حملات تروریستی فردی به سطح جنگ های چریکی و سرانجام جنگ های منظم می کشانند و در نتیجه پایتخت را اشغال می کنند. (۱)

آرای اسکاچپول در مورد انقلاب ایران

اسکاچپول در مقاله اش می نویسد: درک وی از نقش ممکن نظام های عقیدتی و مفاهیم فرهنگی در شکل دادن به کنش های سیاسی تعمیق یافته و این امر به دلیل نقش رهبری و ایدئولوژی در انقلاب ایران بوده است.

نقش علما در بسیج منابع کلیدی چون مساجد، شبکه گسترده روحانیون، تاریخ و ایدئولوژی شیعه و غیره و هم چنین نقش امام خمینی (قدس سره) در انقلاب ایران به عنوان نیروی متحد کننده جماعت متفرق و با علایق متفاوت به قدری واضح است که هیچ کس نمی تواند از آن سر باز زند یا آن را کوچک شمرد. امام خمینی (قدس سره) با داشتن سابقه انقلابی و مبارزاتی و برخوردار بودن از رفیع ترین جایگاه مذهبی (مرجعیت) و شهرت گسترده توانست خشم و نارضایتی یک جامعه چند دسته ای را به سوی یک هدف واحد متمرکز کند. به علت نقش مهم و روشن امام خمینی (قدس سره)، علما و اسلام در انقلاب ایران، اسکاچپول نظر خود را راجع به نقش ایدئولوژی و رهبری در انقلاب های اجتماعی تعدیل کرده، می گوید:

اگر در واقع بتوان گفت که یک انقلاب در دنیا وجود داشته که عمداً و آگاهانه توسط یک نهضت اجتماعی توده ای «ساخته» شده است تا نظام پیشین را سرنگون سازد به طور قطع آن انقلاب، انقلاب ایران علیه شاه است.

تا آخر سال ۱۹۷۸ میلادی، کلیه بخش های جامعه شهری ایران تحت لوای اسلام شیعه گرد آمده بودند و از رهنمودهای یک روحانی عالیقدر شیعه، آیت الله

ص: ۴۹

روح الله خمینی (قدس سرّه)، در جهت مخالفت سازش ناپذیر علیه شاه و کلیه افرادی که هم چنان به او وابسته باقی مانده بودند، پیروی می کردند. مجموعه ای فوق العاده از تظاهرات توده های شهری و اعتصابات آنها که مدام در حال گسترش بود و حرارت انقلابی آنها همواره رو به فزونی داشت و علی رغم سرکوب نظامی مرگ آفرین، بیکاران، کارگران، پیشه وران، بازرگانان، دانش آموزان، دانشجویان و کارمندان طبقه متوسط ایران را بر علیه رژیم شاه آرایش می داد. آن چه سوسیالیست های غربی از دیرباز خواب آن را می دیدند - و هرگز موفق نبودند مگر در مواردی که جنگ به کمک آنها آمد - مردم شهرنشین ایران با بسیج توده ای خود به یک نهضت فراگیر علیه رژیم سلطنتی فاسد و «امپریالیست» جامه عمل پوشاندند. انقلاب آنها صرفاً نیامد، بلکه به صورت آگاهانه و منطقی ساخته شد. علی الخصوص در مرحله اولیه آن، یعنی سرنگون ساختن رژیم سیاسی قبلی. بنابر این نباید هیچ تردیدی در مورد خروج قابل ملاحظه فرایند وقوع انقلاب ایران از چارچوب علی آن چه در آغاز انقلاب های فرانسه، روسیه و چین رخ داده بود به خود راه داد». (۱)

مطالب مهم دیگری نیز در این مقاله وجود دارد که به خاطر تناسب با بحث فصل بعدی، در آن جا ذکر خواهد شد.

ص: ۵۰

مهم ترین ویژگی انقلاب اسلامی، ماهیت مذهبی و دینی بودن آن است. از این نظر انقلاب اسلامی، انقلابی منحصر به فرد و بی نظیر است. چون انقلاب های مهم جهان، از لحاظ ماهیت یا اقتصادی و مادی بوده اند، مثل انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، و یا سیاسی و آزادی خواهانه، مثل انقلاب کبیر ۱۷۸۹ فرانسه؛ هیچ یک از این انقلاب ها مذهبی نبوده اند؛ در حالی که در انقلاب اسلامی ایران در کنار عوامل اقتصادی و سیاسی، ایمان و عقیده نیز وجود داشته و عامل اساسی آن اعتقاد و ایمان مردم به اسلام بود. بدین لحاظ ماهیت اصلی انقلاب اسلامی «اسلامی بودن» آن است.

مردمی که به یک مکتب، ایمان داشته و به ارزش های آن به شدت دل بسته باشند، هنگامی که مکتب خود را در معرض خطر ببینند، برای جلوگیری از خطر و احیای کامل مکتب، دست به قیام می زنند. به تعبیر شهید مطهری:

چنین انقلابی هیچ ربطی به سیری و گرسنگی، یا ارتباطی با آزادی سیاسی و دموکراسی، یا فقدان آن ندارد و مردم در عین رفاه اقتصادی و سیری شکم و نیز داشتن آزادی سیاسی، فقط به دلیل عدم استقرار کامل مکتب مورد اعتقاد خود برمی خیزند و انقلاب می کنند. (۱)

ص: ۵۱

اعتقاد به این که اسلام برنامه و طرح کاملی برای تنظیم زندگی بشر دارد و ضامن عدالت، صلح، امنیت، آزادی و ارتقای معنوی انسان می باشد، عامل اصلی پیدایی و رشد انقلاب اسلامی و پیروزی آن بوده است. و برپایی نظام سیاسی - اجتماعی بر مبنای اسلام، جزئی از اعتقاد به جامعیت اسلام محسوب می شود که مبارزه در این راه، از بارزترین ابعاد جهاد در راه خدا و تجلی ایمان و اعتقاد است.

در یک جامعه اسلامی که معتقد به دین الهی هستند، مردم پیش از هر چیز سعی می کنند اعمال و رفتار خود را منطبق بر عقیده دینی و مذهبی خود انجام دهند، خصوصاً ورود به صحنه انقلاب که خشن ترین اقدام و مهم ترین کار سیاسی است که به توجیه قانع کننده ای از منابع اسلامی نیاز دارد.

در همین راستا، مسلمانان قبل از هر چیز به قرآن رجوع می کنند و آن را به عنوان پیام وحی در مبارزه و حرکت سیاسی خود مد نظر دارند و از آن الهام می گیرند. شیعیان علاوه بر قرآن از کلام و سیره امامان معصوم (علیهم السلام) نیز در این خصوص بهره می گیرند. بنابراین ما بحث خود را پیرامون اصول و تفکری که در قرآن و مکتب تشیع همواره در طول تاریخ الهام بخش حرکت های سیاسی - اجتماعی و محرک قیام ها و انقلاب های عظیم اجتماعی بوده، پی می گیریم:

۱- ریشه های عقیدتی انقلاب اسلامی در قرآن

اشاره

قرآن کریم غالباً به طور غیرمستقیم و با نقل یک واقعه یا طرح اصول کلی، یا بیان سنت خداوند در نظام آفرینش، انسان را به حرکت فرا می خواند و گاهی نیز با خطاب مستقیم از پیروانش می خواهد که زندگی سیاسی - اجتماعی شان را چگونه سامان دهند؛ و لذا در طول تاریخ، قرآن به عنوان پیام و وحی الهی مبانی و انگیزه های مبارزه و حرکت سیاسی مسلمانان را شکل می داد و تفکر سیاسی

قرآن محور همه نهضت‌ها و قیام‌های اسلامی بوده و در حقیقت قرآن هسته مرکزی حیات سیاسی مسلمانان را تشکیل می‌داد.

بر این اساس آیات بی شماری از قرآن، الهام بخش مبارزات و حرکت‌های سیاسی بوده است؛ آیاتی از قبیل: اصل امامت، اطاعت از رهبری، پرهیز از اختلاف، دعوت به اتحاد و تشکیل امت واحد، اصل خلافت، ایثار و جهاد، هجرت و شهادت، قتال با کفار و مشرکان و براءت از آنان، اصل امر به معروف و نهی از منکر، نفی سلطه کفار، مقابله به مثل، نفی ظلم و ستم، حمایت از مستضعفان و لزوم مبارزه با مستکبران و اصل مبارزه دایمی بین حق و باطل و... که ما برای رعایت اختصار به توضیح چند مورد می‌پردازیم.

الف) اصل ظلم زدایی (نقی ظلم و ستم)

قرآن در تأکید بر ضرورت ظلم زدایی از جامعه بشری و صحنه فعالیت‌های اجتماعی انسان‌ها، از خدا آغاز می‌کند و خدا را مبداً از ظلم می‌داند و برای ظلم هیچ‌گونه جایی در نظام آفرینش قایل نمی‌شود: (...إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ...); ۱ همانا خداوند ذره‌ای به انسان‌ها ظلم نمی‌کند.

(... وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ) ۲ خداوند هرگز در حق بندگان خود ستم نمی‌کند.

قرآن ظلم زدایی از جامعه بشری را مسئولیت اجتناب‌ناپذیر انسان بر عهده خود او داند و نه تنها ظلم کردن را منع می‌کند، بلکه پذیرش ظلم را نیز محکوم می‌کند؛ یعنی همان‌طوری که ظلم کردن در منطق قرآن زشت و قبیح است، پذیرفتن ظلم نیز زشت و قبیح می‌باشد و برای آن مجازات سختی قایل

می شود: (... لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ) ۱ نه ظلم بکنید و نه زیر بار ظلم بروید.

این ظلم زدایی شامل همه قلمروهای حیات بشری از جمله قلمرو رابطه انسان با خدا و با خویشتن و با دیگران و جامعه می باشد. در قرآن متجاوز از دویست و پنجاه آیه در زمینه ظلم زدایی و محکوم نمودن ظلم و بیان آثار و پیامدهای آن آمده است.

از لحاظ آثار وضعی، ظلم از کفر بدتر است، به همین منظور تأکید احادیث بر ثبات و پایداری نظام سیاسی مبنی بر عدم ظلم، گویای این امر است: «الملک یبقی مع الکفر ولا یبقی مع الظلم، حکومت و پادشاهی با کفر قابل بقاء است، اما با ظلم دوام و بقاء ندارد» بنابراین یکی از ریشه های عقیدتی انقلاب اسلامی مبارزه با ظلم و ستم رژیم پهلوی بوده که ملت ایران با الهام از این اصل قرآنی این قیام را به وجود آورد.

ب) اصل خلافت الهی

از دیدگاه قرآن، انسان خلیفه خدا در زمین و عهده دار استقرار حاکمیت خدا و وارث نهایی زمین و حکومت در آن است. انسان موظف است خصایص و شرایط لازم را برای احراز این مسئولیت بزرگ کسب کند و از همه امکانات مادی و معنوی که خدای در اختیار وی نهاده است بهره بگیرد.

خداوند ضمن آن که اراده خود را بر جعل خلافت بشر بیان کرد: - (وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...)؛ ۲ و زمانی که خداوند به ملائکه فرمود همانا من انسان را به عنوان خلیفه و جانشین خود در روی زمین قرار دادم - ، شرط نیل به آن را نیز متذکر شده است (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ لِيَسْبَغَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ ...) ۱ خداوند وعده داد کسانی که به او ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند را خلیفه خود در روی زمین قرار دهد. حُسن فاعلی یعنی ایمان و حُسن فعلی یعنی عمل صالح، دو شرط جانشین خدا شدن در روی زمین است. به دنبال آن وظیفه جانشین را نیز بیان فرمود: (یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ ...) ۲ ای داود ما ترا جانشین خود در روی زمین قرار دادیم، پس در بین مردم حکم به حق بنما.

بنابراین در اندیشه اسلامی، یک مسلمان زمانی از فرمان حکومت پیروی می کند که واجد شرایط این جایگاه باشد و در صورت عدم شایستگی، وظیفه اسلامی حکم می کند که برای ایجاد حکومتی قیام کنند که حاکم آن دارای شایستگی استقرار حاکمیت الهی در روی زمین باشد.

(ج) اصل نفی سبیل

بر اساس آیه شریفه (... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) ۳؛ خدا هیچگاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود، اراده تشریحی خداوند بر این تعلق گرفته که مسلمانان زیر سلطه کفار نروند؛ لذا جهت گیری قوانین اسلام هم در همین راستا می باشد. بر همین اساس، هر اقدام یا تعهد و قراردادی که موجب شود کفار بر مسلمانان مسلط شوند ضمن آن که حرام است، باطل بوده و ارزش حقوقی ندارد. مبارزه مسلمانان با استبداد داخلی و سلطه خارجی در طول تاریخ نیز براساس همین اصل قابل توجیه و تفسیر است.

این اصل قرآنی در تاریخ سیاسی مسلمانان، به ویژه در تاریخ معاصر نقش تعیین کننده ای داشته است و این اصل است که ضامن استقلال سیاسی مسلمانان می باشد. مبارزه با اعطای امتیاز تنباکو توسط میرزای شیرازی و موضع گیری امام خمینی (قدس سرّه) در برابر کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۲ ش، مبتنی بر همین اصل بود و هر دو رهبر نهضت در مبارزه اشان به این اصل تصریح و تأکید نموده اند. بنابراین با توجه به اصل نفی سیل، هرگونه پیمان، معاهده و یا قراردادی که موجب سلطه بیگانه بر کشور اسلامی شود ممنوع می باشد. و رژیم مستبد و دیکتاتوری محمدرضا پهلوی که به سبب عدم جایگاه مردمی، به دول بیگانه وابسته بوده، با دادن امتیازات و بستن قراردادها و معاهده ها، تسلط بیگانگان و آمریکایی ها را بر جامعه اسلامی فراهم نمود. و بنابراین قیام مردم مسلمان ایران علیه رژیم وابسته پهلوی به منظور خروج از زیر سلطه کفار و دولت های استعماری، و عمل به قوانین اسلامی و اصول قرآنی محسوب می شود.

(د) اقامه و توسعه عدل و قسط

در قرآن کریم آمده است که هدف اصلی پیامبران، تربیت انسان ها و تهذیب آنهاست؛ اما شرط لازم آن اقامه قسط و اجرای عدالت است؛ زیرا انتظار پاکی و عبادت خداوند در محیط آلوده و در فضای آکنده از بی عدالتی به منزله کوبیدن بر آهن سرد است. به همین منظور خداوند در قرآن کریم می فرماید: (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...); ۱ همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و بر ایشان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم اقامه عدالت و قسط کنند.

بنابراین یکی از وظایف مسلمانان نیز تلاش در جهت اجرا و گسترش قسط و عدل است و یک مسلمان باید در هر زمانی با بی عدالتی‌ها مبارزه کند. این اصل در مبارزه و جنبش‌های اسلامی در طول تاریخ، یک اصل محوری بوده است.

حضرت علی (علیه السلام) که اولین پیشوای شیعه بوده مظهر و مجسمه عدالت بوده و به خاطر برقراری عدالت کشته شده - قتل فی محرابه لشده عدله - و حضرت مهدی (عج) که آخرین پیشوای شیعه می باشد، هدف حکومت جهانی اش برقراری عدل است «الذی یملاء الارض عدلاً و قسطاً بعدما ملئت ظلماً و جوراً».^(۱)

بدین سبب مردم مسلمان ایران با توجه به این اصل، علیه رژیم ستمگر پهلوی که عامل تبعیض و بیدادگری و مانع ایجاد عدالت در جامعه اسلامی بود، قیام نموده و خواستار نظام مبتنی بر عدالت بودند. پس این اصل قرآنی به عنوان یکی از زمینه های فکری و اعتقادی انقلاب ملت مسلمان ایران علیه رژیم پهلوی محسوب می شود.

ه) تشکیل امت واحده و حکومت واحد جهانی

گرایش به وحدت و یک پارچگی و حاکمیت قانون واحد بر همگان، همواره در میان بشر وجود داشته است. تشکیل سازمان های بین المللی، تدوین منشور ملل متحد، هم چنین پدیده نظم نوین جهانی، نظریه دهکده جهانی، مسئله جهانی شدن و سیاست همگرایی، در همین راستا قرار دارد؛ گرچه طراحان این نظریه ها هدف استعماری و استکباری دارند. قرآن کریم نه تنها مسلمانان را بلکه همه انسان ها را امت واحد می داند و دعوت به وحدت می کند و انسان ها را با وجود عوامل اختلاف انگیز و تمایزها و تفاوت هایی که میان آنها حکمفرماست مجموعه ای همگرا و همگون و متشکل و چون کاروانی منسجم و در حال حرکت به سوی

ص: ۵۷

۱- (۱). دینوری، دلائل الامامه، ص ۲۳۵.

هدف واحد تلقی می کند و او را به یک سازماندهی فراگیر دعوت می نماید؛ (وَ مَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا ...) ۱
همه انسان ها امت واحدی بودند، سپس اختلاف در بین آنها به وجود آمد.

بر اساس این اصل، مسلمانان موظفند تا زمینه تحقق امت واحد و حکومت واحد جهانی را فراهم نموده و با ستمگران و طاغوتیان که مانع این امر هستند به مبارزه برخیزند و انقلاب اسلامی ایران با الهام از این اصل با حکومت طاغوت پهلوی مبارزه نموده و خواستار حکومتی بودند که جامعه اسلامی را به وحدت و یک پارچگی برساند.

(و) مبارزه مداوم بین حق و باطل

مبارزه دایمی بین دو جریان حق و باطل همواره در طول تاریخ بشر بوده است و پیکار بی امان انبیای الهی در مقابل طاغوت زمان خود بر اساس همین اصل بوده است. مبارزه ابراهیم با نمرود، موسی با فرعون و محمد با ابوجهل و ابولهب، در قرآن کریم آمده است:

(... وَ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ * لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ ...)؛ ۲ و خداوند اراده می کند که صدق سخنان حق را ثابت گرداند و از بیخ و بن ریشه کافران را برکند تا حق را محقق و پایدار کند و باطل را محو نماید.

و در آیه دیگر نیز می فرماید:

(... وَ يَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ ...) ۳. خداوند باطل را نابود می کند و حق را پایدار و مستقر می سازد.

این اصل، تابلویی است برای هر مسلمانی که باید در هر زمان و مکان، اهل حق باشد و از حق دفاع کند و برای استقرار حکومت حق بکوشد و با باطل و حکومت باطل مبارزه نماید.

ز) اصل حاکمیت الهی

بر اساس آیه قرآن (... إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ ...) ۱، حق حاکمیت در جامعه بشری از آن خداست و حاکمیت حقی است الهی که از ربوبیت و هدایت خداوندی ناشی می‌گردد. کسانی که از جانب وی مجازند و حق حکومت و زمامداری مردم را دارند، انبیای الهی و امامان معصوم اند و در شرایطی که معصومان (علیهم السلام) در جامعه حضور ندارند، بر عهده کسانی است که دارای شرایطی اند که معصومان (علیهم السلام) از پیش به امر خدا تعیین کرده اند.

لزوم اجرای قوانین اسلامی به خاطر کامل بودن و جاودانه بودن احکام آن و ماهیت احکام اسلامی، نیاز به حکومت اسلامی را ثابت می‌کند که بدون آن احکام اسلامی تحقق پیدا نمی‌کند.

انقلاب اسلامی ایران با الهام از اصل حاکمیت الهی، جهت از بین بردن حاکمیت طاغوت و برقراری حاکمیت الهی و تشکیل حکومت اسلامی شکل گرفت تا قوانین اسلامی در این کشور اجرا گردد.

ح) اصل جهاد و مبارزه در راه خدا

«جهاد» یکی از مهم ترین اصول قرآنی است که مسلمانان با الهام از این اصل، مبارزات علیه ظالمان و ستمگران را در طول تاریخ شکل می‌دادند. خداوند در

قرآن به مسلمانان اجازه داد هر وقت مورد ظلم و تعدی قرار گرفته اند، دست به جهاد و قیام مسلحانه بزنند. (أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا...)؛ اجازه داده شده کسانی که به آنها ظلم شده مبارزه و جهاد کنند.

سراسر زندگی انبیای الهی و معصومان (علیهم السلام) و اولیای خدا جهاد در راه خدا بوده است و انقلاب اسلامی ایران در حقیقت مبارزه و جهاد علیه حکومت ظالم و جابر پهلوی بوده است.

ط (حمایت از مستضعفان و مبارزه با مستکبران

یکی از اصول قرآن در مبارزه، حمایت از مستضعفان در مقابل مستکبران است.

(وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا)؛ ۲ چرا در راه خدا جهاد نمی کنید؟! در صورتی که جمعی ناتوان از مرد و زن و کودک، داریم می گویند بار خدایا! ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون آور و از جانب خود برای ما بیچارگان یآوری قرار ده.

بر اساس این آیه قرآن همه مسلمانان موظفند برای حمایت و دفاع از مستضعفان عالم قیام کنند و به کمک و یاری آنها در مبارزه علیه مستکبران بشتابند. حمایت مردم ایران از مردم مسلمان و بی دفاع بوسنی و هرزگوین، فلسطین و لبنان و افغانستان و تمام جنبش های رهایی بخش دنیا از مسلمان و غیرمسلمان، بر اساس همین اصل قرآنی است. انقلاب اسلامی ایران برای حمایت از مستضعفان و مبارزه با مستکبران شکل گرفته و این اصل را همواره استمرار

خواهد بخشید و از هر نهضت و جنبشی که در عالم علیه ظالمان و ستمگران و مستکبران شکل بگیرد، حمایت و دفاع خواهد نمود.

ی (اصل نظارت همگانی

یکی از مهم ترین خصوصیات مسلمانان که آنان را از دیگر ملت ها متمایز می گردانند، اصل نظارت همگانی است. نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه اش و بازتابی که اعمال دیگران در سرنوشت او دارد و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می کند که وی ناظر و مراقب همه اموری باشد که در اطراف او می گذرد

«كَلِّمَ رَاعٍ وَ كَلِّمَ مَسْؤُولٍ عَنِ رَعِيَّتِهِ» و

«من اصبح و لم يهتّم بأمور المسلمين فليس بمسلم» بر اساس این اصل که تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر از آن یاد می شود، فعالیت سیاسی و اجتماعی هر شخص، جزئی از مجموعه تلاش های زندگی اجتماعی وی می باشد. قرآن کریم ضمن معرفی مسلمانان به عنوان برترین امت، استدلال می کند که شما امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهید و به خداوند ایمان داشته باشید.

(كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ ...) ۱؛ شما بهترین امت هستید، چرا که امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خداوند ایمان دارید.

اهمیت این اصل و نقش آن در سالم نگه داشتن روابط اجتماعی تا آن جاست که این وظیفه پیش از ایمان به خدا بیان شده است.

بنابر این اصل، مسلمانان موظفند از هر گونه انحراف و کجروی در جامعه جلوگیری کرده و در صورت لزوم به جهاد و مبارزه برخیزند. این اصل یکی از

مهم ترین زمینه های فکری و اعتقادی انقلاب اسلامی بوده و استمرار حکومت اسلامی و سالم ماندن جامعه اسلامی از فساد و فحشا به اجرای این اصل بستگی دارد و اگر این اصل ترک بشود دوباره اشرار بر جامعه اسلامی مسلط خواهند شد.

نتیجه گیری

از مطالب و آیات یاد شده نتایج زیر به دست می آید:

۱. قرآن به عنوان قانون انقلاب اسلامی سهم اصلی را در تبیین تفکرات سیاسی مسلمانان و مبارزات آنها داشته است؛
۲. دستورهایی یاد شده تنها یک سری عناوین آرمانی نیستند، بلکه حقایقی اند که قابل اجرا و تحقق اند و مسلمانان باید این دستورات الهی را اجرا کنند یا زمینه تحقق آن را فراهم آورند؛
۳. بسیاری از عناوین یاد شده، یا زمینه ساز تشکیل حکومت اند یا جز با تشکیل حکومت مقتدر اسلامی قابلیت اجرا ندارند و این خود دلیلی بر دخالت دین در امور سیاسی است و این نیز اختصاص به زمان خاصی ندارد؛
۴. از آیات مذکور این نتیجه بنیادی نیز به دست می آید که رسالت قرآن کریم و مقررات اسلام ایجاد محیطی سالم و به دور از هر گونه ظلم و اجحاف و فساد و تباهی است تا در پرتو آن بندگان خدا بتوانند راه کمال را بیمایند؛
۵. تمام اصول یاد شده ریشه های فکری و اعتقادی مسلمانان را شکل می دهد و ملت مسلمان ایران با الهام از این اصول و آیات قرآنی این انقلاب عظیم اسلامی را علیه یکی از حکومت های ظالم، ستمگر، مستبد و وابسته شکل دادند و بر اساس آرمان و تفکرات قرآنی حکومت اسلامی را به وجود آوردند تا معارف اسلامی تبیین و احکام نورانی شریعت اسلامی اجرا گردد.

اشاره

از آن جا که پایگاه و خاستگاه این انقلاب در ایران و مرکز تشیع است؛ لذا مبانی فکری شیعه قطعاً نقش انکارناپذیری در تحقق آن داشته است.

بدون تردید حقیقت و روح تشیع همان اعتقاد به خلافت علی (علیه السلام) و امامت بلافصل آن حضرت و فرزندان معصوم آن بزرگوار است که برخاسته از متن قرآن و بخشی از سنت خداوند در هدایت بشر بود و نیز مولود طبیعی اسلام است. این مطلب با سه تقریب بیان می شود:

الف) نیاز مستمر بشر به هدایت الهی

بشر به اقتضای آفرینش خود (علاوه بر هدایت تکوینی که همه موجودات از آن برخوردارند) نیاز به هدایت تشریحی نیز دارد. خداوند متعال به وسیله قرآن کریم (۱) و تعیین و نصب امام، متکفل برآوردن این نیاز است. در قرآن کریم، ضمن بیان مطالب یاد شده، شرایط امام و فلسفه جعل امامت نیز تصریح شده است.

پرفسور «هانری کرین»، بیان می دارد:

به عقیده من تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهیه را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته و به طور استمرار و پیوستگی ولایت را زنده و پابرجا می دارد. مذهب یهود نبوت را که رابطه ای است واقعی میان خدا و عالم انسانی در حضرت کلیم (علیه السلام) ختم کرده... نصاری در حضرت مسیح (علیه السلام) متوقف شده و اهل سنت از مسلمانان نیز در حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) توقف کرده و تنها تشیع است که نبوت را با حضرت محمد ختم شده می داند، ولی ولایت را که همان رابطه هدایت و تکمیل می باشد، بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می داند... (۲)

ص: ۶۳

۱- (۱). طه، آیه ۵۰.

۲- (۲). سید محمدحسین طباطبایی، ظهور شیعه، ص ۵ و ۶.

پس از آزمودن حضرت ابراهیم (علیه السلام) به انواع امتحانات، خداوند به عنوان بالا-ترین درجه (بالا-تر از مقام نبوت و رسالت) فرمود: (۱) من تو را امام قرار دادم، ابراهیم (علیه السلام) پرسید: از ذرّیه من هم؟ خداوند در پاسخ به ابراهیم نفی مطلق نکرد، بلکه فرمود: عهد من به ستمگران نمی رسد. (۲) بنابراین، تعیین امام بر عهده خداوند است و اختصاص به زمان خاص ندارد. بدیهی است، اگر بناست امامت پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز ادامه پیدا کند کسی جز علی (علیه السلام) چنین شایستگی را ندارد. به عبارت دیگر، امام چون منصوب خداوند است، خداوند نیز می داند چه کسی را به این مقام برگزیند و دلایل مختلف قرآنی و روایی ثابت می کند که علی (علیه السلام) برای این مقام برگزیده شد.

ج) مبهم رها نکردن سرنوشت امت از سوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در شبهه جزیره عربستان نهضتی را پدید آورد که هدف آن تبدیل انسان جاهلی به انسان اسلامی بود. از سویی هر چند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مدّت کوتاه تشکیل جامعه اسلامی در مدینه، موفقیت های چشمگیری کسب کرده بود، اما راه بسیار طولانی بود که قطعاً باید ادامه می یافت. از سویی دیگر، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پیشاپیش، در سال دهم هجری در جریان حجّه الوداع از مرگ خود خبر داد، حال سؤال این است که آیا آن حضرت آینده رسالت و سرنوشت امتش را بلا تکلیف و مبهم گذاشت، یا آن را به تصمیم شورای بزرگان مهاجر و انصار واگذار کرد، یا خود شخصاً به تعیین جانشین پرداخت؟ دلایل مختلف فرض

ص: ۶۴

۱- (۱). سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۷۸.

۲- (۲). بقره، آیه ۱۲۴.

اخیر را ثابت می کنند. فرض اول باطل است، زیرا مبهم گذاشتن آینده رسالت و سرنوشت امت یا ناشی از عدم احساس خطر است یا ناشی از بی تفاوتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به سرنوشت امت اسلامی است و هر دو فرض باطل است.

فرض دوم هم باطل است؛ زیرا اگر بنا بود خلافت به شورا واگذار شود، پیامبر (صلی الله علیه و آله) باید تمرین عملی می داد تا سابقه ذهنی برای مسلمانان ایجاد شود. به ویژه این که تعیین رهبری به صورت شورایی هیچ سابقه ای در آن زمان نداشت.

بنابراین، تنها راه باقی مانده پیش روی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) همان تعیین جانشین پس از خود از طریق انتصاب شد و شیعه جز این نمی گوید؛ از این رو تشیع، استمرار و مولود طبیعی اسلام است. (۱)

۳- تشیع و انقلاب

اشاره

از روزی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) علی و شیعیانش را گروه رستگاران نامید (۲) و مبارزانی همچون سلمان، مقداد، ابوذر، عمار، حجر بن عدی و دیگران، به نام شیعه و پیروان علی (علیه السلام) شهرت یافتند، تشیع به صورت مکتبی انقلابی، پرچم رسالت خونبار جهاد و مبارزه علیه ظلم و خودکامگی را بر دوش گرفت. و متقابلاً حکام مستبد نیز پیوسته در صدد نابودی و قلع و قمع شیعیان بوده اند، تا آن جا که امروز کمتر جایی را می توان یافت که شهیدی از سلاله امام حسن مجتبی (علیه السلام) امام زین العابدین (علیه السلام)، امام کاظم (علیه السلام) و دیگر ائمه (علیهم السلام) در آن دفن نشده باشد. چنانچه از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است:

ص: ۶۵

-
- ۱- (۱). سید محمدباقر صدر، تشیع مولود طبیعی اسلام، ترجمه علی حجتی کرمانی، ص ۲۱ و ۸۰.
 - ۲- (۲). سیوطی، جلال الدین، درالمنثور، ذیل آیه *أُولَئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ*؛ از پیامبر (صلی الله علیه و آله) آورده است: والذی نفسی بیده انّ هذا و شیعتہ هم الفائزون یوم القیمه.

شیعیان ما در هر شهر و دیاری کشته می شوند و دست ها و پاهایشان به خاطر گمانی بریده می شود و هر کس یادی از دوستی ما کند یا زندانی می شود یا مالش به تاراج می رود یا خانه بر سرش خراب می شود. (۱)

به هر تقدیر، انقلاب اسلامی در کشوری به وجود آمده است که از یک سو مرکز رقابت های قدرت های استعماری شرق و غرب بوده و از جانب دیگر، مرکز شیعیان و پیروان اهل بیت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می باشد که خود از خصوصیات برخوردارند که پیوسته بالنده بانشاط و در صحنه های سیاسی فعال تر از پیروان دیگر مذاهب اسلامی می باشند، لذا بدون آشنایی با ویژگی های تشیع، دستیابی به زمینه های فکری انقلاب اسلامی دشوار خواهد بود.

ویلیام وات (نویسنده غربی) در این زمینه چنین می گوید:

اندیشه سیاسی در ایران از تشیع متأثر است و بدون شناخت آن نمی توان به زمینه های فکری این انقلاب دست یافت. قیام امام حسین (علیه السلام)، اعتقاد به امامت و مسئله انتظار، از جمله ویژگی های تشیع اند که در اندیشه سیاسی شیعه، نقش مهمی ایفا می کنند. (۲)

تدا اسکاچپول نیز در این باره می گوید:

اسلام شیعه هم از نقطه نظر سازمانی و هم از لحاظ فرهنگی، برای ایجاد انقلاب ایران علیه شاه، نقش حیاتی را به عهده داشت. روحانیون رادیکال شده که تابع آیت الله خمینی (قدس سره) بودند، عقاید سیاسی ای را تبلیغ می کردند که شاه را زیر سؤال می برد. سپس شبکه ها، روش های اجتماعی و اسطوره های اصلی شیعه به ایجاد هماهنگی در نهضت توده ای شهری، و خلق اراده اخلاقی در آن برای مقاومت در مقابل اختناق و سرکوب مسلحانه، کمک نمودند. همه اینها بدین معنا بود که یک بخش بسیار سنتی از زندگی ایران ارایه کننده منابع سیاسی حیاتی

ص: ۶۶

۱- (۱). ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۵.

۲- (۲). جمعی از نویسندگان، مآخذشناسی انقلاب اسلامی، چاپ معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، ص ۵۵.

برای شکل دادن به یک نهضت انقلابی با چهره بسیار مدرن بود. (۱)

«حامد الگار» در کتاب انقلاب اسلامی در صدد اثبات پیوستگی فکری انقلاب با مکتب تشیع است و از این نظر انقلاب ایران را دارای ریشه عمیق می‌داند. بنابراین مکتب تشیع نقش اساسی را در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران ایفا نموده است. اما نکته مهم آن است که چه خصوصیات و ویژگی‌هایی در مکتب تشیع وجود دارد که همواره این مکتب و پیروان آن را در طول تاریخ در یک وضعیت انقلابی قرار می‌دهد؟ در قسمت بعدی به این بحث خواهیم پرداخت.

مهم‌ترین خصوصیات و ویژگی‌های تشیع

اشاره

«یکی از ویژگی‌های ذاتی تشیع، از آغاز تا کنون، مقاومت و قیام در برابر دیکتاتوری و ظلم است که در تمامی تاریخ شیعه به چشم می‌خورد». (۲)

در این قسمت به مهم‌ترین خصوصیات و ویژگی‌های مکتب شیعه می‌پردازیم که در حرکت‌های سیاسی و روحیه انقلابی پیروان این مکتب، در طول تاریخ مؤثر بوده است. در نتیجه این روحیات و ویژگی‌ها در سرزمینی مثل ایران - که بیش از ۹۰٪ از جمعیت آن معتقد به این مکتب هستند - تأثیر بسزایی داشته است و از بُعد اعتقادی و اندیشه سیاسی نیز انگیزه بسیاری از قیام‌ها و مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری در تاریخ گذشته کشور و به خصوص در تاریخ معاصر و به ویژه حرکت انقلاب اسلامی ایران بوده است.

الف) اصل امامت

اساسی‌ترین خصوصیت تشیع، اعتقاد به اصل امامت است. در فرهنگ سیاسی

ص: ۶۷

۱- (۱). مقاله دولت تحصیل‌دار و اسلام شیمی در انقلاب ایران، ص ۲۰۵.

۲- (۲). صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۸۸.

اسلام امامت به آن نوع سیاست و رهبری گفته می‌شود که براساس ایدئولوژی الهی و متکی بر وحی، براساس موازین و ارزش‌های اسلامی، کلیه روابط انسانی را در بر می‌گیرد و بنیادها، نهادها، روابط اجتماعی، آرا و عقاید، فرهنگ، اخلاق، بینش‌ها، سنت‌ها، خواسته‌ها و به طور کلی ارزش‌ها و همه و همه در راه تعالی و رشد فرد و جامعه هدایت می‌شوند و امام نیز به انسان کاملی گفته می‌شود که علاوه بر آن که خود از همه بندها رهیده، ساربان کاروان حرکت انسانی باشد و امت را از آن چنان نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و... برخوردار سازد که برای تحوّل و تکامل هرچه بیشتر و سریع‌تر طبق موازین الهی آماده گردد. بدین سان رهبری در نظام امامت دارای بار اعتقادی و انقلابی بوده و با سکون و ایستایی سازگار نیست.

لذا به عقیده شیعه هر حکومتی که در رأس آن امام معصوم یا نایب آن (فقیه عادل) نباشد، غاصب و ظالم است و هم‌چنان که امامان معصوم (علیهم‌السلام)، خود در برابر حکومت‌های غاصب ایستادند و مبارزه کردند، شیعیان نیز با تبعیت از سیره امامان خود در مقابل همه حکومت‌های ظالم و جائز می‌ایستند و این اصل و اعتقاد است که پیوسته شیعه را به اعتراض و جبهه‌گیری در برابر گروه حاکم و می‌دارد. و به همین دلیل، شیعه در طول تاریخ، به طور مداوم در یک جریان و وضعیت انقلابی به سر می‌برد و قیام مردم ایران علیه رژیم غاصب پهلوی نیز در همین راستا قرار دارد.

(ب) اصل تقیه و رازداری

شیعه در طول تاریخ با شیوه رازداری و تقیه سخت‌ترین شرایط را تحمل کرده و در برابر طوفان‌های سهمگین، با گذشتن از گذرگاه شهادت همواره قد بر افراشته

است. تقیه و پوشش دادن به شکل مبارزه، از چنان اهمیتی برخوردار است که در روایات اسلامی از آن به عنوان اساس دین و علامت دین داری یاد شد و فاش کردن اسرار ائمه (علیهم السلام) مورد لعنت قرار گرفته است.

علت این که تقیه به عنوان یکی از خصوصیات شیعه مطرح شده است اولاً، فشارها و تهدیدهایی است که از سوی حکومت ها علیه شیعه و به منظور نابودی و قلع و قمع آنان صورت می گرفت که آنان ناچار به اختفای عقیده خویش و استتار آن بودند. ثانیاً، شیعه از همان آغاز به تبعیت از رهبران خود حکام را غاصب دانسته و مبارزه با ظلم و ستم را سرلوحه برنامه خود قرار داده بود؛ چنان که امام خمینی (قدس سرّه) فرمود:

یکی از خصلت های ذاتی تشیع از آغاز تاکنون مقاومت و قیام در برابر دیکتاتوری و ظلم است که در تمامی تاریخ شیعه به چشم می خورد. (۱)

پیدا است هر مبارزه ای نیاز به استتار و پوشش دارد که همان تقیه است. البته حکم تقیه با توجه به شرایط سیاسی و خطر جانی و مالی فرق می کند. هر گاه برای اظهار نظر و دفاع در مورد احکام فرعی، خطر مالی، یا جانی یا عرضی داشته باشد، تقیه واجب است؛ و اما اگر اساس دین در خطر باشد، تقیه حرام است و باید با نثار جان از دین دفاع کرد؛ چنانچه امام حسین (علیه السلام) قیام نمود و امام خمینی (قدس سرّه) هم در این زمینه می فرماید:

تقیه مربوط به فروع است؛ لذا اگر اصول و حیثیت اسلام در خطر باشد، تقیه حرام است. (۲)

از این رو اصل تقیه به عنوان یکی از اصول فکری و ایدئولوژی مکتب تشیع در مبارزه علیه ظالمان و ستمگران می باشد.

ص: ۶۹

۱- (۱). همان.

۲- (۲). امام خمینی (قدس سرّه)؛ حکومت اسلامی، ص ۲۰۰.

اندیشه دولت واحد و اعتقاد به ظهور یک منجی جهانی یکی از آرمان های بشر بوده و هست. یهودیان، زرتشتیان، هندویان، برهمنیان، ارمنیان، چینیان و مصریان در عهد باستان چنین اعتقادی داشته اند. (۱) در غرب نیز چنین اندیشه ای به صورت های مختلف وجود داشته و دارد؛ هم به صورت اعتقاد به یک مهدی وجود داشته - به طوری که تاکنون عده ای ادعای مهدویت کرده اند - (۲) هم به صورت فلسفی خود را نشان داده است. و بنابراین اندیشه دولت واحد و آرمان بشری به صورت یک تلاش علمی و سازمان یافته در اعلامیه جهانی حقوق بشر، یا تشکیل سازمان ملل متحد توجیه پذیر است. (۳)

امام خمینی (قدس سره) پس از بیان این نکته که هدف مشترک همه پیامبران اجرای عدالت در سراسر عالم است، می فرماید:

قضیه غیبت مسائلی را به ما می فهماند، از جمله آن که تاکنون در میان بشر کسی نبوده که عدالت واقعی را در تمام دنیا اجرا کند و خداوند مهدی موعود (عج) را ذخیره کرده است برای یک همچون رسالتی. (۴)

نقش انتظار

انتظار یکی از حالات نفسانی است که هم می تواند سازنده باشد و هم مخرب، برخی با استناد به حدیث معروف

«یملأ الله به الأرض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» همه اصلاحات و فعالیت های سازنده قبل از ظهور را محکوم به

ص: ۷۰

۱- (۱). آیه الله ناصر مکارم شیرازی، مهدی، انقلابی بزرگ، قم، هدف، ص ۵۳ - ۵۸.

۲- (۲). همان، ص ۱۲۰ - ۱۲۱.

۳- (۳). سید خلیل خلیلیان، حقوق بین الملل اسلامی، انتشارات اسلامی، ص ۱۱۲ - ۱۱۳.

۴- (۴). آیین انقلاب، گزیده اندیشه و آرای امام خمینی (قدس سره)؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).

شکست می دانند و می گویند: ما نه تنها نباید در ایجاد اصلاح بکوشیم، بلکه وظیفه داریم زمینه ظهور را با دامن زدن به انحرافات و فحشا آماده کنیم؛ در حالی که چنین برداشت و تفکری خلاف مسلمات اسلام است؛ چون مسئله امر به معروف و نهی از منکر با این عقیده در تعارض است. به علاوه این روایت سند صحیحی ندارد که امامی می آید که دنیا را با توحید و معنویت پر می کند، بعد از آن که با کفر و فحشا پر شده باشد، بلکه می گوید: پر از عدل و داد می کند، پس از آن که پر از ظلم و جور شده است، پیداست ظلم و جور در جایی مطرح است که مظلومانی وجود داشته باشند. (۱) به هر تقدیر، نقش سازنده انتظار را می توان به وجوه ذیل بیان نمود:

-اعتراض دائمی، خودسازی و همیاری اجتماعی:

انتظار به حالت کسی گفته می شود که از وضع موجود ناراضی و برای ایجاد وضع بهتر تلاش می کند، از این رو، انتظار، مرکب از دو عنصر سلبی و ایجابی است، عنصر سلبی عبارت از نارضایتی از وضع موجود و تلاش به منظور از بین بردن آن و ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد است. و عنصر ایجابی عبارت است از خودسازی فردی، همیاری اجتماعی و جلب آمادگی های جسمی و روحی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن حکومت واحد جهانی امام زمان (عج).

استاد جلال آل احمد در این زمینه می گوید:

به اعتقاد شیعه تنها امام غایب شایستگی حکومت دارد و لذا شیعه در مقابل دیگر حکومت ها نه تنها الزامی در اطاعت از آنها ندارد، بلکه همواره آنان را غاصب و ستمگر می داند. (۲)

ص: ۷۱

۱- (۱). مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی، انتشارات صدرا، ص ۶۲ - ۶۸.

۲- (۲). جلال آل احمد، در خدمت و خیانت روشن فکران، بینا، ص ۶۵.

هم چنین پروفیسور «روژه گارودی» محقق شهیر فرانسوی می گوید:

در ایران شیعی، امام زمان (عج) یعنی کسی که همه مؤمنان را رهبری می کند، غایب است، مفهوم امام غایب خود در بر دارنده اصل اعتراض دایمی سیاسی است و با این اصل، تشیع همواره نقش ضد قدرت را ایفا می کند. (۱)

-ایجاد امید و حل نشدن در محیط فساد:

زندگی بدون امید، محکوم به مرگ است و هیچ حرکتی در آن صورت نمی گیرد. انتظار، ایجاد امید می کند و در نهایت حرکت و جنبش را در پی دارد؛ لذا منتظران فرج، هر چند در اقلیت باشند - نه آن که همه افراد بشر فاسد شده باشند - به دلیل امیدی که دارند، نه تنها جذب محیط و مرعوب ستمگران نمی شوند، بلکه برای ایجاد وضع بهتر تلاش می کنند.

دکتر «طولوزان» (پزشک مخصوص ناصرالدین شاه) در جریان نهضت تنباکو می گوید:

ما در این نهضت (تنباکو) درست فهمیدیم که معنی و مقوله فرج چیست و این چنین امری چگونه به وقوع خواهد رسید. (۲)

د) قیام امام حسین (علیه السلام) و مکتب عاشورا

قیام امام حسین (علیه السلام) علاوه بر آن که درس بزرگی به همه آزادی خواهان جهان داده، انسان های بی شماری با الهام از این قیام فداکاری کردند و نهضت های گسترده ای را ترتیب داده اند؛ چنانچه گاندی مصلح بزرگ و پیشوای رهایی هند در برابر حسین (علیه السلام) و عاشورای پر افتخارش تعظیم می کند و خطاب به مردم هند می گوید:

ص: ۷۲

۱- (۱). علی آل اسحاق خوئینی، اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، ج ۱، ص ۱۷۴.

۲- (۲). علی اکبر ولایتی، مقدمه فکری نهضت مشروطیت، ص ۱۳۳.

مردم هند! من برای شما چیز تازه ای نیاورده ام، تنها نتیجه ای را که از مطالعات و تحقیقاتم درباره تاریخ زندگی قهرمانان کربلا- دریافت داشتم ارمغان ملت هند کردم... بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد بایستی از سرمشق حسین (علیه السلام) پیروی کند. (۱)

بزرگداشت این قیام در ایام عاشورا نیز، یک مکتب دائمی و همگانی تعلیم و تربیت است. که هر سال میلیون ها انسان به طور داوطلبانه و بدون هیچ گونه تشریفاتی در این بزرگداشت شرکت می کنند و برای مظلومیت آن امام، اشک می ریزند. گویندگان به تبیین مسائل دینی، سیاسی و اجتماعی مسلمانان می پردازند و این مسئله همواره حضور شیعه را در صحنه های مختلف حفظ می کند.

تأثیر قیام امام حسین (علیه السلام) و بزرگداشت عاشورا در قیام ملت ایران و اسقاط رژیم شاه بر کسی پوشیده نیست. محرم سال ۱۳۴۲ شمسی و سخنرانی حماسی و تاریخی امام در عصر عاشورای آن سال، به ظهور و گسترش نهضت منتهی شد؛ چنانچه راهپیمایی های میلیونی عاشورا و تاسوعای ۱۳۵۷ بود که عملاً رژیم شاه را سرنگون کرد.

تدا اسکاچپول، نظریه پرداز معروف علوم سیاسی و متخصص مسائل انقلاب، درباره نقش و تأثیر قیام امام حسین (علیه السلام) و عاشورا در وقوع انقلاب اسلامی ایرانی می گوید:

اسطوره بنیادین تشیع، داستان شهادت مشتاقانه امام حسین (علیه السلام) به دلیل موجه مقاومت علیه خلیفه غاصب (یزید) است... اسطوره امام حسین (علیه السلام) چارچوبی برای برچسب و واکنش علیه شاه مورد استفاده قرار گرفت و شاه برچسب «یزید خودکامه و شیطان زمان حاضر» را از آن خود نمود... هم چنین این نکته حایز اهمیت است که ایرانیان، حتی در خارج از مرزهای

ص: ۷۳

بین مؤمنان و غیرمؤمنان می توانستند با یکدیگر متحد گردند؛ زیرا اسلام شیعه و یک رهبری اخلاقی علناً سازش ناپذیر، یک کانال ملی بومی را برای ابراز اپوزیسیون مشترک علیه پادشاهی که به خارجیان بیش از حد نزدیک بود، فراهم آورده بود، حتی ایرانیان غیر مذهبی می توانستند تحت چنین لوایی گرد آیند و آن ایرانیان که مذهبی و مؤمن بودند، می توانستند در اسطوره حسین جنبه الهام بخش شهادت برای مبارزه با اختناق و ظلم را بیابند. (۱)

ه) اصل ولایت فقیه و مرجعیت

از آن جا که مکتب اسلام اختصاص به زمان معین ندارد و در زمان غیبت نیز، دسترسی به امام معصوم (علیه السلام) و رفع مشکل دینی و سیاسی از این طریق ممکن نیست، لذا همان بزرگواران فقها را به مردم معرفی کردند تا مردم در حوادث دهر و شرایط روزگار بتوانند احکام اسلام را از فقهای آگاه به شرایط زمان و مکان و آشنا به منابع شرعی دریافت کنند؛ چنانچه امام صادق (علیه السلام) فقها را مرجع و حاکم مردم قرار داده است. از سویی دیگر، بر اساس بینش اسلامی و نظام امامت، این مقام در زمان غیبت بر عهده فقیهان جامع شرایط است و مردم و هم چنین سایر فقها موظفند به فرمان فقیه که همان فرمان امام معصوم و خداوند است گردن نهند. یکی از دستگیره های شیعه در تاریخ معاصر که پیوسته آنان را در برابر انواع دسیسه های استعمارگران حفظ کرده و در جریان پیروزی انقلاب و پس از آن نیز ملت ایران از برکات آن بهره مند شده است، مسئله مرجعیت تقلید و به ویژه ولایت فقیه می باشد. حکم تحریم میرزای شیرازی که استعمار انگلیس را به زانو در آورد در همین راستا بود. بنابراین، با توجه به اهمیت و جایگاه رهبری در اندیشه اسلامی و نقش نهاد مرجعیت و رهبری فقیه در عصر غیبت، بی تردید

ص: ۷۴

یکی از ارکان انقلاب اسلامی چه قبل و چه بعد از پیروزی آن رهبری بوده است؛ لذا شخصیت برجسته رهبری انقلاب (امام خمینی (قدس سرّه) به عنوان مرجعیت تقلید، همراه با مقبولیت مردمی و دیدگاه پویای ایشان از اسلام، نقش اساسی در پیروزی انقلاب داشت. امام خمینی (قدس سرّه) با توجه به جایگاه مرجعیت دینی و ولایت فقیه که داشت توانست یک بسیج سیاسی ایجاد بکند و مردم نیز از این منظر فرمان او را به عنوان رهبری سیاسی و مرجع دینی اطاعت می کردند.

نتیجه گیری

انقلاب ملت ایران که در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، یک انقلاب اسلامی بود؛ یعنی محرک اصلی انقلاب اسلامی از متن اعتقادات دینی مردم بود و این حرکت را بر اساس تکلیف شرعی و دینی انجام دادند. برای این که بتوانیم این مطلب را ثابت کنیم، این مطلب را از دو جهت پی گیری نمودیم. یکی این که قرآن، کتاب قانون انقلاب اسلامی ایران بوده و اصول و آیات قرآنی الهام بخش مردم در مبارزه علیه رژیم ظالم و ستمگر پهلوی بوده است. و در این راستا به اصولی از قرآن کریم استناد شد که این اصول همواره در طول تاریخ مسیر مبارزه و حرکت مسلمانان را روشن نموده است. ظلم ستیزی، خلافت اللّهی، نفی سبیل، اقامه و توسعه عدل و قسط، تشکیل امت واحد و حکومت واحد جهانی، مبارزه مداوم حق و باطل، حاکمیت الهی، جهاد در راه خدا، حمایت از مستضعفان و مبارزه با مستکبران و اصل نظارت همگانی، برخی از آن اصولی است که قرآن کریم برای پیروان خود ترسیم نموده هنگام قرار گرفتن که در شرایط خاص سیاسی و اجتماعی، به تکالیف خود عمل کنند. از آن جایی که این انقلاب در کشور شیعی به وجود آمد، قطعاً تفکرات شیعی در وقوع انقلاب نقش بسزایی داشته است و

نظریات بعضی از دانشمندان علوم سیاسی در این خصوص که ذکر شد قابل توجه و دقت است. مکتب تشیع دارای ارکانی است از جمله: امامت، تقیه، انتظار، قیام امام حسین (علیه السلام) و اصل ولایت فقیه و مرجعیت که این اصول همیشه شیعیان را در یک وضعیت انقلابی قرار می دهد و آنها را به مبارزه علیه طاغوت زمان و غاصبان حکومت دعوت می کند. بنابراین، رهنمودهای قرآن و تفکرات شیعه که از متن قرآن گرفته شده راهنمای مبارزه ملت ایران علیه رژیم پهلوی بوده است.

۱. مهم‌ترین ویژگی انقلاب اسلامی ایران چیست؟
۲. انقلاب‌ها از نظر ماهیت به چند دسته تقسیم می‌شوند؟
۳. ریشه‌های عقیدتی انقلاب اسلامی در قرآن کریم را نام ببرید.
۴. اصل ظلم زدایی را تشریح کنید.
۵. اصل خلافت الهی یعنی چه؟
۶. اصل نفی سبیل را توضیح داده و دو نمونه از قیام‌هایی که در طول تاریخ معاصر با استناد به این اصل شکل گرفته را نام ببرید.
۷. عدالت خواهی یکی از زمینه‌های عقیدتی ملت ایران در انقلاب بود آن را توضیح دهید.
۸. اصل تشکیل امت واحد و حکومت واحد جهانی را توضیح دهید.
۹. انقلاب اسلامی را در پرتو اصل قرآنی «مبارزه مداوم بین جریان حق و باطل» توضیح دهید.
۱۰. اصل حاکمیت الهی چیست؟
۱۱. اصل جهاد و حمایت از مستضعفان و مبارزه با مستکبران را شرح دهید.
۱۲. اصل نظارت همگانی چیست و نقش آن را در انقلاب اسلامی تبیین کنید.
۱۳. بالاترین معروف و منکر که امام حسین (علیه السلام) برای آن قیام کرد و انقلاب اسلامی نیز برای آن به وجود آمد چیست؟
۱۴. از مجموع اصول قرآنی چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟
۱۵. حقیقت و روح تشیع چیست؟
۱۶. چرا پروفیسور هانری کربن شیعه را یک مکتب پویا و زنده می‌داند؟
۱۷. تعیین و نصب امام بر عهده چه کسی است؟
۱۸. آیا پیامبر (صلی الله علیه و آله) سرنوشت رسالت خویش را مبهم رها کرد؟ فرض‌های مختلف را بررسی کنید.

۱۹. به نظر ویلیام وات ویژگی های تشیع چیست؟

۲۰. دیدگاه تدا اسکاچپول در مورد نقش مکتب تشیع در وقوع انقلاب اسلامی ایران را بنویسید.

۲۱. مهم ترین خصوصیات و ویژگی های تشیع که در وقوع انقلاب ها و قیام های شیعی در طول تاریخ نقش مؤثر داشته است را بنویسید.

۲۲. جایگاه اصل امامت را در قیام ها و انقلابات شیعی تحلیل کنید.

۲۳. موضع گیری کلی امامان معصوم (علیهم السلام) در برابر قدرت های حاکم زمان خود را بنویسید.

۲۴. تقیه چیست؟ و جایگاه آن کجاست؟

۲۵. چرا تقیه به عنوان یکی از خصوصیات شیعه مطرح شده است؟

۲۶. انتظار فرج را به عنوان یک آرمان بشری توضیح دهید.

۲۷. نقش سازنده انتظار را بنویسید.

۲۸. تأثیر قیام امام حسین (علیه السلام) را در قیام ملت ایران بررسی کنید.

۲۹. نقش قیام امام حسین (علیه السلام) در انقلاب اسلامی ایران را از دیدگاه تدا اسکاچپول بنویسید.

۳۰. جایگاه اصل ولایت فقیه و مرجعیت را در مکتب شیعه بنویسید.

۳۱. نقش اصل رهبری و مرجعیت در انقلاب اسلامی را بیان کنید.

در فصل پیش روشن شد که اسلام و مذهب تشیع در بطن خود مایه های انقلابی و جهادی دارند و انقلاب اسلامی نیز از این زمینه و بستر آماده بهره مند بوده است. بخش قبلی اثبات وجود نظریه انقلاب و جواز طغیان علیه حاکم ظالم در اسلام و مکتب تشیع بود که می توان آن را مبانی نظری، یا زمینه های مکتبی و عقیدتی انقلاب اسلامی دانست. اما در کنار اینها، باید به ریشه ها و زمینه های تاریخی این قیام هم توجه کرد. بر این اساس در این فصل، به عنوان ریشه های تاریخی و سوابق تجربی انقلاب اسلامی باید به برخی از مهم ترین جنبش ها و انقلاب های سیاسی - اجتماعی ملت ایران اشاره کرد و از آن جایی که امکان بررسی همه قیام ها و جنبش ها در تاریخ گذشته این ملت وجود ندارد، تنها به مهم ترین قیام ها و انقلاب های ایران در دوره معاصر بسنده می کنیم که به طور عمده عبارتند از: جنبش اصلاحی سید جمال الدین اسد آبادی، جنبش تنباکو، جنبش مشروطیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت. در مورد این جنبش ها ذکر این نکته ضروری است که بررسی و تحلیل جزئیات وقایع و مسائل آنها مد نظر نبوده، بلکه فقط به برخی از وجوه

و ابعاد آنها که ارتباط با انقلاب اسلامی دارد و می تواند به عنوان ریشه انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گیرد می پردازیم.

امام خمینی (قدس سره) درباره تأثیر این جنبش ها در انقلاب اسلامی می گوید:

در صد سال اخیر حوادثی اتفاق افتاده است که هر کدام در جنبش امروز ملت تأثیری داشته است، انقلاب مشروطیت، جنبش تنباکو و... قابل اهمیت فراوان است. (۱)

و مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه ای نیز در این باره می گوید:

ما در حدود صد سالی که درگیری های گوناگون با استعمارگران داشته ایم، هر یک از آن موفقیت ها و شکست ها در ذهنتی ملی ما و در خاطره عمومی مردم ما یک اثری گذاشته و یک ملت جدای از آن ذهنتیات گذشته و تجربیات اندوخته شده دیرین وجود ندارد. (۲)

بنابراین تردیدی نیست که این قیام ها و جنبش های تاریخی در بیداری ملت ایران نقش بسزایی داشته و در وقوع انقلاب اسلامی ایران تأثیرات عمده ای داشته است؛ و لذا ما از این زاویه به بررسی اجمالی آنها می پردازیم.

۱- اندیشه های سیاسی و اصلاحی سید جمال الدین اسد آبادی

هجوم گسترده و همه جانبه استعمار غربی به جهان اسلام در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی که هم دارای جنبه های فکری فرهنگی و اجتماعی و ارزشی بود و هم دارای جنبه های سیاسی نظامی و اقتصادی، با توجه به زمینه های ضعف و عقب ماندگی فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مسلمانان، منجر به پیدایش و بروز واکنش های مختلفی از جانب اقشار گوناگون جامعه اسلامی، اعم از سیاستمداران، علما، روشن فکران و متفکران گردید. دسته بندی این واکنش ها در برخورد با مسئله غرب و تمدن جدید

ص: ۸۰

۱- (۱). صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۸۸.

۲- (۲). آیت الله خامنه ای، مجله پیام انقلاب، بهمن ۱۳۶۱.

غربی، در جهت شناخت بهتر و ارزیابی دقیق ترشان بسیار ضروری است.

غرب و تمدن جدید غربی با دو رویه و دو چهره، یکی رویه و چهره فرهنگی و علمی، با تفکر جدید و دانش و تکنولوژی و دیگر رویه و چهره استعماری و استثماری و صلیبی جدید، با سیاست و نظامی گری، اقتصاد و صنعت و بازرگانی و قدرت شیطانی و استکباری، وارد جهان اسلام شد و مسلمانان بلاد را با مسائل عدیده ای مواجه ساخت. اجمالاً موضع گیری ها و واکنش های مسلمانان نسبت به مسئله غرب و تهاجم تمدن جدید غربی را می توان به دو نوع یا دو جریان دسته بندی کرد:

۱. پیروی از تمدن غرب و غرب گرایی

۲. احیای تفکر دینی و غرب ستیزی

از دیدگاه رهبران جریان دوم، مسئله اقتباس از تمدن غرب، در زمینه علوم و فنون و پیشرفت های علمی و صنعتی در چارچوب احیای تفکر دینی - که یکی از ارکان اساسی آن اصل اجتهاد بود - و از روی شناخت و تشخیص، جهت رشد و تقویت بنیه عمومی جامعه اسلامی و به قصد حفظ و توسعه قدرت و سیادت مسلمانان، با همان انگیزه غرب ستیزی، ممکن و ضروری می نمود.

سرسلسله و بنیان گذار این جریان در قرون اخیر، سید جمال الدین اسد آبادی بود. استاد مطهری در این باره:

بدون تردید سلسله جنبان نهضت های اصلاحی صد ساله اخیر، سید جمال الدین اسد آبادی معروف به افغانی است. او بود که بیدار سازی را در کشورهای اسلامی آغاز کرد و دردهای اجتماعی مسلمانان را با واقع بینی خاصی بازگو نمود، راه اصلاح و چاره جویی را نشان داد... نهضت سید جمال هم فکری بود و هم اجتماعی. (۱)

اندیشه های سیاسی و اصلاحی سید جمال شامل دو بخش عمده می باشد: دردها

ص: ۸۱

۱- (۱). مرتضی مطهری، نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۱۳ و ۱۴.

و درمان ها. سید جمال به خاطر مسافرت های متعددی که به کشورهای جهان اسلام نمود و از نزدیک به اوضاع فرهنگی - سیاسی و اقتصادی آشنا شد، مشکلات جوامع اسلامی و علل انحطاط مسلمانان را در موارد ذیل مطرح نمود:

۱. ترک فضایل اخلاقی و رسوخ اوصاف رذیله؛

۲. فاصله گرفتن از اسلام اصیل و اولیه و نفوذ خرافات و بدعت ها و عقاید مسلمانان؛

۳. استبداد داخلی: سید یکی از مهم ترین و مزمن ترین دردهای جامعه اسلامی و موانع راه رشد و تعالی مسلمانان را استبداد داخلی می دانست؛

۴. استعمار خارجی: استعمار خارجی به کمک استبداد داخلی از بزرگ ترین علل و عوامل ضعف و تفرقه و از عوامل عمده پیشرفت و اتحاد مسلمانان می باشد؛

۵. جهل و بی خبری و عقب ماندگی در علوم و فنون؛

۶. از خود بیگانگی و خود باختگی در برابر غرب و غربزدگی؛

۷. فرقه گرایی، تفرقه و جدایی میان مسلمانان و مذاهب اسلامی و هم چنین میان علما و زمامداران. (۱)

سید چاره دردهایی که تشخیص داده بود را در امور ذیل می دانست:

۱. کسب فضایل اخلاقی و تحکیم مبانی تربیتی و فرهنگی جامعه اسلامی؛

۲. مبارزه با استبداد داخلی و خودکامگی مستبدان؛

۳. مجهز شدن به علوم و فنون جدید؛

۴. بازگشت به اسلام نخستین و دور ریختن خرافات و پیرایه ها و ساز و

ص: ۸۲

۱- (۱). سید احمد موثقی، استراتژی وحدت در اندیشه مسلمین، ص ۲۹۸ - ۳۱۲؛ محمد طباطبایی، نقش سید جمال در بیداری مشرق زمین، ص ۹۴ - ۱۱۰.

برگ هایی که به اسلام در طول تاریخ بسته شده است.

۵. مبارزه با استعمار خارجی اعم از استعمار سیاسی که در مسایل داخلی کشورهای اسلامی دخالت می کرد و استعمار اقتصادی که منجر به کسب امتیازات ظالمانه و غارت کردن منابع مالی و اقتصادی جهان اسلام می شد و استعمار فرهنگی که به نوعی فرهنگ زدایی از نظر فرهنگ اسلامی می پرداخت

۶. اتحاد اسلام؛ ظاهراً ندای اتحاد اسلام را در برابر غرب اولین بار سیدجمال بلند کرد. منظور از اتحاد اسلام، اتحاد مذهبی که امری غیرعملی است، نبود، بلکه منظور اتحاد جبهه ای و سیاسی بود؛ یعنی تشکیل صف واحد در مقابل دشمن غارتگر؛ (۱)

۷. دمیدن روح پرخاشگری و مبارزه و جهاد به کالبد نیمه جان جامعه اسلامی؛

۸. مبارزه با خود باختگی در برابر غرب.

۲- جنبش تنباکو

اشاره

در نیمه دوم قرن نوزدهم، حوادث و اتفاقاتی در ایران رخ داد که چهره آینده کشور اسلامی را تا حدودی متحول و دگرگون کرد. هر یک از این حوادث، برگ های زرینی در صفحات تاریخی این مرز و بوم به وجود آورد که هر کدام درخشندگی خاص خود را دارند. همان طور که قبلاً از رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (قدس سره) نقل شد، در صد سال اخیر حوادثی اتفاق افتاده است که هر کدام در جنبش امروز ملت تأثیر داشته است. انقلاب مشروطه، جنبش تنباکو و... قابل اهمیت فراوان است. بنابراین، جنبش تنباکو از یک سو، اولین تجربه مبارزه با ماهیت اسلامی، علیه استعمار بود و از سوی دیگر، در اوج استبداد داخلی پادشاهان قاجار

ص: ۸۳

۱- (۱). نقش سیدجمال در بیداری مشرق زمین، ص ۷۷ - ۱۲۸.

(ناصرالدین شاه) به وقوع پیوست و پرده ظلمانی ترس و وحشت را از دل ملت‌ی که شاهد چپاول و غارت ثروت‌های مادی و معنوی خود بود، بیرون انداخت. در نتیجه، این قیام امت اسلامی به رهبری مرجع بزرگ، آیت الله العظمی میرزا حسن شیرزای علیه توطئه مشترک داخلی و خارجی، ضربه محکمی به پیکر استبداد داخلی و استعمار خارجی وارد کرد، تا امتیازی که نفوذ کفار را در کشور اسلامی ایران توسعه می‌داد، لغو کنند. حمایت بی دریغ و همه‌جانبه مردم ایران از حکم عالمی بزرگ، ثابت نمود که اسلام و روحانیت نفوذ عمیقی در دل‌های مردم مسلمان ایران داشته و قادر به مقاومت در مقابل هر توطئه‌ای می‌باشند. به هر حال قیام اسلامی تنباکو را می‌توان اولین نهضت بیداری مردم ایران برای به دست آوردن حقوق خود از بیگانگان و استبداد پادشاهان ایران دانست که خود طلیعه نهضت مشروطیت شد، نهضتی که باعث تحولات سیاسی و اجتماعی چشمگیری در تاریخ ایران گردید.

الف) زمینه‌های واگذاری امتیاز تنباکو و متن فرمان اعطای امتیاز آن

دولت انگلستان مانند سایر امتیازات برای مصونیت از خطرهای احتمالی، خود به طور مستقیم دخالت نکرد، بلکه یکی از افراد تبعه خودش به نام «ماژور تالبوت» را به عنوان طرف معامله به ایران معرفی کرد. تالبوت با پیشنهاد رشوه به شاه و صدر اعظم، موافقت آنها را جلب کرد و ناصرالدین شاه قبول کرد که پس از برگشت، وی را به ایران دعوت کند. بعد از برگشت ناصرالدین شاه، تالبوت به ایران آمد و فرمان امتیاز به شرح ذیل صادر شد:

انحصار خرید و فروش و ساختن کل توتون و تنباکو در داخل که در ممالک محروسه ایران به عمل آورده می‌شود، تا انقضای مدّت ۵۰ سال از تاریخ امضای این انحصار نامه به ماژور تالبوت و شرکای خودشان مشروط به شرایط زیر مرحمت فرمودیم.

این امتیاز به تعبیر نیکی کدی به منزله «فروش ایران به بیگانگان» (۱) بود که حتی مایه تعجب و حیرت خود اروپایی ها قرار گرفت. به همین دلیل پس از عقد قرار داد، هم انگلیسی ها و هم دولت ایران، این امتیاز را محرمانه نگاه داشته و به مردم اعلام نکردند که این امر حاکی از آگاهی آنان از مخالفت شدید داخلی نسبت به آن بود.

ب) علل قیام و مقاومت مردم

اشاره

در خصوص علل مخالفت مردم و ریشه های قیام تنباکو اظهار نظرهای گوناگونی بیان شده است، برخی آن را ناشی از تحریک و توطئه روس ها می دانند. (۲) عده ای تحریک روس ها و عثمانی را مؤثر در نهضت دانسته اند (۳) گروهی به توجیه اقتصادی آن پرداخته و حمایت از بورژوازی را عامل اصلی نهضت برشمردند. (۴) حقیقت این است که اساس قیام و مقاومت مردم را باید در عوامل مختلفی جستجو کرد: عامل مذهبی، سیاسی، اقتصادی، کارنامه سیاه سلسله قاجار به ویژه ناصرالدین شاه، خیره سری های انگلیسی ها، خیانت آنان به ایران و شیوه عملکردشان در هند، ماهیت استعماری قرار داد و مخالفت آن با حکم صریح قرآن و احکام اسلام و مانند آن.

تنافی امتیاز تنباکو با حکم صریح قرآن و احکام اسلام

اعطای امتیاز تنباکو به انگلیسی ها و الزام کشاورزان مبنی بر فروش محصولات به آنان، مزید بر آن خیره سری ها و ترویج فساد و فحشا نیز اساساً مخالف قاعده

ص: ۸۵

۱- (۱) . نیکی کدی، تحریم تنباکو در ایران، ترجمه: شاهرخ قائم مقامی، ص ۱۲.

۲- (۲) . ابراهیم صفایی، رهبران مشروطه، ص ۱۷۶.

۳- (۳) . کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ص ۸۰.

۴- (۴) . مقدمه فکری نهضت مشروطه، ص ۱۰۰.

«نفی سبیل» (۱) و «اصل تسلیط» (۲) بوده و بر عموم مسلمانان واجب بود که با آن به مبارزه برخیزند؛ بنابراین در قسمتی از پیام اول میرزای شیرازی خطاب به شاه چنین آمده است:

اجازه مداخله اتباع خارج در امور داخله مملکت و تردّد آنها با مسلمین و اجرای عمل بانک، تنباکو، راه آهن و غیره از جهاتی منافی حکم صریح قرآن مجید و نوامیس الهیه، و موهن استقلال دولت و مخلّ نظام مملکت و موجب پریشانی عموم رعیت است... (۳)

نیکی کدی با اشاره به طومارهای مخالفت مردم تبریز با کمپانی، روی لحن اسلامی آن ها انگشت می گذارد و می نویسد:

در یکی از آنها اشاره به دو گوهر گرانبهای قرآن و عترت در میان مسلمانان و با استناد به آیه «نفی سبیل»، امتیاز تنباکو نمونه ای از فروش امت اسلام به کفار و تفوق نامشروع کفار قلمداد شده است که معاملات ناشی از آن حرام می باشد. (۴)

بر همین اساس موج مخالفت عمومی به رهبری علما در ماه رمضان حول محور «فروش ایران به کفار» می چرخید و عالمان دینی علت تحریم تنباکو را متزلزل شدن اساس دین و استقلال کشور توسط قدرت بیگانه و مغایرت امتیازات با قرآن مجید می دانستند.

ج) مقاومت مردم در شهرها و اندیشه تحریم

سراسر ایران انتظار اقدامی را از جانب آیت الله میرزای شیرازی مرجع تشیع داشتند.

ص: ۸۶

۱- (۱) ... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا . (سوره نساء، ۱۴۱).

۲- (۲) . «الناس مسلطون على اموالهم»؛ قاعده مشهور در فقه.

۳- (۳) . همان، ص ۹۹.

۴- (۴) . تحریم تنباکو در ایران، ترجمه: شاهرخ قائم مقامی، ص ۲۵.

علاوه بر جمعی از علما و روحانیون که در سامرا اجتماع کرده بودند، سید جمال الدین اسدآبادی نامه مفصّلی خطاب به میرزای شیرازی می نویسد و از او می خواهد که حرف آخر را بگوید. سید جمال الدین در عین این که در مقابل میرزای شیرازی اظهار ادب و کوچکی نموده نامه ای بیدار کننده و کوبنده و هیجان انگیز می نویسد. وی اوضاع روز ایران و سیاست های استعماری و امتیازاتی که پی در پی از جانب دربار به بیگانگان داده می شود شرح داده و انتظار ملت را در اعلام نظر او بازگو می کند. (۱)

ص: ۸۷

۱- (۱). قسمت هایی از ترجمه نامه سید جمال الدین اسدآبادی به میرزای شیرازی: بسم الله الرحمن الرحيم ... این نامه درخواست عاجزانه ملت اسلام است که به پیشگاه زمامدار عظیم الشأن خود تقدیم می دارد: پیشوای دین، خداوند کرسی زمامداری تو را در دل ها و خردهای مردم نصب کرده است تا بدین وسیله ستون عدل مستحکم شود و صراط مستقیم روشن گردد، آری، آری خداوند در ریاست بر دل ها و خردها که به تو ارزانی داشته، حفظ دین و مدافعه از جهان اسلام را نیز در عهده تو گذاشته است و این تا حدی است که حتی به سنت زمامداران پیشین به وقت لزوم به فیض شهادت نیز نایل شوی... با این حال اکنون ملت با مشکلات و سختی های بسیار روبه روست، مشکلاتی که باعث شده است تا کفّار بر ملت اسلام دست یافته و چیره شود و سختی هایی که سبب شده مشتی بیگانه خدانشناس به حقوق مسلمانان تجاوز کند. اما در چنین اوضاع و احوالی ملت مسلمان چشم امیدش به تو بسته است... حق را باید گفت، تو رییس شیعه هستی، تو مانند جان در بدن یکایک این امت دمیده شده ای، هیچ کس نمی تواند جز در پناه تو به نجات ملت برخیزد و این ملت نیز به هیچ کس غیر از تو اطمینان ندارد... ای پیشوای بزرگ دین! پادشاه ایران مردی شده سست عنصر و بدسیرت که مشاعرش به ضعف گراییده، بدرفتاری و خشونت با خلق را پیشه ساخته... و اکنون توای پیشوای دین اگر به یاری ملت نشتابی و آنها را جمع و متحد نکنی و با قدرت خود کشور را از چنگ این گناهکاران بیرون نیاوری چندان طول نمی کشد که مملکت اسلامی زیر نفوذ و اقتدار بیگانگان می افتد... اگر این فرصت از دست برود و این معاهده ها در حیات تو صورت گیرد در صفحه روزگار و صفحات تاریخ نام نیکی نخواهی داشت. تو می دانی که علمای ایران همه سینه هایشان تنگ شده و منتظرند تا یک کلمه از تو بشنوند... چگونه جایز است کسی که خداوند چنین قدرتی را به او داده، کشور و ملت را به این حال بگذارد... تو به نظر توانایی و نفوذ کلمه ای که داری در همه آنها مؤثر خواهی بود، دل های پراکنده را متحد خواهی کرد، این اختلاف کلمه را از میان بر خواهی داشت و قدرت های پراکنده توده مردم به واسطه تو اندک اندک جمع خواهد شد، یک کلمه تو سبب ایجاد وحدت می شود پس همه با تو است. والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته جمال الدین حسینی سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۷ و ۲۸.

میرزای شیرازی که در آن زمان در سامرا اقامت داشت و مرجعیت مطلق را دارا بود در جریان کلیه حوادث قرار گرفته و وظیفه سنگین خود را احساس می کرد. در ابتدا نامه ای می نویسد و از ناصرالدین شاه تقاضای لغو امتیاز را می کند اما نتیجه نمی گیرد. تا این که در روز نیمه اول جمادى الاول ۱۳۰۹ قمری (آذر ۱۲۷۰، ۱۸۹۱ م) حکم تحریم صادر شد:

بسم الله الرحمن الرحيم

اليوم استعمال تنباكو و توتون بآى نحو كان در حکم محاربه با امام زمان صلوات الله و سلامه عليه است. ... حرره الاقل
محمدحسن الحسينى

امت مسلمان ایران که هر لحظه در انتظار چنین حکمی بودند، پس از دریافت آن با هر وسیله ای که در اختیار داشتند در پخش آن اقدام کردند زیرا چنین کاری را وظیفه شرعی خود می دانستند. استقبال از این حکم، بی نظیر بود، چرا که مردم ایران از پیر و جوان، زن و مرد، کشاورز و کارگر، تاجر و کاسب، همه بدون چون و چرا از آن اطاعت کردند، قلیان ها و چپق ها را شکستند و توتون ها، تنباکوها و سیگارها را به آتش کشیدند. نفوذ این حکم آن چنان گسترده بود که حتی دربار و حرمسرای ناصرالدین شاه را نیز فرا گرفت. ناصرالدین شاه و دربار او که به عمق و گستردگی نفوذ این حکم پی برده

بودند، قصد داشتند، با جعلی خواندن این حکم و تفرقه و فشار به مردم و روحانیون، به ویژه میرزاحسن آشتیانی، اثر آن را خنثی کنند، وقتی پی به بی اثر بودن توطئه های خود بردند، تصمیم گرفتند، امتیاز را لغو کنند بر این اساس مبارزه پیروزمند تنباکو، پس از ۵۵ روز خاتمه یافت.

ه) پیامدها و آثار مثبت جنبش تنباکو

اشاره

نهضت تنباکو زمانی به پیروزی رسید که خفقان سراسر مملکت را فرا گرفته بود. نیروی استبداد اجازه تفکر را به مردم نمی داد و سیاست دولت های استعماری به شدت بر ایران سایه افکنده و گرفتن امتیاز به صورت رقابت بی پایان در آمده بود. گرچه نهضت تنباکو محدود بود اما با توجه به زمان وقوع آن و نوع اقداماتی که انجام گرفت آثار زیادی داشت که به برخی از آنها اشاره می شود:

یکم: افزایش قدرت سیاسی علما

یکی از نتایج بزرگ پیروزی جنبش تنباکو، نمایش و افزایش قدرت سیاسی علما و نهادینه شدن رهبری علما در مبارزات سیاسی - اجتماعی بود؛ به گونه ای که بعد از پیروزی جنبش، هم علما به توان و قدرت خود اعتماد پیدا کردند و هم روشن فکران و گروه های مختلف جامعه به نیروی فوق العاده مرجعیت و مذهب در مبارزه اعتراف نمودند. از آن به بعد همه جنبش ها و مبارزات مهم ملت و هر گونه حرکت اصلاحی سیاسی - اجتماعی فقط به رهبری و پشتوانه علما امکان پذیر بوده است. (۱) از آن به بعد، روحانیت

ص: ۸۹

۱- (۱). دکتر شریعتی در یک ارزیابی کلی از نهضت های تاریخ اخیر در ایران از جمله نهضت تنباکو می نویسد: «من به عنوان کسی که رشته کارش تاریخ و مسایل اجتماعی است، ادعا می کنم در تمام این دو قرن گذشته (که قرارداد بازی ها با غرب استعماری شروع شد) در زیر هیچ قرارداد استعماری، امضای یک آخوند نجف رفته نیست، در حالی که در زیر همه این قراردادهای استعماری، امضای آقای دکتر و آقای مهندس فرننگ رفته هست، این یک طرف قضیه، از طرف دیگر، پیشاپیش هر نهضت مترقی ضد استعماری در این کشورها، همواره بدون استثنا قیافه یک یا چند عالم راستین اسلامی و به خصوص شیعی وجود دارد. شما که می خواهید این پایگاه فرهنگی ریشه دار را که در عمق تاریخ ما و در اعماق وجدان جامعه ما ریشه دارد، برچینید، برای تکیه گاه فرهنگی و مردمی خود به نام روشن فکر مسئول، در برابر استعمار فرهنگی چه پایگاهی را می خواهید جایش بگذارید؟ بزرگ ترین پایگاهی که می توان امیدوار آن بود که توده ما را آگاه کند، اسلام راستین را به آنان ارایه دهد، در بیداری افکار عمومی به خصوص متن توده ها نقش مؤثر نجات بخشی را ایفا کند و در احیای روح اسلام و ایجاد نهضت آگاهی دهنده و حرکت بخشنده اسلامی، عامل نیرومند و مقتدری باشد همین پایگاه طلبه و حوزه و حجره های تنگ و تاریکی است که از درون آنها سید جمال ها بیرون آمده و می آیند». علی شریعتی، قاسطین، مارقین، ناکتین، ص ۲۲۳

به عنصر اصلی هدایت کننده مقاومت های مردمی علیه استعمار و استبداد مبدل گردید.

دوم: حضور سیاسی مردم

جنبش تنباکو، نمونه ای موفقیت آمیز از یک حرکت مردمی بود که در تاریخ معاصر ایران اولین بار تجلی نمود. این قیام در حقیقت، تولد سیاسی مردم را در پی داشت و از ظهور یک روح جدید در بین مردم خبر می داد. ملّتی که قرن ها به عنوان رعیت و تابع چشم و گوش بسته دولت بود، در این جنبش با مخالفت سراسری عرض اندام نمود.

سوم: امتزاج دین و سیاست

از دیگر پیامدهای نهضت پیروز تنباکو، امتزاج دین و سیاست در مرحله

ص: ۹۰

عمل بود. مذهب و مرجعیت دینی و روحانیت شیعه در این نهضت قدرت خود را در هم بستگی ملت و بسیج آنان به وضع بارزی نشان داد. کارایی دین در صحنه سیاست و در دست گرفتن هدایت و رهبری مردم آشکار شد.

چهارم: شکست استعمار

حکم تحریم مرجع بزرگ، بزرگ ترین ضربه ای بود که در قرن ۱۹ بر پیکر استعمار وارد آمد و ایرانی را که در آستانه پیوستن به مستعمرات انگلستان بود از خطر سقوط رهانید. به گفته جلال آل احمد:

وقتی میرزای شیرازی با یک فتوای به تحریم تنباکو امر می دهد، به اتفاق رأی همه نویسندگان تاریخ مشروطه، کمر یک کمپانی (رژی) را می شکند و در عین حال آبروی روشن فکران زمان خود (ملکم خان) را می برد. (۱)

پنجم: شکست استبداد و نفی مشروعیت سلطنت

استبداد که در اندیشه مردم شکست ناپذیر می نمود، با عقب نشینی در این جریان، شوکت و شکست ناپذیری خود را از دست داد و مردم دریافتند که با بسیج و هماهنگی قادرند آرمان های خود را پیش ببرند. از طرفی گنجانده شدن عبارت «در حکم محاربه با امام زمان (عج)» در متن حکم تحریم، پایه های مشروعیت سلطنت و سلاطین قاجار را که برای خود مقام ظلّ اللّهی و نوعی حقانیت الهی و معنوی قایل بودند، نفی کرده و زیر سؤال برد.

نتیجه این که اقدام نجات بخش میرزای شیرازی سرآغاز قیام ها و نهضت های اسلامی و مردمی به رهبری روحانیت در قرن اخیر بود و توانست الگوی

ص: ۹۱

مناسبی برای مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری مردم مسلمان قرار گیرد که اولین نمود آن در جنبش مشروطیت به نمایش در آمد.

۳- جنبش مشروطیت

اشاره

نهضت مشروطیت یکی از نقاط عطف تاریخ ایران است که در تاریخ مبارزات ضد استبدادی این کشور جایگاه ویژه ای دارد. این نخستین قیام و حرکت مثبت توده های عظیم ملت بود که در سطح حکومت در جهت کاهش قدرت استبدادی پادشاه شکل گرفت. و تأثیر این نهضت بر قیام های مردمی تاریخ اخیر ایران، از جمله انقلاب اسلامی، بر کسی پوشیده نیست. از سویی در نهضت مشروطیت و پس از آن حوادثی رخ داده اند که از جهاتی منشأ عبرت برای زندگی سیاسی امروز ملت ایران هستند. بر این اساس، تحلیل و بررسی این جنبش هر چند به صورت مختصر ضروری است.

الف) زمینه ها و علل آغاز نهضت

اشاره

به طور کلی زمینه ها و علل وقوع جنبش مشروطه در سه بُعد: فکری - فرهنگی، سیاسی و اقتصادی قابل بررسی است.

یکم: زمینه ها و علل فکری - فرهنگی

در طول تاریخ، مردم ایران با الهام از اسلام اصیل و خون پاک شهدای تشیع و به خصوص با درس گرفتن از سالار شهیدان امام حسین (علیه السلام)، همواره در مقابل طاغوت به مقابله و مبارزه برخاستند. از اواسط زمان قاجاریه به بعد ارتباط منظم تری میان رهبران و روحانیون به عنوان قشر فعال در مسائل اجتماعی و سیاسی، امکان دخالت و نظارت پیدا کردند و اوج این دخالت و تبعیت مردم در

نهضت تنباکو هویدا شد. به تعبیر امام(ره):

جنبش مشروطیت همین علما در رأس بودند اصل مشروطیت اساسش از نجف به دست علما و در ایران به دست علما شروع شد. (۱)

دوم: زمینه ها و علل سیاسی

در سال های قبل از جنبش مشروطه، نارضایتی مردم از دولت قاجار به اوج خود رسیده بود. کارنامه سیاه سلسله قاجار در طی حدود یک و نیم قرن حکومت در ایران با بی کفایتی سیاسی و مدیریتی در اداره امور کشور، عدم توانایی در حفظ و حراست از حدود و ثغور مملکت اسلامی، استبداد و خود محوری، فساد حاکم بر دربار، نفوذ بیگانگان در ساختار سیاسی و ضعف و تسلیم دولت در برابر آنان، اکثریت مردم مذهبی و علما را نسبت به حکومت بدبین می کرد و نفرت عمومی علیه قاجار را دامن می زد.

از یک سو، عقد قراردادهای استعماری مانند گلستان، ترکمن چای، امتیازات اقتصادی و تحمیل کاپیتولاسیون، بذر نفرت را در میان ایرانیان آگاه بارور می ساخت و از سوی دیگر ظلم و تعدی حاکمان، مردم را به ستوه آورده بود.

سوم: زمینه ها و علل اقتصادی

در این میان بحران اقتصادی نیز دولت قاجاری را به ناتوانی کشانده بود. این بحران با شکست در جنگ های ایران و روس آغاز گردید و روز به روز بر شدت افزوده گشت. علاوه بر از دست رفتن مناطق حاصل خیز، امتیازات تجاری خاصی به بیگانگان واگذار شد که انحطاط سریع اقتصاد داخلی را در پی داشت.

در نتیجه این امتیازات در حالی که کالاهای داخلی بار انواع مالیات را به دوش

ص: ۹۳

می کشیدند، کالاهای خارجی به سهولت و با تعرفه های اندک و با هزینه ای کم تر در دسترس مردم قرار می گرفت. بسیاری از صنایع کوچک داخلی که از رقابت با کالاهای وارداتی ناتوان بودند، ورشکست شده و از بین رفتند. برای مثال صنعت نساجی ایران که در اوایل قرن نیاز داخلی را تأمین می کرد و توان رقابت با کالاهای خارجی را داشت، با ورود پارچه های انگلیسی به کلی از بین رفت و به تدریج بخش بزرگی از واردات ایران را پارچه های انگلیسی تشکیل داد. (۱)

(ب) عوامل شتابزا یا جرّقه های نهضت

اشاره

سال ها بود که زمینه های نهضت مشروطیت مهیا شده بود. مردم ایران که از ظلم و استبداد و فقر و بیچارگی خود از یک سو، نفوذ و تسلط همه جانبه بیگانگان در امور داخلی ایران از سوی دیگر آگاه شده بودند، منتظر فرصت بودند تا قیام و شورش علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی را آغاز کنند.

زمینه حرکت و تحوّل همه جانبه در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران که از قبل آماده شده بود، نیاز به نقطه شروع و جرّقه ای داشت تا خشم و نفرت مردم را آشکار کند و حوادثی چند باعث شروع نهضت مشروطه شد که از آن به عنوان عوامل شتابزای جنبش مشروطه نام می برند، که عبارتند از:

یکم: ماجرای مسیونوز بلژیکی

عمل نوز بلژیکی - که در اجرای انعقاد عهدنامه گمرگی ایران و روسیه به ایران آمد و به ریاست گمرگ ایران منصوب شد - با پوشیدن لباس روحانیت همراه با توهین و استهزا در یکی از مجالس تهران و چاپ و پخش این عکس در میان

ص: ۹۴

مردم، اهانت بزرگی به روحانیون تلقی شد. این عمل سبب اعتراض شدید علما و مردم علیه او و حکومت شد و از حکومت مجازات وی را خواستار شدند.

دوم: حادثه کرمان

اعتراض علما و مردم کرمان علیه حاکم این منطقه، مبنی بر حمایت از فرقه شیخیه و صوفیه کرمان و اقدام به زندانی، تبعید و کتک زدن روحانی بزرگ حاج محمدرضا مجتهد کرمانی و عده ای از مردم این شهر، سبب واقعه کرمان گردید.

سوم: حادثه بانک استقراضی

حادثه دیگری که به تحریک احساسات مذهبی مردم شد، تأسیس بانک استقراضی روس در محل قبرستان مسلمانان در مرکز بازار (رمضان ۱۳۲۳ق) بود که منجر به نبش قبر مسلمانان و بی اعتنایی روس ها به اجساد شد، که با سخنرانی اعتراض آمیز شیخ محمدواعظ و تهییج احساسات مردم، حرکتی علیه دولت و روس ها شکل گرفت.

چهارم: حادثه بازار

در پی حوادث گذشته، مسئله گرانی قند - به سبب جنگ روسیه و ژاپن در سال ۱۹۴۵ میلادی و قطع واردات آن از روسیه، علاءالدوله حاکم مستبد تهران به جهت شورش تجار تهران در حادثه نوز بلژیکی و بانک، عده ای از تجار قند را به بهانه گران کردن قیمت قند دستگیر کرد، و با بی احترامی و کتک زدن و زندانی کردن، باعث اعتراض شدید مردم و تعطیلی بازار و تجمع مردم در مسجد شاه شد. (۱)

ص: ۹۵

۱- (۱). ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان: ج ۱، ص ۳۳۱ و ۳۳۲.

به دنبال به وجود آمدن زمینه های مساعد برای نهضت و وقوع عوامل شتابزا، مردم به رهبری علما در برابر این حوادث لب به اعتراض گشودند. لجاجت عین الدوله در مقابل اعتراض ها، به مهاجرت علما به حرم حضرت عبدالعظیم انجامید که در تاریخ به مهاجرت صغری معروف است.

دولت ناگزیر خواست علما را پذیرفت و مهاجران با استقبال بی نظیر مردم به تهران بازگشتند. بعد از پذیرش خواسته های مهاجران صغری از سوی شاه و اجرای برخی از آنها توسط عین الدوله و عدم پای بندی به سایر تعهدات، ایشان هم چنان به اعمال خشونت آمیز خود ادامه داده و اقدام به تبعید روحانی مبارز سید جمال واعظ تهرانی و سرکوب اعتراض طلاب جوان کرد که موجب کشته شدن طلبه ای جوان به نام سید عبدالحمید شد. شهادت این طلبه جوان بر احساسات مردم افزود و آنها به اتفاق علمای تهران در مسجد جامع اجتماع کردند. سربازان حکومتی به دستور عین الدوله، اجتماع کنندگان در مسجد را به خاک و خون کشیده اند که صد نفر کشته شدند. علما در واکنش به این مسئله، در ۲۰ تیر ماه ۱۲۸۵ با حضور سه هزار نفر مردم از تهران به قم مهاجرت نمودند که این حرکت به «مهاجرت کبری» مشهور گشت.

به هر تقدیر، در هجرت به قم که رهبری آن را شیخ فضل الله نوری و بهبهانی و طباطبایی بر عهده داشتند، متحصّیان طی ارسال نامه ای خواسته های خود را در شش بند از جمله، عزل عین الدوله و تشکیل مجلس شورا و اجرای احکام جزایی اسلام بیان داشتند. (۱)

ص: ۹۶

۱- (۱). جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۱۹ - ۱۲۰؛ کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۳، ص ۴۶۹ و ۴۷۰.

مظفرالدین شاه در پاسخ آنها ابتدا طی ارسال نامه ای به مشیرالدوله - که پس از عین الدوله نخست وزیر شد - دستور اجرای درخواست های یاد شده را اعلام و تذکر داد که نظر مساعد شاه نیز به اطلاع عموم برسد. بدین ترتیب فرمان مشروطیت در تاریخ ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۲۴ قمری صادر شد. پس از تدوین نظام نامه انتخابات و امضای آن به وسیله شاه، انتخابات مجلس در شهریور ۱۲۸۵ شمسی برگزار شد، نوشتن قانون اساسی را به کمیته ای منتخب واگذار گردید. این کمیته با بهره گیری از قوانین اساسی بلژیک و فرانسه، اولین قانون اساسی را در سال ۱۳۲۴ قمری، مشتمل بر پنج فصل و پنجاه و یک اصل، تصویب و به امضای شاه رساند. شاه بیمار ده روز پس از امضای قانون اساسی درگذشت و محمدعلی شاه به سلطنت رسید.

در این زمان، اهداف و ماهیت جناح های مختلف آشکار می شد. بعضی از روزنامه های نوظهور، مقدّسات مذهبی مردم را مورد حمله قرار می دادند. گروهی از روحانیون تهران به رهبری شیخ فضل الله نوری، به منظور رویارویی با این تحرّکات، مشروطه خواهان را به باد انتقاد گرفتند و با تجمّع در حرم حضرت عبدالعظیم خواستار «مشروطه مشروعه» شدند. در زمان محمدعلی شاه، متمّم قانون اساسی تدوین شد و به امضای شاه رسید. این متمم که در آن، حق نظارت پنج مجتهد بر قوانین در نظر گرفته شده بود، به اصرار روحانیونی چون شیخ فضل الله شکل گرفت.

محمدعلی شاه برای رویارویی با مشروطه خواهان، در پی بهانه بود و دولت روسیه نیز به عنوان حامی، در کنار او قرار داشت. او در دوم تیرماه ۱۲۸۷ شمسی توسط «لیاخوف» روسی مجلس را به توپ بست. و دوباره سایه استبداد سراسر کشور را فرا گرفت که معروف به «استبداد صغیر» می باشد. اما پس از چندی دوباره مبارزه علیه استبداد محمدعلی شاه آغاز شد و مراجع نجف به دفاع از نهضت، فتوا دادند.

و هم چنین مبارزه از طرف مردم تبریز به رهبری «ستارخان» و «باقرخان»، در رشت به رهبری «محمدولی خان تنکابنی» و در اصفهان به رهبری «صمصام السلطنه» و سایر نقاط ایران آغاز شد که سرانجام در تاریخ ۲۳ تیر ۱۲۸۸ شمسی تهران فتح شد و به دنبال آن محمدعلی شاه به سفارت روس پناهنده شد و پسر ۱۲ ساله اش احمد میرزا به نام «احمدشاه» به سلطنت برگزیده شد. پس از آن، افول مشروطه آغاز شد. حضور روس ها در شمال و انگلیسی ها در جنوب کشور و مداخلات بی اندازه آنها که موجب ضعف قدرت مرکزی می شد. قدرت یافتن مجدد فرصت طلبان، خان ها و اشراف قدیمی، آغاز جنگ جهانی اول، قحطی های وسیع، عدم موفقیت دولت در تأمین امنیت و معیشت مردم و ناخشنودی فراگیر ملت، زمینه را برای ظهور دوباره استبداد فراهم ساخت.

د) نیروهای درگیر در انقلاب مشروطه

اشاره

با توجه به نقش روحانیت و روشن فکران در انقلاب مشروطه در این جا اشاره ای به این دو نیرو می کنیم.

یکم: روحانیت

عالمان دین در نهضت مشروطه نقش کلیدی و محوری داشتند و بی آنان این حرکت پدید نمی آمد. مراجع تقلیدی مانند آخوند خراسانی، ملا عبدالله مازندرانی و حاج میرزا خلیل تهرانی در نجف و شیخ فضل الله نوری، میرزای نائینی، بهبهانی و طباطبایی در تهران، در رأس نهضت قرار داشتند و به حرکت مشروطه رنگ مذهبی و دینی دادند. و همین رهبری و پیشتازی روحانیت در سطح مرجعیت، عرق مذهبی و غیرت دینی مردم را برانگیخت و آنان را به صحنه مبارزه کشاند.

در اینجا ما به نقش دو عالم برجسته نهضت مشروطه یعنی میرزای نایینی و شیخ فضل الله نوری اشاره می کنیم.

میرزای نایینی: از نظر تئوریک، استوارترین متن سیاسی در حمایت از مشروطه را میرزای نایینی نگاشت. کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله نایینی حاصل تلاشی است که از سوی این فقیه برای مشروعیت دادن به آرمان های مشروطه صورت گرفته است. نایینی در این رساله می کوشد تا اثبات کند مبانی مشروطه مثل آزادی، مساوات، پارلمان و تفکیک قوا در بطن شریعت وجود دارند. او در کتابش به آرمان های مشروطه جنبه دینی بخشیده و وجود آنها را در شریعت مسلم و محرز انگاشته و با تسلطی که بر اصول، فقه و تاریخ صدر اسلام داشته، مواردی را برای اثبات نظریات خود به عنوان شاهد یاد می کند. نایینی استقرار استبداد را ناشی از عدم آگاهی مردم نسبت به حقوق خویش می دانست و عدم نظارت آنها را بر عملکرد حکام اساس برپایی استبداد مطرح می نمود.

نایینی وقتی انحراف در مشروطه را مشاهده کرد و به ماهیت غرزدگی مشروطه خواهان پی برد و می دید آن چه مقصود او و دیگر رهبران مذهبی بود، پیاده نشد و آن چه هست، خلاف آن است که مشروطه خواهان مذهبی و روحانیون مبارز و مجاهد می خواستند، کنار کشید.

شیخ فضل الله نوری: مرحوم نوری از علمای بزرگ تهران و از رهبران جنبش مشروطه است. شیخ در ابتدای جنبش به هواداری آن برخاست، اما با آشکار شدن ماهیت و مبنای غربی تفکر مشروطه خواهی و نیز ملاحظه مشروطه خواهان وابسته و حمایت های بیگانه از مشروطه، خواستار تطبیق قوانین مشروطه با اسلام شد. او در جواب کسانی که وی را مستبد می خواندند می گفت:

من به هیچ وجه منکر مجلس شورای ملی نیستم بلکه مدخلیت خود را

در باب تأسیس این اساس بیش از همه کس می دانم، من (آن) مجلس شورای ملی را می خواهم که اساسش بر اسلامیت باشد و بر خلاف شریعت قانونی نگذارد. (۱)

از نکاتی که خشم شیخ را بر می انگیزد حمایت انگلیس از مشروطه و وابستگی آشکار برخی مشروطه خواهان به بیگانگان بود. او می گفت:

اگر بنای مشروطه بر حفظ دولت اسلام بود، چرا یک عضو از روس پول می گرفت و دیگری از انگلیس. یا می گفت:

اسلام دنیا را به عدل و شورا گرفت. آیا چه افتاده است که امروز باید دستور عدل ما از پاریس برسد و نسخه شورای ما از انگلیس بیاید. (۲)

مخالفت شیخ از زمان تصویب متمم قانون اساسی آغاز شد. وی از امضای آن خودداری کرد و مخالفت خود را با برخی از موارد آن به روشنی اظهار داشت. به هنگام فتح تهران، برخی از سفارتخانه های خارجی از وی درخواست کردند که برای حفظ جانش به آنها پناهنده شود، یا پرچم آنها را بر در خانه اش برافرازد. ولی او در جواب کسانی که بر این کار اصرار داشتند می گفت:

آیا رواست که من پس از ۷۰ سال که محاسنم را برای اسلام سفید کرده ام حالا بیایم و بروم زیر بیرق کفر. (۳)

بلافاصله بعد از فتح تهران شیخ دستگیر و در یک دادگاه فرمایشی به اعدام محکوم شد.

چنین اقداماتی هیچ بهانه ای را برای اعدام شیخ به جای نمی گذارد. آن چه شیخ را از مشروطه و مشروطه خواهان متنفر می کرد، ترس از حاکمیت بی دینی و

ص: ۱۰۰

۱- (۱). محمد ترکمان، مجموعه الرسائل، اعلامیه ها و لوایح شیخ شهید فضل الله نوری، ص ۱۹۱، ۲۴۴ و ۲۴۵.

۲- (۲). همان، ص ۱۵۰.

۳- (۳). همان، ج ۲، ص ۲۸۸.

بی دینان بود که او با هوشیاری، طلّیعه آن را در گفته ها و نوشته ها و اعمال برخی از مشروطه خواهان مشاهده می کرد.

اعدام شیخ و چندی بعد ترور آیت الله بهبهانی، باعث کناره گیری و دلسردی مجتهدان بزرگ و علمای بزرگ و علمای مشروطه و اصولاً در خروج آنها از صحنه سیاست ایران، نقش مؤثری داشت.

من نعلش آن بزرگوار را بر سردار همچون پرچمی می دانم که به علامت استیلای غربزدگی پس از ۲۰۰ سال کشمکش بر بام سرای این مملکت افراشته شده. (۱)

هم چنین آل احمد، اعدام شیخ را به منزله شکست نهضت مشروطه می داند و می گوید:

در [کتاب] غربزدگی به سرعت اشاره کرده ام که اعدام شیخ فضل الله نوری، علامت استیلای غربزدگی بود بر این مملکت. و این جا می خواهم بیفزایم که گرچه ظاهراً اعدام آن بزرگوار علامت پیروزی مشروطیت بود، اما به علت فضای بعد و کودتای ۱۲۹۹ و دیگر اتفاقات چهل سال اخیر، آن واقعه بزرگ ترین نشانه شکست مشروطیت بود و در عین حال واضح ترین علامت شکست روشن فکران. (۲)

دوم: روشن فکران

جریان روشن فکری در ایران از ابتدای قرن ۱۹ میلادی. و با آغاز ارتباطات گسترده با غرب، شکل گرفت و به خصوص در دوره ناصری رشد یافت و از مشروطه به این سو، به طور جدی وارد صحنه سیاست ایران شد. تحلیل جریان روشن فکری ایران در هر دوره تاریخی به بررسی جداگانه نیاز دارد. در این جا به

ص: ۱۰۱

۱- (۱). جلال آل احمد، غربزدگی، ص ۷۸.

۲- (۲). در خدمت و خیانت روشنفکران، ص ۲۳۲.

تحلیل مختصری از نقش آنها در انقلاب مشروطه می پردازیم.

روشن فکران، خواهان آن نبودند که حرکت مشروطیت در بستر شریعت بیفتد و همکاری با روحانیون را در چهارچوبی خاص پذیرفته بودند. در حقیقت، از نیروی مذهب و عالمان مذهبی به عنوان پلی برای رسیدن به هدف های خویش سود می جستند، از این رو پس از پیروزی، ابتکار عمل را در دست گرفتند و روحانیت اصیل و رنج دیده نهضت را از صحنه کنار زدند.

روشن فکرانی که در مشروطه حضور داشتند اغلب جوانان فرنگ رفته ای بودند که شیفته تمدن غربی بوده و تقلید از غرب را ترویج می کردند، تقی زاده یکی از این افراد است که در هدایت جنبش بعد از استبداد صغیر نقش فعالی را ایفا کرده است. او ادعا می کرد باید از فرق سر تا سر انگشتان پا فرنگی شد. وی علی رغم ادعاهای قبلی خود، در هنگام حمله به مجلس به سفارت انگلیس پناهنده شد و چندی بعد در کنار رضاخان قرارداد ننگین ۱۹۳۳ میلادی را امضا کرد.

روشن فکران با منزوی کردن روحانیت و هم دستی با دول بیگانه راه را برای ظهور استبداد نوین باز نمودند و باعث شکست مشروطه گردیدند. (۱)

ه) علل شکست مشروطه

۱. ابقای رژیم سلطنتی و نخشکیدن ریشه استبداد؛ بعد از فتح تهران برای محمدعلی شاه مستبد مستمری تعیین کردند و فرزند او را به جایش نشانند و از عین الدوله مستبد، دعوت به همکاری نمودند؛

۲. خیانت روشن فکران غربزده؛ این افراد که اشراف زادگان تحصیل کرده غرب بودند، از فرهنگ ملی و مذهبی خود بی خبر بوده درصدد اجرای آموزه های

ص: ۱۰۲

۱- (۱). محمد مهدی باباپور، ارتجاع روشنفکری در ایران، انتشارات آل احمد، ص ۴۰.

تقلیدی خود برآمدند؛ و لذا روحانیت و اسلام را کنار زدند و خود نیز به دلیل نداشتن پایگاه اجتماعی تنها ماندند و دوباره استبداد حاکم شد؛

۳. استعمار انگلیس نیز برای قطع دست رقیب و به خاطر آگاهی از قدرت روحانیون، پس از شروع نهضت، لباس بشر دوستی به تن کرد و با سوار شدن بر موج حرکت مردمی، سعی کرد در مقاطع مختلف آن را به انحراف بکشاند و بالاخره نیز توانستند میان مشروطه خواهان تفرقه ایجاد کنند و روحانیت را به دست خود مشروطه خواهان کنار بزنند؛

۴. فقدان رهبری منسجم و متمرکز در رأس مبارزات مردمی؛

۵. نداشتن استراتژی مشخص و برنامه از پیش تعیین شده برای اداره کشور؛

۶. سوء استفاده از آزادی به دست آمده و اهانت به ارزش های اسلامی توسط برخی از نشریات، اشاعه فساد و بی بندوباری و غارت اموال و ایجاد هرج و مرج و ترور شخصیت های برجسته؛

۷. تفرقه و تشتت میان انقلابیون و مشروطه خواهان؛

و) پیامدهای مشروطه

اشاره

۱. انقلاب مشروطه با همه مشکلات و ناکامی هایش آثار عمده ای از خود برجای نهاد. برخی از این آثار عبارتند از:

۱. مفاهیمی چون قانون اساسی، مجلس، آزادی، انتخاب و... با این انقلاب مطرح شده است و رسمیت یافت. البته مجلس به زودی مورد هجوم قرار گرفت و در قالب نهادی وابسته به کارش ادامه داد، ولی اصل وجود قانون اساسی و مجلس - که در سخت ترین دوره ها نیز برقرار ماند - و در مقاطع خاصی نیز تعدادی از نمایندگان مخالف دولت به آن راه یافت با آثار سیاسی مهمی همراه بود.

ص: ۱۰۳

۲. تجربیات ارزشمند انقلاب مشروطه در زمان وقوع انقلاب اسلامی مورد توجه واقع شد. از یک سو نابودی نظام سلطنتی و قطع کامل سلطه بیگانگان بر کشور و توجه به فرهنگ و ارزش های خودی مورد توجه قرار گرفت و از دیگر سو، رخنه عناصر بیگانه و فرصت طلب در مشروطه، هوشیاری انقلابیان مذهبی را برای جلوگیری از تکرار این امر در انقلاب اسلامی برانگیخت. امام خمینی (قدس سرّه) رهبر کبیر انقلاب اسلامی در این باره می گوید:

... مثل زمان مشروطه نشود که آنها که اهل کار بودند مأیوس شوند و کنار بروند که در زمان مشروطه همین کار را کردند و مستبدین آمدند و مشروطه خواه شدند و مشروطه خواهان را کنار زدند... تاریخ درس عبرت است برای ما... در مشروطه بعد از این که ابتدا پیش رفت دست هایی آمد و تمام مردم ایران را به دو طبقه تقسیم بندی کرد، یک عده طرفدار مشروطه و یک عده مخالف مشروطه... علما را به دو گروه دسته بندی نمود. به آن جا رساندند که آنها که مشروطه خواه بودند به دست یک عده کوبیده شدند... این طور نبود که اختلاف خود به خود ایجاد شد، ایجاد کردند در بین آنها، باید عبرت بگیریم.... (۱)

مقام معظم رهبری هم می گوید:

در تاریخ خودمان، در نهضت مشروطیت دیدیم که روحانیون آمدند یک حادثه بزرگ را در کشور ایجاد کردند و پایان دوره استبداد را تدارک دیدند. بعد همین مشروطیت پایگاهی برای ضدیت با دین و روحانیت شد و هنوز ابتدای کار بود که روزنامه های صدر مشروطیت به نام آزادی شروع به کوبیدن دین کردند، تا جایی که یکی از شخصیت های روحانی آن زمان، مرحوم آقا شیخ فضل الله نوری که جزو پیشقراولان مشروطیت بوده در مقابل آن مجلس و مشروطیت ایستاد و سرانجام هم به شهادت رسید. (۲)

اینک پیش از پرداختن به چهارمین حرکت انقلابی تاریخ معاصر کشور، یعنی

ص: ۱۰۴

۱- (۱). صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۳۵.

۲- (۲). آیت الله خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۳، ص ۲۶۰.

نهضت ملی شدن صنعت نفت، به برخی تحولات عمده که بین دو حرکت انقلاب مشروطه و نهضت نفت صورت پذیرفته و آثار و نتایج گوناگونی از خود بر جای نهاده و در وقوع انقلاب اسلامی نیز نقش داشته است، اشاره می شود.

ماهیت حکومت رضاخان و مبارزات شهید مدرّس

انگلیسی ها در پایان جنگ جهانی اول با توجه به تحولاتی مانند وقوع انقلاب ۱۹۱۷ میلادی. در روسیه و احساس خطر آنها از احتمال سقوط ایران در دام تبلیغات بلشویک ها، تصویب نشدن قرار داد ۱۹۱۹ میلادی. و ثوق الدوله توسط مجلس شورای ملی و احمدشاه - که انگلیس مقامات ایران را تحت الحمایه خود قرار می داد و اداره امور اقتصادی، مالی و اداری ایران و مستشاران انگلیسی واگذار می شد - و اهمیت مسئله نفت که در زمان جنگ جهانی اول مشخص شده بود، به فکر تغییر سیاست پیشین خود و تغییر حکومت ایران افتادند.

به عبارت دیگر، آنها وقتی فهمیدند تبدیل ایران به یک کشور تحت الحمایه که هدف قرار داد ۱۹۱۹ میلادی. بود ممکن نیست، به تشکیل یک دولت مرکزی قوی تمایل یافتند تا ضمن سرکوب جنبش های داخلی (۱)، از نفوذ

ص: ۱۰۵

۱- (۱). در این زمان چند جنبش ضد استعماری و اصطلاح طلبانه در نقاط مختلف کشور فعالیت می کردند. نهضت جنگل مهم ترین آنها بود. در رأس آن میرزا کوچک خان جنگلی، روحانی مبارز و عضو کمیته اتحاد اسلام قرار داشت که در واکنش به نفوذ بیگانه و فساد حاکم در سال های پر آشوب بعد از جنگ جهانی قیام بعد از به قدرت رسیدن رضاخان، جنگلی ها از قوای دولتی شکست خوردند و میرزا کوچک خان نیز در جنگل های شمال گرفتار برف و باران شد و فوت کرد. تقریباً در همین زمان، شیخ محمد خیابانی از روحانیون مبارز عصر مشروطه در تبریز قیام کرد. این قیام توسط قزاق ها به سرعت سرکوب شد و خیابانی به قتل رسید. در این زمان در جنوب کشور نیز تنگستانی ها با حمایت علمای فارس، علیه نفوذ انگلیس ها قیام دنباله داری را سازمان دادند و به جنگ با نیروهای انگلیس پرداختند.

احتمالی شوروی نیز جلوگیری کند. آنها برای این کار یک افسر جاه طلب به نام رضاخان را برگزیدند و با کمک و پشتیبانی خود، وی را به فرماندهی تیپ قزاق رسانده، به انجام کودتا تشویق کردند. (۱)

رضاشاه تا تثبیت کامل قدرت خود، با توجه به عمق و ریشه اعتقاد مذهبی و اهمیت و اعتبار و قدرت و نفوذ روحانیت در بین مردم، وظیفه اش را سربلندی اسلام معرفی می کرد. وی مشروب فروشی ها را ممنوع کرده بود، به زیارت عتبات می رفت، مدال مولای متقیان برگردن می آویخت، هنگام عزاداری گل بر سر می سایید و مجلس روضه خوانی تشکیل می داد. (۲)

اما بلافاصله بعد از رسیدن به قدرت و تثبیت پایه های سلطنت خود، سیاست ضدّ مذهبی خود را آشکار نمود و دو سیاست را در جهت مخالفت با اسلام و روحانیت و طرد کامل دین از حوزه سیاست تعقیب نمود:

ص: ۱۰۶

-
- ۱- (۱). چرچیل و روزولت در کنفرانس تهران درباره رضاشاه گفتند: «خودمان او را آوردیم و خودمان او را برداشتیم». (احمد فاروقی و ژان لوروریه، ایران بر ضدّ شاه، ترجمه مهدی نراقی، ص ۲۸). - در خاطرات ارتشبد حسین فردوست نیز آمده است: «رضاخان یک عامل انگلیس بود و در این تردیدی نیست، کودتای ۱۲۹۹ ش طبق اسنادی که دیده ام و یا شنیده ام، در ملاقات ژنرال آیرون ساید انگلیسی با رضاخان، با حضور سید ضیاءالدین طباطبایی برنامه ریزی شده و پس از کودتا هم پنج سال طول کشید تا رضاخان به سلطنت رسید. در این مدّت، رضاخان، ارسپه و وزیر جنگ و نخست وزیر شد.» (حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ۸۲) - نیکی کدی نیز در این رابطه چنین نوشته است: «اکنون این مطلب روشن شده است که فرمانده نیروهای انگلیس در ایران ژنرال آیرون ساید، ابتدا به رضاخان کمک کرد که قدرت را در تیپ قزاق به دست آورد و سپس به انجام کودتا تشویق نمود. کنترل بر تنها نیروی نظامی مدرن ایران یعنی تیپ قزاق از پایه های قدرت حکومت جدید و به خصوص شخص رضاخان بود.» (کدی، تحریم تنباکو در ایران، ص ۱۳۷ - ۱۳۸)
- ۲- (۲). تاریخ سیاسی معاصر ایران: ج ۱، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

رضاشاه بعد از بازگشت از ترکیه - که تنها مسافرتش بود - سعی داشت بیش از پیش آداب و رسوم و خصوصیات غربی را در این کشور رواج دهد و الگوی او هم در این زمینه کمال آتاتورک بود.

او در راستای این سیاست، اقدام به کشف حجاب نمود و هم چنین در صدد تغییر شکل لباس و کلاه برآمده بود. مسئله متحدالشکل کردن لباس ها را مطرح کرد تا از این طریق بتواند با لباس روحانیت مبارزه کند. او تمام تلاش خود را در جهت محو مذهب و آثار مذهبی و تغییر روش های شرقی و وادار کردن مردم به پذیرش آداب و سنن غربی صرف کرد.

ایران گرایی با تأکید بر لزوم تجدید عظمت ایران باستان نیز از تلاش رضاشاه در این زمینه بود. رضاشاه به تبع دولت های فاشیستی عصر خود، ناسیونالیسم را به عنوان ایدئولوژی مشروعیت بخش رژیم خود برگزید. ناسیونالیسم رضاخانی دو ویژگی بارز داشت: نخست با بزرگ نمایی تاریخ ایران باستان سعی می شد تمدن تمام دوران حیات اسلامی ایران نادیده گرفته شود و با تکیه بر گذشته ای مبهم، هویت اسلامی مردم ایران تحقیر گردد؛ و دوم این که با سرزنش آداب و رسوم، لهجه و زبان اقوام مختلف ایرانی، سیاست یک پارچه سازی قومی - فرهنگی در ایران زمین را به عینیت برساند.

شهید مدرّس

یکی از چهره های درخشان و مرد میدان دیانت و سیاست شهید مدرّس می باشد. مدرّس قهرمان آزادی، تنها فریاد رسای اعتراض یک ملت بود که در اوج دوران

خفقان و سرکوب رضاشاهی در فضای تاریک و سرد این سرزمین، سر داده شد. و مهم ترین ویژگی مدرّس این بود که شجاعت عجیبی داشت. به جرأت می توان گفت شهید مدرّس برای بنیان گذار جمهوری اسلامی، یک الگوی سیاسی در مبارزه علیه استبداد و استعمار و دفاع از حریم اسلام بود. لذا ایشان در صحبت ها، مکرّر از این شهید مظلوم یاد کرده است. برای همین فرمود:

سزاوار است که بر روی اولین اسکناسی که در ایران چاپ می شود تصویر اولین مرد مجاهد در رژیم منحوس پهلوی (مرحوم مدرّس) چاپ شود. (۱)

مدرّس، روحانی مبارز و خستگی ناپذیر می بود که از سنگر مجلس برای دفاع از اسلام و حقوق ملت با سیاست ضدّ دینی رضاخان مبارزه می نمود و از مجلس دوم تا مجلس ششم همواره در مقابل قراردادهای ننگین و اعطای امتیازات به بیگانگان مقابله می کرد. خیانت رضاخان که مدرّس را برای ادامه حکومت خود خطری جدی می دید و فشار انگلیس از طرف دیگر، او را تبعید و پس از یازده سال زندانی در رمضان ۱۳۱۷ شمسی او را مسموم و به شهادت رساند.

امام خمینی (قدس سرّه) درباره شخصیت بزرگ مدرّس فرمود:

آن ها از مدرّس می ترسیدند، مدرّس یک انسان بود. یک نفری نگذاشت کارهای او پیش برود تا وقتی او را کشتند، یک نفری غلبه می کرد بر همه مجلس و... من آن وقت مجلس رفتم و دیدم، برای تماشا، بچه بودم، جوان بودم، رفتم دیدم، مدرّس با آن عبای نازک و قبای کرباسی وقتی وارد می شد، مجلس می شد یک مجلس. (۲)

ص: ۱۰۸

۱- (۱). صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۸۰.

۲- (۲). همان، ص ۱۸۰.

مدّرس پیوند دین و سیاست را یک پیوند ناگسستنی می دانست و بر این اساس چنین گفت:

دیانت ما عین سیاست ماست، سیاست ما عین دیانت ماست و منشأ سیاست ما دیانت ماست. (۱)

۴- نهضت ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد

الف) زمینه ها و علل آغاز نهضت

نفت از مسائل جنجال برانگیز دهه ۲۰ بود. در شرایطی که هنوز ایران در اشغال متفقین بود، شرکت های نفتی آمریکا و انگلیس جهت کسب امتیاز در مناطق جنوب شرقی ایران، با دولت ایران وارد مذاکره شدند و هنگامی که این تلاش ها بر ملا شد، شوروی ها هم با استفاده از فرصت اشغال مناطق شمالی کشور، برای کسب امتیاز نفت شمال، دولت ایران را تحت فشار گذاشتند. این موضوع برای کشور، در عین حال که ایجاد مشکل می نمود، نطفه رقابت های استعماری سه قدرت را در موضوع نفت گذاشت؛ زیرا تا آن زمان فقط انگلیس بود که به طور انحصاری در نفت جنوب فعال بود و ورود دیگران تهدیدی علیه منافع انگلیس تلقی می شد.

در جلسه ۱۳۲۳/۹/۱۱ مجلس شورای ملی، دکتر مصدّق یک طرح دو فوریتی به مجلس پیشنهاد داد که به موجب آن، دولت از هر گونه مذاکره با کشورهای خارجی برای امتیاز نفت ممنوع شده و برای این کار مجازات هم در نظر گرفته بود.

این طرح دو فوریتی که علیه شوروی و به دلخواه انگلیس بود، در مجلس (که اکثر آنها طرفدار انگلیس بودند) در همان جلسه تصویب شد و مخالفت سه تن از نمایندگان عضو توده هم اثری نبخشید.

ص: ۱۰۹

۱- (۱). مذاکرات مجلس شورای ملی در وهله ۴، جلسه ۲۸۴، سال ۱۳۴۱ ق.

دکتر مصدق، طی نطقی، عامل اصلی انعقاد این قرارداد را یک خائن معرفی نمود (۱) و خود تقی زاده در دوره بعدی مجلس، به آلت دست بودن خود در این قرارداد اعتراف کرد. همین مسائل باعث بی اعتباری هرچه بیشتر قرارداد نفت جنوب در داخل و خارج شد و موجی علیه انگلیس برانگیخت که اولین قانون آن در مجلس بود.

اما در همین طرح، دولت موظف شده بود که نسبت به استیفای حقوق ایران در سایر امتیازها به خصوص امتیاز نفت جنوب اقدام لازم را به عمل آورد و نتیجه آن را به مجلس اطلاع دهد. (۲) با تصویب این قانون، مجلس شورای ملی ضمن اعلام ترضیع حقوق ملت ایران در مورد نفت جنوب، دولت را به تجدید نظر در قرارداد ۱۹۳۳ میلادی ملزم می کرد. اما شرکت نفت ایران و انگلیس، بدون توجه به این قانون، در مذاکرات خود با دولت ایران هیچ گونه تجدید نظری را نپذیرفت و فقط با افزایش بسیار کمی در سهم ایران موافقت نمود و دولت نیز بنا به ملاحظات سیاسی، به ناچار عین پیشنهاد شرکت را تحت عنوان قرارداد الحاقی نفت (گس - گلشائیان) در اواخر دوره پانزدهم، تقدیم مجلس نمود. (۳)

در خارج از مجلس نیز احساس ها و افکار عموم ضد انگلیسی به شدت در جریان بود و مردم به نفع قانون و اقلیت ملی مجلس وارد صحنه شده بودند و حضور آیت الله کاشانی در کانون حمایت های مردمی، مایه دلگرمی بسیار اقلیت مجلس بود. در این شرایط در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ در دانشگاه تهران به شاه تیراندازی شد که به نظر برخی نقشه انگلیس برای برهم زدن این شرایط بود و موجب شد که شاه به بهانه آن به سرکوبی آزادی خواهان و تبعید آیت الله کاشانی، غیرقانونی کردن

ص: ۱۱۰

۱- (۱) . همان، ص ۱۴۶.

۲- (۲) . مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران، ص ۳۸۲.

۳- (۳) . همان، ص ۳۹۵.

حزب توده، توقیف جراید و تغییر قانون اساسی به نفع اختیارات خودش پردازد. او قرارداد الحاقی را به مجلس داد و هدف از آن غافلگیر کردن نمایندگان مجلس بود تا در پوشش افزایش ناچیز حق الامتیاز ایران، قرارداد بی اعتبار را به طور مجدد اعتبار قانونی ببخشد. امّا اقلیت ملی مجلس پانزدهم، با توجه به پایان دوره و با توسّل به شیوه های پارلمانی و ایراد سخنانی های طولانی، مقاومت کردند و مانع مطرح شدن لایحه الحاقی شدند و از سوی مردم، به شدت مورد تشویق و حمایت قرار گرفتند.

مجلس شانزدهم که یکی از پر سر و صداترین و جنجالی ترین ادوار قانون گذاری ایران است، در چنین جوّی، ضمن رد لایحه الحاقی به تشکیل کمیسیون مخصوص نفت مبادرت ورزید. امّا دولت که نمی توانست از انگلیس بگذرد، با تغییر و تعویض کابینه ها، موضوع نفت را با انگلیس هم چنان باز گذاشته و مذاکره می نمود. ناگاه در پنجم تیر ۱۳۲۹ (با استعفای ناگهانی منصور) رزم آرا به نخست وزیری رسید. آیت الله کاشانی در مقام مخالفت و مقاومت برآمد و رزم آرا را عامل بیگانه معرفی کرد. با این اعلامیه بازار تهران تعطیل و مردم دست به تظاهرات زدند و هزاران نفر در بهارستان اجتماع کردند تا از ورود رزم آرا به مجلس جلوگیری نمایند و قوای انتظامی با خشونت توانستند مردم را متفرق کنند و در میتینگ ۸ دیماه ۱۳۲۹ که به دعوت آیت الله کاشانی تشکیل شده بود، ملی کردن صنعت نفت در تمام کشور به صورت یک خواست عمومی در قطعنامه ذکر شد.

(ب) گام دوم نهضت ملی

با تصویب شدن نفت در مجلسین، یک پیروزی بسیار بزرگ نصیب ملت ایران شد که حاصل هماهنگی و همدلی همه نیروهای سیاسی - اجتماعی (مذهبی، ملی و توده ای)

علیه استعمار انگلیس بود. در اثر این وحدت و حمایت شدید افکار عمومی، دربار و قدرت استعماری با تحمل شکست، در مقابل خواست ملت سر تسلیم فرود آوردند.

مجلس شانزدهم به منظور اجرای عملی اصل ملی شدن نفت، قانون ۹ ماده ای را در اردیبهشت ۱۳۳۰ به تصویب رساند، متعاقب آن دکتر مصدق به پیشنهاد جمال امامی (مخالف اصلی خود) در میان ناباوری همگان، نخست وزیری را پذیرفت. (۱)

با این وجود، آیت الله کاشانی به لحاظ ضرورت استراتژیک مقابله با بیگانگان، هم چنان ملت را به پشتیبانی از دولت بسیج می کرد و با تهدید انگلستان به اعلان جهاد موجب عقب نشینی نظامی انگلیسی شد. وی هم چنین با آگاهی از توافق و هماهنگی آمریکا و انگلیس و بدبینی و سوء ظن نسبت به آمریکا در صدد حفظ خط استقلال واقعی کشور بود و با هدایت میتینگ ها و راهپیمایی های مردمی علیه آمریکا، به شدت به آمریکا و غرب حمله می کرد. دکتر مصدق از مجلس هفدهم تقاضای اختیارات فوق العاده شش ماهه در امور مالی، اقتصادی، پولی، بانکی، اداری، استخدامی و قضایی نمود که اکثریت مجلس آن را بعد از معرفی کابینه و ارایه برنامه دولت موکول کردند. از سوی دیگر دکتر مصدق خواستار تصدی وزارت جنگ در کنار نخست وزیری شد که با مخالفت شاه، ناگهان استعفا کرد.

شاه بلافاصله قوام السلطنه را به عنوان نخست وزیر به مجلس معرفی کرد و قوام به جای مصدق نخست وزیر شد. با این که برخی از اعضای جبهه ملی با ارسال پیام های تبریک، به قوام وعده همکاری دادند، اقلیتی از نمایندگان و آیت الله کاشانی اصرار به بازگشت دکتر مصدق داشتند و مردم را علیه قوام و به نفع دکتر مصدق بسیج می کردند. اعلامیه آیت الله کاشانی (خطاب به افسران و

ص: ۱۱۲

سربازان و نیروی انتظامی) و اتمام حجت با آنان که مبادا به نفع انگلیس در مقابل ملت بایستند و نیز مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران داخلی و خارجی - علیه آمریکا، شاه و قوام - و دعوت مردم به اعتصاب عمومی، موجب بسیج عمومی علیه قوام و تقاضای بازگشت دکتر مصدق شد.

آیت الله کاشانی با اعلامیه شدیداللحنی علیه قوام، از مردم خواست که با شرکت در این جهاد اکبر (مبارزه با استعمار) به صاحبان سیاست استعماری ثابت کنند که حاضر به پذیرش سلطه بیگانه نیستند. (۱) با این که قوام معاون خودش را برای جلب نظر آیت الله کاشانی فرستاد و حتی اختیار انتخاب شش وزیر کابینه را به وی داد، آیت الله کاشانی اصرار به بازگشت دکتر مصدق داشت و در ۱۳۳۱/۴/۲۹ با یک نامه کوتاه به علاء (وزیر دربار)، از او خواست که به شاه بگوید:

اگر در بازگشت دولت دکتر مصدق تا فردا اقدام نفرمایند، دهانه تیز انقلاب را با جلوداری شخص خودم متوجه دربار خواهم کرد. (۲)

با فعالیت ها و تحرکات آیه الله کاشانی، به خصوص مصاحبه مطبوعاتی ۲۹ تیرماه، کفن پوشانی از شهرهای مختلف آماده حرکت به تهران شدند و قوام برای جلوگیری از قیام مردمی دستور بازداشت آیه الله کاشانی را صادر کرد. اما با آگاهی مردم از موضوع و جمع شدن در منزل ایشان، نیروی انتظامی موفق به دستگیری ایشان نشدند. روزهای ۲۸ و ۲۹ تیر بازار تهران تعطیل و از طرف مردم تظاهراتی علیه قوام برپا شد و قاطبه مردم در قیام ۳۰ تیر شرکت کردند که به

ص: ۱۱۳

-
- ۱- (۱). محمود کاشانی، قیام ملت مسلمان ایران، ص ۱۱ و ۱۲، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ص ۲۳۲، پاورقی.
 - ۲- (۲). برای مطالعه اصل اعلامیه ها و مصاحبه های آیت الله کاشانی در این قضایا ر.ک: قیام ملت مسلمان ایران، ص ۳۱ - ۳۶ و ۴۵ - ۵۴.

دنبال آن قوام مجبور به استعفا شد و دربار، دکتر مصدق را برگرداند. قیام ۳۰ تیر پیروزی بزرگی برای ملت ایران بود.

مجلس شورا روز ۳۰ تیر را به نام قیام مقدس ملی شناخت و احمد قوام را به علت کشتار دسته جمعی و قیام مسلحانه علیه ملت ایران مفسد فی الارض شناخت و کلیه اموال و دارایی او را مشمول مصادره دانست و کمیسیونی در مجلس برای تعقیب مسببین کشتار ۳۰ تیر تشکیل شد.

ج) سرانجام نهضت ملی

تا مقطع ۳۱ تیر ماه ۱۳۳۱ دو پیروزی بسیار مهم نصیب ملت ایران شد که نوعی تحمیل اراده عمومی ملت بر استعمار و استبداد تلقی می شود. (نهضت ملی شدن صنعت نفت و قیام ۳۰ تیر) پس از قیام سی ام تیر، دکتر مصدق به پشتوانه قیام مردمی، هم پست وزارت جنگ را به دست آورد و هم مجلس، اختیارات شش ماهه قانون گذاری را به وی داد و مجلس هم به طور کامل حامی وی بود، آیت الله کاشانی که رییس مجلس بود و همه چیز به نفع نهضت ملی تمام شد. آقا در این مقطع حتی اس که دوره ثمربخشی نهضت بود، مصدق مغرور از پیروزی، کابینه جدید خود را با حضور چهره های بدنامی چون سرلشگر وثوق از مسببان کشتار ۳۰ تیر معرفی کرد که اعتراضات بسیاری را برانگیخت. آیت الله کاشانی جهت دلسوزی و حفظ دستاوردهای نهضت، نامه ای به مصدق نوشت و نسبت به بعضی انتصابات دکتر مصدق اظهار نگرانی کرد و به صراحت گفت:

اگر بنا باشد جریان بدین منوال ادامه یابد، ناچارم تهران و بلکه ایران را ترک گفته و از صحنه سیاست خارج شوم. (۱)

ص: ۱۱۴

اما دکتر مصدق بدون توجه به موقعیت آیت الله کاشانی که مردم از ایشان انتظار داشتند و به حکم و فتوای ایشان جانفشانی کرده بودند، در روز بعد پاسخ بسیار تند و بی نزاکتی داد و نوشت:

چنان چه بخواهند اصلاحاتی بشود باید از مداخله در امور مدّتی خودداری فرمایند، این که هیچ گونه اصلاحاتی ممکن نیست مگر این که متصدّی مطلقاً در کار خود آزاد باشد. (۱)

با همه این اختلافات، آیت الله کاشانی در تاریخ ۲۷ مرداد خطاب به مصدق نامه ای (۲) می نویسد و او را از خطر کودتایی که به زودی توسط زاهدی با هدایت و حمایت آمریکا به وقوع خواهد پیوست آگاه می کند، ولی متأسفانه مصدق در پاسخ می گوید: «اینجانب مستظهر به پشتیبانی ملت ایران هستم» و هیچ اعتنایی نمی کند. در چنین اوضاعی، روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، کودتایی که توسط سازمان سیا سازماندهی شده بود صورت می گیرد که هم استعمارگران را به کشور بازگرداند (البته نه انگلیس، بلکه این بار آمریکا) و هم استبداد شاهنشاهی را به مدّت ۲۵ سال دیگر بر ایران حاکم کرد. تجربه این شکست تلخ، موجب هوشیاری و درس عبرت رهبران و نیروهای سیاسی - اجتماعی در دوره بعد گردید و آثار خود را در انقلاب اسلامی نشان داد. به همین دلیل پرداخت به علل شکست نهایی نهضت ملی برای استفاده بیشتر از این تجربه ضروری است.

(د) علل شکست نهضت

نهضت ملی به نوعی تکرار تجربه مشروطه بود. در هر دو، ائتلاف گروه های مختلف به خصوص روحانیون و روشن فکران به پیروزی انجامیده و با

ص: ۱۱۵

۱- (۱). همان، ۱۱۳ و ۱۱۷.

۲- (۲). حسن آیت، درس هایی از تاریخ سیاسی ایران، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.

تفرقه، زمینه شکست آنها فراهم شد. و در هر دو مورد مداخله خارجی به عنوان عامل مکمل، به شکست کمک کرد. در واقع تفرقه میان نیروهای مذهبی و دولتمردان ملی، بزرگ ترین ضربه را به نهضت وارد کرد. ائتلاف ملی گرایان با آیت الله کاشانی که مهم ترین حامی دولت محسوب می شد، بعد از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ شمسی و در اوج پیروزی نهضت از هم گسست و مصدق با از دست دادن حمایت نیروهای مذهبی، حامیان اصلی خود را از دست داد و در مقابل سیل دشمنان بی دفاع ماند.

پافشاری مصدق در کسب اختیارات ویژه، آزادی حزب توده، و به کارگیری سیاست مداران بدنام، از دلایل اصلی جدایی نیروهای مذهبی از مصدق به شمار می آیند.

ه) پیامدهای نهضت

با شکست نهضت ملی شدن صنعت نفت، آخرین امیدها برای حفظ سلطنت در قالب نظام مشروطه به یأس مبدل شد و حذف سیستم فاسد سلطنتی در رأس اهداف مبارزات بعدی قرار گرفت. در جریان این نهضت، ملی گراهای لیبرال، ناتوانی خود را در عرصه سیاست ایران نشان دادند و موقعیت خود را در جریان های بعدی متزلزل کردند.

هم چنین کودتا، شکست آخرین ائتلاف مقطعی روحانیون و روشن فکران ملی گرا را رقم زد. در جنبش مشروطه و نهضت ملی شدن نفت، این دو قشر ائتلاف کرده و نهضت را به پیروزی رساندند. در هر دو جنبش یاد شده، توده های وسیع مردم تنها به خواست رهبران مذهبی وارد صحنه شدند و بدون ترغیب رهبران مذهبی، شرکت مردم و حمایت آنها از این حرکت غیرممکن بود.

اما در هر دو مورد، پس از پیروزی، روشن فکران لیبرال سعی کردند علما را

به هر طریق از صحنه خارج کنند؛ در انقلاب مشروطه با اعدام شیخ فضل الله نوری و ترور بهبهانی و سرانجام به قدرت رساندن رضاخان و اعمال سیاست های ضدّ مذهبی، روحانیون را منزوی ساختند و در نهضت ملی شدن نفت آیت الله کاشانی را که سهم عمده ای در پیروزی جنبش داشت، کنار زده و با تهمت هایی که به او نسبت دادند در عمل، نیروهای مذهبی را از خود دور ساختند.

این تجربیات تلخ برای نیروی مذهبی کافی بود تا به نیروهای لیبرال و ملی گرا با دیده بدبینی نظر کنند و از آن به بعد، خود به طور مستقل هدایت تحولات را به دست گیرند. بدین ترتیب صحنه برای ارایه پارادایم فکری جدید در مبارزات سیاسی ملت ایران فراهم شد و نیروهای سیاسی - اجتماعی کشور در چنین شرایطی همگی به اسلام بازگشتند و حرکتی عظیم شکل گرفت که به نام «نهضت امام خمینی (قدس سرّه)» معروف گشت که در فصل بعدی به آن خواهیم پرداخت.

۱. ضرورت پرداختن به ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی را بنویسید.
۲. دو جریانی که در مواجهه با فرهنگ و تمدن غرب در ایران شکل گرفت را نام ببرید.
۳. ویژگی‌های اصلی جریان غرب ستیز را بیان کنید.
۴. مهم‌ترین مشکلات و دردهای جوامع اسلامی از دیدگاه سیدجمال‌الدین اسدآبادی چه بوده است؟
۵. سیدجمال راه‌های درمان مشکلات جهان اسلام را در چه چیزهایی می‌داند؟
۶. منظور از شعار «اتحاد اسلام» که سیدجمال مطرح نموده، چه بوده است؟
۷. زمینه‌های واگذاری اعطای امتیاز تنباکو را بنویسید.
۸. علل وقوع جنبش تنباکو را بیان کنید.
۹. قیام مردم شهرهای بزرگ علیه قرارداد انحصاری توتون و تنباکو را اجمالا ذکر کنید.
۱۰. تأثیر حکم تحریم میرزای شیرازی را بنویسید.
۱۱. مهم‌ترین آثار و نتایج پیروزی جنبش تنباکو را بیان کنید.
۱۲. زمینه‌ها و علل سیاسی وقوع جنبش مشروطه را ذکر کنید.
۱۳. زمینه‌ها و علل فکری - فرهنگی وقوع جنبش مشروطه را ذکر کنید.
۱۴. زمینه‌ها و علل اقتصادی وقوع جنبش مشروطه را ذکر کنید.
۱۵. عوامل شتابزای جنبش مشروطه را نام ببرید.
۱۶. حادثه نوزبلیکی و حادثه کرمان را توضیح دهید.
۱۷. حادثه بانک استقراضی و بازار را به عنوان دو عامل شتابزای جنبش مشروطه توضیح دهید.
۱۸. مهاجرت صغری چرا و در کجا بوده است؟
۱۹. خواسته‌های مهاجران صغری چه بوده است؟

۲۰. قضیه پناهندگی به سفارت انگلیس را تحلیل کنید.
۲۱. مهاجرت کبری چرا و در کجا بوده است؟
۲۲. مهم ترین خواسته های مهاجران کبری چه بوده است؟
۲۳. اولین قانون اساسی ایران در چه سالی و دارای چند فصل و اصل بوده است؟
۲۴. اولین قانون اساسی با اقتباس از قانون اساسی چه کشوری نوشته شد؟
۲۵. اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه چه موضوعی را بیان می کند؟
۲۶. اولین مجلس شورا در چه تاریخی و توسط چه کسی به توپ بسته شد؟
۲۷. مراجع نجف در دوران استبداد صغیر چه موضع گیری نموده اند؟
۲۸. فاتحان تهران از چه شهرها و به رهبری چه کسانی بوده اند؟
۲۹. نقش روحانیت را در جنبش مشروطه بررسی کنید.
۳۰. توجیه شرعی حکومت مشروطه از نظر میرزای نایینی چه بوده است؟
۳۱. مهم ترین دلایل مخالفت شیخ فضل الله نوری از مشروطه را بنویسید.
۳۲. دیدگاه جلال آل احمد از اعدام شیخ فضل الله را بنویسید.
۳۳. نقش روشن فکران در جنبش مشروطه را بنویسید.
۳۴. علل شکست مشروطه را بنویسید.
۳۵. پیامدهای مهم مشروطه را ذکر کنید.
۳۶. چرا انگلیس به فکر تغییر سیاست پیشین خود در روی کار آوردن رضا شاه افتاد؟
۳۷. سیاست های فرهنگی - دینی رضاخان قبل از رسیدن به سلطنت را بنویسید.
۳۸. دو مورد از مهم ترین سیاست های ضد دینی رضاخان را نام ببرید.
۳۹. رضاشاه در راستای اجرای سیاست غرب گرایی چه اقداماتی انجام داد؟

۴۰. رضاشاه در راستای اجرای سیاست ایران گرایی خود چه فعالیت هایی انجام داد؟

۴۱. مهم ترین ویژگی های محیط سیاسی مدرّس را بنویسید.

۴۲. مهم ترین محور مبارزات شهید مدرّس با رضا شاه چه بوده است؟

ص: ۱۱۹

۴۳. زمینه های شکل گیری نهضت ملی شدن صنعت نفت را بنویسید.
۴۴. نقش مجلس پانزدهم را در رابطه با قرارداد ۱۹۳۳ میلادی و الحاق آن بنویسید.
۴۵. نحوه شکل گیری مجلس شانزدهم را بنویسید.
۴۶. مهم ترین اقدام مجلس شانزدهم چه بوده است؟
۴۷. نحوه تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت را بنویسید.
۴۸. نقش مصدق را به عنوان نخست وزیر تا قبل از قیام ۳۰ تیر بنویسید.
۴۹. قیام ۳۰ تیر به رهبری چه کسی و با چه اهدافی شکل گرفت؟
۵۰. مهم ترین اختلاف مصدق و آیت الله کاشانی روی چه محوری هایی بوده است؟
۵۱. علل شکست نهضت ملی شدن نفت را بنویسید.
۵۲. دلایل اصلی جدا شدن نیروهای مذهبی از مصدق چه بوده است؟
۵۳. پیامدهای نهضت مشروطه و نفت را با هم مقایسه کنید.

جریان به حکومت رسیدن رضاخان

رضاخان در سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی، تهران را تسخیر نمود و از شاه، فرمان «سردار سپه» گرفت. سید ضیاءالدین طباطبایی نیز که به عنوان یک سیاستمدار طرفدار انگلیس مشهور بود با فشار انگلیسی ها نخست وزیر شد. دوره نخست وزیری او پس از ۹۳ روز به پایان رسید و رضاخان خود را به عنوان نخست وزیر به احمدشاه تحمیل کرد. رضاشاه به منظور هموار کردن راه قدرت، در سال ۱۳۰۲ شمسی، انتخابات مجلس پنجم را پیش از پایان مهلت قانونی مجلس چهارم، در اکثر مراکز به دست امرای ارتش و گروه های متنفّذ صورت داد. این مجلس در ۲۲ بهمن ۱۳۰۲ شمسی، افتتاح گردید. سرانجام رضاخان توانست در ۹ آبان ۱۳۰۴ شمسی، با کمک طرفدارانش در مجلس (۱) که برخی با

ص: ۱۲۱

۱- (۱). باوجود تلاش های رضاخان در انتخابات مجلس پنجم در تهران، نمایندگان هم چون مدرّس، مستوفی الممالک، مؤتمن الممالک، مشیرالدوله، مصدّق و... که مورد نظر مردم نیز بودند انتخاب شدند. مدرّس، رهبری اقلیت مجلس را به عهده داشت، اما تلاش های آنان برای جلوگیری از واگذاری قدرت به رضاخان به جایی نرسید.

ارعاب و برخی با تبلیغات او در زمینه ایجاد امنیت - با توجه به این که خود را متعصب در مذهب نیز عنوان می کرد - به وی گرویده بودند، ماده واحده ای مبنی بر انقراض سلطنت قاجار و واگذاری موقتی حکومت به خود تا تعیین تکلیف قطعی از سوی مجلس مؤسسان به تصویب رساند. در ۱۵ آذر همان سال، مجلس مؤسسان که در شرایط خاص و طبق میل رضاخان تشکیل یافته بود، با تغییر مواد ۳۶ و ۳۷ و ۴۰ متمم قانون اساسی رضاخان را وارث تاج و تخت نمود.

ص: ۱۲۲

اشاره

نهضت امام خمینی (قدس سرّه)، اوج همه حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی تاریخ اسلام و تشیع و تبلور همه آمال و آرمان‌های انقلابی نهضت‌هایی بود که در صد سال اخیر کشور ما به وجود آمد. در این فصل ما به ابعاد گوناگون این نهضت اسلامی می‌پردازیم.

۱- زندگی نامه سیاسی، خصوصیات و شیوه‌های مبارزاتی امام خمینی (قدس سرّه)

الف) زندگی نامه سیاسی

اشاره

امام خمینی (قدس سرّه) در روز ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ شمسی - (۲۴ سپتامبر ۱۹۰۲م) در شهرستان خمین به دنیا آمد. پدرش آیت‌الله سیدمصطفی موسوی، از معاصران آیت‌الله میرزای شیرازی - پس از آن که سالیانی چند در نجف اشرف، علوم اسلامی را فرا گرفته و به درجه اجتهاد نایل آمده بود به ایران بازگشت و در خمین، پیشوایی اهالی آن دیار را بر عهده گرفت. در حالی که بیش از پنج ماه از ولادت «روح‌الله» نمی‌گذشت، سیدمصطفی موسوی به علت مبارزه و مقاومت علیه زورگویی‌های اشرار منطقه، در بین راه خمین و اراک مورد سوء قصد قرار گرفت و به شهادت رسید.

مادر امام نیز که از خانواده‌ای روحانی بود، به همراهی عمّه‌وی، سرپرستی

امام را به عهده گرفت. و دیری نگذشت که عمه امام نیز دارفانی را وداع گفت. این مصایب پی در پی اگرچه روح امام را آزرده می ساخت، ولی او را در مقابل بحران ها و مشکلات آبدیده تر نمود.

امام خمینی (قدس سرّه) در دوره نوجوانی، قسمتی از معارف متداول روز و علوم مقدماتی و سطح حوزه های علمیه را نزد علمای آن دیار فرا گرفت و در سال ۱۲۹۸ شمسی، عازم حوزه علمیه اراک شد. اندکی پس از هجرت آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی از اراک به قم در سال ۱۳۰۰ شمسی، امام نیز رهسپار حوزه علمیه قم گردید و به سرعت مراحل تحصیلات تکمیلی علوم حوزوی را نزد استادان حوزه قم، از جمله میرزا محمد علی ادیب تهرانی، آیه الله سید محمد تقی خوانساری، سید علی یتربی کاشانی و آیه الله حائری یزدی طی کرد و به درجه رفیع اجتهاد نایل گشت.

هم زمان با فراگیری فقه و اصول، به فراگیری ریاضیات، هیئت، فلسفه اخلاق و عرفان نزد اساتید مشهور آن زمان پرداخت.

امام خمینی (قدس سرّه) در شرایطی دیده به جهان گشود که ایران یکی از سخت ترین ادوار تاریخ خویش را تجربه می کرد. شکست نهضت مشروطیت، کودتای رضاخان، جنگ جهانی اول و دوم، نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران از جمله حوادث و وقایع مهمی بودند که امام خمینی (قدس سرّه) تا پیش از آغاز نهضت در سال ۱۳۴۲ تجربه کرده است. خود ایشان در این رابطه می گوید:

«من از همان آغاز، از کودتای رضاخان تا امروز شاهد همه مسایل بوده ام». (۱)

ص: ۱۲۴

۱- (۱). امام و روحانیت، مجموعه دیدگاه ها و سخنان امام درباره روحانیت، گردآوری: دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ص ۷۵.

در دوران اقتدار رضاشاه، امام خمینی (قدس سرّه) از نزدیک با مبارزات روحانیون ناموری چون حاج آقا نورالله اصفهانی، مجتهد بافقی و سید حسن مدرّس آشنا و درباره مسائل سیاسی آن دوره به گفتگو می پرداخت و در همان سنین جوانی به تهران می رفت و با شرکت در مجلس شورای ملی، مذاکرات مجلس و سخنان مرحوم مدرّس را پیگیری می کرد. جریان های سیاسی مجلس، به ویژه مبارزات این روحانی مجاهد، بر روح امام تأثیر بسزایی نهاد.

در سال ۱۳۲۲ شمسی، کتابی به نام «اسرار هزار ساله» منتشر شد که نویسنده آن (حکمی زاده) با الهام از مبانی مسلک وهابیت و اندیشه های انتقادی کسروی، انتقادات متعدّدی از برخی معتقدات شیعیان و نیز از تشکیلات روحانیت کرده است. امام خمینی (قدس سرّه) در اولین متن سیاسی خود یعنی کشف الاسرار در سال ۱۳۲۲ شمسی، فجایع سلطنت ۲۰ ساله پهلوی را افشا کرد و با دفاع از اسلام، تشیع و روحانیت به پاسخ گویی شبهات پرداخت و در همین کتاب ایده حکومت اسلامی و ولایت فقیه و ضرورت قیام برای تشکیل آن را مطرح ساخت.

در آغاز دهه ۳۰، امام خمینی (قدس سرّه) ضمن درس های فقه خود به مسئله ولایت فقیه نیز پرداخت. ایشان در بحث اجتهاد و تقلید در تبیین وظیفه مجتهد فرمودند:

یکی از مقامات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمانروا بودن است، این منصب در زمان غیبت از آن فقیه جامع الشرایط است.

آیت الله بروجردی در بسیاری از موارد، از امام به عنوان یکی از مشاوران برجسته خود بهره می برد. هنگامی که زمزمه تشکیل مجلس مؤسّسان (۱۳۲۸ ش) برای تغییر موادی از قانون اساسی (دادن حق انحلال مجالس به شاه) مطرح شد، شاه برای جلب موافقت و کسب اطمینان از عدم مخالفت آیت الله بروجردی، وزیر کشورش دکتر اقبال را به قم فرستاد. امام از سوی آیت الله بروجردی به طور

رسمی با دکتر اقبال به مذاکره پرداخت و در نهایت با لحنی تند و قاطع به وزیر کشور گفت:

ما به شما هرگز اجازه چنین تغییر و تبدیلی در قانون اساسی را نمی دهیم، زیرا این گونه تغییر، افتتاحیه ای جهت دستبرد اساسی به قوانین موضوعه این کشور خواهد شد و به دولت فرصت خواهد داد که هر وقت و هر طور که سیاست و منافع او اقتضا می کند در قانون اساسی دست برد و طبق اغراض و امیال خود، قانونی را ملغی و قانون دیگری را جعل نماید. (۱)

سید احمد خمینی (قدس سرّه) فرزند امام در این باره می گوید:

بر اثر قضایای سیاسی که در زمان آقای بروجردی اتفاق افتاده بود، امام از طرف مرحوم آقای بروجردی و علما مأمور شد با شاه صحبت کند. نظر مراجع و علما این بود، نماینده ای برود و حرف ما را صریح و پوست کنده به شاه منتقل کند و این کار از کسی غیر از حاج آقا روح الله (خمینی) (قدس سرّه) بر نمی آید و ایشان طی دو ملاقاتی که با شاه انجام دادند، حسابی بر نقطه نظرات مراجع و علما تأکید کردند و به شاه در باره عاقبت سیاست هایش هشدار دادند. (۲)

در سال ۱۳۴۰ دو حادثه ناگوار اتفاق افتاد. آیت الله بروجردی در دهم فروردین رحلت کرد و آیت الله کاشانی در اسفند همان سال از دنیا رفت. با فقدان آنها رژیم شاه تحرّکات تازه ای را آغاز کرد. تلاش برای تجزیه مرجعیت و انتقال کانون آن به خارج از ایران بخشی از تحرّکات دربار بود که در کنار شتاب گرفتن روزافزون اجرای رفرم ها و تغییرات مورد نظر آمریکا تحقق یافت.

برای بسیاری از پژوهش گران تاریخ معاصر ایران، این پرسش مطرح است که چرا امام خمینی (قدس سرّه) پیش از سال ۴۱ و در زمان مرحوم آیت الله بروجردی

ص: ۱۲۶

۱- (۱). سید حمید روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی (قدس سرّه)، ج ۱، ص ۱۰۲.

۲- (۲). مجله حضور، شماره ۱، ص ۹.

نهضت خود را آغاز نکرد؟ برای پاسخ به این پرسش، سه عنصر اساسی مؤثر بر رفتار سیاسی امام پیش از آغاز نهضت باید مورد بررسی قرار گیرد. این عناصر عبارت است از:

یکم: اعتقاد به حرکت از طریق مرجعیت عامه

امام بر این باور بود که باید زمینه را برای حاکمیت مراجع دینی فراهم آورد و از اقتدار مرجعیت حمایت کرد.

امام خمینی (قدس سرّه)، در پرتو شناخت عمیق از منابع اقتدار در جامعه ایران و تجربه های کامیابی و شکست جنبش ها و حرکت های اصلاحی، بر این اعتقاد بود که وادی اصلاح امر مسلمانان و سرافراز ساختن اسلام و امت اسلامی را بدون مرکب مرجعیت نمی توان پیمود.

دوم: بیگانگی حوزه های علمیه با سیاست

فضای آن روز حوزه، فضایی بیگانه با مسایل سیاسی بود و برچسب خطرناک «آخوند سیاسی» ابزاری برای منزوی کردن روحانیون آگاه به شمار می آمد. رژیم و وابستگان آن، که حضور قدرتمند مراجع را مانع اقدامات سیاسی خود می دیدند، شعار جدایی دین از سیاست را تبلیغ می کردند. این اقدام در حوزه و روحانیت مؤثر افتاده بود چنان که امام می فرماید:

مهم ترین حرکت، القای شعار جدایی دین از سیاست است که متأسفانه این حربه در حوزه و روحانیت تا اندازه ای کارگر شده است تا جایی که دخالت در سیاست دون شأن فقیه و ورود در معرکه سیاسیون، تهمت وابستگی به اجانب را به همراه می آورد... عده ای مقدّس نمای واپسگرا همه چیز را حرام می دانستند... خون دلی که پدر پیرتان از این

دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها و سختی های دیگران نخورده است. (۱)

سوم: ضرورت تربیت نیروهای متفکر و انقلابی

امام خمینی (قدس سرّه) با درک این ضرورت که هرگونه تحوّل و انقلاب نخست باید از حوزه روحانیت آغاز شود، برای ایجاد تحوّل و اصلاح مبارزه ای عمیق و فراگیر، به تربیت نیروهای آگاه، متفکر و انقلابی پرداخت. یکی از پژوهشگران تاریخ انقلاب اسلامی در این باره می گوید:

ایشان در کلاس های درس فقه خود که معمولاً مهم ترین موضوع در برنامه درسی حوزه ها محسوب می شد، الهام بخش و تعلیم دهنده نسل کاملی از علما بود که بعداً به سازمان دهندگان انقلاب تبدیل شدند. مشخصه بارز درس ها، توانایی عجیب او در ارتباط دادن فقه با عرفان و ملاحظات عقلانی و سیاسی بود. (۲)

نتیجه تربیت نیروهای متفکر و انقلابی و کارآمد در سال های ۵۶ و ۵۷ آشکار شد. در این سال ها که اوج درگیری نیروهای انقلابی و رژیم سلطنتی بود، امام توانست با بهره برداری از نیروهای تربیت یافته پیش از پیروزی انقلاب، نهضت را از انحرافات احتمالی حفظ کند. و پس از پیروزی، راه نفوذ بیگانگان در ساختار شکل گرفته جدید را ببندد.

ب) خصوصیات و شیوه های مبارزاتی امام خمینی (قدس سرّه)

امام با درک و شناخت عمیق از قرآن و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصوم (علیهم السلام) و بررسی سیر تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی جهان اسلام و به خصوص ایران

ص: ۱۲۸

۱- (۱). مجله کوثر، ص ۳۸.

۲- (۲). جمعی از نویسندگان، سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه: عباس مخبر، ص ۳۰۴.

و هم چنین مطالعه اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی زمان معاصر، شیوه مبارزاتی خود را انتخاب کرد. ابتدا موانعی که بر سر راه مبارزه بود و از جمله تقیه را مرتفع کرد، آن گاه هدف اولیه خود را با طرح عدم مشروعیت سلطنت، مبارزه و حمله بی امان به آن کانون فساد قرار داد و سپس با اعلام هدف نهایی که برقراری حکومت اسلامی بود، علی رغم همه فشارها و تلاش برای سازش و مصالحه، قاطعانه تا نیل به پیروزی مقاومت نمود.

دوران رهبری امام را به چهار دوره متفاوت می توان تقسیم نمود که در هر دوره خصوصیات و شیوه مبارزاتی امام با توجه به شرایط و اوضاع سیاسی - اجتماعی متفاوت است و اقدامات خاص هر دوره را امام انجام دادند.

دوره اول: ظهور امام خمینی (قدس سرّه) به عنوان رهبر سیاسی - مذهبی و کسب مقبولیت سریع از طرف توده های مردم.

این دوران با اعلامیه مخالفت با قانون انجمن های ایالتی و ولایتی آغاز شد و اوج شکوفایی آن در سخنرانی معروف ایشان در روز عاشورا و دستگیری و قیام ۱۵ خرداد بود و با تبعید ایشان به ترکیه که به دنبال مخالفت شدید او با لایحه کاپیتولاسیون صورت گرفت به پایان رسید.

در این دوره از مبارزه، امام چهار اقدام اساسی انجام داد:

۱. تحریم تقیه که در طول سالیان، مهم ترین مانع در راه مبارزات مستقیم مردم با رژیم های خودکامه و در عین حال دست آویز سازش کاران بود، از سر راه حرکت و مبارزه اسلامی برداشت.

۲. با کشاندن مبارزه به کانون اصلی فعالیت های مذهبی، یعنی حوزه علمیه قم، برای همیشه خط بطلان بر تز جدایی دین از سیاست کشید.

۳. با متوجه کردن لبه تیز حملات خود به کانون اصلی فساد، یعنی سلطنت و شخص شاه، به شیوه محافظه کارانه مبارزه پایان داد.

امام ضمن اشکال در مشروعیت سلطنت پهلوی، هر نوع محافظه کاری را کنار گذاشت و محور اصلی مبارزه را در حمله به عامل اصلی همه مفاسد، یعنی سلطنت، درباریان و شاه قرارداد و به دیگران نیز جرئت و جسارت بخشید تا چنین کنند. وی فرمود:

فقط خدا می داند که سلطنت ایران از آغاز پیدایش خود چه جنایت هایی کرده است. جنایات پادشاهان، تمام تاریخ ما را سیاه کرده است، مگر پادشاهان نبودند که به قتل عام خلائق فرمان می دادند و بدون کمترین وسواس دستور سر بریدن می دادند. از نظر پیغمبر اسلام کلمه «ملک الملوک» نفرت انگیزترین کلمات در نزد خداوند است. اصول اسلامی با سلطنت مخالف است. کاخ های استبداد شاهنشاهی ایران را ویران کنید. سلطنت یکی از شرم آورترین و پست ترین ارتجاع هاست. (۱)

۴. با حمله مستقیم به همه قدرت های بزرگ خارجی و در رأس آنها آمریکا، هر نوع ملاحظه کاری سیاسی را که در گذشته و به ویژه در دوران نهضت مشروطه و ملی شدن صنعت نفت رایج بود، مطرود دانست و شیوه های کاملاً نو در مبارزه انتخاب کرد.

امام با شناخت دقیق از تجربیات گذشته و با عبارت معروف «آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر و شوروی از هر دو بدتر و همه از هم پلیدتر، امّا امروز سر و کار ما با این خبیث هاست، با آمریکاست» راه هر نوع نفوذ را بر وابستگان به سیاست های خارجی بست تا دیگر نتوانند با مشارکت در مبارزه، ثمره مبارزات مردم را از آن خود کنند.

ص: ۱۳۰

دوره دوم: رهبری امام در این مرحله، یک دوره طولانی فترت (پانزده سال) را گذراند. نطق آتشین او علیه قانون کاپیتولاسیون که در حمایت از آمریکاییان مقیم ایران تصویب شده بود، منجر به تبعید وی به ترکیه گردید.

این دوره از مبارزه از همین نقطه آغاز شد و با عزیمت ایشان از نجف به پاریس پایان پذیرفت.

دوره سوم: رهبری امام در این دوره از زمانی آغاز شد که اولین جرقه های انقلاب در دی ماه ۱۳۵۶ در قم موجب شعله ور شدن آتش زیر خاکستر گردید و دیری نگذشت که با شعله های خود خرمین هستی نظام حاکم بر ایران را سوزاند و برای همیشه به نظام طولانی ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی خط بطلان کشید.

شیوه ای که امام در این دوره برای رهبری و در نهایت به پیروزی رساندن انقلاب به کار گرفت عبارت بود از:

۱. از رخنه و نفوذ همه فرصت طلبانی که با شامه قوی خود پیروزی قریب الوقوع را احساس کرده بودند و سعی در نزدیک شدن به وی را داشتند، جلوگیری کرد:

امام سخنگو ندارد. ما با کسی ائتلاف و تفاهم نکرده ایم. هر کس حرف ما را بزند با ما و با مردم است. (۱)

بدین وسیله امام از هر نوع سوء استفاده از موقعیت ایشان و دستاوردهای انقلاب جلوگیری کرد.

۲. برخورد قاطع ایشان با مسائل و سازش ناپذیری در راه تحقق اهداف مبارزه، تلاش بسیاری از لیبرال ها و میانه روها را برای وادار کردن امام به اتخاذ سیاست معتدل تر و به اصطلاح گام به گام و آن گونه که مهندس بازرگان می گفت، سنگر به

ص: ۱۳۱

سنگر، خنثی نمود. امام با قاطعیت همه آنها را رد کرده و همواره اعلام می کرد که شاه باید برود و به جای او و با رأی مردم، جمهوری اسلامی برقرار گردد.

۳. در پاریس، دسترسی به رسانه های جمعی دنیا آسان بود، امام از این موقعیت برای رساندن پیام انقلاب به گوش مردم جهان حدّ اکثر استفاده را نمود به طوری که علی رغم کهولت سن، روزانه در چندین مصاحبه مطبوعاتی و تلویزیونی شرکت می کرده و به سؤالات گوناگون خبرنگاران پاسخ می داد. بدین وسیله امام موفق شد به اهداف انقلاب، بُعد جهانی دهد و باب دیگری در سطح بین المللی، برای مبارزه با شاه و حامیانشان بگشاید.

دوره چهارم: این دوره حسّاس ترین و مشکل ترین دوران رهبری انقلاب بود، دوره ای که رهبر انقلاب هم به عنوان رهبر اجتماعی و هم به عنوان رئیس حکومت می بایست کشتی هیجان زده انقلاب را به ساحل آرامش و سکون هدایت می کرد؛ در حالی که قدرت سیاسی و نظامی طاغوت سقوط کرده بود و میلیون ها انسان که در بند اسارت رژیم وابسته بودند، آزاد شدند و امکان هر نوع هرج و مرج و خارج شدن حرکت از کنترل رهبری وجود داشت. رهبر انقلاب می بایست با قدرت و توانایی فوق العاده، ضمن کنترل هیجان و احساسات عمومی توده های مردم و جلوگیری از هرج و مرج، با معماری قابل و توانای خود ساختمان جدید حکومت اسلامی را که طرح و ایده آن قبلاً داده شده بود، بر ویرانه های حکومت ساقط شده، بنا کند.

در این دوره بود که هرگونه غفلت و بی دقتی می توانست سبب سوء استفاده از آزادی های داده شده، یا رخوت و فتور در شور و هیجان مردم - که محرک و موتور اصلی انقلاب بود - یا دزدیده شدن دستاوردهای انقلاب و انحراف آن از مسیر اصلی و ترسیم شده اش را، فراهم کند.

او با حوصله ای وصف ناپذیر و با استفاده از موقعیت و آمادگی های مردم و با سرعتی که در همه انقلاب های دنیا بی سابقه است، در طول یک سال، پایه نظام اسلامی را با انجام انتخابات متعدّد از جمله رفراندوم جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان، انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و رفراندوم قانون اساسی تحکیم بخشید و بدین وسیله قابلیت و توان بی نظیر خود را در سازندگی و اداره جامعه بعد از انقلاب نشان داد.

۲. اندیشه های فقهی، سیاسی و حکومتی امام خمینی (قدس سرّه)

امام خمینی (قدس سرّه) یکی از بزرگ ترین فقهای تاریخ اسلام و دارای آثار و تألیفات متعدّد و بسیار عمیقی در زمینه های فقه، اصول، حکمت، عرفان، اخلاق و سیاست هستند. ایشان نخستین فقیه و مجتهد از سلسله فقهای عظام شیعه در طول عصر غیبت امام زمان (عج) هستند که توانستند زمینه عمل به دستور اسلام و اجرای مقررات و قوانین و فقه اسلام را آماده کنند. از فقهای معاصر مرحوم نایینی با استمداد از مفاهیم فقهی، اندیشه تغییر و تعویض نظام حکومتی را مطرح کرد، لیکن نه به گونه شایسته و کامل، بلکه از باب لزوم دفع افسد به فاسد و تغییر سلطنت مطلقه و استبدادی به سلطنت مشروطه با اعمال قوانین اسلام از طریق مجلس شورا را مطرح نمود. اما امام خمینی (قدس سرّه) برای نخستین بار لزوم سرنگونی نظام سلطنتی را در هر شکل و قواره ای که باشد و جایگزینی آن به «حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه» را مطرح فرمودند و آرزوی همه انبیا و ائمه و فقهای اسلام را محقق نمودند و با استفاده از فقه شیعه، نخستین حکومت اسلامی قبل از ظهور مهدی (عج) را در عمل پیاده کردند و حکومت که فلسفه عملی فقه است را تأسیس نمودند و این موضوع حادثه ای عظیم و تحوّلی بزرگ در تاریخ فقه حکومتی اسلام است.

عناصر اندیشه سیاسی، فقهی و حکومتی امام خمینی (قدس سرّه) را عمدتاً می توان در دو کتاب ایشان بررسی نمود که در دو مقطع زمانی خاص بیان شده است: ۱. کتاب کشف الاسرار (۱۳۲۲ش) ۲. کتاب ولایت فقیه (۱۳۴۸ش).

اندیشه امام (قدس سرّه) در کتاب کشف الاسرار

کتاب کشف الاسرار در پاسخ به کتاب اسرار هزار ساله حکمی زاده، در سال ۱۳۲۲ شمسی تألیف شده است. نویسنده آن کتاب با الهام از مبانی مسلک وهابیت و اندیشه های انتقادی کسروی، اشکالاتی را به دین اسلام، و روحانیت گرفته و درباره مسایل حکومتی اسلام نیز اظهارنظرها و خرده گیری هایی نموده است مبنی بر این که اسلام یک دین حکومتی نیست و نمی تواند دنیای مردم را اداره کند. امام در پاسخ به این شبهات این کتاب را نوشتند.

در این کتاب، امام، اصل سلطنت را مورد حمله قرار می دهد و می گوید:

جز سلطنت خدایی، همه سلطنت ها بر خلاف مصلحت مردم و جور است و جز قانون خدایی، همه قوانین باطل و بیهوده است.

(۱)

امام به استناد آیات مربوط به نهی از تولّای کفّار (۲) و جهاد در راه خدا (۳) و لزوم آمادگی رزمی (۴)، مردم را به قیام و مبارزه علیه استبداد داخلی رضاخانی و استعمار خارجی فرا می خواند:

هم میهنان عزیز، خوانندگان گرامی، برادران ایمانی، جوانان ایران دوست، ایرانیان عظمت خواه، مسلمانان عزّت طلب، دین داران استقلال خواه! اینک این فرمان های آسمانی است، این دستورات خدایی است. این پیام های غیبی است

ص: ۱۳۴

۱- (۱). امام خمینی (قدس سرّه)، کشف الاسرار، ص ۱۸۶.

۲- (۲). نساء، آیه ۱۳۹؛ مائده، آیه ۵۱.

۳- (۳). توبه، آیه ۳۶؛ بقره، آیه ۱۹۰.

۴- (۴). انفال، آیه ۶۰.

که خدای جهان برای حفظ استقلال کشور اسلامی و بنای سرفرازی، و شهادت قرآن و پیروان خود فرستاده؛ آنها را بخوانید و تکرار کنید و در پیرامون آن دقت کنید و آنها را به کار بندید تا استقلال و عظمت شما برگردد و پیروزی و سرفرازی را دوباره در آغوش گیرید؛ و گرنه راه نیستی و زندگی سراسر ذلت و خواری خواهید پیمود؛ و طعمه جهانخواران خواهید شد. (۱)

ایشان در یک جمله می گوید:

باید این کشور همه چیزش عوض شود تا روی اصلاح به خودش ببیند؛ و گرنه فاتحه آن را باید خواند. (۲)

اهمیت دیگر کشف الاسرار، در طرح مسئله حکومت اسلامی و ولایت فقیه است. که متأسفانه تاکنون توجهی به آن نشده است؛ زیرا بسیاری بر این گمانند که امام، اولین بار ولایت فقیه را در خلال دروس فقه و سپس در کتاب البیع خود مطرح کرد و حال آن که بیست و شش سال پیش از آن به نحو روشن و گویایی در این کتاب از این موضوع سخن به میان آورده است.

سید احمد خمینی (قدس سره) در این باره می گوید:

در این کتاب به مسایلی برمی خوریم که معلوم است امام از همان زمان در فکر حکومت اسلامی بوده اند (۳)

امام پس از رد همه حکومت های غیردینی بشری، به اثبات حکومت اسلامی به عنوان تنها حکومت مطلوب و سعادت بخش بشر می پردازد. وی می گوید:

خدای عادل هرگز تن دادن به حکومت ظالمان را نمی پذیرد. تنها حکومتی که خرد و شرع آن را حق می داند، حکومت خدا، یعنی حکومت قانون الهی است؛... چنین حکومتی بدون نظارت فقها امکان پذیر نیست. (۴)

ص: ۱۳۵

۱- (۱). کشف الاسرار، ص ۲۲۳.

۲- (۲). همان، ص ۲۸۶.

۳- (۳). سید احمد خمینی (قدس سره)، سیری در کشف الاسرار و حکومت اسلامی، ص ۴.

۴- (۴). کشف الاسرار، ص ۲۸۱.

حضرت امام(قدس سرّه) در جواب نویسنده کتاب اسرار هزار ساله که می گوید: «این که حکومت، حق فقیه است هیچ دلیل ندارد» ضمن ردّ ادّعای نویسنده و در حقیقت ادّعای وجود دلیل بر حکومت فقیه می نویسد:

مبانی عمده اش (مبانی عمده حق حکومت برای فقیه) اخبار و احادیث ائمه(علیهم السلام) است که آن هم متصل است به پیامبر(صلی الله علیه و آله) و آن هم از وحی است. اینک چند حدیث در اینجا ذکر می کنیم تا معلوم شود به کلی از فقه بی خبرند. (۱)

حضرت امام آن گاه به چهار روایت اشاره می کنند که عبارتند از: توقیع شریف امام زمان(عج)، روایت منقول از امیرمؤمنان(علیه السلام) از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) و روایت معروف مقبوله عمر بن حنظله و روایت تحف العقول از سیدالشهدا(علیه السلام). (۲)

امام همانند بسیاری از فقهای شیعه، اولوالأمر را «ولایت مجتهد» یا «ولایت فقیه» دانسته و برای اثبات آن، دلایل عقلی و نقلی کافی ارائه می دهد. (۳)

۲- اندیشه امام در کتاب حکومت اسلامی یا ولایت فقیه

اشاره

دیگر عناصر اساسی اندیشه سیاسی حضرت امام را در کتاب حکومت اسلامی یا ولایت فقیه ایشان می توان یافت که به صورت سلسله درس هایی در فاصله ۱۳۴۸/۱۱/۱ تا ۱۳۴۸/۱۱/۲۰ در ایام اقامت در نجف اشرف ایراد فرموده اند. فقها در باب ولایت فقیه معمولاً به تناسب مورد، در ابواب مختلف فقه بحث های کوتاهی کرده اند. گرچه بعضی بسیار مختصر و برخی به تفصیل بیشتر به آن پرداخته اند اما یک بحث منظم و جامع در این مورد در کتب فقهی قدما دیده

ص: ۱۳۶

۱- (۱). همان، ص ۱۸۷.

۲- (۲). همان، ص ۲۸۱.

۳- (۳). همان، ص ۱۸۵، ۱۸۸ و ۱۹۰.

نمی‌شود که دلیل آن را می‌بایست در شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر تاریخ گذشته ممالک اسلامی و سلطه حکومت‌های جائز و عدم امکان طرح چنین مباحثی به لحاظ مهیا نبودن شرایط حاکمیت فقها جستجو کرد. در عین حال قطع نظر از اختلاف آرای فقهای شیعه در محدوده اختیارات و شئون ولایت فقیه در زمان غیبت، عموم فقها در اثبات نوعی ولایت برای فقیه جامع‌الشرایط اجمالاً اتفاق نظر دارند.

امام در مقدمه کتاب، ولایت فقیه را یک امر بدیهی می‌داند که نیاز به استدلال ندارد و می‌فرماید:

ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصوّر آن موجب تصدیق می‌شود و چندان به برهان احتیاج ندارد؛ به این معنی که هر کس عقاید و احکام اسلام را حتّی اجمالاً دریافته باشد چون به ولایت فقیه برسد و آن را به تصوّر آورد، بی‌درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت. (۱)

الف) دلایل لزوم تشکیل حکومت

یکم: لزوم مؤسسات اجرایی

مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای این که قانون مایه اصلاح و سعادت بشر شود، به قوّه اجراییه و معجری احتیاج دارد؛ به همین جهت خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانون، یعنی احکام شرع، یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه مسلمانان قرار داشت. علاوه بر ابلاغ وحی و بیان و تفسیر عقاید و احکام و نظامات اسلام، به اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام همّت گماشته بود

ص: ۱۳۷

۱- (۱). امام خمینی (قدس سرّه)، ولایت فقیه، انتشارات وزارت ارشاد، ص ۳.

تا دولت اسلام را به وجود آورد. به همین جهت، اسلام همان طور که قانون گذاری کرده، قوه مجریه هم قرار داده است و «ولی امر»، متصدی قوه مجریه هم هست.

دوم: سنت و رویه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)

سنت و رویه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است؛ زیرا اولاً، خود تشکیل حکومت داد و به اجرای قوانین و برقراری نظامات اسلام پرداخته و به اداره جامعه برخاسته است. ثانیاً، برای پس از خود، به فرمان خدا تعیین «حاکم» کرده است. وقتی خداوند متعال برای جامعه پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) امام تعیین حاکم می کند، به این معناست که حکومت پس از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز لازم است و چون رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) با وصیت خویش فرمان الهی را ابلاغ می کند، ضرورت تشکیل حکومت را نیز می رساند.

سوم: ضرورت استمرار اجرای احکام

بدیهی است ضرورت اجرای احکام که تشکیل حکومت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را لازم آورده، منحصر و محدود به زمان آن حضرت نیست و پس از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز ادامه دارد. طبق آیه شریفه، احکام اسلام محدود به زمان و مکانی نیست و تا ابد باقی و لازم الاجرا است. (۱) این حرف که قوانین اسلام تعطیل پذیر یا منحصر و محدود به زمان یا مکانی است، برخلاف ضروریات اعتقادی اسلام است. بنابراین چون اجرای احکام پس از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) تا ابد ضرورت دارد، تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره ضرورت می یابد.

ص: ۱۳۸

۱- (۱). برای نمونه به آیات ۵۲ سوره ابراهیم؛ آیه ۲ سوره یونس؛ آیه ۴۹، سوره حج؛ آیه ۴۰ سوره احزاب؛ آیه ۷۶ سوره یس مراجعه کنید.

چهارم: رویه امیرمؤمنان علی ابن ابیطالب (علیه السلام)

پس از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در زمان متصدیان خلافت و زمان حضرت امیر (علیه السلام) هم حکومت اسلامی تداوم پیدا کرد. سازمان دولتی وجود داشت و اداره و اجرا صورت می گرفت.

پنجم: ماهیت و کیفیت قوانین اسلام

دلیل دیگر بر لزوم تشکیل حکومت، ماهیت و کیفیت قوانین اسلام (احکام شرع) است. ماهیت و کیفیت این قوانین می رساند که برای تکوین یک دولت، و برای اداره سیاسی و اقتصادی فرهنگی جامعه تشریح گشته است. اولاً، احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می سازد. ثانیاً، با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع در می یابیم که اجرای و عمل به آنها، مستلزم تشکیل حکومت است و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و پهناور اجرا و اداره، نمی توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد.

ب) شرایط زمامدار

امام خمینی (ره) بعد از آن که ضرورت حکومت اسلامی و طرز و نوع حکومت اسلامی را روشن نمود، آن گاه به این سؤال اساسی در اندیشه سیاسی می پردازد که حاکم چه کسی است و باید چه شرایط و ویژگی هایی داشته باشد؟ ایشان در پاسخ می گوید:

شرایطی که برای زمامدار ضروری است، مستقیماً ناشی از طبیعت حکومت اسلامی است. پس از شرایط عامه مثل عقل و تدبیر، دو شرط اساسی وجود دارد که عبارتند از: ۱. علم به قانون^۲ ۲. عدالت. (۱)

ص: ۱۳۹

سپس امام به ضرورت وجود این شرط برای حاکم اسلامی اشاره می کند و می گوید:

اولاً چون حکومت اسلام حکومت قانون است. برای زمامدار علم به قوانین لازم می باشد. و ثانیاً، زمامدار بایستی از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار و عادل باشد و دامش به معاصی آلوده نباشد. (۱)

این جا حضرت امام به مسئله ولایت فقهای اشاره می کند که دارای دو شرط فوق هستند و می فرماید:

اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت باشد به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در امر اداره جامعه داشت دارا می باشد و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند.

ج) ولایت فقیه به استناد اخبار

آن گاه امام بحث مفصّلی را برای اثبات ولایت فقیه از دیدگاه اخبار مطرح می کند که به بعضی از آنها به اختصار اشاره می کنیم.

۱. امیر مؤمنان (علیه السلام): از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل می کند:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ خَلْفَائِي (ثَلَاثَ مَرَّاتٍ) قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ خَلْفَائِكَ؟ قَالَ: الْعَدِيْنُ يَأْتُوْنَ مِنْ بَعْدِي، يَرُوْنَ حَيْدِي وَ سُنَّتِي فَيَعْلَمُوْنَهَا النَّاسُ مِنْ بَعْدِي». (۲) خدایا جانشینان مرا رحمت کن. و این سخن را سه بار تکرار فرمود. پرسیده شد که ای پیغمبر خدا، جانشینان چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که بعد از من می آیند، حدیث و سنت مرا نقل می کنند و آن را پس از من به مردم می آموزند».

۲. حضرت امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود:

«... الْمُؤْمِنِينَ الْفُقَهَاءَ حُصُونًا

ص: ۱۴۰

۱- (۱). همان، ص ۳۸.

۲- (۲). وسائل الشیعه، کتاب، ابواب صفات القاضی، باب ۸، حدیث ۵۰.

الاسلام كحِصْنِ سُورِ الْمَدِينَةِ لَهَا».(۱) «فقهای مؤمن دژهای اسلامند و برای اسلام نقش حصار مدینه را برای مدینه دارند».

۳. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«الْفَقَّهَاءُ أَمْنَاءُ الرَّسُلِ؛ (۲) فقها امانتداران پیامبرانند».

۴. امام زمان (عج) در پاسخ به سؤال اسحاق بن یعقوب که توسط محمد بن عثمان به آن حضرت رسانده بود، فرمود:

«وَأَمَّا الْحُرُودُ الْوَأَوَاقِعُ، فَمَارِجِعُوا فِيهَا إِلَى زُورِهِ حَيْثُ بَدِئْتُمَا، فَمَا نَهَمُّ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّجَةٌ بِاللَّهِ...».(۳) در حوادث و پیشامدها به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا آنان حجّت من بر شمایند و من حجّت خدایم.

۵.

قال سَيِّدُ أَلْتُ اَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ رَجُلَيْنِ مِنْ أَصْحَابِنَا بَيْنَهُمَا مُنَازَعَةٌ فِي دِينٍ أَوْ مِيرَاثٍ فَتَحَا كَمَا إِلَى السُّلْطَانِ وَإِلَى الْقَضَاءِ أَيُّجَلُّ ذَلِكَ؟ قَالَ: مَنْ تَحَاكَمَ إِلَيْهِمْ فِي حَقٍّ أَوْ بَاطِلٍ، فَإِنَّمَا تَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاعُوتِ وَ مَا يَحْكُمُ لَهُ فَإِنَّمَا يَأْخُذُهُ سِيحْتًا وَ إِنْ كَانَ حَقًّا ثَابِتًا لَهُ، لِأَنَّهُ أَخَذَهُ بِحُكْمِ الطَّاعُوتِ وَ مَا أَمَرَ اللَّهُ أَنْ يَكْفُرَ بِهِ.

قال الله تعالى: «يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاعُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ»

قُلْتُ: فَكَيْفَ يَصِفُ نَعَانَ؟ قَالَ يُنْظَرَانِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رُويَ حَدِيثُنَا وَ نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامِنَا... فَلْيَرِضُوا بِهِ حَكَمًا، فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا... (۴) عمر بن حنظله می گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره دو فردی از دوستانمان (یعنی شیعه) که نزاع بینشان بود در مورد قرض یا میراث، و به قضات برای رسیدگی مراجعه کرده بودند، سؤال کردم که آیا این رواست؟ فرمود: هر که در مورد دعاوی حق یا دعاوی ناحق، به ایشان مراجعه کند، در حقیقت به

ص: ۱۴۱

۱- (۱). اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷، کتاب فضل العلم، باب فقه العلماء، حدیث ۳.

۲- (۲). همان.

۳- (۳). کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴، باب التوقیعات، حدیث ۴.

۴- (۴). اصول کافی، ج ۱، ص ۸۶، وسائل الشیعه، ج ۱۸، کتاب ابواب صفات القاضی، باب ۱۱، حدیث ۱.

«طاغوت» مراجعه کرده باشد و هر چه را که به حکم آنها بگیری، در حقیقت به طور حرام می گیری، گر چه آن را که دریافت می کنی حق ثابت او باشد؛ زیرا که آن را به حکم و با رأی طاغوت و آن قدرتی گرفته که خدا دستور داده به آن کافر شود. خدای تعالی می فرماید:

تصمیم گرفتند که برای محاکمه به طاغوت رجوع کنند در حالی که امر شده که به او کافر شوند. پرسیدم: چه کار باید بکنند؟ فرمود: باید نگاه کنند ببینند از شما چه کسی است که حدیث ما را روایت کرده و در حلال و حرام ما مطالعه نموده، و صاحب نظر شده و احکام و قوانین ما را شناخته است... بایستی او را به عنوان حاکم بپذیرند، زیرا که من او را حاکم بر شما قرار داده ام».

(د) مبارزه برای تشکیل حکومت اسلامی

اشاره

امام خمینی (قدس سرّه) مسئله ضرورت حکومت اسلامی و دلایل لزوم آن را و بحث ولایت فقیه را صرفاً به عنوان یک نظریه مطرح نمی کند، بلکه راهکار عملی و مبارزه برای تشکیل آن را نیز بیان می کند و چند راه را برای مبارزه مطرح می کند:

یکم: تبلیغات

ایشان معتقد است که باید تبلیغات کنیم، یعنی اسلام واقعی و جامعیت آن را به مردم بشناسانیم. در این زمینه می فرماید:

ما موظفیم برای تشکیل حکومت اسلامی جدّیت کنیم، اولین فعّالیت ما را در این راه تبلیغات تشکیل می دهد. تبلیغات و تعلیمات، دو فعّالیت مهم و اساسی ماست. وظیفه فقهاست که عقاید و احکام و نظامات اسلام را تبلیغ کنند و به مردم تعلیم دهند، تا زمینه برای اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام در جامعه فراهم شود... بسیاری از احکام عبادی اسلام منشأ خدمات اجتماعی و سیاسی است. عبادت های اسلامی اصولاً توأم با سیاست و تدبیر

ص: ۱۴۲

جامعه است... امروز باید با جدّیت این اجتماعات را ترتیب دهیم، و از آن برای تبلیغات و تعلیمات استفاده کنیم. به این ترتیب، نهضت اعتقادی و سیاسی اسلام وسعت پیدا می کند و اوج می گیرد. (۱)

دوم: عاشورا

«اسلام را عرضه بدارید و در عرضه آن به مردم نظیر عاشورا به وجود بیاورید، چه طور عاشورا را محکم نگه داشته و نگذاشته ایم از دست برود! چگونه هنوز مردم برای عاشورا سینه می زنند و اجتماع می کنند! شما هم امروز کاری کنید که راجع به حکومت موجی به وجود آید». (۲)

سوم: مقاومت در مبارزه

«هیچ عاقلی انتظار ندارد که تبلیغات ما به زودی به تشکیل حکومت اسلامی منتهی شود. برای توفیق یافتن در استقرار حکومت اسلامی احتیاج به فعالیت های متنوع و مستمری داریم این، هدفی است که احتیاج به زمان دارد». (۳)

چهارم: اصلاح حوزه های روحانیت

«معرفی و ارایه اسلام مستلزم این است که حوزه های روحانیت اصلاح شود، به این ترتیب که برنامه درسی و روش تبلیغات و تعلیمات تکمیل گردد، سستی و تنبلی و یأس و عدم اعتماد به نفس، جای خود را به جدّیت و کوشش و امید و اعتماد به نفس بدهد؛ آثاری که تبلیغات و تلقینات بیگانگان در روحیه بعضی گذاشته از بین برود؛ افکار جماعت مقدّس نما، که مردم را از داخل حوزه های

ص: ۱۴۳

۱- (۱). ولایت فقیه، ص ۱۱۵ - ۱۲۰.

۲- (۲). همان، ص ۱۲۱.

۳- (۳). ولایت فقیه، ص ۱۲۲.

روحانیت از اسلام و اصلاحات اجتماعی باز می دارند، اصلاح شود؛ آخوندهای درباری که دین را به دنیا می فروشند، از این لباس خارج و از حوزه ها طرد و خارج شوند». (۱)

پنجم: از بین بردن آثار استعمار

«عمال استعمار و دستگاه های تربیتی و تبلیغاتی و سیاسی حکومت های دست نشانده و ضد ملی قرن هاست که سمپاشی می کنند و افکار و اخلاق مردم را فاسد می سازند... از طرف دیگر، با تبلیغات و تلقینات خود تلاش کرده اند تا اسلام را کوچک و محدود کنند؛ وظایف فقها و علمای اسلام را به کارهای جزئی منحصر گردانند». (۲)

ششم: براندازی حکومت های جائر

«روابط خود را با مؤسسات دولتی آنها قطع کنیم. با آنها همکاری نکنیم. از هرگونه کاری که کمک به آنها محسوب می شود پرهیز کنیم. برانداختن طاغوت، یعنی قدرت های سیاسی ناروایی که در سراسر وطن اسلامی برقرار است، وظیفه ماست. دستگاه های دولتی جائر و ضد مردم، باید جای خود را به مؤسسات خدمات عمومی بدهند و طبق قانون اسلام اداره شود و به تدریج حکومت اسلامی مستقر گردد». (۳)

۳- سیر پیدایش انقلاب اسلامی (از آغاز دهه ۴۰ تا اواخر دهه ۵۰ شمسی)

اشاره

با آن که اندیشه ضد ظلم و ستم و مبارزه با استکبار و استعمار و استبداد داخلی و تشکیل حکومت اسلامی از آغاز جوانی و در قالب تدوین کتاب کشف الاسرار

ص: ۱۴۴

۱- (۱). همان، ص ۱۲۵.

۲- (۲). همان، ص ۱۲۵ - ۱۳۰.

۳- (۳). همان، ص ۱۳۸.

برای امام مطرح بود، با این حال، آن مرد خدا تا زمان رحلت آیه الله بروجردی (فروردین ۱۳۴۰ شمسی) عملاً و علناً علم مبارزه را در دست نگرفتند؛ این در حالی بود که بزرگانی همچون نواب صفوی و آیه الله کاشانی، نهضت های فدائیان اسلام و ملی شدن نفت و مبارزه با استعمار انگلیس را رهبری می کردند و مورد اذیت و آزار قرار می گرفتند و بعضاً به شهادت می رسیدند.

به هر تقدیر، عدم واکنش صریح و قاطع از سوی امام تا پیش از تاریخ یاد شده معلول عواملی است از قبیل وجود مرجع مطلق همچون آیه الله بروجردی که از یک سو، رژیم مبارزه با اسلام را به طور علنی انجام نمی داد و از جانب دیگر، امام نیز به دلیل رابطه استاد و شاگردی و نیز از همه مهم تر تبعیت از مقام زعامت و ولایت آیه الله بروجردی بر خویش روا نمی دانستند دست به کار شوند. مضافاً بر این که کار فرهنگی - سیاسی نیاز به زمان و بیداری مردم دارد، چنانچه هر نهضتی از یک سری زمینه هایی که یک طرف آن به عملکرد دشمن مربوط می شود، نیاز دارد و این زمینه ها بعداً به وجود آمده بود، از همه مهم تر امام معتقد بودند قیام و نهضت، چون آتشفشان، مایه و مواد می خواهد و نیز قدرتی که آن را به خروش می آورد و مایه قیام دو عنصر مکتب و مردم هستند. که با رحلت آیه الله بروجردی این زمینه برای امام هموار شد. با رحلت آیه الله بروجردی، به مدت ۱۵ سال (۱۳۴۰ - ۱۳۲۴ ش)، مرجعیت مطلق شیعه از میان رفت و هیچ یک از مراجع شرایط احراز آن را به تنهایی نداشتند. شاه نیز که اصلاحات مورد نظر آمریکا را تا زمان حیات آیه الله بروجردی به تعویق انداخته بود، بلافاصله بعد از رحلت ایشان، با انتصاب علی امینی به نخست وزیری (اردیبهشت ۱۳۴۰ ش) در صدد اجرای آنها برآمد. وی برای آسوده شدن از مخالفت های احتمالی علمای قم علیه اصلاحاتش، در صدد برآمد تا پایگاه مرجعیت را از قم به نجف منتقل کند.

اینها از زمان مرحوم آقای بروجردی این نقشه را داشتند. منتهی با بودن ایشان می دیدند که مفسده دارد اگر بخواهند کارهایی را انجام بدهند. بعد از این که ایشان تشریف بردند به جوار رحمت حق تعالی، از همان اول اینها شروع کردند به اسم احترام از مرکزی، کوبیدن این مرکز را... نه از باب این که به نجف علاقه داشتند (بلکه) از باب این که قم را نمی خواستند. قم... نزدیک بود به اینها، مفاسد را زود ادراک می کرد و کارهای اینها زود در آن منتشر می شد. اینها قم را نمی خواستند منتها می خواستند به صراحت لهجه بگویند قم نه، می گفتند نجف آره، مشهد آره».^(۱)

به هر ترتیبی که بود نخستین مرحله از طرح اصلاحات آمریکایی، یعنی اصلاحات ارضی در بیستم دی ماه همان سال تصویب شد و به اجرا درآمد تا در صورت مخالفت احتمالی مراجع، آنان مخالفت با اصلاحات ارضی و طرفدار زمین داران معرفی شوند. امام که نقشه و حيله دولت را دریافته بود و از طرفی هنوز ابعاد و نتایج عملی اصلاحات ارضی روشن نشده بود، به انتظار تحولات بعدی نشست و مخالفتی با آن نکرد.

الف) اقدامات شاه و موضع گیری امام

اشاره

مصوبه انجمن های ایالتی و ولایتی: «عَلَم» تحصیلات عالیه نداشت و در میان مردم و مخالفان سیاسی چهره بدنامی بود؛ با این وجود نفوذ بی نظیری در امور کشور داشت و از نزدیک ترین و مورد اعتمادترین دوستان شاه به شمار می رفت. او مأمور اجرای اصلاحات گردید و از آن جایی که مجلس بیستم توسط امینی در اوایل سال ۴۰ منحل شد، تمام مقررات مورد نیاز دولت از جمله این مصوبه، با فرم ابتکاری تصویب نامه دولتی انجام می گرفت. در اصول ۹۱ و ۹۲ متمم قانون

ص: ۱۴۶

۱- (۱). صحیفه نور، ج ۱، ص ۶۶.

تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی پیش بینی و شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در مواد ۷ و ۹ نظامنامه انجمن مصوّب دوره اوّل مجلس معین شده بود و سه امر را در بر داشت: ۱. باید متدین به دین حنیف اسلام باشد و فساد عقیده نداشته باشد. ۲. هنگام سوگند باید به قرآن مجید سوگند یاد کند. ۳. طایفه نسوان از انتخاب کردن و انتخاب شدن محرومند. (۱)

مطبوعات روز ۱۶ مهر ۱۳۴۱ شمسی اعلام داشتند که دولت لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی جدید را تصویب کرده است و متن آن را انتشار دادند. به موجب این لایحه، واژه اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان حذف شده بود؛ انتخاب شوندگان نیز به جای سوگند به قرآن می توانند به هر کتاب آسمانی سوگند یاد کنند. افزون بر این در مصوّبه به زنان نیز حق رأی داده شده بود.

امام خمینی (قدس سرّه) که در پی فرصتی برای آغاز یک تحوّل بنیادین در نظام سیاسی بود، مبارزه خود را از همین نقطه آغاز کرد و اوّلین رویارویی سیاسی علنی میان امام و رژیم در ارتباط با تصویب همین لایحه شکل گرفت. ایشان که تصویب لایحه مذکور را مقدمه برنامه های ضدّ قانونی و ضد اسلامی رژیم شاه می دانست، بلافاصله علمای طراز اوّل قم را دعوت کرد تا در منزل فرزند شیخ عبدالکریم حائری، بنیان گذار حوزه علمیه قم، گرد هم آیند و درباره این لایحه به مشورت و تصمیم گیری پردازند.

در پایان جلسه نیز تصمیمات زیر گرفته شد:

۱. طی تلگرافی به شاه، مخالفت مراجع و علما را با لایحه اعلام داشته و لغو فوری آن درخواست شود.

ص: ۱۴۷

۱- (۱). سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۳۷۵.

۲. علمای تهران و شهرستان‌ها را از طریق نامه و پیغام در جریان امر قرار داده و از ایشان برای آگاه کردن مردم و مقابله با دولت دعوت شود.

۳. هفته‌ای یکبار و در صورت لزوم بیشتر، میان علمای حوزه، جلسه مشورت برقرار شود تا تصمیمات و مبارزه با وحدت نظر و عمل توأم گردد. شاه در تلگرافی که متن آن روز بعد به امام و سه تن دیگر از مراجع قم مخابره شد، این تغییرات را غیر مهم دانست. شاه در این پیام اولاً مراجع را با عبارت «حجه الاسلام» مخاطب قرار داد تا این تصور را ایجاد کند که آنها مرجع نیستند. ثانیاً، با عبارت «توفیقات جناب مستطاب عالی را در هدایت افکار عوام خواهانیم» به آنها می‌گفت که وظیفه شما هدایت عوام است، نه دخالت در امور سیاسی. ثالثاً، با عبارت «توجه جنابعالی را به وضعیت زمانه و تاریخ و هم‌چنین به وضع سایر ممالک اسلامی دنیا جلب می‌کنم» می‌خواست بگوید شما ارتجاعی هستید و از دنیا بی‌خبرید و چرا اسلامی غیر از کشورهای اسلامی می‌خواهید. بالاخره در پایان جوابیه اظهار داشت، «لایحه توسط دولت تصویب شد و دولت باید اقدام کند» و از این طریق خواست بگوید من سلطنت می‌کنم نه حکومت و لذا هیچ مسئولیتی ندارم.

پس از آن، مراجع قم تلگرافی به علم مخابره کردند. امام خمینی (قدس سره) در تلگراف خود، بی‌آن که علم را با عنوان نخست وزیر خطاب کند، تصویب لایحه مذکور را مخالف «شرع مقدس» و «مباین صریح قانون اساسی» دانست و ضمن توصیه به رعایت قوانین اسلام، تأکید نمود که «علمای ایران و عتبات مقدسه و سایر مسلمانان در امور مخالفت با شرع، ساکت نخواهند ماند». (۱)

ص: ۱۴۸

به دنبال بی‌اعتنایی عَلم به تلگراف‌های مراجع و علمای قم و سایر اقشار، امام خمینی (قدس سرّه) تلگراف اعتراض آمیزی به شاه فرستاد و در آن بی‌اعتنایی عَلم را خاطر نشان ساخت. سکوت و بی‌اعتنایی ۴۰ روزه عَلم نیز امام را واداشت تا اعلامیه کوبنده تری برای او صادر کند. امام در تلگراف خطاب به شاه می‌گوید:

... با آن که به آقای اسدالله عَلم در این بدعتی که می‌خواهد در اسلام بگذارد، تَبّه دادم و مفسادش را گوشزد کردم، ایشان نه به امر خداوند قاهر گردن نهادند و نه به قانون اساسی و قانون مجلس اعتنا نمودند و نه به نصیحت علمای اسلام توجّه نمودند و نه به خواست ملت مسلمان وقعی گذاشتند... (۱)

سرانجام عَلم در ۲۲ آبان ماه ۱۳۴۱ شمسی تلگرافی به سه نفر از مراجع قم (به جز امام) مخابره کرد و در ظاهر موافقت خود را با خواسته‌های آنان اعلام کرد.

به هر ترتیب با تلاش‌های پیگیر امام و مراجع قم و پشتیبانی مردم، لایحه‌ای که در مهرماه سال ۱۳۴۱ به تصویب دولت رسیده بود در آذرماه همان سال لغو شد.

رژیم شاه از تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی اهداف ذیل را دنبال می‌کرد:

یکم: تضعیف روحانیت و تقویت عمال بیگانه

رژیم شاه با این مصوّبه، اندیشه تداوم و تشدید سیاست تضعیف روحانیت را در سر می‌پروراند؛ سیاستی که با رحلت آیه الله بروجردی از همیشه نمایان تر شده بود. همان طور که پیش از این گفته شد، شاه در سوگ این مرجع بزرگ تنها به علمای نجف، پیام تسلیت داد تا این تصوّر را ایجاد کند که دیگر کانون مرجعیت در ایران نیست و عالمان قم پایگاه گذشته خود را از دست داده‌اند.

ص: ۱۴۹

۱- (۱). سید حمید روحانی، بررسی و تحلیل از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۱۵۵ - ۱۵۸.

برداشتن قید مسلمانی از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و قراردادن سوگند به کتاب آسمانی به جای قرآن، اقدامی در جهت تقویت بیگانگان و غیر مسلمانان در کشور به شمار می آمد و به گروه های صاحب نفوذ غیر مسلمان که در عمل سیاست کشور را در اختیار داشتند فرصت می داد تا موجودیت خود را اعلام دارند. امام خطر نفوذ صهیونیست ها و عمال بهایی آنها را در ایران بارها تذکر داده بود. حامد الگار با اشاره به این مطلب می نویسد:

علت مخالفت آیه الله خمینی (قدس سرّه) با این قوانین آن بود که شرط سوگند خوردن به قرآن برای اعضای انجمن ها حذف شده بود، و این نگرانی وجود داشت که اقدام فوق، راه را برای مشارکت بهائیان در حیات سیاسی کشور هموار سازد. (۱)

امام خمینی (قدس سرّه) در پاسخ به نامه اصناف شهرستان قم، در همین زمان، چنین می فرماید:

این جانب حسب وظیفه شرعیه به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می کنم. قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد آن، در معرض قبضه صهیونیست هایی است که در ایران به حزب بهایی ظاهر شدند... تلویزیون ایران پایگاه جاسوسی یهود است... (۲)

دوم: گسترش بی بندوباری در پوشش اعطای حق رأی به زنان

اعطای حق رأی به زنان یکی از بخش های تصویب نامه بود که از نظر طرفداران شاه اهمیت بسزایی داشت و اشرف پهلوی (خواهر شاه) آن را مهم ترین تحوّل تاریخ برای زنان می خواند. (۳)

ص: ۱۵۰

۱- (۱). سلسله پهلوی، نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ص ۳۰۵.

۲- (۲). صحیفه نور، ج ۱، ص ۳۳، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ص ۱۷۷.

۳- (۳). عبدالرضا هوشنگ مهدوی، انقلاب ایران به روایت رادیو بی بی سی، ص ۱۱۵.

ورود بانوان به صحنه های اجتماعی، در حالی که زنان نیز مانند مردان از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم بودند، ماهیتی جز فریب و به فساد کشاندن آنها نداشت، در کشوری که انتخابات آزاد وجود نداشت و فهرست کاندیداها به وسیله دولت و ساواک تعیین می شد، رأی دادن یا راه یافتن زنان به مجلس چه اهمیتی داشت؟

مخالفت با تصویب نامه، نه مخالفت با آزادی زنان، بلکه مخالفت با توسعه فساد بود. امام خمینی (قدس سرّه) اعلام داشت:

ما با ترقی زنان مخالف نیستیم، ما با این فحشا مخالفیم، با این کارهای غلط مخالفیم، مگر مردها در این مملکت آزادی دارند که زن ها داشته باشند؟ مگر آزادی مرد و آزادی زن با لفظ درست می شود؟ (۱)

و در جای دیگر چنین می فرماید:

ما می گوئیم زن ها را به اسم آزادی و ترقی به فساد نکشید و منحرف نسازید. شما حساب کنید در این بیست و چند سالی که از این کشف حجاب مفتضح می گذرد، چه چیزی عاید زن ها شده، چه چیزی عاید مردها شده و چه چیزی عاید این مملکت گردیده است؟ (۲)

سوم: انقلاب سفید و پیامدهای آن

چنانچه بیان شد لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی، با مخالفت و مقاومت پی گیر و قاطع امام خمینی (قدس سرّه) و دیگر مراجع روبه رو و سرانجام از سوی هیئت وزیران رسماً ملغی گردید. از این رو شاه در ۱۹ دی ماه ۱۳۴۱ شمسی (سالروز اصلاحات ارضی) به طور رسمی اعلام کرد قصد دارد اصول شش گانه ای (۳) را به رفراندوم

ص: ۱۵۱

۱- (۱). صحیفه نور، ج ۱، ص ۸۰.

۲- (۲). همان، ص ۲۰۰، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ص ۲۰۰.

۳- (۳). این اصول شش گانه عبارت بودند از: (۱) الغای رژیم ارباب رعیتی یا تصویب اصلاحات ارضی ایران بر اساس لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۹ دی ماه ۱۳۴۰ و ملحقات آن. (۲) تصویب لایحه قانون ملی کردن جنگل ها در سراسر کشور. (۳) تصویب لایحه فروش سهام کارخانه های دولتی به عنوان پشتوانه اصلاحات ارضی. (۴) تصویب لایحه قانونی سهام کردن کارگران در منافع کارگاه های تولیدی و صنعتی. (۵) لایحه اصلاحی قانون انتخابات. (۶) لایحه ایجاد سپاه دانش به منظور اجرای تعلیمات عمومی و اجباری. البته این اصول در سال های بعد اضافه شد و تا به ۲۱ اصل رسید. (تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۲ و ۱۰).

بگذارد. این اصول که شاه به آنها نام «انقلاب سفید» داده بود در حقیقت همان رفرم‌هایی بود که آمریکا به کشورهای توسعه نیافته اعلام کرده بود. اصول فوق با جملاتی زیبا و سنجیده معرفی شده بود که مخالفت با آنها، مخالفت با منافع عمومی و مصالح ملی قلمداد می‌گردید.

امام خمینی (قدس سرّه) بار دیگر مراجع قم را به تشکیل جلسه و اخذ تصمیم فراخواندند. بدین ترتیب جلسه‌ای برگزار گردید و در نهایت قرار شد نماینده‌ای از سوی رژیم دعوت شود تا انگیزه شاه را از طرح این لوایح توضیح دهد، به همین منظور آقای بهبودی روانه قم شد و بی‌درنگ با مقامات روحانی و علمای قم به گفت‌وگو نشست و چند بار نیز بین تهران و قم رفت و آمد کرد و نظرات و پیشنهادهای علمای قم را به رژیم و پاسخ‌های شاه را به آنان رساند.

امام خمینی (قدس سرّه) در واکنش به اصرار شاه بر انجام رفراندم، در روز ۲ بهمن ۱۳۴۱ شمسی طی اعلامیه‌ای آن را تحریم کرده و «رفراندم اجباری» نامید که در مقابل حکم اسلام و قانون اساسی بی‌ارزش است. (۱) به دنبال انتشار این اعلامیه،

ص: ۱۵۲

۱- (۱). علّت مخالفت با لوایح شش‌گانه و تحریم رفراندم، در پاسخ امام به استفتای جمعی از متدینان تهران آمده است. امام فرمود: «به نظر این جانب، رفراندم که به لحاظ رفع بعضی از اشکالات به اسم تصویب ملی خوانده شده، مخالف رأی جامعه روحانیت اسلام و اکثریت قاطع ملت است... به پاره‌ای از این اشکالات اشاره می‌نمایم: ۱. در قوانین ایران رفراندم پیش‌بینی نشده و تاکنون سابقه نداشته، جز یک مرتبه که آن هم از طرف مقاماتی غیرقانونی اعلام شد و به جرم شرکت در آن جمعی گرفتار شدند و از بعضی حقوق اجتماعی محروم گردیدند؛ معلوم نیست چرا آن وقت این عمل غیرقانونی بود و امروز قانونی است. ۲. معلوم نیست چه مقامی صلاحیت دارد رفراندم نماید. این امری است که باید قانون معین کند. ۳. در ممالکی که رفراندم قانونی است باید به قدری به ملت مهلت داده شود که یک‌یک مواد آن مورد نظر و بحث قرار گیرد و در جراید و وسایل تبلیغاتی آرای موافق و مخالف منعکس شود و به مردم برسد؛ نه آن که به طور مبهم با چند روز فاصله بدون اطلاع ملت اجرا شود. ۴. رأی دهندگان باید معلوماتشان به اندازه‌ای باشد که بفهمند به چه رأی می‌دهند، بنابر این اکثریت قاطع حق رأی دادن در این مورد را ندارند و فقط بعضی اهالی شهرستان‌ها که قوه تشخیص دارند صلاحیت رأی دادن در مواد شش‌گانه را دارند که آن هم بی‌چون و چرا مخالفند. ۵. باید رأی دادن در محیط آزاد باشد و بدون هیچ‌گونه فشار و زور و تهدید و تطمیع انجام شود و در ایران این امر عملی نیست... به نظر می‌رسد این رفراندم اجباری مقدمه برای از بین بردن مواد مربوط به مذهب، علمای اسلامی از عمل سابق دولت راجع به انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی برای اسلام و قرآن و مملکت احساس خطر کرده‌اند و به نظر می‌رسد که همان معانی را دشمنان اسلامی می‌خواهند به دست جمعی مردم ساده‌دل اغفال شده اجرا کنند. علمای اسلام وظیفه دارند هر وقت برای اسلام و قرآن احساس خطر کردند به مردم مسلم گوشزد کنند تا در پیشگاه خداوند مسئول نباشند. از خداوند متعال حفظ قرآن مجید و استقلال مملکت را خواهیم. روح الله الموسوی الخمینی. (تاریخ سیاسی معاصر ایران، ص ۱۳).

بازار تهران تعطیل شد و کسبه با سر دادن شعارهایی علیه رفراندوم به تظاهرات پرداختند. گروهی از مردم و دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران نیز تظاهراتی برپا کردند که مورد هجوم پلیس قرار گرفته و تعدادی از آنها مجروح و دستگیر شدند. در قم نیز تظاهرات مردم با حمله پلیس و مجروح شدن و دستگیری عده ای مواجه شد.

ص: ۱۵۳

سرانجام رفراندوم در ششم بهمن ۱۳۴۱ شمسی برگزار گردید و بنا به اعلان رسانه های گروهی، پنج میلیون و ششصد هزار نفر به لوایح مذکور رأی مثبت و چهار هزار و صد و پنجاه رأی مخالف دادند. پس از رفراندوم که با نیرنگ و تقلب و تهدید گسترده همراه بود، روزنامه ها با تبلیغات گسترده این پیروزی را به شاه و مردم تبریک گفتند.

با توجه به شرایط پیش آمده، روحانیون به پیشنهاد امام خمینی (قدس سرّه) تصمیم گرفتند به عنوان اعتراض، در ماه مبارک رمضان آن سال که از هشتم بهمن ماه آغاز می شد، از رفتن به مساجد خودداری کنند و برای جلب نظر عمومی در تمام ماه رمضان، مراسم سخنرانی ها و مساجد را تعطیل کنند.

شاه در ۲۳ اسفند ۱۳۴۱ شمسی، طی سخنانی در پایگاه وحدتی دزفول، از مراجع و روحانیون به زشتی یاد کرد و نسبت به یک سرکوب قریب الوقوع هشدار داد. امام خمینی (قدس سرّه) نیز در همان روز با صدور اعلامیه ای نوروز سال ۴۲ را عزای عمومی اعلام کرد. از آن جاکه هر سال گروه بی شماری از مردم در ایام نوروز برای زیارت حضرت معصومه (علیها السلام) و دیدن مراجع به قم می آمدند، آن سال این حضور، وسیله ای برای اعتراض مردم علیه رژیم گردید. در روز دوم فروردین سال ۱۳۴۲ که مصادف با ۲۵ شوال ۱۳۸۲ ق و سالگرد شهادت امام صادق (علیه السلام) بود، مجلس سوگواری از سوی آیه الله گلپایگانی، در مدرسه فیضیه برگزار گردید. آن روز مأموران زیادی که به طور ناشناس با اتوبوس وارد قم شده بودند پس از ناکامی از برهم زدن مجلس سوگواری بیت امام، وارد مدرسه فیضیه شده و به ضرب و شتم طلاب و مردم شرکت کننده در مجلس پرداختند. طلاب نیز با استفاده از سنگ و آجر و چوب به دفاع از خود برخاستند، اما نیروهای مسلحی که مدرسه را در محاصره خود داشتند به کمک کماندوها شتافته و با به گلوله

بستن طلاب و مردم، تعدادی از آنها را مجروح و شهید نمودند که به فاجعه «کشتار فیضیه» نام گرفت.

ب) قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲

اشاره

در فاصله میان فاجعه مدرسه فیضیه و ماه محرم (۲ فروردین تا ۴ خرداد ۱۳۴۲) مبارزه امام(قدس سرّه) اغلب در قالب صدور اعلامیه های متعدّد بود و فرا رسیدن ماه محرم وضعیت را به یک رویارویی گسترده کشانید.

ساواک که از جایگاه ویژه این ماه اطلاع داشت، پیش از آغاز بسیاری از وعاظ را احضار و آنان را ملزم کرد که در محافل و مجالس: ۱. علیه شاه سخن نگویند. ۲. علیه اسرائیل مطلبی گفته نشود. ۳. مرتّب به مردم نگویند که اسلام در خطر است.

امام خمینی(قدس سرّه) در نشستی با مراجع و علمای قم پیشنهاد کرد، در روز عاشورا هر یک از آنها برای مردم و عزاداران حسینی سخنرانی کرده و از مظالم و جنایات رژیم پرده بردارند و خود نیز برای سخنرانی در عصر عاشورا در مدرسه فیضیه مهیا شد. صبح روز عاشورا در حالی که هزاران نفر در مراسم عزاداری منزل امام شرکت داشتند رییس ساواک قم خود را به ایشان رساند و اظهار داشت:

من از طرف اعلی حضرت مأمورم به شما ابلاغ نمایم که اگر امروز بخواهید در مدرسه فیضیه سخنرانی کنید کماندوها را به مدرسه می ریزیم و آن جا را به آتش و خون می کشیم و پاسخ امام این بود، که ما هم به کماندوهای خود دستور می دهیم که فرستادگان اعلی حضرت را تأدیب نمایند. (۱)

اما علی رغم تهدید رژیم، در ساعت ۴ بعد از ظهر عاشورای ۴۲ که مصادف با ۱۳ خرداد آن سال بود، برای ایراد سخنرانی به طرف مدرسه فیضیه رهسپار شد. عصر

ص: ۱۵۵

عاشورا یادآور شهادت حسین (علیه السلام) حالت خاص غیرقابل توصیفی را در جامعه اسلامی ایران ایجاد می کند و امام با استفاده از این لحظات معنوی و الهی، به افشای ماهیت رژیم پهلوی پرداخت.

سپس با اشاره به التزام گرفتن ساواک از وعظ که به شاه و اسراییل بدگویی نکرده و نگویید که اسلام در خطر است اظهار داشت:

تمام گرفتاری ها و اختلافات ما در همین سه موضوع نهفته است... اگر ما نگوییم اسلام در خطر است آیا در معرض خطر نیست؟ اگر ما نگوییم شاه چنین و چنان است آیا آن طور نیست، اگر ما نگوییم اسراییل برای اسلام و مسلمین خطرناک است آیا خطرناک نیست، و اصولاً چه ارتباطی و تناسبی بین شاه و اسراییل است که سازمان امنیت می گوید از شاه صحبت نکنید، از اسراییل صحبت نکنید؟ آیا به نظر سازمان امنیت شاه اسراییلی است؟ آیا به نظر سازمان امنیت شاه یهودی است؟ آقای اه! شاید اینها می خواهند تو را یهودی معرفی کنند که من بگویم کافری تا از ایران بیرونت کنند و به تکلیف تو برسند؟!». (۱)

این سخنان کوبنده و افشاگرانه امام که او را به عنوان بت شکن مطرح نمود، شاه را بیش از پیش نزد مردم تحقیر و رسوا کرد. دو روز پس از این سخنرانی، در سحرگاه روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، امام به دستور شاه در منزل مسکونی خود در قم دستگیر و بلافاصله به تهران آورده شد، وی را نخست در سلول انفرادی زندانی و سپس به یک پادگان نظامی که تحت مراقبت کامل بود منتقل نمودند. به دنبال انتشار خبر بازداشت امام، از نخستین روز ۱۵ خرداد اعتراضات گسترده ای در قم، تهران، ورامین، مشهد و شیراز برگزار شد که با شعارهایی بر ضد شاه و در طرفداری از امام همراه بود. فجیع ترین حادثه، قتل عام دهقانان کفن پوش ورامینی بود که در پشتیبانی از امام راهی تهران شده بودند. مأموران نظامی در سر پل باقرآباد با آنها رو به رو شده و با

ص: ۱۵۶

سلاح‌های سنگین آنها را قتل عام کردند. مأموران نظامی که در نقاط مرکزی و حساس شهرهای قم و تهران مستقر شده بودند، به روی تظاهر کنندگان آتش گشودند؛ مردم نیز با چوب و سنگ به دفاع از خود برخاستند. تظاهرات در آن روز و روز بعد نیز ادامه یافت و هزاران نفر از مردم کشته، یا زخمی شدند.

قیام ۱۵ خرداد نقطه عطفی است در تاریخ معاصر، و به تعبیر حضرت امام (قدس سرّه)، مبدأ انقلاب اسلامی است. این قیام ویژگی‌هایی داشت که به آن اشاره می‌شود:

یکم: ویژگی‌های نهضت پانزده خرداد

۱. اسلامی شدن مبارزه؛ پانزده خرداد سرآغاز جنبشی در میان مردم ایران شد که صد در صد اسلامی بود. اسلامی بودن در این جنبش به صورت کاملاً مشخص در شخصیت رهبر آن که مرجع تقلید و فقیه و زعیم حوزه علمیه قم بوده جلوه گر شده بود. با رهبری امام خمینی (قدس سرّه)، افسانه جدایی دین از سیاست که ده‌ها سال توسط رژیم و دشمنان اسلام تبلیغ شده بود، عملاً باطل شد و مردم مسلمان ایران در مبارزه‌ای قدم نهادند که ادامه آن برای آنها مانند نماز و روزه شرعاً واجب بود. ایدئولوژی و مکتب این مبارزه، اسلام بود و اصول و مبانی و انگیزه‌های آن از قرآن و سنت پیامبر و معصومان (علیهم السلام) به دست آمده بود.

۲. اخلاص و قاطعیت در رهبری؛ قیامی که امام آن را رهبری نمود یک قیام الهی بود که از سر اخلاص و برای انجام وظیفه و تکلیف شرعی صورت گرفته بود و در طول این نهضت بارها فرمودند که ما همانند رسول خدا و سایر انبیای الهی موظف به ادای تکلیف هستیم. این اخلاص رهبری به نوبه خود قاطعیتی را پدید آورده که از عوامل مهم پیروزی بوده است؛ چون مبارزه را یک تکلیف شرعی می‌دانست و سازش در انجام تکلیف و عبادات معنا ندارد.

۳. مردمی شدن مبارزه؛ نهضت پانزده خرداد، نهضتی کاملاً مردمی بود، این نهضت به هیچ قشر خاصی تعلق نداشت بلکه همه قشرها از شهری و روستایی و بازاری و دانشگاهی، مرد و زن و پیر و جوان در آن شرکت داشتند.

۴. مخالفت با اصل سلطنت؛ خصوصیت مهم دیگر نهضت پانزده خرداد این بود که برخلاف عموم حرکت ها و مبارزه های قبل، هدف اصلی را نشانه گرفته بود و شاه را مقصر اصلی می دانست. پیش از این نهضت، سیاستمداران و مبارزان سیاسی یا جرئت مخالفت با اصل رژیم سلطنتی را نداشتند یا اصولاً به براندازی آن معتقد نبودند، یا احیاناً با مطرح کردن شعار «شاه باید سلطنت کند، نه حکومت» به وجود شاه مشروعیت می دادند.

۵. بیگانه ستیزی؛ ویژگی بعدی نهضت پانزده خرداد این بود که هیچ نوع گرایشی، نه در مکتب و نه در عمل، به بیگانه نداشت. امام خمینی (قدس سرّه) از همان آغاز آمریکا و انگلیس و شوروی را عامل بیچارگی مردم ایران معرفی کردند و مبارزه با بیگانگان را آغاز نمودند. هم چنین مبارزه با رژیم اشغالگر قدس در رأس اهداف مبارزه حضرت امام در قیام پانزده خرداد است.

دوم: تأثیرات و نتایج قیام پانزده خرداد

نهضت اسلامی پانزده خرداد در جامعه ایران آثار عمیقی به جای گذاشت و در حقیقت سرنوشت سیاسی و اجتماعی آینده ایران را ترسیم کرد. در این جا ما به چند تأثیر و نتایج مهم آن اشاره می کنیم:

-محو شدن جاذبه گروه های سیاسی

پس از پانزده خرداد بازار فعالیت های سیاسی و غیراسلامی مخصوصاً ملی گرایی از رونق افتاد. امام خمینی (قدس سرّه) در مبارزه، آخرین کلام را که همان سرنگونی رژیم

بود آشکارا اعلام کرده بودند. بنابراین همه گروه های سیاسی که به کمتر از این قانع بودند جاذبه سیاسی خود را از دست دادند.

- تکامل مبارزات سیاسی

نهضت پانزده خرداد موجب تکامل مبارزه سیاسی مردم شد و رشد و بینش آنان را در تشخیص هدف اصلی مبارزه افزایش داد. در اثر همین تکامل بود که پس از پانزده خرداد، شعار براندازی رژیم، شعار کلیه گروه هایی شد که قصد مبارزه داشتند و اگر گروهی پیدا می شد که می خواست در چارچوب قانون اساسی و از طریق آزادی های سیاسی مبارزه کند، در نظر ملت محافظه کار و سازشکار تلقی می شد.

- مذهب راهنمای مبارزه

قبل از پانزده خرداد، مذهب در میان بسیاری از جمله روشن فکران، به عنوان مکتبی که اساس و راهنمای مبارزه باشد مورد توجه نبود. تبلیغات چند ده ساله استعمار به دست رضاخان و فرزند او و تبلیغات کمونیست ها که مذهب را افیون توده ها می دانستند، تصوّر غلطی از اسلام به وجود آورده بود. امّا با قیام پانزده خرداد، به رهبری امام، بطلان تصوّر فوق آشکار شد و توجه همگان را جلب نموده بود.

- برملا شدن چهره منافقانه و مزورانه شاه

پس از کشتار مردم، همه دریافتند که ریشه تمام فسادها و خرابی ها، شاه است و باید آماج تیرهای اعتراض قرار گیرد. وقتی خبر حمله پلیس و مأموران نظامی به مردم و روحانیان (در قضیه مدرسه فیضیه) به رهبر بزرگ انقلاب رسید، چند بار پیاپی فرمود: رژیم خود را رسوا کرد و ماهیت خود را بروز داد. (۱)

ص: ۱۵۹

-افزایش رشد و مشارکت سیاسی روحانیت و مردم

ضربه‌هایی که در پی نهضت مشروطه بر روحانیت فرود آمد و نیز اختناق و سرکوبی دوره استبداد رضاخانی، روحانیت را از صحنه سیاسی کشور کنار زد. امام با استناد به قرآن و سنت، چهره سیاسی - اجتماعی اسلام را معرّفی نمود و روحانیون را آگاه نمود و به دنبال آن روحانیون در ارتباط وسیعی که با مردم داشتند، در مراسم و فضاهاى مذهبی به توده مردم مسلمان آگاهی می دادند.

ج) لایحه کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی (قدس سرّه)

در تاریخ معاصر ایران، موضوع قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) مسئله‌ای اساسی است که باعث گردید بیش از یک قرن، استقلال و حاکمیت ایران در وضع متزلزلی قرار گیرد. نفوذ بیگانگان بیشتر از همین طرق بود و از این راه تحمیل عمّال و کارگزاران بیگانه و به دنبال آن جنایات فجیعی در سرزمین ما انجام گرفت. قوانین جزایی که باید مظهر حاکمیت دولت باشد به صورت بازیچه‌ای درآمد و هر متجاوزى می توانست به سادگی آن را کنار زده، خود را تحت حمایت قدرت‌های خارجی قرار بدهد.

در ۱۳ مهر ماه ۱۳۴۳، قانونی از مجلس شورای ملی گذشت که بر اساس آن به نظامیان آمریکایی مأمور در ایران و وابستگان‌شان مصونیت سیاسی اعطا می شد و کلیه مستشاران آمریکایی در ارتش، از حیثه قانون ایران برکنار می شدند؛ به طوری که اگر مرتکب جرم و جنایتی در ایران می گشتند، در دادگاه‌های ایران جوابگو نبودند. یازده روز پس از تصویب این لایحه، دولت منصور لایحه وام ۲۰۰ میلیون دلاری از یک بانک آمریکایی را با تضمین دولت آمریکا، به مجلس برد و به تصویب رساند. این وام به خرید سلاح‌های جنگی از آمریکا اختصاص

یافت. محافل سیاسی ایران واگذاری این وام را پاداش آمریکا به ایران، به خاطر تصویب لایحه کاپیتولاسیون به شمار آوردند.

امام خمینی (قدس سرّه) که از حضور مستشاران نظام و امنیتی آمریکا در ایران آگاهی داشت و از تصویب این لایحه نیز اطلاع یافته بود، تصمیم گرفت تا این توطئه بزرگ و ننگین را افشا کند؛ از این رو در حالی که رژیم می کوشید تا با برگزاری تبلیغاتی پر زرق و برق، جشن چهارم آبان ۱۳۴۳ شمسی (مصادف با چهل و پنجمین سالروز تولد شاه) این مسئله را به دست فراموشی سپارد، امام خمینی (قدس سرّه) سخنرانی خود را در همان روز ایراد و در همه جا منتشر نمود.

سپس امام این خطر بزرگ را اعلام می کند و به همه اقشار و طبقات هشدار می دهد که در مقابل این ذلت سکوت نکنند.

در متن همین سخنرانی بود که امام منشأ تمام گرفتاری ها را از استعمار و خصوصاً آمریکا دانست و فرمود:

آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر، همه از هم بدتر، و همه از هم پلیدتر، لیکن امروز سر و کار ما با آمریکاست. رئیس جمهور آمریکا بدانند، این معنا را بدانند که امروز در پیش ملت ما از منفورترین افراد بشر است که چنین ظلمی به ملت اسلامی کرده است. امروز قرآن با او خصم است، ملت ایران با او خصم است... امروز تمام گرفتاری ما از آمریکاست، تمام گرفتاری ما از اسرائیل است، اسرائیل هم از آمریکاست... ما این قانون را که به اصطلاح خودشان گذرانیده اند قانون نمی دانیم، ما این مجلس را مجلس نمی دانیم، ما این دولت را دولت نمی دانیم، اینها خائنند، خائن به کشورند». (۱)

به دنبال این سخنرانی، امام خمینی (قدس سرّه) اعلامیه ای نیز منتشر کرد و تصویب لایحه کاپیتولاسیون را افشا و محکوم نمود و آن را «سند بردگی ملت ایران» و «اقرار رژیم

ص: ۱۶۱

به مستعمره بودن ایران و ننگین ترین و موهن ترین تصویب نامه غلط دولت های بی حیثیت» نامید و نسبت به سوء استفاده های ناشی از آن هشدار داد. (۱)

نه روز پس از این سخنرانی، در نیمه شب ۱۳ آبان، صدها کماندو منزل امام را در قم محاصره کرده، ایشان را دستگیر و شبانه به تهران منتقل نمودند و با یک هواپیمای باری و به همراه دو مأمور امنیتی به ترکیه تبعید کردند. روز بعد رادیو و مطبوعات کشور خبر دستگیری و تبعید امام را چنین گزارش کردند:

«طبق اطلاع موثق و شواهد و دلایل کافی، چون رویه آقای خمینی (قدس سرّه) و تحریکات مشاّرّالیه علیه منافع ملت و امنیت و استقلال و تمامیت ارضی کشور تشخیص داده شده، لذا در تاریخ ۱۳ آبان ماه ۱۳۴۳ از ایران تبعید گردید». (۲)

مدّتی بعد حاج آقا مصطفی خمینی (قدس سرّه) نیز به همان تبعیدگاه فرستاده شد. امام و فرزندش پس از گذشت یازده ماه، به دلیل اعتراض مجامع روحانی ایران و عراق، به عراق تبعید گردید. امام خمینی (قدس سرّه) به مدّت ۱۳ سال و ۵ ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در آن کشور در تبعید به سر برد.

د) بررسی تحولات از ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ (از تبعید امام تا پیروزی انقلاب)

اشاره

از جمله حوادث و تحولاتی که در فاصله تبعید امام تا پیروزی انقلاب به وقوع پیوست، را می توان به موارد زیر اشاره کرد:

یکم: واکنش در مقابل تبعید امام

مردم با دریافت خبر تبعید غیرقانونی امام خمینی (قدس سرّه)، دست به اعتصاب و

ص: ۱۶۲

۱- (۱). صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۴۹ - ۱۵۳.

۲- (۲). روزنامه اطلاعات، ۱۳/۸/۱۳۴۳، ص ۱.

تظاهرات زدند. در تهران، قم و بسیاری از شهرستان ها، بازارها تعطیل گردید. علمای ایران و نجف هم با صدور تلگراف و اعلامیه، ضمن تقیح تبعید امام خمینی (قدس سرّه)، پشتیبانی خود را از اهداف ایشان اعلام داشته، راه و شیوه او را ستودند. در یکی از اعلامیه ها آمده بوده:

«هیئت حاکمه بداند که جرم بسیار مرتکب شده و تاریخ جهان این جنایت را هرگز فراموش نخواهد کرد... آیا ننگ نیست که اجانب مصون باشند و آیت الله خمینی (قدس سرّه) را به بیگانگان بسپارند؟» (۱)

از سوی دیگر، امام به وسیله نامه ها و پیام های شفاهی به دوستان و منسوبان خود تأکید کرده بود که «راضی نیستم کسی برای آزادی من نزد دستگاه جبار و ساطت کند». (۲)

کمتر از سه ماه از تبعید حضرت امام، حسنعلی منصور به اتهام به تصویب رساندن لایحه کاپیتولاسیون، با فتوای آیت الله میلانی و توسط محمد بخارایی (یکی از اعضای هیئت مؤلفه اسلامی) ترور شد و به قتل رسید. سه ماه بعد از آن نیز شاه توسط رضا شمس آبادی (یکی از محافظان کاخ مرمر که از هواداران امام بود) ترور شد، اما جان سالم به در برد. شش ماه بعد از این واقعه، حزب ملل اسلامی که جمعیتی مخفی و مسلح بود و قصد براندازی رژیم و ایجاد حکومت اسلامی را داشت، در ارتفاعات شمال تهران توسط نیروهای امنیتی و انتظامی رژیم کشف و متلاشی شد.

دوم: انتقال امام از ترکیه به عراق و اقدامات امام در این مقطع:

پس از گذشت یازده ماه از اقامت امام در ترکیه، ساواک مجبور شد بر اثر فشار

ص: ۱۶۳

۱- (۱). علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۴، ص ۲۷.

۲- (۲). همان، ج ۵، ص ۷۸.

افکار عمومی، ایشان را به عراق منتقل کند. رژیم شاه که در خصوص انتقال امام به نجف اشرف با دولت عراق به مذاکره نشسته بود، شرط کرده بود که آن دولت از امام استقبال رسمی نکند و تبلیغاتی نیز به انجام نرساند. در مقابل، دولت ایران نیز متعهد شده بود امام را به عنوان تبعیدی به عراق نفرستد و دخالتی در مدت اقامت ایشان نکند.

در طول اقامت در عراق ارتباط امام با ایران از طریق محافل روحانی، حوزه های علمیه، مسافران و افراد برجسته انقلابی ایران بود که به گونه های مختلف به عراق سفر می کردند. دانشجویان مسلمان ایرانی مقیم اروپا و آمریکا نیز با امام ارتباط برقرار نموده و در برخی موارد به نجف مسافرت و از نزدیک با ایشان به گفت و گو می پرداختند.

علاوه بر این، امام خمینی (قدس سرّه) به مناسبت های مختلف مانند جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل (خرداد ماه ۱۳۴۶)، برگزاری جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی (مهرماه ۱۳۵۰)، رواج تفسیرهای التقاطی از اسلام و برگزاری جشن های مبتدل هنر در شیراز (۱۳۵۶) اطلاعیه های متعددی صادر می کردند که به وسیله برخی از انقلابیون به ایران منتقل و در سطح گسترده ای نشر و توزیع می شد.

مهم ترین سخنان امام خمینی (قدس سرّه) در نجف اشرف، مجموعه پانزده سخنرانی است که ایشان در فاصله ۱۳۴۸/۱۱/۱ تا ۱۳۴۸/۱۱/۲۰ درباره ولایت فقیه ایراد کرده است. این سخنرانی در همان روزها به صورت مختلف، گاه کامل و گاه به صورت یک یا چند درس تکثیر و منتشر شده است.

سخنرانی ها نخست توسط یاران امام در بیروت به چاپ رسید و پنهانی به ایران فرستاده شده و همزمان برای استفاده مسلمانان انقلابی به اروپا و آمریکا و کشورهای پاکستان و افغانستان ارسال گردید. این مجموعه قبل از پیروزی

انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ شمسی، در ایران با نام نامه ای از امام موسوی کاشف الغطا به ضمیمه «جهاد اکبر» چاپ شده است.

امام خمینی (قدس سرّه) در این اثر پس از بیان مستدل ضرورت تشکیل حکومت اسلامی به سابقه تاریخی انحراف از این اصل که به عصر بنی امیه و بنی عباسی باز می گردد و از آن پس شیوه های ضدّ اسلامی حکومت ها تا دوره معاصر ادامه می یابد، اشاره نموده و تأکید می کند که عقل و شرع بر قیام برای تغییر این وضع و ضرورت یک انقلاب سیاسی حکم می کنند.

همچنین امام، روایات ولایت فقیه را به طور گسترده مورد بررسی فقهی قرار می دهد. حدود اختیارات فقیه عادل حاکم را براساس این روایات تحقیق می کند و چنین نتیجه می گیرد:

از آن چه گذشت - دلایل عقلی و نقلی ولایت فقیه - به این نتیجه می رسیم از سوی معصومان (علیهم السلام) برای فقیهان، ولایت ثابت است در هر آن چه که برای خود آنان ولایت ثابت بوده است. (۱)

ه) عوامل شتاب زای انقلاب اسلامی

اشاره

درباره عوامل شتاب زای انقلاب اسلامی و زمان شروع بحرانی که سرانجام به انقلاب اسلامی منجر گردید نظرات مختلفی است.

نظریه اول، معتقد است که اجرای حقوق بشر کارتر در ایران منجر به این گردید، که فشار لازم برای مهار مخالفان کاهش یابد و سیاست لیبرالیزه کردن در این جوامع که هنوز آمادگی بهره برداری صحیح از آزادی را نداشتند، موجب از هم گسیختگی روند طبیعی زندگی و نظام سیاسی ایران گردید، در آمریکا

ص: ۱۶۵

۱- (۱). امام خمینی (قدس سرّه)، کتاب البیع، ص ۴۸۸، ولایت فقیه، ص ۱۱۲.

جمهوری خواهان و جناح محافظه کار و در ایران عده ای از طرفداران شاه و حتی بخشی از لیبرال ها طرفدار این نظریه بودند.

(۱)

در نقد این نظریه باید گفت که حقوق بشر کارتر اصولاً در مورد ایران اجرا نشد، بلکه برعکس در هر زمانی که شاه خشونت را افزایش داد و به قتل و کشتار مردم پرداخت، حمایت علنی دولت کارتر را به دنبال داشت.

اگر هم کسانی به امید حقوق بشر و استفاده از فضای باز سیاسی دل خوش کرده بودند، آنهایی بودند که نه در حرکت توفنده توده های مردم نقشی داشتند و نه با یک حرکت انقلابی بنیان کن موافق بودند و اقدامات آنها هم هیچ تأثیری در تسریع و شتاب انقلاب نداشت.

نظریه دوم، ظهور مرض سرطان شاه را مطرح می کند که باعث ضعف تصمیم گیری و عدم قاطعیت وی در سرکوب انقلابیون گردید. برژینسکی، یکی از طرفداران اصلی این نظریه می باشد.

در ردّ این نظریه می توان گفت که شاه فردی ترسو و ضعیف بوده و تحت تأثیر روحیات پدرش نتوانست شخصیت قوی الاراده ای از خود بسازد و صرفاً حمایت قدرت های بزرگ به او روحیه و قدرتی کاذب می بخشید. در این دوران هم تا آخرین لحظات حکومت خود از حمایت کامل قدرت های بزرگ برخوردار بوده است. از طرف دیگر شاه در اجرای سیاست و خواسته های آنها نیز از اعمال خشونت و خونریزی دریغ نکرده است.

نظریه سوم، عامل شتاب زای انقلاب را، تلاش شاه در مدرنیزاسیون سریع کشور می داند. یعنی در اجرای سیاست های مدرنیزه کردن ایران (کشوری که

ص: ۱۶۶

هنوز در دوران زندگی کاملاً سنتی به سر می برد) تسریع و شتاب به خرج داد و چون جامعه سنتی ایران نمی توانست اجرای این همه پروژه را در مدتی بسیار کوتاه هضم کند، دچار مشکلات پیچیده ای شد و در نتیجه، ناراحتی ها و نارضایتی ها رشد کرد و موجبات سقوط نظام را فراهم کرد.

در بی پایه بودن نظریه سوم کمتر کسی تردید می کند. نگاهی به واقعیت و پیامدهای سیاست شاه در دو سال آخری حکومت وی، خود دلیل قوی بر ردّ این نظریه است. علی رغم این که درآمد نفت به چندین برابر و تا مرز بیست میلیارد دلار می رسید. این درآمد اضافی یک جا و بی آن که به خزانه مملکت سپرده شود، در اختیار سیستم مالی و پولی و انحصارهای بلوک غرب به صورت سپرده های بانکی و اعتبارات قابل تمدید و عملاً مداوم، وام به کشورهای غربی، یا وابسته به بلوک غرب، خرید سهام کارخانه ها و شرکت های ورشکسته اروپا و آمریکا و بیش از همه، خریدهای دیوانه وار و البتّه پر درآمد برای فروشندگان آنها، یعنی اسلحه و راکتورهای اتمی قرار می گرفت.

نظریه چهارم، که طرفداران بی شماری در میان انقلابیون و جناح های مذهبی و هم چنین تحلیل گران بی طرف دارد، معتقد است که شهادت حاج آقا مصطفی خمینی (قدس سرّه) فرزند امام (قدس سرّه) و انتشار مقاله توهین آمیز «رشیدی مطلق» در روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۳۵۶/۱۰/۱۷ نسبت به امام خمینی (قدس سرّه)، به عنوان عوامل شتاب زای انقلاب محسوب می شوند؛ از این رو، اولین جرقه های انقلاب، به مناسبت شهادت فرزند امام و مقاله توهین آمیز، در قم (در قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶) زده شد؛ لذا به واسطه آن حوادث، احساسات مردم سخت جریحه دار گردید و مردم با توسّل به مراسم مذهبی و سنتی، در یک حرکت پیوسته و زنجیروار، قیام های

دیگری در تبریز، یزد، و سایر شهرستان ها به وجود آمد. به دنبال آن، حادثه ۱۷ شهریور، هجرت امام به فرانسه، راهپیمایی عظیم مردم در روزهای عید فطر و تاسوعا و عاشورای ۵۷، و در نهایت ورود پیروزمندانه امام خمینی (قدس سرّه) به کشور و... از جمله حوادث مهمی هستند که پایه های رژیم شاهنشاهی را به شدت لرزاند و در نتیجه انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. در این قسمت، خلاصه ای این حوادث آنها را مورد بررسی قرار می دهیم:

یکم: شهادت حاج آقا مصطفی خمینی (قدس سرّه)

رژیم شاه با هم دستی رژیم عراق در اوّل آبان ۱۳۵۶ شمسی، حاج سید مصطفی خمینی (قدس سرّه)، فرزند بزرگ حضرت امام را که به گفته ایشان: «امید آینده اسلام بوده» به شهادت رساند.

شهادت حاج آقا مصطفی، آتش انقلاب را فروزان کرد. تظاهرات و راهپیمایی ها و افشاگری هایی که در پی شهادت ایشان آغاز گردید، باعث آگاهی و از خود گذشتگی مردم شد؛ به طوری که به فاصله کوتاهی سراسر ایران یک پارچه به صحنه مبارزه و خروش مبدّل گردید.

دوم: قیام ۱۹ دی قم

در تاریخ ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ شمسی مقاله ای تحت عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» با نام مستعار احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید که در آن به بهانه سالروز کشف حجاب، جملات جسارت آمیزی نسبت به روحانیون به ویژه شخص امام به عنوان مخالفان ترقی و پیشرفت و مرتجعانی که نباید مجال ابراز وجود و عقیده پیدا کنند، نوشته شد. انتشار این مقاله که به دستور

مستقیم دربار تهیه شده بود، موجب اعتراض شدید و گسترده در سراسر کشور و به ویژه در حوزه علمیه قم شد؛ به طوری که هزاران نفر از طلاب و مردم با حرکت دسته جمعی به طرف منازل مراجع، اعتراض شدید خود را نسبت به اهانت روزنامه اطلاعات به امام خمینی (قدس سره) بیان کردند. از این رو در ۱۹ دی ماه تظاهراتی به همین مناسبت در قم برپا شده و عده ای از تظاهرکنندگان توسط رژیم شاه، شهید و مجروح شدند.

سوم: اربعین ها و تداوم نهضت

در اربعین شهدای قم در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ شمسی مردم تبریز به پا خاستند و کنترل شهرها را تا مدتی از دست مأموران رژیم خارج کردند. در چنین روزی که هزاران نفر از مردم تبریز قصد داشتند در مجلس چهلم شهدای قم شرکت کنند با درهای بسته مسجد مواجه شدند. از این رو بین مردم و نیروهای رژیم زد و خورد صورت گرفت. مردم با به آتش کشیدن سینماها، مشروب فروشی ها و مقر حزب رستاخیز، خشم خود را نسبت به رژیم بروز دادند و سرانجام ارتش با کامیون های سرباز و تانک های خود، صحنه ای خونین به وجود آورده و ده ها نفر را به شهادت رساند.

در اربعین شهدای تبریز (روزهای نهم و دهم فروردین ۱۳۵۷) شهرهای یزد، شیراز، اصفهان، کرمان، جهرم و اهواز نیز به قیام پیوستند و با راهپیمایی ها و اجتماع در مساجد، رژیم شاه را به باد انتقاد گرفتند، ولی در یزد این تظاهرات، با کشتار وحشیانه مردم توسط رژیم شاه، رنگ دیگری به خود گرفت. مردم در مسیر راهپیمایی خود شیشه های چند بانک و سینما و... را شکستند و خواستار بازگشت امام از تبعید و آزادی زندانیان شدند.

ابعاد نهضت اسلامی در طول چند ماه که با اربعین ها گسترش می یافت به صورت یکی از مسائل و رویدادهای مهم جهانی در آمده بود.

چهارم: فاجعه سینما رکس آبادان

در ۲۷ مرداد ماه ۱۳۵۷، شاه در سخنرانی تلویزیونی خود با این ادعا که می خواهد ایران را به «تمدن بزرگ» هدایت کند، خشونت انقلابی مردم را محکوم کرد و خواستار همراهی آنها با خود شد. در روز ۲۸ مرداد، رژیم برای مخدوش کردن چهره انقلابیون، طرح آتش زدن سینما رکس آبادان را اجرا کرد، حدود ۷۰۰ نفر را در آتش سوزاند و با تبلیغات گسترده سعی داشت مردم انقلابی را مسئول این فاجعه معرفی کند. این تدبیر نتیجه ای پیش بینی نشده داشت و سبب ورود بیش از پیش مردم، به ویژه خوزستانی ها به میدان مبارزه گردید.

پنجم: عید فطر و شتاب انقلاب

عید سعید فطر، با نماز عید فراگیر و باشکوه و اعتراض گسترده مردم انقلابی، در بسیاری از شهرها همراه بود. در تهران نیز نماز عید فطر با امامت آیه الله دکتر مفتاح در قیصریه برگزار شد. پس از نماز جمعیتی در حدود یک میلیون نفر دست به راهپیمایی زدند و از چند سو مانند دریایی متلاطم به حرکت درآمدند. صف های چند کیلومتری از جمعیت زن و مرد، پیر و جوان، طول و عرض خیابان ها را پوشاند.

خبرگزاری فرانسه در گزارش خود از آن مراسم می نویسد:

«ایران وارد تحوّل برگشت ناپذیری شده است... اسلام قدرت خود را در شهرها از جمله تهران نشان داده است».^(۱)

ص: ۱۷۰

۱- (۱). عمید زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تهران، ص ۲۷۷.

نماز عید فطر سال ۵۷، روزنه امید و نقطه عطفی جدید در تاریخ مبارزات مردم و نهضت اسلامی بود که باید آن را طلیعه رهایی ملت ستمدیده ایران از قید و بند قدرت های استعماری و حکومت دست نشانده پهلوی دانست.

ششم: حادثه ۱۷ شهریور

در پی تظاهرات میلیونی عید فطر، نهضت فراگیر شد؛ به طوری که در فاصله عید فطر و ۱۷ شهریور مردم هر روزه به خیابان ها ریخته و خواستار الغای رژیم شاهنشاهی و ایجاد حکومت اسلامی شدند. روز ۱۷ شهریور نیز مانند روزهای قبل قرار بر راهپیمایی و تظاهرات بود. صبح روز ۱۷ شهریور که اکثر مردم از اعلام حکومت نظامی بی خبر بودند، همانند روزهای قبل در میدان شهدا تجمع کردند تا راهپیمایی دیگر ترتیب دهند، که ناگهان با مشاهده تانک ها و توپ ها و مأموران مسلسل به دست حکومت نظامی، غافلگیر شدند. مأموران پس از چند بار اخطار از زمین و هوا مردم بی پناه را به رگبار بسته و انبوه جمعیت را مانند برگ درختان به روی زمین ریختند.

کشتار بی رحمانه و وحشیانه ۱۷ شهریور جهان را تکان داد. امام خمینی (قدس سرّه) پس از شنیدن این خبر وحشتناک در سه اعلامیه پیاپی به تجلیل از مردم شهیدپرور پرداخت و فرمود:

ای کاش خمینی (قدس سرّه) در میان شما بود و در کنار شما در جبهه دفاع برای خدای تعالی کشته می شد، من به نیابت از حضرت ولی عصر (عج) به همه مسلمانان جهان، مصیبت چهارم شوال ۱۳۹۸ قمری (۱۷ شهریور) را خاصّه به خانواده های داغدار تسلیت می گویم و در عین حال تبریک... ما به دنبال فداکاری ها و عزای سراسری، منتظر شادی هستیم. (۱)

ص: ۱۷۱

هفتم: موج اعتصابات و فاجعه مسجد جامع کرمان

اولین موج اعتصاب در روز پس از جمعه سیاه (۱۷ شهریور) در پالایشگاه تهران آغاز شد و در کمتر از دو هفته به پالایشگاه عظیم آبادان رسید. موج دوم اعتصاب (۲۸ شهریور تا ۹ مهر) راه آهن، شبکه های آب و برق و بانک ملی را فرا گرفت. موج سوم در روز ۱۵ مهر با اعتصاب سراسری دانشگاهیان و فرهنگیان به اوج خود رسید. از آن پس، سایر دستگاه ها و تأسیسات دولتی یکی پس از دیگری به اعتصاب پیوستند و دامنه اعتصاب حتی به ارتش نیز کشیده شد. (۱)

در مهرماه در حالی که سالگرد شهادت حاج آقا مصطفی و چهلم شهدای جمعه سیاه، کشور را در عزای عمومی فرو برده بود، اجتماع مردم انقلابی کرمان در مسجد جامع با یورش چماقداران رژیم روبه رو شد. مهاجمان بخشی از مسجد و مغازه ها را به آتش کشیدند و با این کار اسباب اندوه مردم و بیزاری فزون تر آنها از رژیم پهلوی را فراهم ساختند.

هشتم: هجرت امام به فرانسه

امام خمینی (قدس سرّه) که می دیدند رژیم عراق آزادی عمل را از ایشان گرفته است، تصمیم تاریخی خود را که همان، هجرت بود گرفتند و به صورت یک اقدام قاطع و غیرقابل پیش بینی، تمام توطئه های دشمن را نقش بر آب کردند. (۲)

هجرت امام خمینی (قدس سرّه) از عراق به سوی کویت و ممانعت آن دولت از ورود ایشان و حرکت امام به سوی فرانسه، نقطه عطفی از تاریخ معاصر است. امام پیش از سفر به فرانسه در فرودگاه بغداد اعلامیه تاریخی خود را صادر کردند. در

ص: ۱۷۲

۱- (۱). تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۲۶۸.

۲- (۲). همان، ج ۲، ص ۲۵۴.

قسمتی از این اعلامیه آمده است:

پیش من مکان معینی مطرح نیست، عمل به تکلیف الهی مطرح است... سربلند باد مکتبی که با فداکاری خود قدم در راه پیروزی حق برداشت و سدهای مانع از آن را یکی پس از دیگری شکست... و عظمت پایمال شده به دست سلاطین ستمگر را باز یافت. (۱)

نهم: محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر

پس از هجرت تاریخ ساز امام خمینی (قدس سره) به فرانسه، چند حادثه مهم از جمله حادثه ۱۳ آبان و صحن امام رضا (علیه السلام) رخ داد که در ۱۳ آبان، اجتماع دانش آموزان و دانشجویان تهران در دانشگاه تهران به وسیله نیروهای سرکوب گر شاه به خاک و خون کشیده شد و ده ها تن شهید و مجروح گردیدند. خبر این حادثه در سراسر کشور موج آفرید و این روز نیز در شمار روزهای مهم تاریخ انقلاب جای گرفت.

امام خمینی (قدس سره) با توجه به خصوصیات ماه محرم، در پیام تاریخی محرم را ماه پیروزی خون بر شمشیر دانستند.

مردم مسلمان ایران به پیروی از رهبری انقلاب، از شب اول محرم به پشت بام ها رفته و با ندای الله اکبر مبارزه را به شکل جدیدی شروع کردند و در روزها به تظاهرات و راهپیمایی دست زدند. شورانگیزترین مراسم تظاهرات علیه رژیم در روز تاسوعا و عاشورای حسینی به وقوع پیوست.

شاه با تشکیل شورای سلطنت و معرفی دولت بختیار در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷، به خارج از کشور گریخت. فرار شاه که با شادمانی بی اندازه مردم همراه بود یادآور سخنان تاریخی امام در سال ۱۳۴۲ بود که فرمودند: آقای شاه! کاری نکن که وقتی از این مملکت رفتی مردم شادی کنند.

ص: ۱۷۳

دولت بختیار که حضور امام خمینی (قدس سرّه) را در ایران، مانع از انجام توطئه هایش می دید، فرودگاه ها را بست تا حدّ اقل سفر امام به تعویق افتد. در فاصله فرار شاه و ورود امام خمینی (قدس سرّه)، دو راهپیمایی بزرگ و میلیونی اربعین و ۲۸ صفر و تحصّن علما و روحانیون در مسجد دانشگاه تهران نیز صورت گرفت که هر کدام پایه های رژیم را متزلزل تر کرد.

دهم: ورود امام خمینی (قدس سرّه) به ایران و پیروزی انقلاب اسلامی

امام خمینی (قدس سرّه) سرانجام با وجود همه ممانعت ها در تاریخ دوازده بهمن ۱۳۵۷ قدم در فرودگاه مهرآباد نهاد و در میان استقبال بی سابقه ۳۳ کیلومتری مردم، وارد بهشت زهرا شد و با قاطعیت و صلابت و بیان مواضع خود، امکان برنامه ریزی و عکس العمل را از وابستگان رژیم که در فکر توطئه بودند، گرفت. ایشان در سخنرانی معروف خود در بهشت زهرا فرمود:

ما می گوئیم که خود آن آدم (شاه) دولت آن آدم، مجلس آن آدم، تمام اینها غیر قانونی است و اگر ادامه به این بدهند، اینها مجرم اند و باید محاکمه شوند و ما آنها را محاکمه می کنیم! من دولت تعیین می کنم، من تو دهن این دولت می زنم، من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می کنم. (۱)

در فاصله کوتاه ورود امام خمینی (قدس سرّه) تا پیروزی انقلاب اسلامی، تحولات عظیمی در کشور رخ داد که به پیروزی انقلاب اسلامی انجامید و بعدها دهه فجر نام گرفت. در این فاصله کوتاه، دولت موقت از سوی ایشان به مردم معرفی گردید. آخرین توطئه رژیم برای سرکوبی قیام ملت ایران «کودتا» بود. حکومت نظامی با صدور اعلامیه ای در ۲۱ بهمن اعلام کرد که ساعت منع عبور و مرور شبانه از ساعت ۴/۵ بعد از ظهر الی ۵ صبح می باشد.

ص: ۱۷۴

اما فرمان تاریخی امام مبنی بر بی‌اعتنایی به حکومت نظامی این توطئه شوم را خنثی کرد.

به دنبال این اعلامیه، حکومت نظامی توسط مردم شکسته شد و مردم یکباره به خیابان‌ها ریختند و با سنگ‌رندی خیابان‌ها عبور ستون‌های انحرافی ارتش را سد کرده و در برابر بازمانده‌های رژیم به دفاع مسلحانه پرداختند، به فاصله کوتاهی مقر فرماندهان ارتش، نخست‌وزیری و... به محاصره نیروهای انقلاب درآمد و نظامیان گروه‌گروه به مردم پیوستند. سرانجام روز سرنوشت فرا رسید و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نظام پوسیده ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی فرو ریخت و مبارزه ۱۵ ساله مردم به رهبری امام خمینی (قدس سرّه) به ثمر نشست و انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران، پیروز گردید.

ص: ۱۷۵

۱. مهم‌ترین حوادث و وقایعی را که امام خمینی (قدس سرّه) تا قبل از سال ۱۳۴۲ تجربه کرده بود، را بنویسید.
۲. مبارزات سیاسی امام در دوره رضا شاه را بنویسید.
۳. اولین کتاب امام پیرامون مسئله ولایت فقیه و اوضاع سیاسی در چه سالی نوشته و چه نام دارد؟
۴. نقش امام در دوره آیت الله بروجردی را بنویسید.
۵. چرا امام خمینی (قدس سرّه) قبل از سال ۴۱ نهضت خود را آغاز نکرد؟ توضیح دهید.
۶. ویژگی‌های کلی دوران رهبری امام را در چهار مرحله مختلف بنویسید.
۷. امام خمینی (قدس سرّه) در مرحله اول رهبری خود چه اقداماتی انجام دادند؟
۸. مهم‌ترین اقدام امام در مرحله دوم رهبری‌شان چه بوده است؟
۹. شیوه‌هایی که امام در مرحله سوم رهبری به کار گرفته را بنویسید.
۱۰. ویژگی‌های رهبری امام در مرحله چهارم را توضیح دهید.
۱۱. انگیزه نوشتن کتاب کشف الاسرار توسط امام خمینی (قدس سرّه) چه بوده است؟
۱۲. مهم‌ترین مطالب کتاب کشف الاسرار در چه ارتباطی بوده است؟
۱۳. عناصر مهم اندیشه سیاسی امام در کتاب حکومت اسلامی یا ولایت فقیه چیست؟
۱۴. دلایل لزوم تشکیل حکومت از دیدگاه حضرت امام خمینی (قدس سرّه) را بنویسید.
۱۵. فرق بین حکومت اسلامی با حکومت استبدادی و مطلقه و مشروطه از دیدگاه امام چیست؟
۱۶. شرایط زمامدار و حاکم اسلامی از دیدگاه امام خمینی (قدس سرّه) را توضیح دهید.
۱۷. امام خمینی (قدس سرّه) برای اثبات ولایت فقیه به چه روایاتی استدلال نمود؟

۱۸. برنامه مبارزه امام خمینی (قدس سرّه) برای تشکیل حکومت اسلامی را بنویسید.
۱۹. تحلیل امام خمینی (قدس سرّه) از ارسال پیام تسلیت شاه به آیت الله حکیم را بنویسید.
۲۰. مفاد مصوّبه انجمن های ایالتی و ولایتی در قانون اساسی مشروطه چه بوده و آن را با مصوّبه سال ۴۱ مقایسه کنید.
۲۱. آغاز رویارویی جدّی و مبارزه امام در خصوص چه سال هایی بوده است؟
۲۲. تصمیمات مراجع در موضع گیری علیه لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی را بنویسید.
۲۳. اهداف رژیم شاه از تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی را بنویسید.
۲۴. لوایح شش گانه را بنویسید.
۲۵. واکنش امام خمینی (قدس سرّه) بر انجام فراندوم ششم بهمین را بنویسید.
۲۶. فاجعه «کشتار فیضیه» را توضیح دهید.
۲۷. سه اصلی که ساواک از علما التزام گرفت که درباره آن صحبت نکنند چه بوده است؟
۲۸. مطالب مهمّ سخنرانی امام در عصر عاشورا ۱۳۴۲ را بنویسید.
۲۹. واکنش رژیم نسبت به افشاگری امام در فیضیه چه بوده است؟
۳۰. ویژگی های نهضت پانزده خرداد را بنویسید.
۳۱. تأثیرات و نتایج قیام پانزده خرداد چه بوده است؟
۳۲. مفاد اصلی لایحه کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۳ چه بوده است؟
۳۳. موضع گیری امام خمینی (قدس سرّه) علیه لایحه کاپیتولاسیون را بنویسید.
۳۴. واکنش رژیم نسبت به موضع گیری را شرح دهید.
۳۵. حسنعلی منصور توسط چه کسی و با فتوای کدام مرجع ترور شد؟
۳۶. چرا ساواک امام را از ترکیه به عراق انتقال داد؟
۳۷. مهم ترین مطالب امام در اولین نطق خود در نجف را بنویسید.

۳۸. مهم ترین اقدامات امام در نجف را بنویسید.

۳۹. نظریاتی که پیرامون عوامل شتاب زای انقلاب اسلامی وجود دارد، را نقل و نقد کنید.

ص: ۱۷۷

۴۰. انعکاس مقاله توهین آمیز روزنامه اطلاعات در جامعه چه بوده است؟

۴۱. قیام ۱۹ دی در کجا و در واکنش به چه موضوعی شکل گرفت؟

۴۲. قضیه «اربعین در اربعین» را در تاریخ شکل گیری انقلاب بنویسید.

۴۳. انگیزه شاه از آتش زدن سینما رکس آبادان چه بوده است؟

۴۴. فاجعه ۱۷ شهریور توسط کدام دولت اتفاق افتاد؟ توضیح دهید.

۴۵. امواج سه گانه اعتصاب ملت مسلمان ایران را بنویسید.

۴۶. حادثه ۱۳ آبان را توضیح دهید.

۴۷. عملکرد دولت بختیار را بنویسید.

۴۸. امام خمینی (قدس سره) پس از چند روز اقامت، دولت موقت را تشکیل داد؟

۴۹. فرمان تاریخی امام در نادیده گرفتن حکومت نظامی که زمینه فروپاشی دولت بختیار را مهیا کرد در چه زمانی صادر شد؟

اشاره

در این جا قصد نداریم که با شیوه های توصیفی - تحلیلی به کلیه تحولات داخلی ایران پس از پیروزی انقلاب پردازیم، بلکه می خواهیم با اشاره ای اجمالی و نگاهی گذرا مباحث کتاب را به اوضاع و شرایط حاضر متصل سازیم.

با توجه به ماهیت و محتوای تحولات بعد از انقلاب، می توان آن را به دو مرحله دهه اول و دهه دوم انقلاب تقسیم نمود:

۱- دهه اول انقلاب

اشاره

تحولات تکاملی بعد از انقلاب تا زمان رحلت حضرت امام را می توان به چهار دوره معین تقسیم کرد:

دوره اول: دوره حاکمیت رسمی لیبرالیسم می باشد و در آن نیروهای خط امام نقش اقلیت را دارند. این دوره با پیروزی انقلاب و تشکیل دولت موقت آغاز شد و با اشغال سفارت آمریکا (لانه جاسوسی) و استعفای مهندس بازرگان خاتمه یافت.

دوره دوم: این دوره را می توان دوره حاکمیت مشترک نامید. که با مأموریت شورای انقلاب برای اداره کامل مملکت، پس از استعفای بازرگان آغاز شد و با پایان

کار شورای انقلاب و آغاز نخست وزیری شهید رجایی به اتمام رسید. در این دوره اگرچه اقتدار لیبرالیسم کمتر شده بود، ولی با توجه به این که حدود نیمی از اعضای شورای انقلاب را لیبرال ها تشکیل می دادند، و به دنبال انتخاب بنی صدر به ریاست جمهوری و ریاست شورای انقلاب، موضع آنها تقویت شد، هم چنان از قدرت قابل توجهی برخوردار بودند و مقامات دولتی میان گروه های مختلف تقسیم شده بود.

دوره سوم: این دوره که با انتخاب شهید رجایی به نخست وزیری آغاز گردید، تا عزل بنی صدر و ماجرای هفتم تیر ۱۳۶۰ ادامه داشت. این دوره رامی توان دوره حاکمیت رسمی نیروهای خط امام و حضور لیبرال ها در مواضع اقلیت نامید. در این دوره اکثریت قاطع مجلس قانون گذاری، شورای نگهبان، شورای عالی قضایی و هیئت دولت در اختیار پیروان خط امام بود. با این حال لیبرال ها هم چنان در ریاست جمهوری، فرماندهی کل قوا، اقلیت مجلس، صدا و سیما و بانک مرکزی حضور داشتند و به مخالفت با دولت و خط امام می پرداختند.

دوره چهارم: این دوره با عزل بنی صدر از ریاست جمهوری آغاز شد و با حذف کامل لیبرالیسم از مسئولیت های دولتی ادامه یافت. این دوره، دوره حاکمیت کامل نیروی خط امام و حذف رسمی لیبرالیسم از نظام می باشد. (۱)

الف) مرحله اول: حاکمیت نیروهای لیبرال (دولت موقت)

در اغلب انقلاب های سیاسی دنیا بعد از به ثمر رسیدن انقلاب، عناصر میانه رو برای دوره ای موقت به قدرت رسیده اند که در ایران نیز این اتفاق افتاد.

ص: ۱۸۰

۱- (۱). منوچهر محمدی، انقلاب اسلامی، زمینه ها و پیامدها، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.

شش روز پیش از پیروزی انقلاب بود که امام خمینی (قدس سرّه) مهندس «مهدی بازرگان» را بنا به پیشنهاد شورای انقلاب، به عنوان رئیس دولت موقت تعیین نمود.

این نکته قابل بررسی است که علل روی کار آمدن لیبرال ها و در رأس آنها مهندس بازرگان چه بوده است؟ با این که آنها شدیداً تحت تأثیر فرهنگ و تمدن غرب بوده و اعتقاد به اصالت فرد و آزادی های فردی، ملی گرایی و ناسیونالیسم، جدایی دین از سیاست و به تبع آن عدم اعتقاد به ولایت فقیه و دخالت روحانیون در سیاست، و اعتقاد به اصل تسامح، عفو و اغماض و تقدّم آن بر مجازات و قصاص جنایتکاران داشتند. (۱)

یکی از متخصصان مباحث انقلاب اسلامی در این باره می گوید:

عللی که موجب روی کار آمدن آنان گردید، عبارتند از:

۱. رهبران انقلاب ایران شناخت درستی از نیروهای جوان انقلابی که قادر به اداره کشور باشند، نداشتند و چهره های شناخته شده در میان انقلابیون کسانی بودند که در دوران کوتاه حکومت دکتر محمد مصدّق با قبول مسئولیت های دولتی، نقشی کم رنگ در اذهان باقی گذاشته بودند.

۲. رهبر انقلاب تمایل نداشت که روحانیون، مسئولیت های دولتی را مستقیماً بر عهده گیرند و از طرفی آنها زمینه لازم را برای اثبات توانایی خود در اداره مملکت نیافته بودند.

۳. مهندس بازرگان و یارانش تنها چهره هایی بودند که در میان ملی گرایان و لیبرال ها جنبه مذهبی داشتند و تا حدودی مورد قبول و وثوق جناح های مختلف بودند.

۴. بر اساس فرمان رهبر انقلاب و موقت بودن اولین دولت بعد از انقلاب، مأموریت های این دولت، موقت بوده و در حقیقت برای یک دوره انتقالی در نظر گرفته شده بود. (۲)

ص: ۱۸۱

۱- (۱). همان، ص ۱۵۸ و ۱۵۶.

۲- (۲). انقلاب اسلامی، زمینه ها و پیامدها، ص ۱۵۴.

در بحبوحه حکومت میانه روها، گروهک های بسیاری، از اوضاع نابسامان کشور و تساهل دولت موقت کمال استفاده را بردند. شهرهای حاشیه مرزی مثل گنبد و کردستان به تحریک آنان به صحنه مبارزه تبدیل شد. گروه فرقان، آیت الله مطهری، آیت الله قاضی طباطبایی، دکتر مفتّح، حاج مهدی عراقی و سپهبد قرنی را ترور کردند و در ترور آیه الله هاشمی رفسنجانی و آیه الله موسوی اردبیلی ناکام ماندند. به تدریج اختلافات متعددی بین دولت موقت و انقلابیون و به خصوص رهبری و روحانیون آغاز شد که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. در مورد انجام فراندوم جمهوری اسلامی، لیبرال ها می خواستند برخلاف نظر رهبر انقلاب و مردم عمل کنند. با وجود آن که در فرمان رهبری هدف فراندوم به صراحت «استقرار جمهوری اسلامی» ذکر شده بود و در همه مصاحبه ها، اعلامیه ها و سخنرانی های امام، فقط از جمهوری اسلامی به عنوان رژیم آینده کشور یاد شده بود و شعارهای مردم هم حاوی عناوین حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی (۱) بود، ولی لیبرال ها و به ویژه دولت موقت بر طرح جمهوری دمکراتیک اسلامی اصرار و تأکید داشتند و رهبر انقلاب با قاطعیت و صراحت اعلام کردند که: «من به جمهوری اسلامی رأی می دهم، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد» (۲). سرانجام در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، فراندوم جمهوری اسلامی برپا شد و ۹۸/۲٪ رأی دهندگان پس از گذشت ۵۰ روز از پیروزی انقلاب به استقرار نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند.

ص: ۱۸۲

۱- (۱). در میان شعارهای مردمی دو شعار بیش از همه مطرح بود: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی».

۲- (۲). صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۸۱.

۲. زمانی که رهبر انقلاب متوجه شد که اگر مطابق قانون اساسی قدیم، مجلس مؤسسان با آن تعداد کثیر نمایندگان (۱) تشکیل شود، نه تنها به خاطر بحث های طولانی و زاید، قانون اساسی در وقت مناسب تهیّه نخواهد شد، بلکه به خاطر عدم آشنایی اکثر نمایندگان با مبانی فقهی و احکام اسلامی ممکن بود قانون اساسی تدوین شده با قانون اساسی گذشته فرق چندانی نداشته باشد، تصمیم گرفت با تغییر نام مجلس مؤسسان به مجلس خبرگان و کاهش تعداد اعضا، بر کارایی و سرعت تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی بیفزاید. لیبرال ها نه تنها با این تغییر شکل مجلس شدیداً مخالف بودند، بلکه با ارایه پیش نویسی از قانون اساسی که در آن، قسمت عمده قدرت و اختیارات را به رییس جمهور منتخب مردم اعطا کرده بودند، کنترل و نظارت مراجع را در حد همان اصل دوم قانون اساسی گذشته مطرح کردند. زمانی که متوجه شدند مجلس خبرگان برخلاف نظر و تمایل آنها، پی نویسی ارایه شده از طرف دولت موقت را کنار گذارده و قانون اساسی را با شکل و محتوای جدید و برپایه اصل ولایت فقیه تهیّه می کند، چنان منفعل گردیدند که با طرح قضیه در هیئت دولت، خودسرانه تصمیم به انحلال مجلس خبرگان گرفتند، اما به خاطر قاطعیت امام، تصمیم آنها بی اثر ماند. (۲)

۳. مورد اختلاف دیگر میان لیبرال ها و انقلابیون در شیوه برخورد با ضد انقلاب بود. بدیهی بود که با سقوط رژیم شاه و از هم پاشیدن نظام سیاسی حاکم، گروه های مخالف با رژیم شاه و نظام جمهوری اسلامی و گروه های موافق با نظام سرنگون شده، علیه انقلاب وارد عمل خواهند شد. اولین حرکت ضد انقلاب در کردستان و

ص: ۱۸۳

-
- ۱- (۱). بر اساس قانون اساسی پیش از انقلاب، تعداد نمایندگان مجلس مؤسسان به اندازه مجموع نمایندگان مجلس شورای ملی و مجلس سنا بود. یعنی باید تعداد ۳۳۰ نفر نماینده برگزیده می شدند.
- ۲- (۲). مراجعه شود به مواضع نهضت آزادی در برابر انقلاب اسلامی، ص ۱۷۲، به نقل از: منوچهر محمّدی، انقلاب اسلامی، زمینه ها و پیامدها، ص ۱۶۵.

به دنبال آن در خوزستان و ترکمن صحرا آغاز شد. انتخاب مناطق مرزی و تکیه بر تفاوت های زبانی و مذهبی بی دلیل نبوده است. دولت موقت و لیبرال ها که اصولاً با برخوردهای قاطع و خشن موافق نبودند و به قول آقای بازرگان «نه عدالت علی (علیه السلام) و نه قاطعیت خمینی (قدس سره)» را داشتند، (۱) همان طور که در برخورد با نظام شاهنشاهی به روش ها و شیوه های مسالمت جویانه معتقد بودند، در این مرحله نیز در قبال ضد انقلابیون چنین کردند و زمانی که رییس ستاد ارتش «سرلشگر قرنی»، تصمیم به برخورد قاطع با ضد انقلاب گرفت، او را مورد مؤاخذه قرار داده و وادار به کناره گیری کردند. ضعف و مماشات دولت موقت در قبال مسائل کردستان، به خصوص شهر پاوه آن قدر زیاد بود که رهبر انقلاب را وادار به دخالت مستقیم و صدور دستوری خطاب به ارتش نمود و موجبات بسیج نیروها و نجات نیروهای محاصره شده در پاوه را به فرماندهی شهید چمران فراهم کرد.

۴. مخالفت با تأسیس نهادهای انقلابی یکی دیگر از موارد اختلاف بود. رهبر انقلاب با درک صحیح و به موقع از خواست ها، توقعات و نیازهای به حق مردم انقلابی و با علم به این که دولت موقت و سیستم اداری باقی مانده از رژیم سابق، توانایی اجابت این خواسته ها و توقعات را ندارد، به موازات تشکیلات رسمی دولت، اقدام به ایجاد نهادهای انقلابی کرد که با شیوه های انقلابی فعالیت کنند.

دادگاه های انقلاب برای مجازات خیانت کاران، بنیاد مستضعفان برای مصرف اموال مصادره شده در خدمت محرومان، بنیاد مسکن برای تأمین مسکن افراد محروم، سپاه پاسداران و کمیته انقلاب اسلامی برای تأمین امنیت مردم و مبارزه با ضد انقلاب، جهاد سازندگی برای خدمت به روستاییان و مناطق محروم، از جمله

ص: ۱۸۴

۱- (۱). مراجعه شود به نشریه نهضت آزادی به نام شورای انقلاب و دولت موقت، ص ۳۳.

نهادهایی بودند که تدریجاً و با توجه به نیازهای جامعه از میان نیروهای انقلابی به صورت داوطلبانه و براساس احساس تکلیف شرعی و انقلابی، تشکیل شده و شروع به کار کردند. دولت موقت و لیبرال به جای استقبال از این حرکت انقلابی، شروع به مخالفت و سنگ اندازی در کار آن نهادها کرد و در این زمینه مهندس بازرگان در یک پیام تلویزیونی در ۵۷/۱۲/۹ عنوان کرد که «کمیته های امام و گروه های افراطی، خطر بزرگی در برابر دولت و انقلاب هستند» و چندی بعد بیان داشت که اول باید سراغ کمیته ها برویم و دست و بال آنها را ببندیم. (۱)

۵. مهم ترین و پر سر و صداترین مورد اختلاف میان لیبرال های حاکم و انقلابیون که در رأس آن رهبری انقلاب قرار داشت، مسئله اهداف و شیوه های اعمال سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی بود؛ مسائلی که در نهایت منجر به سرنگونی دولت موقت گردید خارق العاده بودن قدرت آمریکا و تصور آن نه تنها مورد قبول لیبرال ها بود، بلکه مجاهدین خلق و حتی چریک های فدایی خلق هم آن را قبول داشتند. آنها معتقد بودند و از قبل از انقلاب هم اعلام کرده بودند که حمله هم زمان به استبداد و استعمار، مصلحت نیست و ما نباید با امپریالیسم آمریکا مخالفت کنیم، به خصوص که آنها سد محکمی در مقابل کمونیست های بی خدا و ملحد هستند. آن ها به حفظ و ادامه ارتباط با آمریکا، در همه سطوح معتقد بودند و عملاً نیز این ارتباط را در زمینه های نظامی و اطلاعاتی برقرار کردند. (۲)

دولت موقت با استناد به رویه ها و مقررات پذیرفته شده بین المللی، صدور

ص: ۱۸۵

۱- (۱). مواضع نهضت آزادی در برابر انقلاب اسلامی، به نقل از منوچهر محمدی، انقلاب اسلامی، زمینه ها و پیامدها، ص ۲۴ و ۲۵.

۲- (۲). مراجعه کنید به اسناد لانه جاسوسی، منتشره دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ج ۹ و ۱۰، ص ۹۱ و ۹۳.

انقلاب و حمایت از نهضت های آزادی بخش را مغایر با اصل عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها می دانست. دکتر ابراهیم یزدی، وزیر خارجه دولت موقت با صراحت اعلام کرد که «ما قصد صادر کردن انقلاب خود را نداریم». (۱) این گفته مغایر نظر صریح رهبر انقلاب بود که اعلام می کردند: «ما انقلابمان را به تمام دنیا صادر می کنیم». (۲) در این رابطه معارضه شدیدی میان دولت موقت و شهید محمد منتظری - که در این زمینه فعالانه وارد میدان شده و اولین کنگره نهضت ملی آزادی بخش را در ایران تشکیل داده بود-، به وجود آمد.

اختلاف و تضاد میان لیبرال ها و دولت موقت از یک طرف، و رهبر انقلاب و نیروهای انقلابی از طرف دیگر، روز به روز شدت بیشتری می یافت. اوج این تضاد در جریان عزیمت شاه به آمریکا و برخورد ملایم و مسالمت جویانه دولت موقت با این موضوع و به دنبال آن ملاقات نخست وزیر دولت موقت با برژینسکی، مشاور امنیت ملی رئیس جمهوری آمریکا در الجزایر رخ نمود که موجبات اشغال سفارت آمریکا را که بعداً به نام «لانه جاسوسی» معروف شد، فراهم آورد. این حرکت مورد تأیید وسیع مردم، روحانیت و رهبری انقلاب قرار گرفت، اما با معیارها و سیاست های لیبرال ها منافات داشت. دولت موقت تنها راه چاره را در استعفا و کناره گیری دید و بدین ترتیب عمر نه ماهه دولت موقت در چهاردهم آبان ۵۸ پایان پذیرفت.

(ب) مرحله دوم: حاکمیت مشترک

اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام در ۱۳ آبان ۵۸، به عنوان

ص: ۱۸۶

۱- (۱). مواضع نهضت آزادی در برابر انقلاب اسلامی، ص ۲۷.

۲- (۲). صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۸۴ و ۲۸۵.

اعتراض به پذیرش شاه در آمریکا و ملاقات نخست وزیر بازرگان با برژینسکی، مشاور امنیت ملی رییس جمهور آمریکا، بازتاب وسیع و گسترده ای را در سطح ایران و جهان به دنبال داشت. استقبالی که توده های مردم انقلابی ایران از اقدام دانشجویان به عمل آوردند، آن قدر وسیع و گسترده بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سابقه نداشت. ناگهان مردم با حضور وسیع و دایمی در جلوی سفارت و انجام تظاهرات، از قید و بند همه عقده ها و ناراحتی هایی که در اثر حرکت محافظه کارانه دولت موقت در دل و روح آنها ایجاد شده بود، گسسته شدند و همچون انفجاری ناگهانی سیر معمولی و روزمره نه ماه گذشته را متوقف کردند و به روند تحولات سیاسی - اجتماعی ایران بعد از انقلاب سرعتی بی سابقه و انقلابی دادند. به همین علت این حرکت مردم، «انقلاب دوم» نامیده شد و به قول رهبر انقلاب اسلامی، انقلابی بزرگ تر از انقلاب اول بود.

دوران حکومت شورای انقلاب که بعد از استعفای مهندس بازرگان تشکیل شد و کمتر از نه ماه طول کشید، به طور رسمی صرف چند مسأله مهم و اساسی شد مانند: چگونگی حل بحران گروگان گیری، اجرای فرماندوم تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی.

در این دوران، رقابت فشرده ای میان نیروهای خط امام و لیبرال ها برای مسئولیت های حساس و مهم کشوری از جمله ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس شورای اسلامی آغاز گردید. با توجه به کنار رفتن جلال الدین فارسی، کاندیدای حزب جمهوری اسلامی و هم چنین دکتر آیت، میدان مبارزات انتخاباتی به انحصار کاندیداهای لیبرال درآمد. و بنی صدر به عنوان اولین رئیس جمهور ایران در انتخابات پنجم بهمن ۱۳۵۸ انتخاب شد. در نتیجه لیبرالیسم در موضع ریاست جمهوری در حاکمیت و نظام سیاسی - هم چنان - باقی ماند.

اما نیروهای خط امام به توصیه رهبر انقلاب همه انرژی خود را صرف کسب آرای کرسی های نمایندگی مجلس نمودند و در این راه علی رغم مبارزه متقابلی که نیروهای لیبرال ها و چپ گرایان انجام می دادند، توانستند اکثریت قاطع این کرسی ها را به دست آورند. در نتیجه مواضع اصلی قدرت میان دو گروه تقسیم شد و رقابت و درگیری های شدید بین دو قوه برای انتخاب هیئت دولت در گرفت. مجلس با تکیه به رهنمودهای امام (قدس سرّه) در انتخاب نخست وزیری متعهد و مکتبی پافشاری کرد. امام خمینی (قدس سرّه) در این مورد فرمود:

از اوّل هم به حسب الزامی که من تصوّر می کردم، دولت موقت را قرار دادم. خطا کردیم، از اوّل باید یک دولتی که قاطع باشد و جوان باشد و بتواند مملکت را اداره کند نه یک دولتی که نتواند، منتها ما آن وقت را نداشتیم فردی را که بتوانیم آشنا بتوانیم انتخاب کنیم، انتخاب شد و خطا شد و... حالا هم که دولت می خواهد در مجلس شورا دولت ایجاد شود حالا ما باید این مطلب را به مجلس شورا اعلام کنیم که باید یک دولت متدین، صددرصد اسلامی، و قاطع [انتخاب شود] یک نفر وزیر اگر مثل بعضی از این وزرا که الان هستند باشند اینها نپذیرند. تمام وزرا باید یکی یکی بررسی شود. وزیری متدین، صد در صد انقلابی، مکتبی و قاطع. اگر چنان چه دولتمان مثل سابق باشد و آن طور وضع و آن طور دید را داشته باشد، ما باید عزای این نهضت را بگیریم... باید مجلس قاطع باشد. (۱)

با این پشت گرمی، مجلس قاطعانه «شهید محمدعلی رجایی» را به عنوان دومین نخست وزیر دولت جمهوری اسلامی انتخاب نمود. با این همه، تضاد و درگیری میان دو نیروی لیبرال و خط امام ادامه داشت و این مسئله بر انتخاب وزرای کابینه میان بنی صدر و شهید رجایی آشکارتر شد؛ به طوری که تا عزل بنی صدر کابینه شهید رجایی فاقد وزیر امور خارجه بود. از حوادث و اتفاقات مهمی که در دوره حاکمیت

ص: ۱۸۸

شورای انقلاب رخ داد، توطئه های جدیدی بود که توسط قدرت های خارجی و عوامل آنها صورت می گرفت. برخی از مهم ترین آنها عبارتند از: تجاوز آمریکا به طبرس، کودتای نافرجام نوژه، تخلیه دانشگاه از نیروهای چپ و آغاز انقلاب فرهنگی.

۱. حادثه طبرس؛ وقتی که آمریکا از حلّ بحران گروگان گیری از طریق مسالمت آمیز و مذاکرات سیاسی ناامید شد، تصمیم به اجرای یک طرح نجات و در پوشش آن، براندازی نظام جمهوری اسلامی گرفت و با یک برنامه دقیق و از پیش تنظیم شده، در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۵۹، هشت هلی کوپتر و سه هواپیمای ۱۳۰ به خاک ایران تجاوز کرد؛ اما در همان قدم های اول با از دست دادن هلی کوپترها و یک هواپیما و نه نظامی، شکست مفتضحانه ای را بر شکست های قبلی دولت آمریکا افزود.

تنها چیزی که در این رابطه می توان گفت، اشاره به اقدام خیانت آمیز بنی صدر به عنوان مقام ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوا است که دستور بمباران هلی کوپترهای باقی مانده و محو اسناد سری و مهمی که بر جای مانده بود را صادر کرد و ملت ایران را از دسترسی به آنها محروم ساخت. (۱)

۲. کودتای نوژه؛ از جمله توطئه های براندازی که توسط عده ای از ارتشیان وابسته به رژیم سابق و به کمک جناحی از نیروهای لیبرال و با حمایت سازمان سیا در این مرحله از تاریخ پرماجرایی انقلاب اسلامی رخ داد، طرح کودتای نوژه بود، که با هوشیاری نیروهای خط امام به موقع کشف و خنثی گردید. اگر چه کلیه اسرار کودتای مزبور تاکنون فاش نشده است، ولی تا آن جا که اعترافات بعضی از دست اندرکاران کودتا از جمله سروان رکنی نشان می دهد، کودتا علیه نیروهای انقلابی و رهبر انقلاب طراحی شده بود، نه علیه جناح لیبرال و به ویژه

ص: ۱۸۹

۱- (۱). برای مطالعه تفصیلی واقعه طبرس به کتاب منتشره از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به نام: طبرس، مصداقی بر سوره فیل، چاپ خردادماه ۱۳۶۰، مراجعه کنید.

رئیس جمهور بنی صدر، که حتی توصیه به حفظ او نیز شده بود. (۱)

۳. انقلاب فرهنگی؛ از چند ماه قبل از انقلاب، دانشگاه ها و به ویژه دانشگاه تهران جولانگاه نیروهای چپ و چپ گرا شده بود و گروه ها و سازمان های چپ از جمله پیکاری ها، چریک های فدایی خلق و مجاهدین خلق، مرکز فعالیت های سیاسی - نظامی خود را در دانشگاه متمرکز کرده بودند و با استفاده از امکانات دولت به فعالیت های ضد دولت می پرداختند. این امر نه تنها مانع روال عادی فعالیت دانشگاه ها می شد بلکه از پاکسازی و تصفیه دانشگاه ها از نیروهای وابسته به رژیم سابق هم، جلوگیری می کرد.

به طور کلی می توان گفت که تا زمان انقلاب فرهنگی، دانشگاه در کنترل دولت انقلاب نبود. به همین دلیل با حرکتی که دانشجویان مسلمان در دانشگاه تبریز آغاز کردند و سپس در اردیبهشت ۵۹ در تهران و با حمایت نیروهای انقلابی و مردمی دنبال گردید، دانشگاه از وجود گروه های مختلف پاکسازی و برای انجام انقلاب فرهنگی تعطیل گردید. سپس ستادی به نام ستاد انقلاب فرهنگی از طرف رهبر انقلاب برای نظارت بر کار دانشگاه ها و اجرای تحولات لازم برای اسلامی کردن دانشگاه ها تعیین شد و شروع به کار کرد. اداره دانشگاه ها از طریق تأسیس نهاد انقلابی به نام «جهاد دانشگاهی» در اختیار نیروهای خط امام قرار گرفت.

نکته جالب و قابل ذکر در این جا، فرصت طلبی بنی صدر می باشد. در زمان این حرکت، بنی صدر در خوزستان به سر می برد و صرفاً برای این که از قافله عقب نماند و بتواند بهره برداری لازم را از این حرکت به دست آورد، به تهران آمد و علی رغم بی میلی قلبی اش، در رأس نیروهای مردمی برای تخلیه دانشگاه قرار گرفت!

ص: ۱۹۰

۱- (۱). برای آگاهی بیشتر از چگونگی ماجرای کودتا مراجعه کنید به کتاب: کودتای نوژه، چاپ مرکز مطالعات و پژوهش های سیاسی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.

در این هنگام که میانه روها از کسب اکثریت کرسی های مجلس و وزارت خانه ها ناامید شده بودند، هدف برنامه خود را به زانو در آوردن دولت شهید رجایی قرار دادند. همه نیروهای مخالف اعم از لیبرال ها، محافظه کاران، چپ گرایان و به ویژه سازمان مجاهدین خلق با یکدیگر به تفاهم تاکتیکی رسیدند، و زیر چتر حمایت از رئیس جمهور «منتخب ملت» و در دفتر هماهنگی مردم و رئیس جمهور تجمع کرده، فعالیت ها و جو سازی ها و اختلال ها را سازماندهی می کردند.

اینها با استفاده از امکانات تبلیغاتی به ویژه روزنامه های «میزان» و «انقلاب اسلامی» و با استفاده از صدا و سیما، محیطی پر تشنج و ناآرام به وجود آوردند. این جریان که با سخنرانی بنی صدر در مراسم سالگرد ۱۷ شهریور، در سال ۵۹ در میدان شهدا آغاز گردید تا پایان حکومت وی که اول تیرماه ۶۰ بود، ادامه پیدا کرد. در این مرحله چند موضوع مهم قابل ذکر می باشد:

۱. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد. این جنگ سناریوی جدیدی بود که آمریکا پس از اشغال سفارت آمریکا در منطقه خلیج فارس دنبال می کرد. مهم ترین اهداف آمریکا از تحریک عراق برای آغاز جنگ تحمیلی عبارت است از:

الف) جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی به کشورها و نهضت های دیگر؛

ب) تهدید نظام ایران و کشاندن آن به موضع انفعالی پس از نابود کردن منابع ارزی آن در جنگ؛

ج) مصون داشتن رژیم های وابسته منطقه؛

د) جبران غرور ملی تحقیر شده آمریکا در مسئله گروگان گیری؛

ه) فلج کردن اوپک و کنترل صدور نفت. (۱)

این جنگ، صحنه رقابت و برخورد نیروهای مخالف در داخل کشور را تغییر داد. از یک طرف بنی صدر با نیروهای مذهبی - انقلابی و نیز مجلس شورای اسلامی درگیر بود و از طرف دیگر به عنوان فرماندهی کلّ قوا در رأس با سپاه پاسداران در جریان جنگ تحمیلی اختلاف داشت. این اختلاف از آغاز جنگ تا زمان عزل بنی صدر، اصلی ترین عامل تضعیف موقعیت نیروهای مسلح گردید و موجب شکست های پی در پی و اشغال اراضی وسیعی از خاک کشور اسلامی، توسط نیروهای عراقی شد.

۲. از مسائل دیگری که حلّ آن بر عهده دولت شهید رجایی گذارده شده بود، مسئله گروگان های آمریکایی بود. بعد از آن که تلاش های سیاسی لیبرال ها به نتیجه نرسید، و با مرگ شاه، مسئله بازگرداندن وی به ایران منتفی شد، رهبر انقلاب تعیین شرایط و نحوه حلّ مسئله را بر عهده مجلس شورای اسلامی که در شرف تشکیل بود، گذارد. مجلس هم با تعیین شرایط چهارگانه (آزاد نمودن دارایی ها و اموال ایران، بازگرداندن اموال به سرقت رفته ملت از شاه و خاندان، لغو محاصره اقتصادی و تعهد آمریکا به عدم مداخله در امور داخلی ایران) به دولت مأموریت داد تا از طریق دولت الجزایر مذاکرات لازم را انجام دهد و موضوع را حلّ و فصل نماید. این مسئله در آخرین روز تصدّی کارتر و درست در لحظه تحویل مقام ریاست جمهوری به ریگان، با امضای بیانیه های الجزایر توسط دو دولت ایران و آمریکا حل شد و گروگان ها فرودگاه مهرآباد را ترک

ص: ۱۹۲

کردند. به این ترتیب ۴۴۴ روز اسارت گروگان‌های آمریکایی خاتمه یافت.

۳. تضاد میان دو جناح مخالف در حاکمیت هم چنان ادامه داشت. اوج جوسازی لیبرال‌ها را می‌توان سخنانی بنی صدر در میدان آزادی در روز عاشورا و کف زدن نیروهای چپ و غیر مذهبی در روز عزای حسینی دانست که ماهیت واقعی خویش را نشان می‌داد. مهم‌تر از آن روز ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ بود که در دانشگاه و در مراسم درگذشت دکتر مصدق، زد و خورد و درگیری شدید میان نیروهای خط امام و میلشیای سازمان مجاهدین خلق که اینک به طور رسمی در جناح لیبرال‌ها قرار داشتند، در گرفت. در روز ۲۵ اسفند ماه جلسه‌ای به منظور رفع اختلاف میان مسئولان و اصحاب دعوی در حضور امام تشکیل شد و امام هیأتی را برای رسیدگی به اختلافات تشکیل داد. بنی صدر در شرایطی نبود که دیگر بتواند سکوت کند و از تنها حربه خود که دامن زدن به جو متشنج بود، صرف نظر کند؛ لذا با انجام سخنانی و مصاحبه، به فعالیت نامطلوب خود ادامه داد. هیئت داوری با توجه به عملکرد او، وی را به عنوان خاطی و مقصّر معرفی کرد. مردم با انجام تظاهرات خیابانی رأی خود را پس گرفته و از او تبری جستند. جبهه ملی نیز با حمله به موازین اسلامی (لایحه قصاص) به میدان آمد و ضمن حمله مستقیم به دولت در روز ۲۵ خرداد، اعلام به برگزاری تظاهرات و میتینگ در میدان فردوسی کرد که با موضع‌گیری قاطع و فوری رهبر انقلاب و اعلام ارتداد جبهه مزبور، موجی عظیم در میان توده‌های مردم به وجود آمد؛ به طوری که در روز تظاهرات، ملی‌گرایان و نیروهای متحد آنها مجبور به فرار شدند.

رهبر انقلاب بنی صدر را از فرماندهی کل قوا عزل نمود و به دنبال آن مجلس شورای اسلامی نیز با اکثریت قاطع، رأی به عدم کفایت سیاسی رییس جمهور داد و با تأیید رهبر انقلاب، بنی صدر از مقام ریاست جمهوری عزل شد

و حضور نیروهای لیبرال در دستگاه حاکمه به طور کلی خاتمه یافت و این فصل کوتاه اما پرماجرا از تاریخ انقلاب اسلامی بسته شد و فصل دیگری با ماجراها و حوادث بیشتر آغاز گردید.

د) مرحله چهارم: انقلاب سوم و حاکمیت کامل نیروهای خط امام

با عزل بنی صدر از مقام ریاست جمهوری، آخرین سنگر اجرایی از دست نیروهای لیبرال گرفته شد و به حضور آنها در حاکمیت به طور کامل پایان داد. این امر نه تنها هیچ اعتراض و عکس العملی را به دنبال نداشت، بلکه اسباب شادی و شمع همان افرادی را فراهم آورد که به او رأی داده بودند و این حرکت به خاطر اهمیتش به «انقلاب سوم» نامیده شد.

زمانی که سازمان مجاهدین خلق احساس کرد که با عزل بنی صدر دیگر امکان پیشروی و کسب قدرت از طرق سیاسی مقدور نیست، به بهانه ای واهی، اعلان جنگ مسلحانه داده، فعالیت های تروریستی خود را آغاز کرد. آیت الله خامنه ای در ۶ تیرماه ۱۳۶۰ در مسجد ابوذر با انفجار بمبی مجروح شد و فردای آن روز یعنی هفتم تیر، ضربه هولناک انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و به شهادت رساندن ۷۲ تن از مسئولان طراز اول مملکت، از جمله دکتر بهشتی، رئیس دیوانعالی کشور، به وقوع پیوست. دو ماه بعد نیز با انفجار ساختمان نخست وزیری، موجبات شهادت رجائی، رئیس جمهور و باهنر نخست وزیر را فراهم کرد.

دوران ریاست جمهوری حضرت آیت الله خامنه ای و نخست وزیری میرحسین موسوی آغاز شد. ترور و کشتار از مسئولان نظام و شهدای محراب آغاز و به تدریج به سطح کوچه و خیابان ها کشیده شد و تعداد بی شماری از

اعضای کمیته انقلاب اسلامی، و سپاه پاسداران و رزمندگان جبهه به شهادت رسیدند. سازمان مجاهدین خلق که در تهران، درگیری های خونینی به راه انداخته بود، به تدریج از خاک ایران خارج و پس از مدتی اقامت و پناهندگی در فرانسه، به عراق منتقل شد و در کنار نیروهای عراقی علیه این مرز و بوم جنگید.

بساط حزب توده که از پرسابقه ترین احزاب ایران بود، در سال های اولیه انقلاب (۱۳۶۴ش) به دلیل شرکت در طرح کودتا و همکاری با سازمان کا.گ.ب و نیز چریک های فدایی خلق راحت تر از مجاهدین خلق برچیده شد.

از جمله توطئه های ریشه دار و در عین حال خطرناکی که در این دوران کشف گردید، جریان انحرافی مهدی هاشمی بود که با سوء استفاده از وابستگی و خویشاوندی با آیت الله منتظری، قائم مقام رهبری، با توجه به سوابق ماجراجویانه و جاه طلبانه اش چه قبل و چه بعد از انقلاب، در بیت ایشان نفوذ پیدا کرده بود که می توانست در اتخاذ مواضع و جهت گیری های ایشان تأثیر بگذارد و زمینه لازم را برای به قدرت رسیدن خود و پیاده کردن اهدافش، فراهم آورد. او در اجرای اهداف خود دست به هر توطئه ای، از جمله قتل مخالفان، جمع آوری اسلحه و مهمات، تماس با نیروهای ضد انقلاب داخلی و خارجی و جعل سند می زد و خود را در پناه بیت قائم مقام رهبری محفوظ نگاه می داشت.

دقت نظر و تیزبینی حضرت امام و اطلاعات جمع آوری شده توسط وزارت اطلاعات، موجب گردید تا در مهرماه ۱۳۶۵، با اقدام و دخالت مستقیم رهبر انقلاب، سید مهدی هاشمی و دستیارانش دستگیر شوند و به گناهان خود اعتراف کنند و به مجازات اعمال خود برسند و باز هم خطری بزرگ از انقلاب دفع گردد.

دوران هشت ساله دفاع مقدس که کربلای عصر ما بود، با مقاومت و ایثار و فداکاری اقشار مختلف جامعه و با تقدیم شهدایی گرانقدر، سند افتخار بزرگی

برای جمهوری اسلامی ایران به شمار رفت. دشمن بعضی از سراسر ایران اشغال شده، عقب رانده شد و جنگ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی ایران در ۳۱ مرداد ۱۳۶۷ به پایان رسید. حضرت امام از پذیرش قطعنامه به تلخ کامی و به مثابه نوشیدن جام زهر یاد می کند و در بیانیه ای که به همین مناسبت داده بودند، به فواید و برکات جنگ اشاره نمودند.

۲- دهه دوم انقلاب

اشاره

سال ۱۳۶۸، سرآغاز دومین دهه انقلاب بود. در این دوره ما شاهد حوادث و اتفاقات مهمی در صحنه تحولات جهانی، منطقه خاورمیانه و جهان اسلام و هم چنین صحنه داخلی هستیم. این تحولات مهم با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان نظام دو قطبی در صحنه روابط بین الملل همراه بود و در صحنه روابط منطقه ای خاورمیانه و جهان اسلام شاهد حمله عراق به کویت، و آغاز جنگ خلیج فارس، تشکیل دولت های جدید در آسیای میانه (ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی)، ظهور طالبان در شرق ایران در کشور افغانستان و ظهور و بروز پدیده جدیدی به نام انتفاضه و انقلاب سنگ در مبارزات مردم فلسطین هستیم که این حوادث و اتفاقات را می توان به ترتیب تاریخی چنین یاد کرد: عزل آیت الله منتظری از قائم مقام رهبری، بازنگری قانون اساسی، رحلت حضرت امام خمینی (قدس سرّه) و انتخاب حضرت آیه الله خامنه ای به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران، دوره سازندگی به ریاست آیه الله هاشمی رفسنجانی و آغاز دوره ریاست جمهوری حجه الاسلام و المسلمین سید محمد خاتمی.

الف) عزل آیت الله منتظری

در روزهای آغازین سال ۱۳۶۸، ناگهان بخشنامه ای از طرف نخست وزیر وقت

آقای مهندس میرحسین موسوی به ادارات و سازمان های دولتی ابلاغ شد که متن آن بدین قرار بود:

به دستور حضرت امام خمینی (قدس سرّه) کلیه تصاویر آیت الله منتظری از ادارات و سازمان های دولتی برداشته شود.

این بخشنامه که بدون مقدمه صادر شده بود، با بهت و حیرت عموم مواجه گردید. دیری نپایید که نامه هفتم فروردین آقای منتظری و پاسخ روز بعد حضرت امام از صدا و سیما پخش شد. نامه آقای منتظری به نامه ۶ فروردین حضرت امام ارجاع شده بود، بدون آن که متن آن نامه منتشر شده باشد، این جریان نه تنها حیرت عموم مردم را برانگیخت، بلکه آینده انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را نیز درهاله ای از ابهام فرو برد.

مردمی که آقای منتظری را به عنوان قائم مقام رهبری و جانشین ایشان شناخته و قبول کرده بودند و در دعاهای خود از ایشان به عنوان «امید امت و مردم» یاد می کردند، ناگهان با مسئله عزل بدون مقدمه نامبرده، آن هم از طرف امام خمینی (قدس سرّه) مواجه شدند. حتی نمایندگان وقت مجلس شورای اسلامی و هیئت وزیران نیز نتوانستند شگفتی خود را از این ماجرا پبوشانند؛ به طوری که حضرت امام مجبور گردید طی نامه ای خطاب به آنها، ضمن توضیحات مختصری وعده دهد که به زودی از واقعیات ناگفته مطلع خواهند شد. (۱) و به دنبال آن جزوه ای به نام «رنج نامه»

ص: ۱۹۷

۱- (۱). متن نامه حضرت امام به نمایندگان مجلس: بسم الله الرحمن الرحيم خدمت فرزندان عزیز، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و وزرای محترم - دامت افاضاتهم - با سلام، شنیدم در جریان امر حضرت آقای منتظری نیستید و نمی دانید قضیه از چه قرار است. همین قدر بدانید که پدر پیرتان بیش از دو سال است در اعلامیه ها و پیغام ها تمام تلاش خود را نموده است تا قضیه بدین جا ختم نگردد، ولی متأسفانه موفق نشد. از طرف دیگر وظیفه شرعی اقتضاء می کرد تا تصمیم لازم را برای حفظ نظام و اسلام بگیرد؛ لذا با دلی پر خون، حاصل عمرم را برای مصلحت نظام و اسلام کنار گذاشتم. ان شاء الله خواهران و برادران در آینده تا اندازه ای روشن خواهند شد. سفارش این موضوع لازم نیست که دفاع از اسلام و نظام شوخی بردار نیست و در صورت تخطی، هر کس در هر موقعیت بلافاصله به مردم معرفی خواهد شد. توفیق همگان را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته. روح الله موسوی الخمينی، ۱۳۶۸/۱/۲۶. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۵۰.

توسیع سید احمد خمینی (قدس سرّه)، فرزند امام منتشر گردید که تا حدودی مسائل پشت پرده را بازگو می کرد و آقای محمّدی ری شهری وزیر اطلاعات وقت نیز با انتشار خاطرات سیاسی خود بخش دیگری از مسائل رنج آور پشت پرده را بیان کرد.

امام خمینی (قدس سرّه) در نامه ۶ فروردین ۱۳۶۸، ضمن اظهار تأسف و ناراحتی خود از پیشامد چنین حادثه ای، به ذکر دلایل خود مبنی بر عزل ایشان از قائم مقامی پرداخت و حمایت ایشان از برخی نااهلان از جمله سیدمهدی هاشمی و گروه منافقین را عمده ترین دلیل خود بر چنین تصمیمی ذکر نمود.

علی رغم پافشاری های امام خمینی (قدس سرّه) مبنی بر انتشار این نامه در همان زمان، به اصرار سران نظام ایشان رضایت دادند که نامه منتشر نگردد و بنا به مصالحی، انتشار آن تا ده سال بعد به تأخیر افتاد.

(ب) بازنگری قانون اساسی

بعد از گذشت یک دهه از اجرای قانون اساسی، در اردیبهشت سال ۱۳۶۸ شرایط کشور ایجاب می کرد که بازنگری هایی در قانون اساسی به وجود آید. این بازنگری در هفت حوزه به وجود آمد.

۱. رهبری؛ در قانون اساسی ۱۳۵۸، شرط مرجعیت و اعلمیت برای رهبری در نظر گرفته شده و در صورت عدم وجود اعلمیت، شورایی مرکب از سه یا پنج نفر

برای رهبری پیش بینی گردیده بود که اصل ۱۰۷ بر اساس فرمایش امام خمینی (قدس سرّه) به صورت «کفایت اجتهاد و فقاہت برای رهبری» اصلاح گردید. و هم چنین در اصل ۵۷ قانون اساسی، حاکمیت ولایت مطلقه فقیه صراحتاً بیان گردید.

۲. حذف مقام نخست وزیر؛ در بازنگری قانون اساسی پست نخست وزیری حذف شد و رئیس جمهور به عنوان رئیس و مسئول قوه مجریه، مسئولیت نخست وزیری را بر عهده گرفت.

۳. قوه قضائیه؛ در بازنگری قانون اساسی اداره امور قضایی از شورایی مرکب از رئیس دیوان عالی و دادستان کشور و سه نفر قضات، به یک نفر مجتهد به عنوان رئیس قوه قضائیه که منصوب رهبری است، واگذار شد.

۴. اداره صدا و سیما؛ در قانون اساسی ۵۸، اداره صدا و سیما تحت نظر مشترک سه قوه قرار داشت و در بازنگری، مدیریت آن منصوب رهبری بوده و هیئتی از سه قوه بر آن نظارت دارند.

۵. مجمع تشخیص مصلحت؛ در قانون اساسی ۵۸، در صورت اختلاف نظر بین شورای نگهبان و مجلس شورا، مرجعی در نظر گرفته نشده، حضرت امام به درخواست سران سه قوه و موافقت مجلس شورا در ۱۷ بهمن ۱۳۶۶ نهادی به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام برای حلّ مشکل بین این دو نهاد، تأسیس نمود که در بازنگری قانون اساسی مورد توجه قرار گرفت و در اصل ۱۱۲ به قانون اساسی اضافه گردید.

۶. بازنگری در قانون اساسی؛ این موضوع در قانون اساسی ۵۸ مسکوت مانده بود و این بار امام آن را بر اساس ولایت مطلقه خود شکل دادند و در بازنگری قانون اساسی این اصل (اصل ۱۷۷) اضافه گردید.

۷. تغییر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی؛ از آن جا که تحت تأثیر عوامل ملی گرا در زمان تصویب قانون اساسی سال ۱۳۵۸، نام قوه مقننه را

مجلس شورای ملی گذارده بودند، و بنا به فرمان حضرت امام در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۳ در کلیه مکاتبات و مخاطبات از عنوان مجلس شورای اسلامی استفاده می شد که این تصمیم در بازنگری در متن قانون اساسی گنجانده شد.

این اصلاحات به همه پرسی عمومی نیز گذاشته شد و به تصویب رسید.

ج) رحلت حضرت امام و انتخاب آیت الله خامنه ای به عنوان رهبر

در تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ امام خمینی (قدس سرّه)، به دنبال یک دوره بیماری و عمل جراحی، دارفانی را وداع گفت و چراغ عمر پربرکتش بعد از ۲۵ سال مبارزه و رهبری بزرگ ترین انقلاب تاریخ اسلام به خاموشی گرایید و میلیون ها مسلمان عاشق و مرید خود را داغدار ساخت. در میان بهت و حیرت مردم به خاطر عمق حادثه، در حالی که مخالفان انقلاب سال ها چشم طمع به چنین زمانی بسته بودند و تداوم انقلاب را با ضربان قلب امام مرتبط می دیدند و احتمال بروز جنگ داخلی را می دادند، مجلس خبرگان رهبری در همان روز رحلت (۱۴ خرداد ۱۳۶۸) تشکیل جلسه داد و پس از استماع وصیت نامه امام، جلسه ای محرمانه تشکیل داد و در کمتر از ده ساعت، نسبت به تعیین جانشین امام به عنوان رهبر جدید انقلاب اخذ تصمیم نمود و رهبری حضرت آیت الله خامنه ای، رییس جمهور وقت را از رسانه های جمعی به مردم ایران و جهان اعلام نمود. بدین ترتیب برخلاف همه پیش بینی های تحلیل گران غربی و مخالفان انقلاب، انتقال قدرت به صورت بسیار آرام و بدون هیچ مشکل و مانعی صورت گرفت و همه اقشار جامعه، دستجات و گروه های سیاسی، مذهبی و نظامی با رهبری جدید بیعت نموده و بر تصمیم مجلس خبرگان مهر تأیید گذاردند.

در تاریخ هشتم آذر ۱۳۷۳ و به دنبال درگذشت آیت الله اراکی، ایشان با تأیید و توصیه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، به عنوان یکی از مراجع تقلید

معرفی شد و جایگاه رفیع مرجعیت را نیز کسب نمود.

اساس پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی که سه رکن رهبری، مردم و مکتب می باشد، با انتخاب آیت الله خامنه ای، به عنوان ولایت فقیه که ستون اصلی خیمه انقلاب و نظام اسلامی می باشد، هم چنان استوار باقی ماند.

(د) دوره سازندگی

به دنبال پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از طرف ایران و خاتمه جنگ تحمیلی، زمینه لازم برای برنامه ریزی کلان کشور جهت توسعه های لازم در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی فراهم شد.

در سال ۱۳۶۸ با پایان دوران ریاست جمهوری آیت الله خامنه ای و با توجه به این که پس از بازنگری قانون اساسی با حذف پست نخست وزیری، اختیارات رئیس جمهور افزایش یافته بود، لازم بود فردی توانمند و مدیر برای این پست انتخاب گردد که مردم ایران در انتخابات ریاست جمهوری، آقای هاشمی رفسنجانی را برای این پست برگزیدند.

(ه) انتخابات دوم خرداد

آخرین حادثه دهه دوم انقلاب، انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ می باشد که به دنبال آن حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی به ریاست جمهوری انتخاب شدند. نکته حایز اهمیت این است که ۲۰ سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در حالی که دشمنان داخلی و خارجی تبلیغ می کردند که مردم از نظام و انقلاب خسته شدند و بر این اساس در انتخابات شرکت نخواهند، کرد اما ملت آگاه و بیدار ایران با لیک به ندای رهبر معظم انقلاب مبنی بر شرکت گسترده در انتخابات، یک بار دیگر نشان دادند که همیشه در صحنه هستند و با تبعیت و

پیروی از فرمان رهبرشان توطئه های دشمنانشان را خنثی خواهند نمود.

از جمله مهم ترین تحولات این دوره را می توان بازگشت سفرای اتحادیه اروپا به ایران - در ۲۴ آبان و اوّل آذرماه ۱۳۷۶ - ، تشکیل اجلاس سران کنفرانس اسلامی در ایران - (۱۱ آذرماه ۱۳۷۶)، تشنّج زدایی بیشتر در سیاست خارجی و گسترش حضور مردم در عرصه های فرهنگی - سیاسی اشاره کرد.

نتیجه گیری

جامعه انقلابی ایران در دهه اوّل با بحران های عظیمی مواجه بود. انقلاب می بایست در عین تلاش برای نهادینه کردن و ایجاد ساختار نظام سیاسی خود، با انواع توطئه های داخلی و خارجی، مقابله کند که مهم ترین آنها عبارت بودند از حاکمیت لیبرال ها که اعتقادی به انقلاب و نظام اسلامی نداشتند و جمع شدن تمام ضدّ انقلاب ها در زیر چتر اینها و هم چنین درگیری در یک جنگ طولانی هشت ساله با عراق که اغلب مسائل کشور را تحت الشعاع قرار داده بود. این حوادث و اتفاقات، هر کدام می توانست موجبات سقوط و شکست این نظام نوپا را فراهم آورد. هم چنین حوادث مهمّ دهه دوم انقلاب که مهم ترین آنها عزل آیت الله منتظری و مهم تر از آن رحلت جانگداز بنیانگذار جمهوری اسلامی که بحران جانشینی وی می توانست انقلاب را به انحراف بکشاند. در عین حال با امدادهای غیبی و عنایت امام زمان(عج) و رهبری پیامبرگونه امام خمینی(قدس سرّه) و شجاعت، درایت و هوشیاری و استقامت و بردباری حضرت آیت الله خامنه ای در همان مسیری که امام راحل تعیین کرده بودند، این انقلاب و نظام اسلامی توانست به پیروزی های شگفت انگیزی در صحنه روابط بین المللی دست یابد و اینک راه تعالی و ترقّی را هم چنان پیماید.

ص: ۲۰۲

۱. دهه اول انقلاب به چهار دوره مجزا قابل تقسیم می‌باشد آن را بنویسید.
۲. علل روی کار آمدن لیبرال‌ها در آغاز انقلاب چه بوده است؟
۳. اختلاف لیبرال‌ها با رهبر انقلاب و انقلابیون بر سر رفراندوم جمهوری اسلامی چه بوده است؟
۴. دلیل جایگزینی مجلس خبرگان به جای مجلس مؤسسان را بنویسید.
۵. اختلاف نظر بین لیبرال‌ها و انقلابیون در خصوص شیوه برخورد با ضد انقلاب را بنویسید.
۶. دلایل مخالفت لیبرال با تأسیس نهادهای انقلابی توسط رهبر انقلاب چه بوده است؟
۷. دیدگاه لیبرال‌ها درباره برخورد با آمریکا را بنویسید.
۸. اختلاف نظر لیبرال‌ها و رهبر انقلاب در خصوص صدور انقلاب را بنویسید.
۹. دلایل استعفای دولت موقت چه بوده است؟
۱۰. وظایف مهم تشکیل شورای انقلاب چه بوده است؟
۱۱. مهم‌ترین توطئه‌ای که در دوران حاکمیت مشترک شکل گرفت را نام ببرید.
۱۲. حادثه طبس را تحلیل کنید.
۱۳. کودتای نوژه را تحلیل کنید.
۱۴. انقلاب فرهنگی را توضیح دهید و اهداف اصلی آن را بنویسید.
۱۵. اهداف اصلی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را بنویسید.
۱۶. قضیه اشغال لانه جاسوسی و حل این مسئله را بنویسید.
۱۷. علل عزل بنی‌صدر توسط رهبر انقلاب را بنویسید.
۱۸. فعالیت‌های سازمان مجاهدین خلق بعد از عزل بنی‌صدر را بنویسید.
۱۹. جریان باندهای مهدی‌هاشمی را توضیح دهید.

۲۰. مهم ترین تحوّل جهانی دهه دوم انقلاب اسلامی چه بوده است؟
۲۱. مهم ترین تحوّلات جهان اسلام و خاورمیانه در دهه دوم انقلاب را بنویسید.
۲۲. مهم ترین تحوّلات داخلی دهه دوم انقلاب را بنویسید.
۲۳. قضیه عزل آیت الله منتظری را تحلیل کنید.
۲۴. بازنگری قانون اساسی در چه محورهایی بوده است؟
۲۵. حادثه جانگذار رحلت امام و انتخاب حضرت آیه الله خامنه ای را تشریح کنید.
۲۶. ویژگی های دوره سازندگی را بنویسید.
۲۷. مهم ترین تحوّلات آغاز دوره ریاست جمهوری حجه الاسلام و المسلمین سید محمّد خاتمی را بنویسید.

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه .
۲. ابن خلدون، مقدمه ، ترجمه: محمّد پروین گنابادی، نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۵ش.
۳. ابونصر فارابی، آراء اهل المدینه الفاضله ، تحقیق: دکتر البیر نصری نادر، ترجمه سید جعفر سجادی.
۴. ارسطو، سیاست ، ترجمه حمید عنایت، نشر سپهر، ۱۳۶۴ش.
۵. اسکاچپول، تداوم دولت ها و انقلاب های اجتماعی ، ترجمه، سیدمجید رویین تن، نشر سروش، تهران، ۱۳۷۶ش.
۶. امام و روحانیت (مجموعه دیدگاه ها و سخنان امام درباره روحانیت) ، دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۷. آل احمد، جلال، غربزدگی ، نشر فردوسی، تهران، ۱۳۷۶ش.
۸. ----- ، در خدمت و خیانت روشن فکران ، نشر فردوسی، تهران، ۱۳۷۹ش.
۹. آل اسحاق خوئینی، علی، اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان ، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول، قم، ۱۳۷۰ش.
۱۰. آیت، حسن، درس هایی از تاریخ سیاسی ایران ، نشر حزب جمهوری اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ش.
۱۱. آیین انقلاب، گزیده اندیشه و آرای امام خمینی (قدس سرّه) مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سرّه).
۱۲. باباپور، محمدمهدی، ارتجاع روشنفکری در ایران ، نشر آل صمد، قم، ۱۳۸۱ش.
۱۳. بازرگان، مهدی، مواضع نهضت آزادی در برابر انقلاب اسلامی ، نشر نهضت زنان مسلمان، تهران.
۱۴. بخشایشی اردستانی، احمد، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ، نشر آوای نور، تهران، ۱۳۷۵ش.
۱۵. بشیریه، حسین، انقلاب و بسیج سیاسی ، نشر نی، تهران، ۱۳۸۱ش.
۱۶. پهلوی، محمدرضا، پاسخ به تاریخ ، ترجمه منوچهر مهرجو، چ اول، نشر هفته، تهران، ۱۳۶۲ش.

۱۷. پیترو آندره، مارکس و مارکسیسم، ترجمه شجاع الدین ضیاییان، چ پنجم، نشر دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۸ش.
۱۸. ترکمان، محمد، مجموعه رسائل، اعلامیه ها و لوایح شیخ شهید فضل الله نوری، نشر موسسه خدمات فرهنگی.
۱۹. جمعی از نویسندگان، سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، نشر طرح نو، تهران، ۱۳۷۵ش.
۲۰. جمعی از نویسندگان، مأخذشناسی انقلاب اسلامی، چ معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
۲۱. خلیلیان، سید خلیل، حقوق بین الملل اسلامی، انتشارات اسلامی، چ چهارم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ش.
۲۲. خلیلی، اکبر، گام به گام با انقلاب، نشر سروش، تهران، ۱۳۶۰ش.
۲۳. خمینی، سید احمد، سیری در کشف الاسرار و حکومت اسلامی، انتشارات سعید، تهران.
۲۴. خمینی (قدس سرّه)، روح الله، حکومت اسلامی.
۲۵. -----، کتاب البیع، نشر اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۶ش.
۲۶. -----، کشف الاسرار، نشر مصطفوی، قم.
۲۷. -----، ولایت فقیه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۳۷۳.
۲۸. دانش پژوه، محمدتقی، سخن، دوره نهم، سال ۱۳۳۷ش.
۲۹. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ش.
۳۰. روحانی، سید حمید، بررسی و تحلیل از نهضت امام خمینی، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ش.
۳۱. زنجانی، عمید، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، چ دوم، نشر کتب سیاسی، تهران، ۱۳۶۸ش.
۳۲. زیباکلام، صادق، سنت و مدرنیسم، نشر روزنه، تهران، ۱۳۷۷ش.
۳۳. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه.
۳۴. صدر، سید محمدباقر، تشیع مولود طبیعی اسلام، ترجمه علی حجتی کرمانی، کانون نشر و پژوهش های اسلامی، تهران.
۳۵. -----، سنت های تاریخ در قرآن، ترجمه سیدجمال موسوی اصفهانی، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳۶. صدر، سید محمدباقر، ظهور شیعه، نشر فقیه، تهران، ۱۳۶۰ش.

۳۷. صفایی، ابراهیم، رهبران مشروطه، نشر جاویدان، تهران، ۱۳۶۲ش.

۳۸. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، عروه الوثقی، انتشارات صدرا.

۳۹. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن.

۴۰. فاتح، مصطفی، پنجاه سال نفت ایران، نشر پیام، تهران، ۱۳۵۸ش.

ص: ۲۰۶

۴۱. فاروقی، احمد و لوروریه، ژان، ایران بر ضد شاه، ترجمه مهدی نراقی، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۹ش.
۴۲. فراتی، عبدالوهاب، رهیافت های نظری برانقلاب اسلامی، معاونت امور اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ش.
۴۳. فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، نشر موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، تهران.
۴۴. فوکو، میشل، ایرانی ها چه رؤیایی در سر دارند، ترجمه حسین معصومی همدانی، نشر هرمس، تهران، ۱۳۷۷ش.
۴۵. کاشانی، محمود، قیام ملت مسلمان ایران.
۴۶. کدی، نیکی، تحریم تنباکو در ایران، ترجمه شاهرخ قائم مقامی، شرکت سهامی کتاب های جیبی، تهران، ۱۳۵۶ش.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی.
۴۸. کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، نشر امیرکبیر، تهران.
۴۹. کودتای نوژه، مرکز مطالعات و پژوهش های سیاسی، چ دوم، تهران، ۱۳۶۸ش.
۵۰. مجله حضور، شماره ۱.
۵۱. مجله کوثر.
۵۲. مجله نور دانش، سال دوم، شماره ۳.
۵۳. محمدی، منوچهر، انقلاب اسلامی، زمینه ها و پیامدها، نشر معارف، تهران، ۱۳۸۰ش.
۵۴. -----، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، نشر امیرکبیر، ۱۳۶۵ش.
۵۵. محیط طباطبایی، محمد، سیدجمال الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰ش.
۵۶. مدنی، سید جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، چ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۵۷. مطهری(ره)، مرتضی، آزادی معنوی، انتشارات صدرا.
۵۸. -----، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا.
۵۹. -----، قیام و انقلاب مهدی، انتشارات صدرا.
۶۰. -----، نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر.

۶۱. مکارم شیرازی، ناصر، مهدی، انقلابی بزرگ، نشر هدف، قم.

۶۲. ملکوتیان، مصطفی، سیری در نظریه های انقلاب، چ قومس، تهران، ۱۳۷۲ش.

۶۳. موثقی، سید احمد، استراتژی وحدت در اندیشه مسلمین، چ اول، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۰ش.

۶۴. ناظم الاسلام کرمانی، محمد، تاریخ بیداری ایرانیان، نشر آگاه، تهران، ۱۳۶۳ش.

۶۵. ولایتی، علی اکبر، مقدمه فکری نهضت مشروطه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳ش.

ص: ۲۰۷

۶۶. هاشمی رکاوندی، سید مجتبی، فلسفه انقلاب و امپریالیسم جهانی معاصر، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۸ ش.

۶۷. هانتینگتون، ساموئل، سامان سیاسی در جوامع دستخوش تغییر، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علم، چ دوم، ش ۱۳۷۵.

۶۸. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، انقلاب ایران به روایت رادیو بی بی سی، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۷ ش.

ص: ۲۰۸

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

